

شیعه در اسلام

علامه سید محمد حسین طباطبایی

فهرست مطالب:

مقدمه

پیدایش و نشو و نماي شیعه کیفیت

شیعه انشعابات

دوم : تفکر مذهبی شیعه بخش

سوم اعتقادات اسلامی از نظر شیعه دوازده امامی بخش

شناسی پیغمبر

شناسی معاد

شناسی امام

پیام معنوی شیعه : فاطمه

ها پاورقی

مقدمه

کتابی که اکنون از نظر خواننده میگذرد ، جزئی از طرمی است که جهت درمغرب زمین در شرف تمقق پذیرفتن است . گرچه در طی معرفی تشیع مطالعات زیادی درباره جوانب قرن گذشته از دانشمندان مغرب زمین آثار با نهایت مختلف اسلام و تمدن اسلامی انجام داده اند ، اکثر این تعصب و غرض انجام گرفته و کوشش در تمریف اسلام در آنها دیده میشود .

انگهی تقریباً تمام منابع اروپائیان در تمقیقاتی که درباره اسلام انجام . و منابع اهل تسنن است و هر گاه از قرآن و حدیث و سیره نبوی و میگیرد از میآید معمولاً مقصود همان نظر اهل سنت و فقه و کلام و سخن بمیان تمریف یافته و مغرضانه بیان جماعت است حتی اگر این نظریه نیز بیشتر . شده است .

در آثار موجود به زبانهای اروپائی ، تشیع بصورت یک فرقه فرعی معرفی
دید و علت وجودی آن به یک نزاع صرفا سیاسی و اجتماعی شده و تمام
که باعث پیدایش شیعه گردید توجه شده تقلیل یافته و کمتر به علل دینی
. است

متی در تحقیقات درباره شیعه بطور کلی بازسهم اساسی از آن اسماعیلیه
دوازده امامی متی باندازه مکتب اسمعیلی مورد نظر قرار است و شیعه
تاریخی مغرب زمین علت اصلی این محدودیت نگرفته است. شاید سوابق
مستقیم داشته است ، با اعراب باشد. غرب تا کنون دوبار با اسلام تماس
. در اندلس و صقلیه (سیسیل) و با اتراک در شرق اروپا

در هر دو مورد تماس با اسلام بصورت سنی آن بودو رابطه با تشیع محدود
نسبتا سری و محدود با برقی موزه های اسماعیلی در فلسطین در به روابط
برقی مراکز اندلس گردید. مغرب زمین هیچگاه جنگهای صلیبی و شاید در
ایران شیعه تماسی نداشت و قبل از دوران جدید با عالم تشیع و مخصوصا
. با فرهنگ ایران اسلامی نیز برای اولین بار در هند آشنا شد

بهر حال باین علل و شاید جهت کوشش غربیان در تمقیر آن جوانب از اسلام
عقلی آن قوی است ، تشیع هیچگاه چنانکه واقعا در تاریخ اسلام که جنبه

مذهب ده ها میلیون فرد ایرانی و عرب و پاکستانی وجود داشته و هنوز نیز

از جهان پیروان این مذهب شناخته و هندی و غیره را تشکیل میدهد , فارچ

گذشته که تشیع نشده است و در مغرب زمین همان نظر مستشرقان قرن

را یک بدعت در اسلام میدانستند در اکثر مفاصل پذیرفته شده و متی برفی

. تشیع را افتراء عده ای دشمنان اسلام در قرون بعدی میدانند

نگاهی به چند کتاب معروف موجود که یا مربوط به تشیع میباشد و یا در

به تشیع شده است جهت اثبات این ادعا کافیهست . با توجه آن اشاره ای

جدیدی که بتدریج بر تمقیق درباره ادیان و در به این زمینه و نموه تفکر

انگلساکسون مکفرما میشود , مغرب زمین و مخصوصا در ممالک

امساس ضرورت یک سلسله تمقیقات اصیل درباره شیعه هر روز بیشتر

. میشود

از بعد از جنگ بینالمللی به تدریج در آمریکا و سپس انگلستان به این نکته

برفوردند که بهترین معرف یک دین فردی است که از درون آن دین به آن

توصیف عینی یک دین مخصوصا توسط کسی که یا اصلا به بنگرد , و صرف

که مورد مطالعه او است , از بدو امر دین اعتقاد ندارد و یا دین خاصی را

. مطرود و بیاساس میشمارد , بهیچ وجه کافی نیست

کشف این حقیقت توأماً با امتیاج روز افزون خواص متفکران مغرب زمین به استفاده از ادیان مشرق زمین جهت پر کردن خلأی که و مخصوصاً جوانان ماده گری در اروپا و امریکا پیش بحلت تضعیف مسیحیت و غلبه عجیب منظور تمقیق اصیل در آمده است باعث شد که در امریکا بتدریج مراکزی به ادیان جهت ادیان تأسیس گردد و حتی المقدور از دانشمندان و مآخذ خود درک آنها استفاده شود ، البته اسلام بطور کلی و تشیع بالافص نمیتوانست . کاملاً از این امر مستثنی باشد .

یکی از صاحبان قدما و پیش کسوتان در این نهضت پروفیسور کنث مورگان فرمزدی (دانشمند آمریکائی و استاد دانشگاه کولگیت) (ذیچ زرت عمر خود را در مشرق زمین گذرانیده و رابطه مؤچف در) است که مدتی از استادان و بزرگان معنوی تمام مستقیم با بسیاری از برجسته ترین علما و . ادیان شرقی داشته است .

این استاد که شهرت او در جهان اسلامی بیشتر بحلت تنظیم کتاب اسلام است که توسط گروهی از دانشمندان مسلمان نوشته شده صراط مستقیم تشیع آنرا نگاشته اند ، چندین سال است و استاد محمود شهابی نیز فصل نمایندگان اصیل ادیان پیش مرکزی در دانشگاه کولگیت جهت اجتماع

گروهی جهانی تأسیس کرد و خود اکنون ریاست آنرا عهده دار است و

. دانشجوی برجسته را در تاریخ ادیان راهنمایی میکند

پروفسور مورگان همواره در چاپ منابع ادیان شرقی و معرفی آنها به

نظرگاه اصیل پیروان واقعی این ادیان پوشیده است. هنگامی که غربیان از

اول راقم این سطور از این مرکز دیدن کرد سخن هشت سال پیش برای بار

. آمد از کمبود کتب اصیل درباره تشیع به میان

البته پروفسور هنری کربن از دانشگاه سوربن خدمات ارزنده ای در معرفی

انجام داده اند لکن اولاً آثار ایشان به زبان فرانسه در سطحی تفکر شیعه

با عرفان و حکمت سر و کار دارد و جوانب عمومیت بسیار بالا است و ثانیاً

رساله دیگر که بزبان انگلیسی موجود دین را مطرح نمیسازد دو سه کتاب و

خود را صرف از بین است اکثراً تراوش فکر چند مبلغ مسیحی است که عمر

. بردن تشیع و رد آن کرده اند

اتفاقاً یکی دو سال بعد در تابستان 1964 پروفسور مورگان به ایران آمدند

هنگام اینجانب تلمذ در محضر استاد ارجمند علامه سید محمد . در آن

هفته ای چند بار به درکه به خانه تابستانی مسین طباطبائی را داشت و

فوشه ای چند مطابق با ایشان مشرف شده و از فرمن دانش بیکرانشان

. استعداد ممدود خود میپید

روزی باتفاق آقای مورگان قدمت علامه طباطبائی رسیدیم. از اولین لفظه ،

معنوی و روحانیت علامه طباطبائی پروفیسور مورگان را شیفته خود مضمور

فورا احساس کرد که در مضمور شخصی قرار گرفته سافت و استاد امریکائی

مقام عمل رسانیده و آنچه است که علم و حکمت را از مرحله فکر به

. میگوید پیشیده و پیموده است

در کوچه های تنگ وفاکی و در عین حال پر لطف درکه در مراجعت از مضمور

طرح نگارش یک سلسله کتاب درباره شیعه برای مردم مغرب استاد فورا

همکاری اینجانب مطرح گردید و چندی زمین توسط علامه طباطبائی و با

سه سال بعد دو اثر پر بعد برنامه کار پیریزی شد و استاد بزرگواردر عرض

تمریر ارزش که یکی کتاب فعلی و دیگری قرآن از نظر شیعه است به رشته

درآوردند و با این عمل قدمت بزرگی بر خدمات فراوانی که به علم و دانش

. کرده اند افزودند اسلامی

متن این کتاب دو سال پیش توسط اینجانب به زبان انگلیسی ترجمه شد و

امریکا در سطح دانشگاهی تدریس شده است و بزودی پس از مدتی نیزدر

ارزیابی عکس العمل دانشجویان در فهم اثری که اتمام این دوره تجربی و

تراوش کرده است ، بصورت نهائی مستقیماً از قلم بزرگ اسلامی

. انتشار خواهد یافت

جلد دوم درباره قرآن ، در شرف ترجمه است و سومین اثر در این سلسله که

منظورشناساندن شیعه در جهان میباشد ترجمه منتخبی از گفتار امامان به

تا کنون در غرب کتابی مکتوم و گنجی نهفته باقی شیعه خواهد بود که

اسلام یک تمقیق جدید با هدفی تازه مانده است . بنابراین کتاب شیعه در

. است

منظوران شناساندن شیعه و جوانب گوناگون آن به افرادی است که با

و شیعی آشنائی ندارند و مایلند از دیدگاهی کلی ، نظری عالم فکری اسلامی

بیفکنند . مؤلف محترم این هدف را بدون جامع به این بخش مهم از اسلام

از اصالت شیعه و بیان اهانت به اهل سنت و جماعت و در عین حال دفاع

جنبه علت پیدایش آن دنبال کرده اند و کوشیده اند که نشان دهند تشیع

ای کاملاً اصیل از اسلام است بدون اینکه کوچکترین مقصودی در ایجاد

. شکاف بین تشیع و تسنن در نظر باشد تفرقه یا

بر عکس با دفاع از اصالت شیعه گفتگوی بین دو بخش اصلی اسلام را
از آنجا که تقریب واقعی فقط با مفاصلت طرفین آسانتر ساخته اند
اینست که امتیاج به این کتاب به امکان پذیر است. از عجائب زمان ما
ده ها و صدها بلکه زبان فارسی شاید کمتر از انگلیسی نباشد، نه تنها
میباشند و هزارها جوان ایرانی که امروزه دچار جهل و نادانی درباره دین خود
در عین حال احساس امتیاج به آشنائی با آن میکنند و دانش آنها اکتفای
. استفاده از کتب عادی دینی را نمیکند

در سالیان گذشته بین طبقه ای از جامعه مساله تعلیمات دینی وضعی بس
کرده است که شاید در کمتر جامعه دیده شود. در حالی که شگفت آور پیدا
مقیم ایران در خانه و مدرسه نهایت کوشش اقلیتهای مذهبی و نیز خارجیان
فرزندان خود منتقل سازند، بین را دارند که تا فرهنگ ودین خود را به
میباشند، در برفی مسلمانان که اکثریت قاطع را در جامعه ایرانی دارا
. طبقات تعلیمات دینی بکلی فراموش شده است

پدر و مادر مسؤولیت را از خود سلب کرده و امید دارند بنموی معجزه
عهده این امر فطیر برآید و مدارس به نوبه خود با فقدان آسامدارس از
عادی طبعا هیچ گونه صلاحیتی جهت معلمان کافی برای تدریس دروس

ای پرورش یافته اند که تحقق دادن به این معجزه را ندارد. لذا به تدریج عده

آنها در نوع وسایل مادی داده شده و برایشان هر چه دلفواه به آنها همه

. زندگی باشد فراهم شده است بجز معنی و جهت

آنها میدانند چگونه حرکت کنند لکن نمیدانند به کجا بروند. و از آنجا که

موجودیست هدف طلب و نمیتواند عمر خود را تماما در سرگرمیهای انسان

شهوانی بگذراند، عده ای از این ببتکلیفی رنج میبرند و پوچ و گذران مادی و

نوع تعلیم معنوی و دینی هستند لکن بسیاری از آنها در جستجوی یک

به لسان آنان مقائق یافتن مربی و راهنما و متی کتابی و متی کتابی که

. دینی و تفکر و تاریخ تشیع را برایشان تشریح کند، بس مشکل است

در چنین وضعی چاپ این کتاب که در بدو امر برای محققان و دانش طلبان

شده بود، برای ایرانیان نیز اهمیت فراوان دارد و میتواند زمین نگاشته

. خود بینظیر است گفت که این تصنیف در نوع

علامه طباطبائی با لسانی ساده تقریبا تمام جوانب شیعه را از تاریخ گرفته

و عرفان توضیح داده و در صفحاتی محدود بسیاری از مهمترین تا حکمت

. را بیان کرده اند مقائق معارف اسلامی و شیعی

با چاپ این اثر برای بار اول علاقمند فارسی زبانان میتوانند با مطالعه یک

به رؤس تفکر شیعی امامیه یافته و کلیدهای جهت باز کردن ره های کتابی

. بدست آورد تمقیق و تفحص بعدی

در واقع این اثر نفیس راهنمائی است که با کمک آن فردی که تاکنون با

شیعه ناماً نوس بوده است میتواند در این عالم وسیع قدم جهان معنوی

راهنمای موثق یقین داشته باشد که گمراه نخواهد نهد و با اتکای به این

. به مقصد نهائی خواهد رسید گردیدز بلکه با توسل به این مبل متین

تمام مراتب علم و معرفت شیعی از نمونه پیدایش تاریخی آن و فقه و

هائیک معنوی به زبانی بس ساده که میتواند فقط شریعت تالیپفترین

فصل کلی جمع آوری گردیده ، و متعلق به یک استاد واقعی باشد ، در چهار

لباسی این چنین برای بار اول به زبان فارسی بومی با چنین جامعیت و در

فود ساده آراسته شده و به جامعه ایرانی که اکنون از هر زمان بیشتر به

. شناسی و ارشاد است ، عرضه گردیده است

این مهم فقط میتواندست از فکر و قلم توانائی با جامعیت و کمال علامه

تراوش کند . علامه سید محمد مسین طباطبائی از یکی از طباطبائی

و چهارده پشت ایشان از دانشمندان و خاندانهای بزرگ علم برفاسته اند

پایان سال 1321 هجری علمای به نام تبریز بوده اند. ولادت ایشان در

قمری مصادف با 1282 شمسی در تبریز به وقوع پیوست و ایشان در

زادگاه خود تمصیلات مقدماتی را دنبال کردند. پس از اتمام اولین مراحل

رہسپار نجف اشرف شدند و ده سال در آن مرکز بزرگ علمی در 1304

. مختلف علوم اسلامی پرداختند تشیع به تکمیل معلومات خود در شعب

فقه و اصول را نزد استادان معروف نائینی و کمپانی و فلسفه را نزد سید

بادکوبی که خود از شاگردان جلوه و آقا علی مدرس بود و ریاضیات را مسین

ابوالقاسم خوانساری و اخلاق را در محضر حاج میرزا علی قاضی نزد آقا سید

مقامی بس ارجمند داشتند تلمذ کرد. پس در که در حکمت عملی و عرفان

. سال 1314 به زادگاه خود مراجعت فرمودند

تمصیلات علامه طباطبائی فقط محدود به سطوح عادی فقه نبود بلکه علاوه

ترین تمصیلات در صرف و نحو و ادبیات عرف و فقه و اصول ، بر عمیق

از ریاضیات قدم از اصول اقلیدس تا مجسطی ایشان یک دوره کامل

را فرا گرفتند و در این علوم بطلمیوس و نیز فلسفه و کلام و عرفان و تفسیر

. به مرحله اجتهاد نائل آمدند

شهرت علامه طباطبائی در تهران و حوزه های دیگر علمی ایران خارج از تبریز

آغاز شد که در اثر حوادث سیاسی جنگ دوم جهانی و عواقب بعد از هنگامی

الراس خود به قم مهاجرت کردند و از سال 1325 در آن، ایشان از مسقط

و صدا مجالس درس خود را در تفسیر آنجا ساکن شدند، بدون کوچکترین سر

علاقه مندان به و حکمت آغاز کردند، و در سفرهای پیاپی به تهران با

حکمت و معارف اسلامی نیز تماس حاصل کردند، و حتی از بحث و مناظره

با مخالفان دین و حکمت دریغ نورزیدند، از راه عقل و منطق بسیاری از

طریق صواب منحرف شده بودند به درک حقائق دینی و افرادی را که از

عرض بیست و چند سال اخیر، اثر کمی نائل ساختند، و توانستند در

ای از طبقه متجدد و عمیقی از خود نه تنها در طبقه روحانیت بلکه بین عده

. تمصیل کرده در غرب بجا گذارند

سالیان دراز هر پائیز بین ایشان و استاد هنری کربن مجالسی با حضور جمعی

و دانشمندان تشکیل شده است که در آن مباحثی میاتی درباره دین از فضلا

جهان امروز در مقابل شخص معنوی و جوینده و فلسفه و مسائلی که

نتایج بسیار مهمی به حقیقت قرار میدهد، مطرح میشود و این جلسات

. بار آورده است

بدون شک چنین جلساتی در سطحی آن چنان بالا و با افقی آن چنان وسیع

اسلامی امروز بینظیر بوده است و متی میتوان گفت که از دوره در جهان

و معنوی اصیل بین اسلام و مسیحیت قطع قرون وسطی که تماس فکری

است. در حوزه شد چنین تماسی بین شرق اسلامی و غرب حاصل نشده

علمیه قم قدمت بزرگ علامه طباطبائی، امیای علوم عقلی و نیز

. کریم بوده است تفسیرقرآن

به تدریج ایشان تدریس سطوح اساسی حکمت مانند کتاب شفاء و اسفار را

. متداول ساختند

شخصیت بارز ایشان و تخلق به صفات حمیده و مسن سلوک در تماس با

بیشتری از افراد علاقه مند و با استعداد را به سوی طلاب هر روز گروه

سالیان افیر در درس حکمت صدها طلبه مجالس درس ایشان جلب کرد تا در

کثیری دانشمند که مضمون داشتند و در طی بیست و چند سال گذشته عده

در برقی اکنون خود استادان حکمت هستند، موفق به نیل به مقام اجتهاد

. این علم نفیس تمت ارشاد علامه طباطبائی شدند

شاید حتی مهمتر از خدمت ایشان به حکمت که از طریق تربیت عده کثیری

کتاب انجام پذیرفته است ، توجه به علامه طباطبائی به از طلاب و نشر

. بین شاگردان خود بوده است اهمیت تربیت اخلاقی و تزکیه نفس

ایشان در واقع به تنهایی مکتب جدیدی در تربیت افرادی که علم و اخلاق را

توسعه داده اند تا سپس کرده و اشخاصی بس لایق به جامعه تقدیم توأ ما

لزوم توأ ما کردن آموزش و پرورش را تأیید کرده اند ، داشته اند و همواره

فرهنگ اسلامی ایران بوده است و متأسفانه امری که همیشه از اصول اولیه

قدیم تا مدی سفانه امروزه در نظام مدارس جدید و حتی در مدارس

. فراموش شده است

: آثار علامه طباطبائی بدین قرار است

تفسیر المیزان - 1

اصول فلسفه (تالیسم) - با هوشی آقای مرتضی مطهری که سه جلد از - 2

تاکنون چاپ شده و بقیه بصورت فطی باقی است. یک جلد پنج جلد آن

. عربی از آن نیز انتشار یافته است

هاشیه بر اسفار صدرالدین شیرازی - که بر چاپ جدید اسفار که زیر نظر - 3

طباطبائی در شرف چاپ است ، و شش جلد آن تاکنون انتشار یافته علامه

. است ، نوشته شده است

مصاحبات با استاد کربن ، در دو جلد که یک جلد آن در سالنامه مکتب - 4

. انتشار یافته و جلد دیگر در شرف چاپ است تشیع 1339

رساله در حکومت اسلامی - که به فارسی و عربی و آلمانی چاپ شده - 5

. است

. هاشیه کفایه - 6

. رساله در قوه و فعل - 7

. رساله در اثبات ذات - 8

. رساله در صفات - 9

. رساله در افعال - 10

. رساله در وسائط - 11

. الانسان قبل الدين - 12

. الانسان في الدين - 13

. الانسان بعد الدين - 14

. رساله در نبوت - 15

. رساله در ولایت - 16

. رساله در مشتقات - 17

. رساله در برهان - 18

. رساله در مغالطه - 19

. رساله در تحلیل - 20

. رساله در ترکیب - 21

. رساله در اعتبارات - 22

. رساله در نبوت و مقامات - 23

. منظومه در رسم خط نستعلیق - 24

. علی و الفلسفه الالهیه - 25

. قرآن در اسلام - 26

. شیعه در اسلام که همین کتاب مورد نظر است - 27

بعلاوه از علامه طباطبائی مقالات متعددی در مجلات گوناگون مکتب تشیع

از مکتب اسلام و راهنمای کتاب به انتشار رسیده است و درسهائی

یقیناً همان تفسیر المیزان است که تاکنون . مهمترین اثر علامه طباطبائی

قرآن کریم است به تمام رسیده هفده جلد از آن که شامل بیش از نیمی از همان قدمتی است. این اثر نفیس از بزرگترین تفسیرهای این عصر است و را که تفاسیر بزرگ قدیم با توجه به علوم و فلسفه زمان خود در فهم قرآن به مسلمانان اعصار گذشته انجام داده است، برای نسل فعلی انجام علامه طباطبائی روش جدیدی در تفسیر بکار برده اند که میدهد و انگی تفسیر آیات قرآنی توسط سایر آیات است مبتنی بر نص مدیث است و آن این اثر بزرگ میشود و. امروزه تمام وقت علامه طباطبائی مصروف تألیف طباطبائی با امید میرود که ایشان بتوانند آنرا به پایان رسانند. علامه نهایت متانت و بدون توجه به جار و جنجال و سر و صدا و زرق و برق ظاهری زندگی ساده خود را در خدمت به علم و دین و تربیت شاگرد و تألیف کتب، میدهد ارزنده ادامه.

کتاب مورد بحث فعلی بدون شک ایشان را برای بار اول به طبقه جدیدی از نیز علاقه مندان به اسلام شناسی و ایران شناسی در مغرب زمین ایرانیان و ایشان را امتیاجی به معرفی به جامعه علمی ایران معرفی میکند. البته به این گروه محدود میبود اینجانب به نیست و اگر خوانندگان این کتاب نیز

معرفی شخصیتی این چنین بارز خود اجازه نمیداد که سفنان ناچیز خود را در
. برشته تمریر درآورد

لکن از آنجا که گروه جدیدی بدون شک از راه این کتاب برای بار اول با آثار
استاد بزرگوار روبرو میشوند راقم این سطور که سالها سعادت تلمذ نزد این
و وظیفه مطبوع ترجمه این اثر را نیز بزبان انگلیسی عهده ایشان را داشته
دانسته که تکاتی چند درباره علامه طباطبائی دار بوده است ، تکلیف خود
مدی یکی از اساطین بزرگ علم و مرقوم دارد و با کلمات نارسای خود تا
شخصیت بزرگ حکمت این عصر را معرفی کند .البته قلم قاصر از معرفی
ایشان است و کلام نمیتواند مراتب کمال و فضل و مقام روحانی ایشان را
. توصیف کند

این صفات شرح قطره ایست از دریائی که سالها با سکوت و آرامش به
به جامعه اسلامی و ایرانی کمر همت بسته است ، و قدمتی بسی اساسی
بمقیقت نائل آمده است مانند مشعلی از آنجا که خود به مرتبه وصال
از شاگردان و ارادتمندان نورانی اطراف خود را منور ساخته و راه پای بسیاری
میات فکری و خوانندگان آثار خود را از دور و نزدیک روشن ساخته و به
. معنوی آنان روح و جهت و معنی بخشیده است

بسم الله الرحمن الرحيم

این کتاب که بناه شیعه در اسلام نامیده میشود ، هویت واقعی مذهب تشیع را که یکی از دو مذهب بزرگ اسلامی (تشیع و تسنن) است بیان پیدایش و نشو و نماى تشیع ، طرز تفکر مذهبی شیعه ، میکند .کیفیت

: معارف اسلامی از نظر شیعه

مقدمه

دین تردید نیست در اینکه هر یک از افراد انسان در زندگی طبعا بهمذوعان

گرائیده در محیط اجتماع و زندگی دسته جمعی اعمالی انجام میدهد و خود

میدهد از همدیگر بیگانه و بیرابطه نیستند و اعمال کارهائیکه انجام

فواب و بیداری و گفتن و شنیدن و گوناگون وی مانند خوردن و نوشیدن و

که صورتها از همدیگر نشستن و راه رفتن و اختلاطها و معاشرتها در عین حال

در هر جا و جدا و متمیز میباشند با همدیگر ارتباط کامل دارند ، هر کاری را

. بدنبال هر کار دیگر نمیشود کرد بلکه مسابی در کار است

پس اعمالی که انسان در مسیر زندگی انجام میدهد تمت نظامی است که

نمیکند و در حقیقت از یک نقطه مشخصی سرپشمه میگیرد و از آن تفتی

زندگی سعادت‌مندانه داشته باشد که در آن اینست که انسان میفواهد یک

خود برسد . و به عبارتی آن تا میتواند کامروا بوده به فواسته و آرزوهای

کاملتری رفع دیگر تا میتواند نیازمندیهای خود را از جهت بقاء وجود به طور

نماید . و از اینجاست که انسان پیوسته اعمال خود را به مقررات و قوانینی

که بدلفواه خود وضع کرده یا از دیگران پذیرفته تطبیق میکند و روش

خود اتخاذ مینماید ، برای تهیه وسایل زندگی کار میکند معینی در زندگی

از مقررات میداند ، برای التذاذ ذائقه و رفع زیرا تهیه وسایل زندگی را یکی

میآشامد زیرا که خوردن و آشامیدن را گرسنگی و تشنگی غذا میفورد و آب

. همین قرار برای بقا سعادت‌مندانه خود ضروری می‌شمارد و به

قوانین و مقررات نامبرده که در زندگی انسان حکومت میکند بیک اعتقاد

استوارند و انسان در زندگی خود بآن نکته تکیه داده است و آن اساسی

جهان هستی که خود نیز جزئی از آن است دارد و تصویری است که انسان از

مسئله با تأمل در افکار قضاوتی است که در حقیقت آن میکند و این

کسانی که ، مختلفی که مردم در حقیقت جهان دارند بسیار روشن است

جهان هستی را همین جهان مادی محسوس و انسان را نیز پدیده ای صد در

که با دمیده شدن میات پیدا و با مرگ نابود میشود (میدانند) صد مادی

اینست که خواسته های مادی و لذائذ چند روزه دنیوی روش شان در زندگی

در این راه مبذول است که شرائط و خود را تامین کنند و همه مساعی شان

مانند عامه بت پرستان عوامل طبیعت را برای خود راه سازند . و کسانی که

بویژه جهان طبیعت را آفریده فدائی بالاتر از طبیعت میدانند که جهان

انسان را آفریده و غرق نعمتهای گوناگون خود ساخت تا از نیکیهای وی

شوند اینان برنامه زندگی را طوری تنظیم میکنند که فوشنودی فدا بر خودار

فشم او را فراهم نیورند چه اگر فدا را فوشنود را جلب کنند و مویبات

پاینده و اگر فشمگین سازند نعمت کنند نعمت خود را برایشان فراوان و

ایمان تنها بفا برای خود را از دستشان خواهد گرفت . و کسانی که علاوه بر

میدانند انسان زندگانی جاودانی قائل بوده او را مسئول خوب و بد اعمالش

و در نتیجه روز باز خواست و پاداش (روز قیامت) اثبات میکنند مانند

یهود و نصاری و مسلمین ، در زندگی خود راهی را میفراهند محوس و

اعتقادی در آن مراعات شود و سعادت این سرا و آن بپیمایند که این اصل

. سرا را تامین نماید

مجموع این اعتقاد و اساس (اعتقاد در حقیقت انسان جهان) و مقررات

در مسیر زندگی مورد عمل قرار میگیرد دین نامیده میشود متناسب با آن

آید هر شعبه را مذهب مینامند مانند مذهب و اگر انشعاباتی در دین پیدا

مذهب نسطوری در تسنن و مذهب تشیع در اسلام و مذهب ملکائی و

(مسیحیت . بنابر آنچه گذشت هرگز انسان (اگر چه بفا نیز معتقد نباشد

از دین (برنامه زندگی که بر اصل اعتقادی استوار است) مستغنی نیست

. روش زندگی است و از آن جدائی ندارد . پس دین همان

قرآن کریم معتقد است که بشر از دین گریزی ندارد و آن راهی است که

برای بشر باز کرده که با پیمودن آن بوی برسند منتهی امر فدای متعال

را پذیرفته براستی راه فدا را میپیمایند و (کسانی که دین حق (اسلام

را کج کرده عوضی گرفته اند (1) کسانی که دین حق را نپذیرفته اند راه فدا

و قرآن کریم اسلام - اسلام در لغت بمعنی تسلیم و گردن گذاری است

دینی را که بسوی آن دعوت میکند از این روی اسلام نامیده که برنامه کلی

آن تسلیم شدن انسان است بخدای جهان و جهانیان (2) که در اثر این

. جز فدای یگانه را و طاعت نکند جز فرمان او را تسلیم پرستش نکند

چنانکه قرآن کریم فبر میدهد اولین کسی که این دین را اسلام و پیروان آن

مسلمان نامید حضرت ابراهیم علیه السلام بود. (3) شیعه - شیعه که در (را

پیرو میباشد بکسانی گفته میشود که جانشینی پیغمبر اصل لغت بمعنی

رسالت میدانند و در معارف اسلام پیرو اکرم (ص) را حق اختصاصی خانواده

. مکتب اهل بیت میباشد

(4)

کیفیت پیدایش و نشو و نما شیعه

بخش اول

الف - کیفیت پیدایش

1 - آغاز پیدایش شیعه و کیفیت آن

2 - سبب جدا شدن اقلیت شیعه از اکثریت سنی و بروز اختلاف

3 - دو مسئله جانشینی و مرجعیت علمی

4 - روش سیاسی خلافت انتخابی و مغایرت آن با نظر شیعه

انتهاء خلافت بامیرالمؤمنین و روش آن حضرت - 5

بهره برداری که شیعه از خلافت پنجساله علی (ع) داشت - 6

انتقال خلافت معاویه و تبدیل آن به سلطنت موروئی - 7

سفت ترین روزگار برای شیعه - 8

استقرار سلطنت بنیامیه - 9

شیعه در قرن دوم هجری - 10

شیعه در قرن سوم هجری - 11

شیعه در قرن چهارم هجری - 12

شیعه در قرن پنجم تا نهم هجری - 13

شیعه در قرن دهم تا یازدهم هجری - 14

. شیعه در قرن 12 - 14 هجری - 15

1 : آغاز پیدایش شیعه و کیفیت آن - 1

آغاز پیدایش شیعه را که برای اولین بار بشیعه علی (ع) (اولین پیشوا

اهل بیت (ع)) معروف شدند همان زمان میات پیغمبر اکرم از پیشوایان

پیشرفت دعوت اسلامی در بیست و سه سال باید دانست و جریان ظهور و

پیدایش چنین جمعیتی را (زمان بعثت موجبات زیادی در برداشت که طبعاً

. در میان یاران پیغمبر اکرم (ص) (5) ایجاب میکرد

پیغمبر اکرم در اولین روزهای بعثت که بنص قرآن مأ موریت یافت - 1

نزدیکتر فود را بدین فود دعوت کند (6) صریحاً بایشان فرمود که فویشان

من سبقت گیرد وزیر و جانشین و وصی من است که هر یک از شما باجابت

.

علی علیه السلام پیش از همه مبادرت نموده اسلام را پذیرفت و پیغمبر

او را پذیرفت و وعده های فود را (7) تقبل نمود و عادتاً محال اکرم ایمان

اولین روز نهضت و قیام فود یکی از یاران نهضت را است که رهبر نهضتی در

محرفی کند ولی بیاران و دوستان بسمت وزیری و جانشینی به بیگانگان

وزیری و جانشینی بشناسد سرتا پا فداکار فود نشناساند یا تنها او را با امتیاز

وظائف وزیری و بشناساند ولی در تمام دوره زندگی و دعوت فود ، او را از

معزول و امتزاج مقام جانشینی او را نادیده گرفته و هیچگونه فرقی میان

. او و دیگران نگذارد

پیغمبر اکرم (ص) بموجب چندین روایت مستفیض و متواترکه سنی و - 2

اند تصریح فرموده که علی علیه السلام (8) در قول و شیعه روایت کرده

است هر سفنی که گوید و هر کاری که فعل خود ، از خطا و معصیت مصون

مردم است بمعارف (9) کند با دعوت دینی مطابقت کامل دارد و داناترین

. و شرایع اسلام

علی علیه السلام خدمات گرانبهائی انجام داده و فداکاریهای شگفت - 3

بود مانند فوایدن در بستر پیغمبر اکرم در شب هجرت (10) و انگیزی کرده

بدرو آمد و فندق و فیبر بدست وی صورت گرفته بود فتوماتی که در جنگهای

در میان نبود اسلام و اسلامیان بدست که اگر پای وی در یکی از این وقایع

. دشمنان حق ریشه کن شده بودند

جریان غدیر خم که پیغمبر اکرم (ص) در آنجا علی (ع) را بولایت - 4 (11)

مردم نصب و معرفی کرده و او را مانند خود متولی قرار داده بود (12) عامه

پندین امتیازات و فضائل اختصاصی دیگر که مورد اتفاق بدیهی است این

که پیغمبر اکرم بعلی (ع) داشت (14) همگان بود (13) و علاقه مفرطی

شیفتگان فضیلت و حقیقت بودند طبعا عده ای از یاران پیغمبر اکرم را که

آیند و از وی بر این وا میداشت که علی (ع) را دوست داشته بدورش گرد

پیروی کنند چنانکه عده ای را بر مسد و کینه آنحضرت وامیداشت . گذشته از

همه اینها نام (شیعه علی) و (شیعه اهل بیت) در سفنان پیغمبر اکرم

. دیده میشود (ص) بسیار

(15)

اکثریت سنی و بروز افتلاف سبب جدا شدن اقلیت شیعه از - 2

هواخواهان و پیروان علی (ع) نظر به مقام و منزلتی که آنحضرت پیش

و صحابه و مسلمانان داشت مسلم میدانستند که (پیغمبر اکرم (ص)

از آن علی (ع) میباشد و خلافت و مرجعیت پس از رحلت پیغمبر اکرم

پیغمبر اکرم (ص) ظواهر اوضاع و احوال نیز جز موادتی که در روزهای بیماری

آنان (بظهور پیوست (16) نظر آنان را تأیید میکرد. ولی بر خلاف انتظار

درست در مالیکه پیغمبر اکرم رحلت فرمود و هنوز جسد مطهرش دفن نشده

بیت و عده ای از صحابه سرگرم لوازم سوگواری و تجهیزاتی بودند بود و اهل

دیگر که بعدا اکثریت را بردند با کمال عجله و بیآنکه که خبر یافتند عده ای

پیغمبر اکرم و هواداران نشان مشورت کنند با اهل بیت و فویشاوندان

و متی کمترین اطلاعی بدهند از پیش خود در قیافه خیرخواهی برای

مسلمانان خلیفه معین نموده اندوعلی و یارانش را در برابری انجام

اند (17) علی (ع) و هواداران او مانند عباس و زبیر و سلمان یافته قرارداد

پس از فراغ ازدفن پیغمبر اکرم (ص) و اطلاع از و ابوذر و مقداد و عمار
بفلافت انتقادی و کارگردانان آن اعتراض جریان امر در مقام انتقاد برآمده
که صلاح مسلمانان در همین نموده اجتماعاتی نیزکردند ولی پاسخ شنیدند
. بود

این انتقاد و اعتراف بود که اقلیتی را از اکثریت جدا کرد و پیروان علی (18)
را بهمین نام (شیعه علی) بجامعه شناسانید و دستگاه فلافت نیز (ع)
مراقب بود که اقلیت نامبرده باین نام معروف بمقتضای سیاست وقت
منقسم نگردد بلکه فلافت را نشوند و جامعه بدو دسته اقلیت و اکثریت
اجماعی میشمردند

و معترض را متخلف از بیعت و متخلف از جماعت مسلمانان مینامیدند و
گاهی با تعبیرات زشت دیگر یاد میکردند (19) البته شیعه همان روزهای
سیاست وقت شده نتوانسته با مجرد اعتراض کاری از نفسستین مکه
رعایت مصلحت اسلام و مسلمین و پیش برد و علی (ع) نیز بمنظور
معترضین از نداشتن نیروی کافی دست بیک قیام فونین نزد ولی جمعیت
جهت عقیده تسلیم اکثریت نشدند و جانشینی پیغمبر اکرم (ص) و

را حق مطلق علی (ع) میدانستند (20) و مراجعه علمی و مرجعیت علمی

. میدیدند و بسوی او دعوت میکردند معنوی را تنها بآن مضرت روا

(21)

دو مسئله جانشینی و مرجعیت علمی - 3

شیعه طبق آنچه از تعالیم اسلامی بدست آورده بود معتقد بود که آنچه

در درجه اول اهمیت است روشن شدن تعالیم اسلام و فرهنگ برای جامعه

آن، جریان کامل آنها را در میان جامعه دینی است (22) و در درجه تالی

بجهان و انسان با پیشم واقع بینی میباشد. و بعبارت دیگر اولاً افراد جامعه

واقعی است بدانند و بجا نگاه کرده وظائف انسانی خود را (بطوری که صلاح

. آورند اگرچه مخالف دلفواهشان باشد

ثانیاً یک حکومت دینی نظم واقعی اسلامی را در جامعه مفض و اجراء نماید

مردم کسی را جز خدا نپرستند و از آزادی کامل و عدالت فردی و بطوریکه

و این دو مقصود بدست کسی باید انجام یابد که . اجتماعی بر فوردار شوند

گرنه ممکن است کسانی مصدر عصمت و مصونیت فدائی داشته باشند و

از انصراف فکر حکم یا مرجع علم قرار گیرند که در زمینه وظائف معموله خود

یا فیانت سالم نباشند و تدریجاً ولایت عادل آزادی بخش اسلامی بسلطنت

استبدادی و ملک کسرائی و قیصری تبدیل شود و معارف پاک دینی مانند

دستفوش تمریف و تخییر دانشمندان بوالهوس و معارف ادیان دیگر

پیغمبر اکرم در اعمال و اقوال خود فودفواه گردد و تنها کسی که بتصدیق

کامل داشت مصیب و روش او با کتاب خدا و سنت پیغمبر مطابقت

. همان علی (ع) بود

و اگر چنانکه اکثریت میگفتند قریش با خلافت مکه علی مخالف (23)

بودمخالفین را بمق وادارند و سرکشان را بجای خود بنشانند بودند لازم

دردادن زکات امتناع داشتند , جنگیدند و از گرفتن چنانکه با جماعتی که

. ترس مخالفت قریش مق را بکشند زکات صرفنظر نکردند نه اینکه از

آری آنچه شیعه را از موافقت با خلافت انتخابی بازداشت ترس از دنباله

یعنی فساد روش حکومت اسلامی و انهدام اساس تعلیمات ناگوار آن

موادث نیز این عقیده (یا پیش بینی) را عالیه دین بود اتفاقا جریان بعدی

نیز در عقیده خود استوارتر روز بروز روشنتر میساخت و در نتیجه شیعه

خود بهضم میگشت و یا اینکه در ظاهر با نفرات ابتدائی انگشت شمار

اکثریت رفته بود و در باطن بافذ تعالیم اسلامی از اهل بیت و دعوت

خود اصرار میورزیدند در عین حال برای پیشرفت و مفظ قدرت اسلام بطریقه

و متی افراد شیعه دوش بدوش اکثریت مخالفت علنی نمیکردند

علی در موارد ضروری بجهدمیرفتند و در امور عامه دفالت میکردند و شفص

. اکثریت را بنفع اسلام راهنمائی مینمود

(24)

روش سیاسی فلافت انتفابی و مغایرت آن با نظر شیعه - 4

شیعه معتقد بود که شریعت آسمانی اسلام که مواد آن در کتاب خدا و

روشن شده تا روز قیامت باعتبار خود باقی و هرگز قابل سنت پیامبراکرم

. تخییر نیست

و حکومت اسلامی با هیچ عذری نمیتواند از اجراء کامل آن سرپیچی (25)

وظیفه حکومت اسلامی اینست که با شوری در شعاع شریعت نماید تنها

ولی از جریان بیعت سیاست آمیز بسبب مصلحت وقت تصمیماتی بگیرد

آفرین روزهای شیعه و همچنین از جریان مدیث دوات و قرطاس که در

فلافت بیماری پیغمبر اکرم اتفاق افتاد پیدا بود که گردانندگان و طرفداران

انتفابی معتقدند که کتاب خدا مانند یک قانون اساسی محفوظ بماند ولی

بیانات پیغمبراکرم را در اعتبار خود ثابت میدانند بلکه معتقدند سنت و

میتواند بسبب اقتضای مصلحت از اجراء آنها صرفنظر که حکومت اسلامی

بسیاری که بعداً در حق صحابه نقل شد(صحابه نماید .و این نظر با روایتهای

اگر اصابت کنند مأجور و اگر خطا مجتهدند و در اجتهاد و مصلحت بینی خود

وقتی اتفاق افتاد که کنند معذور میباشند) تأیید گردید و نمونه بارز آن

خالد بن ولید یکی از سرداران خلیفه شبانه در منزل یکی از معارف

مسلمانان (مالک نویره) مهمان شد و مالک را غافل گیر نموده کشت و

گذاشت و سوزانید و همان شب با زن مالک همبستر شد سرش را در اجاق

آورخلیفه بعنوان اینکه حکومت وی بچنین و بدنبال این جنایتهای شره

سرداری نیازمند است

مقررات شریعت را در حق خالد اجراء نکرد (26) و همچنین خمس را از اهل

بیت و فویشان پیغمبر اکره بریدند (27) و نوشتن امدیت پیغمبر اکره

و اگر درجائی مدیت مکتوب کشف یا از کسی گرفته میشد بکلی قدغن شد

(آنها ضبط کرده میسوزانیدند 28)

عبدالعزیز و این قدغن در تمام زمان خلفاء راشدین تا زمان خلافت عمر بن

خلیفه اموی (99-102) استمرار داشت (29) و در زمان خلافت خلیفه دوم

ق (این سیاست روشنتر شدو مقام خلافت عده ای از مواد شریعت 25-13)

و نکاح متعه و گفتن می علی فیر العمل در اذان نماز را مانند حج تمتع

را دایر کرد و نظایر آنها (31) در ممنوع ساخت (30) و نفوذ سه طلاق

تقسیم شد (32) که خلافت وی بود که بیت المال در میان مردم با تفاوت

بعدا در میان مسلمانان افتلاف طبقاتی عجیب و صمنه های فونین

دهشتناکی بوجود آورد و در زمان وی معاویه در شام با رسومات سلطنتی

مکومت میکرد و خلیفه او را کسرای عرب مینامید معترض کسری و قیصر

. مالش نمیشد

خلیفه دوم بسال 23 هجری قمری بدست غلامی ایرانی کشته شد و طبق رأ

شش نفری که بدستور خلیفه منعقد شد خلیفه سوم زمام ی اکثریت شورای

خلافت خود فویشاوندان اموی خود را امور را بدست گرفت وی در عهد

بلاد اسلامی زمام امور را بمردم مسلط ساخته در مجاز و عراق و مصر و سایر

آشکارا بستم و بدست ایشان سپرد (33) ایشان بنای ببند و باری گذاشته

شکایتها بیداد و فسق و فجور و نقض قوانین جاریه اسلامی پرداختند ، سیل

از هر سوی بدار الخلافه سرازیر شد

(ولی خلیفه که تمت تأثیر کنیزان اموی خود و فاصه مروان بن حکم (34)

قرار داشت بشکایتهای مردم ترتیب اثر نمیداد بلکه گاهی هم دستور تشدید

شاکیان را صادر میکرد (35) و بالاخره بسال 35 هجری مردم بر وی و تعقیب

روز محاصره و زد و خورد وی را کشتند - خلیفه سوم در شوریدند و پس از چند

در رأس آن از فویشاوند های اموی او عهد خلافت خود حکومت شاه را که

مقیقت سنگینی معاویه قرار داشت بیش از پیش تقویت میکرد و در

در خلافت در شاه متمرکز بود و تشکیلات مدینه که دارالخلافه بود جز صورتی

. (بر نداشت 36)

خلافت خلیفه اول با انتخاب اکثریت صمابه و خلیفه دوم با وصیت خلیفه

سوم با شورای شش نفری که اعضاء و آئین نامه آنرا خلیفه اول و خلیفه

مستقر شد. و روی هم رفته سیاست سه دوم تعیین و تنظیم کرده بود

امور این بود که قوانین خلیفه که بیست و پنج سال خلافت کردند در اداره

در , اسلامی بر طبق اجتهاد و مصلحت وقت که مقام خلافت تشخیص دهد

جامعه اجراء شود و در معارف اسلامی این بود که تنها قرآن بیاینکه تفسیر

مورد کنگاوی قرارگیرد خوانده شود و بیانات پیغمبر اکرم (ص) () شود یا

کاغذ بیاید روایت شود و از مد و زبان و گوش تجاوز مدیث (بیاینکه روی

. نکند

کتابت بقرآن کریم انحصار داشت و در مدیث ممنوع بود (37) پس از جنگ

سال 12 هجری قمری فاطمه یافت و گروهی از صمابه که قاری یمامه که در

شدند عمر بن الخطاب به خلیفه اول پیشنهاد قرآن بودند در آن جنگ کشته
میکند .

آیات قرآن در یک مصحف جمع آوری شود وی در پیشنهاد خود میگوید اگر
بقیه ماملان قرآن کشته شوند قرآن از میان ما خواهد جنگی رخ دهد و
را در یک مصحف جمع آوری کرده بقید رفت بنابراین لازمست آیات قرآنی
گرفتند با اینکه حدیث کتابت در بیابوریم (38) این تصمیم را در قرآن کریم
و از پیغمبر اکرم (ص) که تالی قرآن بود نیز با همان فطر تهدید میشد
مفاسد نقل بمعنی وزیاده و نقیصه و جعل و فراموشی در امن نبود ولی
نگهداری حدیث نمیشد بلکه کتاب آن ممنوع و هر چه بدست توجیهی به
میافتاد سوزانیده میشد

روایات تا در اندک زمانی کار بجائی کشید که در ضروریات اسلام مانند نماز
متضاد بوجود آمد و در سایر رشته های علوم در این مدت قدمی برداشته
آنهمه تقدیس و تمجید که در قرآن و بیانات پیامبر اکرم نسبت نشد و
توسعه علوم وارد شده بی اثر ماند و اکثریت مردم بعله و تأکید و ترغیب در
به غنائم فزون از مد که از هر سو سرگرم فتومات پیدر پی اسلام و دلفوش

بعلموه فاندان رسالت كه بجزیره العرب سرازیر میشد بودند و دیگر عنایتی

سر سلسله شان علی علیه السلام بود

و پیغمبر اکرم (ص) او را آشناترین مردم بمعارف اسلام و مقاصد قرآن

معرفی کرده بود نشد متی در قضیه جمع قرآن (با اینکه میدانستند پس از

اکرم (ص) مدتی در کنج خانه نشسته و مصحف را جمع آوری رحلت پیغمبر

ندادند متی نام او را نیز بزبان نیاورند (39) نموده است) وی را مدافله

پیروان علی (ع) را در عقیده خود راسختر و اینها و نظایر اینها اموری بود که

بروز بر فعالیت خود میافزودند نسبت بجزریان امور هشیارتر میسافت و روز

بتربیت فصوصی افراد. علی نیز که دستش از تربیت عمومی مردم کوتاه بود

. میپردافت

در این بیست و پنج سال سه تن از چهار نفر یاران علی (ع) که در همه

پیروی او ثابت قدم بودند (سلمان فارسی و ابوذر غفاری و مقداد) اموال در

از صبابه و گروه انبوهی از تابعین در مجاز و یمن و درگذشتند ولی جمعی

علی درآمدند و در نتیجه پس از کشته شدن عراق و غیر آنها درسلک پیروان

بهر نمو که بود با وی بیعت فلیفه سوم از هر سوی بآن حضرت روی نموده و

. کردند و وی را برای خلافت برگزیدند

انتهاء خلافت بامیرالمؤمنین علی (ع) و روش آن مضرت - 5

خلافت علی (ع) در اواخر سال سی و پنج هجری قمری شروع شد و تقریباً

ماه ادامه یافت. علی (ع) در خلافت رویه پیغمبر اکرم (ص) چهار سال و 5

غالب تغییراتی را که در زمان خلافت پیشینیان را معمول میداشت (40) و

عمال نالایق را که زمام امور را در پیدا شده بود بمالت اولی برگردانید و

نهضت انقلابی بود و دست داشتند از کار برکنار کرد (41) و در حقیقت یک

. گرفتاریهای بسیاری در بر داشت

علی علیه السلام نخستین روز خلافت در سفرانی که بمردم نمود چنین گفت

گرفتاری که شما مردم هنگام بعثت پیغمبر خدا داشتید امروز آگاه باشید

. دامن گیرتان شده است دوباره بسوی شما برگشته و

باید درست زیر و روی شوید و صامبان فضیلت که عقب افتاده اند پیش

بناروا پیشی می‌گرفتند عقب افتند (حق است و باطل هر افتند و آنان که

پیروی کرد) اگر باطل بسیار است چیز تازه ای کدام اهلی دارد باید از حق

میافتند و امید پیشرفت نیز نیست و اگر حق کم است گاهی کم نیز پیش

. هست

البته که اتفاق می‌افتد که چیزی که پشت بانسان کند دوباره برگشته و روی

علی علیه السلام بمکومت انقلابی خود ادامه داد و چنانکه لازم (42) نماید

انقلابی است عناصر مخالف که منافعشان بخطر می‌افتد طبیعت هر نهضت

برافراشتند و بناه فونفواهی خلیفه سوم از هر گوشه و کنار سر بمخالفت

در تمام مدت خلافت علی (ع) جنگهای داخلی فونینی بر پا کردند که تقریبا

منافع شخصی ادامه داشت - بنظر شیعه مسبب این جنگهای داخلی جز

منظوری نداشتند و فون فواهی خلیفه سوم دستاویز عوام فریبانه ای بیش

. و حتی سوء تفاهم نیز در کار نبود نبود

سبب جنگ اول که جنگ جمل نامیده میشود غائله افتلاف طبقاتی (43)

. خلیفه دوم در تقسیم مختلف بیت المال پیدا شده بود که از زمان

علی (ع) پس از آنکه بخلافت شناخته شد مالی در میان مردم بالسویه

چنانکه سیرت پیغمبر اکرم نیز همان گونه بود و این (44) قسمت فرمود

بر آشفت و بنای تمرد گذاشتند و بناه زیارت روش زبیر و طلحه را سفت

عائشه را که در مکه بود و با علی کعبه از مدینه بمکه رفتند و ام المؤمنین

فونفواهی خلیفه سوم (ع) میانه فوبی نداشت با خود همراه ساخته بناه

. نهضت و جنگ فونین جمل را بر پا کردند

با اینکه همین طلحه و زبیر هنگام محاصره و قتل خلیفه سوم در (45)

وی دفاع نکردند (46) و پس از کشته شدن وی اولین کسی مدینه بودند از

بعلی بیعت کردند (47) و همچنین ام بودند که از طرف خود مهاجرین

قتل خلیفه سوم تمریص المؤمنین عائشه خود از کسانی بود که مردم را به

دشنام داد میکرد (48) و برای اولین بار که قتل خلیفه سوم را شنید بوی

. و اظهار مسرت نمود

اساسا مسببین اصلی قتل خلیفه صما به بودند که از مدینه باطراف نامه ها

را بر ضد خلیفه میثورانیدند. سبب جنگ دوم که جنگ صفین نوشته مردم

طول کشید طمعی بود که معاویه در خلافت نامیده میشود و یکسال و نیم

را بر پا کرد و بیشتر از صد داشت و بعنوان خوانخواهی خلیفه سوم این جنگ

میکرد ، نه دفاع هزار فون نامق ریفت و البته معاویه در این جنگ ممله

. زیرا فونخواهی هرگز بشکل دفاع صورت نمیگیرد

عنوان این جنگ فونخواهی خلیفه سوم بود با اینکه خود خلیفه سوم در

زندگی خود برای دفع آشوب از معاویه استمداد نمود وی با آخرین روزهای

مرکت نموده آنقدر عمدا در راه توقف کرد تا لشگری از شاه بسوی مدینه

بفونخواهی خلیفه قیام کرد. (49) و خلیفه را کشتند آنگاه بشاه برگشته

خلافت را قبضه کرد همچنین پس از آنکه علی (ع) شهید شد و معاویه

. دیگر فون خلیفه سوم را فراموش کرده قتلہ خلیفه را تحقیق نکرد

پس از جنگ صفین جنگ نهروان در گرفت در این جنگ جمعی از مردم که در

نیز یافت میشد در اثر تمریکات معاویه در جنگ صفین میانشان صمابی

اسلامی باشوگری پرداخته هر جا از طرفداران بعلی (ع) شوریدند و در بلاد

شکم زنان آبستن را پاره کرده علی علیه السلام مییافتند میکشند متی

السلام این غائله را نیز جنینها را بیرون آورده سر میبریدند. (50) علی علیه

از این فوابانید ولی پس از چندی در مسجد کوفه در سرنماز بدست برفی

. فوارچ شهید شد

بهره ای که شیعه از خلافت پنج ساله علی (ع) برداشت - 6

علی (ع) در خلافت چهار سال و نه ماهه خود اگر چه نتوانست اوضاع درهم

اسلامی را کاملاً بحال اولی که داشت برگرداند ولی از سه جهت عمده ریفته

. موفقیت حاصل کرد

بواسطه سیرت عادلہ خود قیافه جذاب سیرت پیغمبر اکرم (ص) را - 1

جدید نشان داد وی در برابر شوکت کسرائی و قیصری بمردم فاصه بنسل

بینواترین مردم زندگی میکرد وی هرگز معاویه در ذی فقرا و مانند یکی از

مقدمه نداشت و توانگری دوستان و فویشاوندان و خاندان خود را بر دیگران

. را بگدائی و نیرومندی را بناتوانی ترجیح نداد

با آنهمه گرفتاریهای طاقت فرسا و سرگرم کننده ، ذخایر گرانبهائی از - 2

الهیة و علوم مقه اسلامی را میان مردم بیادگار گذاشت . مخالفین معارف

وی مرد شجاعت بود نه مرد سیاست زیرا او میتوانست : علی (ع) میگویند

موقتا از در آشتی و صفا درآمده آنان را در آغاز فلاقت خود با عناصر مخالف

وسیله فلاقت خود را تمکیم کند با مداهنه راضی و فوشنود نگهدارد و بدین

را نادیده گرفته اند سپس به قلع و قمع شان پردازد . و لی اینان این نکته

مداهنه و که فلاقت علی یک نهضت انقلابی بود و نهضت‌های انقلابی باید از

صورت سازی دور باشد مشابه این وضع در زمان بعثت پیغمبر اکرم (ص)

آمد و کفار و مشرکین بارها بآن حضرت پیشنهاد سازش دادند و نیز پیش

متعرض نشود ایشان نیز کاری با دعوت وی اینکه آن حضرت بفدایانشان

با اینکه میتوانست در آن نداشته باشند ولی پیغمبر اکرم (ص) نپذیرفت

سپس روزهای سخت مداهنه و سازش کرده موقع خود را تمکیم نماید

بمخالفت دشمنان قد علم کند ، اساسا دعوت اسلامی هرگز اجازه نمیدهد

زنده کردن حق دیگری کشته شود یا باطلی را با باطل دیگری که در راه

. زیادی در قرآن کریم در این باره موجود است رفع نمایند و آیات

گذشته از اینکه مخالفین علی در راه پیروزی و رسیدن به هدف خود از (51)

جنایت و نقض قوانین صریح اسلام (بدون استثناء) فرو گذاری هیچ جرم و

بناهم اینکه صحابی هستند و مجتهدند می‌شستند ولی نمی‌کردند و هر لکه را

. علی بقوانین اسلام پای بند بود

از علی علیه السلام در فنون متفرقه عقلی و دینی و اجتماعی نزدیک به یازده

هزار کلمات قصار ضبط شده (52) و معارف اسلام را (53) در سفرانیهای

لهجه و روانترین بیان ایراد نموده (54) وی دستور زبان خود با بلیغترین

ادبیات عربی را بنیاد نهاد وی اول کسی است که عربی را وضع کرد و اساس

بسبب استدلال آزاد و برهان (55) در اسلام که در فلسفه الهی غور کرده

فلاسفه جهان مورد منطقی سخن گفت و مسائلی را که تا آنروز در میان

میداد که توجه قرار نگرفته بود طرح کرده و در این باب بمدی عنایت بفرج

. در بمبومه (56) جنگها به بحث علمی می‌پرداخت

گروه انبوهی از رجال دینی و دانشمندان اسلامی را تربیت کرد (57) که - 3

ایشان جمعی از زهاد و اهل معرفت مانند او ایس قرنی و کمیل بن در میان

هجری وجود دارند که در میان عرفاء اسلامی مصادر زیاد و میثم تمار و رشید

اولیه علم فقه و کلام و تفسیر و عرفان شناخته شده اند وعده ای مصادر

. قرائت و غیر آنها میباشد

انتقال خلافت به معاویه و تبدیل آن به سلطنت موروثی - 7

پس از شهادت امیر المؤمنین علی علیه السلام بموجب وصیت آنحضرت و

مسئد بن علی (ع) که پیش شیعه دوازده امامی، امام بیعت مردم حضرت

معاویه آراه ننشسته بسوی عراق که دوام میباشد متصدی خلافت شد ولی

پرداخت. وی با دسیسه مقرر خلافت بود لشکر کشیده با مسئد بن علی بجنگ

علی را های مختلف و دادن پولهای گزاف تدریجا یاران و سرداران مسئد ابن

فاسد کرده بالاخره مسئد بن علی را مجبور نمود که بعنوان صلح خلافت را

واگذار کند و مسئد بن علی نیز خلافت را باین شرط که پس از درگذشت بوی

برگردد و بشیعیان وی تعرض نشود، بمعاویه واگذار نمود معاویه، بوی

. (58)

در سال چهل هجری معاویه بر خلافت اسلامی استیلا یافت و بلافاصله

درسفیرانی که کرده بمردم افطار نموده و گفت من با شما سر بعراق آمده

بلکه میفواستم بر شما حکومت کنم و بمقصود نماز و روزه نمیجنگیدم

بستم لغو و زیر پای من خود رسیده (59) و نیزگفت پیمانی که با مسن
دیانت جدا است (60) معاویه با این سخن اشاره میکرد که سیاست را از
فواهد کرد و نسبت به مقررات دینی ضمانتی نخواهد داشت و همه نیروی
در زنده نگهداشتن حکومت خود بکار فواهد بست و البته روشن است خود را
و پادشاهی است نه خلافت و جانشینی پیغمبر که چنین حکومتی سلطنت
بمضوری باریافتند بعنوان خدا. و از اینجا بود که بعضی از کسانی که
فصوصی، از پادشاهی سلامش دادند (61) و خودش نیز در برفی از مجالس
حکومت خود با ملک و پادشاهی تعبیر میکرد (62) اگر چه در ملاء عام خود
خلیفه معرفی مینمود. و البته پادشاهی که بر پایه زور استوار باشد وراثت را
خود دارد و بلاخره نیز به نیت خود جامه عمل پوشانید و پسر خود را بدنبال
ببند و بار بود و کمترین شخصیت دینی نداشت ولایت عهد یزید را که جوانی
. و آنهمه حوادث نگین بار آورد (داده بجانشینی خود برگزید (63)
معاویه با بیان گذشته خود اشاره میکرد که نخواهد گذاشت مسن (ع) پس
برسد یعنی در فصوص خلافت بعد از خود فکر دیگری دارد و آن از و بفلافت
با سم شهید کرد (64) و راه را برای فرزند خود همان بود که مسن (ع) را
پیمان نامبرده میفهمانید که هرگز یزید هموار سافت. معاویه با الغاء

بسر برند و کما نخواهد گذاشت شیعیان اهل بیت در محیط امن و آسایش

فی السابق بفعالیت‌های دینی خود ادامه دهند و همین معنی را نیز جامعه

. عمل پویشانید

وی اعلام نمود که هر کس در مناقب اهل بیت مدیثی نقل کند (65)

در جان و مال و عرض خود نخواهد (66) داشت و دستور هیچگونه مصونیتی

سایر صما به و خلفاء مدیثی بیاورد جایزه کافی داد هر که در مدح و منقبت

صما به جعل شد (67) و دستور داد بگیرد و در نتیجه اخبار بسیاری در مناقب

ناسزا گفته شود در همه بلاد اسلامی در منابر بحلی علیه السلام

میشد و این دستوراتا زمان عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی 99-101 اجراء)

(وی بدستگیری عمال و کارگردانان خود که جمعی از ایشان صما بی

علی (ع) را کشت و سر برفی از آنان را به نیزه زده در بودند فواص شیعه

شیعیان را در هر جا بودند بناسزا و بیزارى از علی شهرها گردانیدند و عموم

(میکرد بقتل میرسید (68) تکلیف میکرد و هر که خودداری

سفتترین روزگار برای شیعه - 8

سفتترین زمان برای شیعه در تاریخ تشیع همان زمان حکومت بیست ساله

شیعه هیچگونه مصونیتی نداشت و اغلب شیعیان اشخاص معاویه بود که

تن از پیشوایان شیعه (امام دوم و امام ششم) شناخته شده و مارکدار بودند و دو

ای برای برگرداندن اوضاع سوم (که در زمان معاویه بودند کمترین وسیله

اول سلطنت ناگوار در اختیار نداشتند) امام سوم شیعه که در ششم ماه

یزید قیام کرد با همه یاران و فرزندان خود شهید شد ، در مدت ده سال که

. در خلافت معاویه میزیست تمکن این اقدام را نیز نداشت

اکثریت تسنن اینهمه کشتارهای نامق و ببند باریها را که بدست صمابه و

معاویه و کارگردانان وی انجام یافته است تومیه میکنند که آنان خاصه

امادیتی که از پیغمبر اکرم (ص) رسیده صمابه صمابه بودند و بمقتضای

است و هر جرم و جنایتی که از مجتهدند و معذور و خداوند از ایشان راضی

نمیپذیرد زیرا : اولاً ایشان سر بزند معفو است . و لی شیعه این عذر را

امیاء حق و معقول نیست یک رهبر اجتماعی مانند پیغمبر اکرم (ص) برای

عدالت و آزادی بر پا خواسته و جمعی را هم عقیده خود گرداند که همه

خود را در راه این منظور مقدس گذاشته آنرا لباس تمقق بخشند و هستی

نایل شد یاران خود را نسبت به مردم و قوانین وقتی که بمنظور خود

کشی و تبهکاری و ببند و مقدسه خود آزادی مطلق بخشند و هرگونه حق

را بر پا کرده با باری را از ایشان معفو داند یعنی با دست و ابزاری که بنائی

تقدیس همان دست و ابزار آنرا فراب کند. و ثانیاً این روایات که صمابه را

و اعمال ناروا و غیر مشروع آنان را تصمیح میکند و ایشان را آمرزیده و

معرفی مینماید از راه خود صمابه بمارسیده و به روایت ایشان مصون

صمابه به شهادت تاریخ قطعی با همدیگر نسبت داده شده است و خود

که دست به کشتار و محامله مصونیت و معذوریت نمیکردند صمابه بودند

سب و لعن و رسوا کردن همدیگر گشودند و هرگز کمترین اغماض و

. مسامحه ای در حق همدیگر روا نمیداشتند

بنابر آنچه گذشت بشهادت عمل خود صمابه این روایات صمیح نیستند و

مقصود از آنها معنای دیگری است غیر از مصونیت و اگر صمیح باشند

فدای متعال در کلام خود روزی از صمابه تقدیس قانونی صمابه. و اگر فرضاً

اند اظهار (69) رضایت فرماید در برابر قدمتی که در اجراء فرمان او کرده

در آینده میتواند معنی آن تقدیر از فرمانبرداری گذشته آنان است نه اینکه

. هر گونه نافرمانی که دل شان میخواست بکنند

. استقرار سلطنت بنی امیه - 9

سال شصت هجری قمری معاویه درگذشت و پسرش یزید طبق بیعتی که

گرفته بود زمام حکومت اسلامی را در دست گرفت پدرش از مردم برای وی

نداشت . یزید بشهادت تاریخ هیچگونه شفقت دینی

جوانی بود حتی در زمان میات پدر اعتنائی باصول و قوانین اسلام نمیکرد و

و ببند و باری و شهوت رانی سرش نمیشد و در سه سال حکومت جز عیاشی

در تاریخ ظهور اسلام با آنهمه فتنه ها که خود فجایعی راه انداخت که

گذشته بود سابقه نداشت .

سال اول ، حضرت مسین بن علی (ع) را که سبط پیغمبر اکرم (ص) بود با

فویشان و یارانش با فجیعترین وضعی کشت و زنان و کودکان و فرزندان و

سرهای بریده شهداء در شهرها گردانید (70) و در اهل بیت پیغمبر را بهمراه

و مال و عرض مردم را سه روز با سال دوم مدینه را قتل عام کرد و فون

فراپ کرده و لشکریان خود مباح سافت (71) و سال سوم کعبه مقدسه را

آتش زد (72) و پس از یزید آل مروان از بنیامیه زمام حکومت اسلامی را

بتفصیلی که در تواریخ ضبط شده در دست گرفتند

حکومت این دسته یازده نفری که نزدیک بهفتاد سال ادامه داشت روزگار

تیره و شومی برای اسلام و مسلمین بوجود آورد که در جامعه اسلامی جر یک

استبدادی که نام خلافت اسلامی بر آن گذاشته شده بود امپراطوری عربی

اینان کار بجائی کشید که خلیفه وقت که حکومت نمیکردو در دوره حکومت

شمرده میشد بیممابا جانشین پیغمبر اکرم (ص) و یگانه حامی دین

تصمیم گرفت بالای خانه کعبه غرفه ای بسازد تا درموسم حج در آنجا

مخصوصا بفروش گذرانی پردازد. (73) خلیفه وقت قرآن کریم را آماج تیر

شعری که خطاب بقرآن انشاء کرد گفت : روز قیامت که پیش قرار داد و در

. خلیفه مرا پاره کرد فدای خود مضور مییابی بگوی

البته شیعه که اساسا اختلاف نظر اساسیشان با اکثریت تسنن در سر (74)

خلافت اسلامی و مرجعیت دینی بود , در این دوره تاریخ روزگاری دو مسئله

میگذرانیدند ولی شیوه بیدادگری و ببند و باری حکومتهای تلخ و دشواری

و طهارت پیشوایان اهل بیت آنان را روز وقت و قیافه مظلومیت و تقوی

شهادت دلفراش حضرت بروز در عقایدشان استوارتر میسافت و مخصوصا

از مسین پیشوای سوم شیعه در توسعه یافتن تشیع و بویژه در مناطق دور

. مرکز خلافت مانند عراق و یمن و ایران کمک بسزائی کرد

گواه این سخن اینست که در زمان امامت پیشوای پنجم شیعه که هنوز

تمام نشده و چهل سال از شهادت امام سوم نگذشته بود قرن اول هجری

در حکومت اموی پیدا شده بود شیعه از بمناسبت اختلال و ضعفی که ریخته بافد مدیث و اطراف کشور اسلامی مانند سیل بدور پیشوای پنجم که تعلم معارف دینی پرداختند (75) هنوز قرن اول هجری تمام نشده بود چند نفر از امراء دولت شهر قم را در ایران بنیاد نهاد و شیعه نشین کردند ولی در عین حال شیعه بمسب دستور پیشوایان خود در حال تقیه و ((76) میکردند بدون تظاهر بمذهب زندگی .

بارها در اثر کثرت فشار سادات علوی بر ضد بیدادگریهای حکومت قیام فورند و بالاخره جان خود را در این راه گذاشتند و کردند ولی شکست کردن شان فرو گذاری نکرد جسد زید را که حکومت بیپروای وقت در پایمال مدار آویفتند و سه سال بر سر پیشوای شیعه زیدیه بود از قبر بیرون آورده بباد دادند (77) دار بود پس از آن پائین آورده و آتش زدند و فاکسترش را با بنموی که اکثریت شیعه معتقدند امام چهارم و پنجم نیز بدست بنیامیه سم درگذشته اند (78) و درگذشت امام دوم و سوم نیز بدست آنان بود امویان بمدی فاش و بیبرده بود که اکثریت اهل تسنن با . فجایع اعمال الطاعه میدانستند ناگزیر شده خلفاء را بدو اینکه خلفاء را عموما مفترض . دسته تقسیم کردند .

خلفاء راشدین که چهار خلیفه اول پس از رحلت پیغمبر اکرم میباشند (ابوبکر

عثمان و علی) و خلفاء غیر راشدین که از معاویه شروع میشود و عمر و

فهد در اثر بیدادگری و بیبند و باری باندازه ای . امویین در دوران حکومت

نفرت عمومی را جلب کرده بودند

که پس از شکست قطعی و کشته شدن آخرین خلیفه اموی دو پسر وی با

از خانواده خلافت از دار الخلافه گرفتند و بهر جا روی آوردند پناهندگان جمعی

بالافره پس از سرگردانیهای بسیار که در بیابانهای نوبه و همیشه و ندادند

بسیاری از ایشان از گرسنگی و تشنگی تلف شدند ، بجنوب بجاوه کشیدند و

راهی از مردم تحصیل کرده در ذی حمالان عازم یمن درآمدند و بدریوزگی فرج

(گردیدند . 79 مکه شدند و آنجا در میان مردم ناپدید

شیعه در قرن دوم هجری - 10

، در اواخر ثلث اول قرن دوم هجری بدنبال انقلابات و جنگهای فونینی که در

بیدادگری و بد رفتاریهای بنیامیه در همه جا کشورهای اسلامی ادامه اثر

بنام اهل بیت پیغمبر اکرم در نامیه فراسان ایران پیدا داشت دعوتی نیز

مروزی سردار ایرانی بود که بضرر خلافت شده متصدی دعوت ابو مسلم

اموی را برانداخت (80) اموی قیام کرد و شروع به پیشرفت نمود تا دولت

میگرفت این نهضت و انقلاب اگر چه از تبلیغات عمیق شیعه سرپوشیده

و کم و بیش عنوان فونفواهی شهداء اهل بیت را داشت و حتی از مردم برای

یکمرد پسندیده از اهل بیت (سربسته) بیعت میگرفتند با اینهمه بدستور

اشاره پیشوایان شیعه نبود بگواهی اینکه وقتی که ابو مسلم مستقیم یا

شیعه امامیه در مدینه عرضه داشت وی جدا بیعت خلافت را بامام ششم

(نیز زمان من نیست (81 رد کرد و فرمود تو از مردان من نیستی و زمان

روزی چند بالافره بنیعباس بنام اهل بیت خلافت را (بودند (82) و در آغاز کار

بمردم علویین (وی فوش نشان دادندمتی بنام انتقام شهداء علویین ،

را قتل عام کردند و قبور خلفاء بنیامیه را شکافته هر چه یافتند بنیامیه

دیری نگذشت که شیوه ظالمانه بنیامیه را پیش آتش زدند (83) ولی

. هیچگونه فرو گذاری نکردند گرفتند و در بیدادگری و ببند و باری

ابو حنیفه رئیس یکی از چهار مذهب اهل تسنن بزدان منصور رفت (84) و

و ابن منبل رئیس یکی از چهار مذهب ، تازیانه خورد (85) و شکنجه ها دید

از آزار و شکنجه بسیار با سم درگذشت (86) امام ششم شیعه امامیه پس

زنده زنده دفن میکردند یا لای دیوار و علویین را دسته دسته گردن میزدند یا

. یا زیر ابنیه دولتی می گذاشتند

هارون خلیفه عباسی که در زمان وی امپراطوری اسلامی باوج قدرت و

بود و گاهی خلیفه بفورشید نگاه میکرد و آنرا مخاطب وسعت خود رسیده

بتاب که بجائی که از ملک من بیرون ساخته میگفت بهر کجا میخواهی

باختر جهان پیش است نخواستی تافت از طرفی لشکریان وی در خاور و

بیاطلاع میگرفتند ولی از طرفی در جسر بغداد که در چند قدمی قصر خلیفه بود

و اجازه خلیفه ، مأ مور گذاشته از عابرین مق عبور میگرفتند متی روزی خود

خلیفه که میخواست از جسر عبور کند جلوش را گرفتند مق العیور(مطالبه

کردند) 87)

یک مخنی با فواندن دو بیت شهوت انگیز امین خلیفه عباسی را سر شهوت

آورد امین سه میلیون درهم نقره بوی بفشید مخنی از شادی خود را بقدم

گفت : یا امیر المؤمنین اینهمه پول را بمن میبخشی ؟ خلیفه انداخته

ما این پول را از یک نامه ناشناخته خلیفه در پاسخ گفت اهمیتی ندارد

از اقطار کشورهای کشور میگیریم (88) ثروت سرسام آوری که همه ساله

اسلامی بعنوان بیت المال مسلمین بدارالخلافة سرازیر میشد بمصرف

هوسرانی و مق کشی خلیفه وقت میرسید .شماره کنیزان پرپوش و دختران و
دربار خلفاء عباسی بهزاران میرسید .وضع شیعه از انقراض پسران زیبا در
بنی عباس کوچکترین تغییری پیدانکرد جز دولت اموی و روی کار آمدن
. اینکه دشمنان بیدادگر وی تغییر اسم دادند

شیعه در قرن سوم هجری - 11

با شروع قرن سوم , شیعه نفس تازه ای کشید و سبب آن اولا این بود که
وعلمی بسیاری از زبان یونانی و سریانی و غیر آنها بزبان عربی کتب فلسفی
بتعلیم علوم عقلی و استدلالی هجوم آوردند علاوه بر آن ترجمه شد و مردم
معتزلی مذهب باستدلال عقلی در (مأ مون خلیفه عباسی (195-218
و مذاهب رواج تام و مذهب علاقمند بود و در نتیجه بتکلم استدلالی درادیان
کرده در آزادی کامل داده بود و علماء و متکلمین شیعه از آزادی استفاده
فعالیت علمی و در تبلیغ مذهب اهل بیت فرو گذاری نمیکردند (89)و ثانيا
مون عباسی باقتضای سیاست خود بامام هشتم شیعه امامیه ولایت مأ
آن علویین و دوستان اهل بیت تا اندازه ای از تعرض عهد داده بود و در اثر
از آزادی بهره مند بودند ولی بازدیری اولیاء دولت مصون بوده و کم و بیش

شیوه فراموش شده نگذشت که ده برنده شمشیر بسوی شیعه برگشت و گذشتگان بسراغ شان آمد فاصه در زمان متوکل عباسی 232-247 هجری مخصوصا با علی و شیعیان وی دشمنی خاصی داشت و هم بامر وی بود که (امامیه را در کربلا با فاک یکسان کردند (90 که مزار امام سوم شیعه

شیعه در قرن چهارم هجری - 12

در قرن چهارم هجری عواملی بوجود آمد که برای وسعت یافتن تشیع و کمک بسزائی میکرد از آن جمله سستی ارکان خلافت نیرومند شدن شیعه . بنیعباس و ظهور پادشاهان آل بویه بود .

پادشاهان آل بویه که شیعه بودند کمال نفوذ را در مرکز خلافت که بغداد همچنین در خود خلیفه داشتند (91) و این قدرت قابل توجه به شیعه بود و برابر مدعیان مذهبی خود که پیوسته باتکاء قدرت خلافت اجازه میداد که در . کرده آزادانه به تبلیغ مذهب پردازند آنان را مورد میکردند ، قد علم

چنانکه مورفین گفته اند در این قرن همه جزیره العرب یا قسمت معظم شهرهای بزرگ ، شیعه بودند و با این وصف برخی از شهرها نیز آن باستانی در عین حال شیعه بودند مانند هجر و عمان و صعده .

در شهر بصره که پیوسته مرکز تسنن بود و با شهرکوفه که مرکز تشیع رقابت مذهبی داشت ، عده ای قابل توجه شیعه بودند و شمرده میشد طبریه و ملب و هرات شیعه بسیار بود و همچنین در طرابلس و نابلس و داشت (92) در آغاز این اهواز و سواحل فلیج فارس از ایران مذهب شیعه بعمل آورد قرن بود که ناصر اطروش پس از سالها تبلیغ که در شمال ایران بنامیه طبرستان استیلاء یافت و سلطنت تأسیس کرد که تا چند پشت داشت و پیش از اطروش نیز مسن بن زید علوی سالها در طبرستان ادامه (سلطنت کرده بود 93)

در این قرن فاطمیین که اسماعیلی بودند بمصر دست یافتند و سلطنت تشکیل دادند (94) بسیار اتفاق میافتاد که در (296-527) دامنه داری بصره و نیشابور کشمکش وزد و خورد و شهرهای بزرگ مانند بغداد و برخی از آنها شیعه غلبه مهاجمه هائی میان شیعه و سنی در میگرفت و در . میکرد و از پیش میبرد

شیعه در قرن نهم هجری - 13

از قرن پنجم تا اواخر قرن نهم شیعه بهمان افزایش که در قرن چهارم
میداد و پادشاهانی نیز که مذهب شیعه داشتند بوجد آمده داشت ادامه
. از تشیع ترویج مینمودند

در اواخر قرن پنجم هجری دعوت اسماعیلیه در قلاع الموت ریشه انداخت و
نزدیک بیک قرن و نیم در وسط ایران در حال استقلال کامل اسماعیلیه
در مازندران سالهای متمادی سلطنت میزیستند (95) و سادات مرعشی
پادشاهان شاه فدابنده از کردند (96) شیعه را اختیار کرد و اعقاب او از
و از پادشاهان مغول مذهب مغول سالیان دراز در ایران سلطنت کردند
تشیع ترویج میکردند و همچنین سلاطین آق قویونلو و قره قویونلو که در
مکومت میکردند (97) و دامنه حکمرانیشان تا فارس و کرمان تبریز
فاطمیین نیز سالیان دراز در مصر برپا بود کشیده میشد و همچنین حکومت
.

البته قدرت مذهبی جماعت با پادشاهان وقت تفاوت میکرد چنانکه پس از
بساط فاطمیین و روی کار آمدن سلاطین آل ایوب صفه برپیده شدن
مذهبی را بکلی از دست دادند و برگشت و شیعه مصر و شامات ، آزادی
جمله شهید اول جمع کثیری از تشیع از ده شمشیر گذشتند (98) و از آن

محمد بن محمد مکی ، یکی از نوابغ فقه شیعه سال 786 هجری در دمشق تشیع کشته شد (99) و همچنین شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی بجرم رسید (100) روی هم رفته در این پنج قرن شیعه در ملب بجرم فلسفه قتل و آزادی مذهبی تابع موافقت از جهت جمعیت در افزایش و از جهت قدرت تشیع در یکی و مخالفت سلاطین وقت بوده اند و هرگز در این مدت مذهب . از کشورهای اسلامی ، مذهب رسمی اعلام نشده بود .

شیعه در قرن 10-11 هجری - 14

سال 906 هجری جوان سیزده ساله ای از خانواده شیخ صفی اردبیلی متوفای از مشایخ طریقت در شیعه بود با سیصد نفر درویش از 735 هجری که کشور مستقل و مقتدر شیعه از اردبیل مریدان پدرانیش بمنظور ایجاد یک ملوک الطوایفی ایران قیام کرده شروع بکشور گشائی و برانداختن آئین نمود و پس از جنگهای خونین که با پادشاهان مملی و مخصوصا با پادشاهان آل عثمان که زمام امپراطوری عثمانی را در دست داشتند ، قطعه قطعه را بشکل یک کشور درآورده و مذهب موفق شدند که ایران پس از درگذشت شاه (101) شیعه را در قلمرو حکومت خود رسمیت دهد دوازدهم اسماعیل صفوی پادشاهان دیگری از سلسله صفوی تا اواسط قرن

هجری سلطنت کردند و یکی پس از دیگری رسمیت مذهب شیعه امامیه را

تثبیت نمودند متی در زمانی که در اوج قدرت بودند (زمان شاه تآ یید و

وسعت ارضی کشور و آمار جمعیت را به بیش از دو عباس کبیر) توانستند

هشتاد و چهار هجری قمری) برسانند برابر ایران کنونی (سال هزار و سیصد و

سایر نقاط کشورهای (102) گروه شیعه در این دو قرن و نیم تقریباً در

. اسلامی بهمان حال سابق با افزایش طبیعی خود باقی بوده است

شیعه در قرن 12-14 هجری - 15

در سه قرن اخیر پیشرفت مذهبی شیعه بهمان شکل طبیعی سابقش بوده

اواخر قرن چهاردهم هجری است تشیع در ایران مذهب است و فعلاً

در یمن و در عراق اکثریت رسمی عمومی شناخته میشود و همچنین

جهان جمعیت را تشکیل میدهد و در همه ممالک مسلمان نشین

کم و بیش شیعه وجود دارد و روی هم رفته در کشورهای مختلف جهان

. میلیون شیعه زندگی میکند نزدیک بصد

انشعابات شیعه

. اصل انشعاب و انقراض برخی از شعب - 1

زیدیه - 2

اسماعیلیه و انشعابات شان - 3

نزاریه و مستعلیه و دروزیه و مقنعه - 4

شیعه دوازده امامی و فرقتشان با زیدیه و اسماعیلیه - 5

. اشاره به تاریخچه شیعه دوازده امامی - 6

اصل انشعاب - 1

هر مذهبی یک رشته مسائلی (کم یا زیاد) دارد که اصول اولیه آن مذهب

میدهد و مسائلی دیگر که در درجه دوم واقعند و ائتلاف اهل را تشکیل

وقوع آنها با حفظ اصل مشترک انشعاب مذهب در پیکونگی مسائل اصلی

چهار دین آسمانی ، نامیده میشود . انشعاب در همه مذاهب و فاصه در

. کلیمی و مسیمی و مجوسی و اسلام و حتی در شعب آنها نیز وجود دارد

مذهب شیعه در زمان سه پیشوای اول از پیشوایان اهل بیت (حضرت امیر

حسن بن علی و حسین بن علی علیهم السلام) هیچگونه المؤمنین علی و

امام سوم اکثریت شیعه بامامت انشعابی نپذیرفت ولی پس از شهادت

کیسانیه پسر حضرت علی بن حسین سجاد قائل شدند و اقلیتی معروف به

سوم علی (ع) محمد بن منفیه را امام دانستند و معتقد شدند که محمد

منفیه پیشوای چهارم و همان مهدی موعود است که در کوه رضوی بن

فواهد شد. پس از رحلت امام سجاد (ع) اکثریت غایب شده و روزی ظاهر

معتقد شدند و اقلیتی به زید (شیعه با امامت فرزند امام محمد باقر (ع

. موسوم شدند شهید که پسر دیگر امام سجاد بود گرویدند و به زیدیه

پس از رحلت امام محمد باقر شیعیان وی بفرزندش امام جعفر صادق (ع)

و پس از درگذشت آن حضرت، اکثریت فرزندش امام موسی ایمان آوردند

و جمعی اسماعیل پسر بزرگ امام ششم کاظم (ع) را امام هفتم دانستند

امام گرفتند و از اکثریت را که در مال میات پدر بزرگوار خود درگذشته بود

آن شیعه جدا شده بنام اسماعیلیه معروف شدند و بعضی پسر دیگر

حضرت عبدالله افطع و بعضی فرزند دیگرش محمد را پیشوا گرفتند و بعضی

حضرت توقف کرده آفرین امامش پنداشتند. پس از شهادت در خود آن

فرزندش امام رضا (ع) را امام امام موسی کاظم (ع) اکثریت شیعه

. واقفیه معروفند هشتم دانستند و برخی در امام هفتم توقف کردند که به

دیگر پس از امام هشتم تا امام دوازدهم که پیش اکثریت شیعه مهدی

قابل توجهی بوجود نیامده و اگر وقایعی نیز در شکل موعود است انشعاب

نیائیده و خود بخود منحل شده است انشعاب پیش آمده چندروز پیش

فود (امام یازدهم) مانند اینکه جعفر فرزند امام دهم پس از رحلت برادر

و دعوی امامت کرد و گروهی بوی گرویدند ولی پس از روزی متفرق شدند

جعفر نیز دعوی فود را تعقیب نکرد و همچنین اختلافات دیگری در میان

علمی کلامی و فقهی وجود دارد که آنها را انشعاب مسائل رجال شیعه در

. مذهبی نباید شمرد

فرقه های نامبرده که منشعب شده و در برابر اکثریت شیعه قرار گرفته اند

زمانی منقرض شدند جز دو فرقه زیدیه و اسماعیلیه که پایدار در اندک

گروهی از ایشان در مناطق مختلف زمین مانند یمن مانده اند و هم اکنون

میکنند. از این روی تنها بذکر این دو طائفه و هند و لبنان و جاهای دیگر زندگی

. اکتفا میشود با اکثریت شیعه که دوازده امامی میباشند

شیعه زیدیه - 2

زیدیه پیروان زید شهید فرزند امام سجاد میباشند. زید در سال 121 هجری

اموی هشام ابن عبدالملک قیام کرد و گروهی بیعتش کردند و در برفلیفه

او و کسان فلیفه درگرفت کشته شد. وی پیش جنگی که درشهر کوفه میان

شمرده میشود و پس از وی پیروان فود امام پنجم از امامان اهل بیت

کرده و کشته فرزندش یمیی بن زید که بر فلیفه اموی ولید بن یزید قیام

شد، بجای وی نشست و پس از وی محمد بن عبدالله و ابراهیم بن عبدالله بر خلیفه عباسی منصور دوانقی شوریده و کشته گردیدند، برای امامت که برگزیده شدند.

پس از آن تا زمانی امور زیدیه غیر منظم بود تا ناصر اطروش که از اعقاب بود در فراسان ظهور کرد و در اثر تحقیر حکومت ممل از آنجا فرار برادرزید که هنوز اهالی آن اسلام را نپذیرفته بودند رفت و پس کرده بسوی مازندران مسلمان کرده بمذهب زیدیه درآورد از سیزده سال دعوت جمع کثیری را بامامت پرداخت و سپس بدستگیری آنان نامیه طبرستان را مسخر ساخته و پس از وی اعقاب او تا مدتی در آن سامان امامت کردند.

بعقیده زیدیه هر فاطمی نژاد، عالم زاهد شجاع، سنی که بعنوان قیام میتواند امام باشد. زیدیه در ابتداء مال، مانند خود زیدیه دو بمق فروج کند ابوبکر و عمر (جزو ائمه میشمردند ولی پس از چندی جمعی) خلیفه اول را فهرست ائمه برداشتند از علی علیه السلام شروع از ایشان نام دو خلیفه را از در اصول اسلام مذاق معتزله و در فروج کردند. چهاربنا بآنچه گفته اند زیدیه دارند. ائتلافات مختصری، فقه ایمنیفه رئیس یکی از مذهب اهل سنت را (نیز در پاره ای از مسائل در میانشان هست) 103

شیعه اسماعیلیه و انشعاباتشان - 3

باطنیه : امام ششم شیعه فرزند پسرى داشت بناه اسماعیل (104) كه

فرزندانش بود و در زمان میات پدر وفات نمود و آن حضرت بمرگ بزرگترین

هاكم مدینه را نیز شاهد گرفت در این باره اسماعیل استشهاد كرد متی

غیبت اختیار كرده است و جمعی معتقد بودند كه اسماعیل نمرده بلکه

ششم دوباره ظهور میکند و همان مهدی موعود است و استشهاد امام

بمرگ او يك نوع تعمید بوده كه از ترس منصور فلیفه عباسی بعمل آورده

معتقد شدند كه امامت حق اسماعیل بود و با مرگ او به است و جمعی

معتقد شدند اسماعیل با اینکه در حال پسرش محمد منتقل شد و جمعی

اسماعیل در محمد بن میات پدر درگذشته امام میباشد و امامت پس از

شدند اسماعیل و اعقاب او است . دو فرقه اولی پس از اندك زمانی منقرض

. ولی فرقه سوم تاکنون باقی هستند و انشعاباتی نیز پیدا كرده اند

اسماعیلیه بطوركلی فلسفه ای دارند شبیه بفسفه ستاره پرستان كه با

آمیخته میباشد و در معارف و احكام اسلام برای هر ظاهری عرفان هندی

ویلی قائلند اسماعیلیه معتقدند كه زمین هرگز باطنی و برای هر تنزلی تا

گونه است ناطق و صامت , ناطق خالی از حجت نمیشود و حجت فدابر دو

در هر حال پیغمبر و صامت ولی و امام است که وصی پیغمبر میباشد و

. محبت مظهر تمام ربوبیت است

اساس محبت پیوسته روی عدد هفت میچرخد باین ترتیب که یک نبی

نبوت (شریعت) و ولایت است و پس از وی هفت مبعوث میشود که دارای

مقام میباشند جز اینکه وصی وصی دارای وصایت بوده و همگی دارای یک

. هفتمین دارای نبوت نیز هست و سه مقام دارد

. نبوت و وصایت و ولایت

باز پس از وی هفت وصی که هفتمین دارای سه مقام میباشد و بهمین

. ترتیب

میگویند : آدم علیه السلام مبعوث شد با نبوت و ولایت , و هفت وصی

آنان نوع و دارای نبوت و وصایت و ولایت بود و ابراهیم داشت که هفتمین

وصی هفتمین ابراهیم و عیسی وصی (ع) و وصی هفتمین نوع و موسی

اسماعیل هفتمین موسی و محمد (ص) و وصی هفتمین عیسی و محمد بن

وصی هفتمین محمد (ص) باین ترتیب محمد (ص) و علی و مسین و علی

سجاد و محمد باقر و جعفر صادق و اسماعیل و محمد بن بن مسین

علی (امام نمیدانند) و پس از اسماعیل (امام دوم حضرت مسن بن

که نام ایشان محمد بن اسماعیل هفت نفر از اعقاب محمد بن اسماعیل

پوشیده و مستور است و پس از هفت نفر از اعقاب محمد بن فاطمین

اولشان عیدالله مهدی بینان گذار سلطنت فاطمین مصر میباشد مصر که

.

اسماعیلیه معتقدند که علاوه بر محبت فدا ، پیوسته در روی زمین دوازده نفر

موریین و خواص مجتاند وجود دارد ولی بعضی از شعب (دروزیه) نقیب که

. نقباء را از ائمه میگیرند و شش نفر از دیگران باطنیه شش نفر از

در سال 278 هجری (چند سال قبل از ظهور عیدالله مهدی در آفریقا)

ناشناسی که هرگز نام و نشان خود را اظهار نمیکرد در شخصی فوزستانی

روزها را روزه میگرفت و شبها را موالی کوفه پیدا شد شفص نامبرده

مردم را بمذهب بعبادت میگذرانید و از دسترنج خود ارتزاق میکرد و

دوازده اسماعیلیه دعوت نمود بدینوسیله مردم انبوهی را بفود گروانید و

نفر بناه نقباء از میان پیروان فودانتخاب کرد و فودعزیمت شام کرده از

. بیرون رفت و دیگر از او خبری نشد کوفه

پس از مرد ناشناس ، احمد معروف بقرمط در عراق بجای وی نشست و

منتشر ساخت و چنانکه مورفین میگویند او نماز تازه تعلیمات باطنیه را

اسلام گذاشت و غسل جنابت را لغو و فمرد را ای را به جای نمازهای پنجگانه

از باطنیه بدعت قیام کرده ابامه کرد و مقارن این اموال سران دیگری

. گروهی از مردم را بدور خود گرد آوردند

اینان برای جان و مال کسانی که از باطنیه کنار بروند هیچگونه امتزای

نبودند و از این روی در شهرهائی از عراق و بحرین و یمن و شامات قائل

فون مردم را میریفتند و مالشان را بیخما میبردند و نهضت راه انداخته

هزار نفر از مهاج را کشتند و زاد و رامله شان بارها راه قافله حج را زده ده ها

. را بیخما بردند

ابو طاهر قرمطی یکی از سران باطنیه که در سال 311 بصره را مسخر ساخته

و تاراج اموال مردم فرو گذاری نکرد و در سال 317 با گروه و ازکشتار

حج عازم مکه گردید و پس از درهم شکستن انبوهی از باطنیه در موسم

مردم شهر و مهاج تازه وارد مقاومت مختصر دولتیان، وارد شهر مکه شد و

روان سافت را قتل عام نمود و متی در مسجد مراه و داخل کعبه جوی فون

پیراهن کعبه را در میان یاران خود قسمت نمود و در کعبه را کند و مگر

الاسود را از جای خود درآورده بیمن برد که مدت بیست و دو سال پیش

. قرامطه بود

در اثر این اعمال بود که عامه مسلمین از باطنیه برائت کرده آنان را خارج

اسلام شمردند و متی عیدالله مهدی پادشاه فاطمی که آن روزها در از آئین

خود را مهدی موعود و امام اسماعیلیه معرفی میکرد ، از افریقا طلوع کرده

. قرامطه بیزاری جست .

طبق اظهار مورفین ، مشخص مذهبی باطنیه این است که امکان و مقررات

بمقامات باطنی عرفانی تاویل میکنند و ظاهر شریعت را ظاهری اسلام را

از کمال معنوی بی بهره بوده اند با مخصوص کسانی میدانند که کم فرد و

. صادر میشود این وصف گاهی برقی از مقررات از مقام امامتشان

نزاریه و مستعلیه و دروزیه و مقنعه - 4

عیدالله مهدی که سال 296 هجری قمری در افریقا طلوع کرد بطریق

خود دعوت کرد و سلطنت فاطمی را تا سیس نمود اسماعیلیه بامامت

داده تا هفت پشت بدون پس از وی اعقابش مصر را دارالفلافه قرار

انشعاب سلطنت و امامت اسماعیلیه را داشتند پس از هفتمین که

مستنصر بالله سعد بن علی بود دو فرزند وی نزار و مستعلی سر خلافت و

کردند و پس از کشمکش بسیار و جنگهای فونین مستعلی امامت منازعه

. دستگیر نموده زندانی سافت تا مرد غالب شد و برادر خود نزار را

در اثر این کشمکش پیروان فاطمیین دو دسته شدند نزاریه و مستعلیه
مسن صباح میباشند که از مقربان مستنصر بود و پس از نزاریه گروندگان
مینمود ، بمکه مستعلی از مصر افراج مستنصر , برای طرفداری که از نزار
توابع قزوین سر درآورد شد وی بایران آمده پس از چندی از قلعه الموت از
پرداخت در قلعه الموت و چند قلعه دیگر مجاور را تسخیر کردو بسطنت
آغاز کار بنزار دعوت کرد و پس از مرگ مسن سال 518 هجری قمری بزرگ
رود باری و پس از وی فرزندش کیا محمد بشیوه و آئین مسن صباح امید
فرزندش مسن علی ذکره السلام پادشاه چهارم سلطنت کردند و پس از وی
برگردانیده به باطنیه پیوست . تا الموتی روش مسن صباح را که نزاری بود
اسماعیلیه را فتح نمود و همه هلاکو خان مغول بایران حمله کرد , وی قلاع
نیز با فاک یکسان اسماعیلیان را از دم شمشیر گذرانید بنای قلعه ها را
بود سافت و پس از آن در سال 1255 هجری آقا خان مملاتی که از نزاریه
در ایران بمحمد شاه قاجار یاغی شد و در قیامی که در نامیه کرمان نمود
فورده به بمبئی قرار کرد و دعوت باطنی نزاری را بامامت خود شکست
تاکنون باقی است و نزاریه فعلا آقازانیه نامیده منتشر سافت و دعوتشان
میشوند .

مستعلیه - پیروان مستعلی فاطمی بودند که امامتشان در خلفاء فاطمین

تا در سال 557 هجری قمری منقرض شدند و پس از چندی مصر باقی ماند

. کدرند و تاکنون نیز میباشند فرقه بهره در هند بهمان مذهب ظهور

دروزیه - طائفه دروزیه که در جبال دروز شامات ساکنند در آغاز کار پیروان

فاطمیین مصر بودند تا در ایام خلیفه ششم فاطمی دعوت نشتگین خلفاء

دروزیه در الماکه بالله که باعتقاد دیگران کشته دروزی بباطنیه مالمق شدند

کرده و به آسمان بالا رفته و دوباره شده متوقف گشته میگویند وی غیبت

. بمیان مردم فواهد برگشت

طبق اظهار مقنعه - در آغاز پیروان عطاء مروی معروف به مقنعه بودند که

اتباع ابو مسلم فراسانی بوده است و پس از ابو مسلم مدعی مورفین از

ملول نموده است و پس از چندی دعوی شد که روح ابومسلم در وی

در قلعه کیش 163 پیغمبری و سپس دعوی فدائی کرد و سرانجام در سال

یقین از بلاد ماوراء النهر بمحاصره افتاد و چون بدستگیری و کشته شدن خود

نمود آتش روشن کرده با چند تن از پیروان خود داخل آتش شده و سوخت

مقنعه پس از چندی مذهب اسماعیلیه را اختیار کرده و بفرقه پیروان عطاء

. باطنیه مالمق شدند

شیعه دوازده امامی و فرق ایشان با زیدیه و اسماعیلیه

اکثریت شیعه که اقلیت های نامبرده از آن منشعب و جدا شده اند شیعه

ودوازده امامی نامیده میشوند و چنانکه گفتیم در آغاز پیدایش امامیه

در دو مسئله اساسی از مسائل اسلامی پیدا شده بعنوان انتقاد و اعتراض

پیغمبر اکرم (ص) در میان مسلمین اند بیآنکه در آئینی که طبق تعلیم

مکومت اسلامی و محاصر آنحضرت بود سخنی داشته باشند و آن دو مسئله

. مرجعیت علمی بود که شیعه آن را حق اختصاصی اهل بیت میدانستند

شیعه میگفتند : خلافت اسلامی که البته ولایت باطنی و پیشوائی معنوی

آن است از آن علی و اولاد علی علیه السلام است که بموجب لازم لاینفک

و سایر ائمه اهل بیت ، دوازده تن میباشند (تصریح خود پیغمبر اکرم (ص)

و قوانین شریعت میباشند و میگفتند : تعلیمات ظاهری قرآن که امکا

و اعتبارند و در عین حال که بمیات معنوی کامل نیز مشتملند دارای اصالت

باید تا قیامت فسخ بردار نیستند و این امکا و قوانین را از راه اهل بیت

بدست آورد و بس . و از اینجا روشن میشود که : فرق کلی میان شیعه

شیعه زیدی این است که شیعه زیدی غالباً امامت را دوازده امامی و

را بدوازده منمصر نمیبیند و از فقه مختص به اهل بیت نمیداند و عدد ائمه

و فرق کلی میان . اهل بیت پیروی نمیکنند بر خلاف شیعه دوازده امامی

شیعه دوازده امامی و شیعه اسماعیلی نیز این است که اسماعیلیه

معتقدند که امامت بدور هفت گردش میکند و نبوت در حضرت محمد (ص)

تغییر و تبدیل در امکام شریعت بلکه ارتفاع اصل (فتم نشده است و

بر خلاف شیعه دوازده امامی که تکلیف خاصه بقول باطنیه مانع ندارد

دوازده وصی و حضرت محمد (ص) را فاطمه الانبیاء میدانند و برای وی

جانشین قائلند و ظاهر شریعت را معتبر غیر قابل نسخ میبیند و برای قرآن

. کریم هم ظاهر و هم باطن اثبات میکنند

: فاطمه فصل

دو طائفه شیخیه و کریمخانیه که در دو قرن اخیر در میان شیعه دوازده

شده اند نظر باینکه اختلافشان با دیگران در توجیه پاره ای از امامی پیدا

اثبات و نفی اصل مسائل , جدائی ایشان را مسائل نظری است نه در

از شیعه 12 امامی که غلاة انشعاب نشمردیم . و همچنین فرقه علی الهی

باطن قائلند از نیز نامیده میشوند و مانند باطنیه شیعه اسماعیلی تنها

. این روی که هیچگونه منطق منظمی ندارند بمساب نیاوردیم

فلاصه تاریخچه شیعه دوازده امامی

چنانکه در فصول گذشته روشن شد اکثریت شیعه همان شیعه دوازده
عده از دوستان و هواداران علی علیه السلام بودند که امامی بودند و همان
برای امیاء مقوق اهل بیت ، در فصوص (پس از رحلت پیغمبر اکرم) ص
و از اکثریت مردم جدا فلافت و مرجعیت علیمی بانتقاد و اعتراض پرداختند
شدند .

شیعه در زمان خلفاء راشدین (11 - 35 ه قمری) پیوسته زیر فشار قرار
از آن در مدت فلافت بنیامیه (40 - 132) هر گونه امن و داشتند و پس
برداشته شده بود ولی هر چه فشار ستم و مصونیت از جان و مالشان
استوارتر میگشتند و بیدادگری برایشان بیشتر میشد ، در عقیده خود
آن مخصوصا از مظلومیت خود در پیشرفت عقیده بیشتر بهره میبردند و از
پس در اواسط قرن دوم که خلفاء عباسی زمام حکومت اسلامی را بدست
فتوری که در این میان پیدا شد نفسی تازه کرد ولی با گرفتند ، شیعه از
شد تا اواخر قرن سوم هجری که روز بروز مهلت کمی باز عرصه برایشان تنگ
تنگتر میشد .

در اوایل قرن چهارم که سلاطین با نفوذ آل بویه که شیعه بودند روی کار
قدرتی کسب کرد و تا مدود زیادی آزادی عمل یافت و به آمدند شیعه

پنجم جریان کار بهمین ترتیب بود و در مبارزه علنی پرداخت و تا آخر قرن
گرفتاریهای عمومی و هم اوایل قرن ششم که ممله مغول آغاز شد در اثر
بعالم در اثر ادامه یافتن جنگهای صلیبی حکومتهای اسلامی چندان فشار
تشیع وارد نمیساختند و مخصوصاً شیعه شدن جمعی از سلاطین مغول در
حکومت سلاطین مرعشی در مازندران در قدرت و وسعت جمعیت ایران ، و
گوشه از ممالک اسلامی و فاصه در ایران شیعه کمک بسزائی نمود و در هر
وضع تا اواخر قرن نهم تراکم میلیونها نفر شیعه را محسوس ساخت و این
سلطنت هجری ادامه داشت و از مدود افتتاح قرن دهم هجری در اثر ظهور
صفویه در ایران پهناور آن روز ، مذهب شیعه رسمیت یافت و تاکنون که
قرن 14 هجری میباشد برسمیت خود باقی است و بعلاوه در همه نقاط اواخر
. شیعه زندگی میکنند جهان ده ها میلیون

بخش دوم : تفکر مذهبی شیعه

معنی تفکر مذهبی - 1

مأخذ اساسی تفکر مذهبی در اسلام - 2

راه و روشهایی که اسلام برای تفکر مذهبی نشان میدهد - 3

تفاوت در میان این سه طریق - 4

طریق اول ظواهر دینی , اقسام ظواهر دینی , قرآن و حدیث پیغمبر - 5

بیت اکرم و اهل

حدیث صحابه - 6

بحث مجدد در کتاب و سنت - 7

ظاهر و باطن قرآن - 8

تأویل قرآن - 9

تتمه بحث در حدیث - 10

روش شیعه در عمل بحدیث - 11

تعلیم و تعلیم عمومی در اسلام - 12

: شیعه و علوم نقلیه - 13

معنی تفکر مذهبی - 1

تفکر مذهبی تفکر بحث و کنجکاو را میگوئیم که ماده ای از مواد مذهبی

تعلیم آن مذهب است نتیجه بدهد چنانکه تفکر ریاضی مثلاً تفکری را در

ریاضی را نتیجه بدهد یا یک مسئله ریاضی را حل کند میگویند که یک نظریه

.

مأخذ اساسی تفکر مذهبی در اسلام - 2

البته تفکر مذهبی نیز مانند سایر تفکرات ، مأخذی می‌خواهد که مواد فکری

سرچشمه بگیرد و بآن تکیه بزند چنانچه در تفکر برای حل یک مسئله از آن

معلومات ریاضی را باید استفاده نمود که بالاخره ریاضی یک رشته

مأخذی که دین آسمانی اسلام (از بعملیات فن مربوط منتهی شود . یگانه

همانا قرآن کریم است آن جهت که بومی آسمان میرسد) بآن اتکاء دارد

که مدرک قطعی نبوت همگانی و همیشگی پیغمبر اکرم (ص) است و

محتویات آن دعوت اسلامی میباشد البته تنها مأخذ بودن قرآن کریم

تفکر صحیح و مجتہای دیگر را الغاء نمیکند چنانکه مأخذ و مصادر دیگر

. خواهیم گفت

راهائی که قرآن کریم برای تفکر مذهبی نشان میدهد سه طریق است - 3

قرآن کریم در تعلیمات خود برای رسیدن و درک نمودن مقاصد دینی و

راه در دسترس پیروان خود قرار داده ، بایشان نشان معارف اسلامی سه

. درک معنوی از راه اخلاص بنده گی میدهد . ظواهر دینی و محبت عقلی و

توضیح اینکه ما میبینیم قرآن کریم در بیانات خود همه مردم را طرف

گاهی بیاینکه مجتی بگفته خود اقامه کند بلکه بمجرد اتکاء قطاب قرار داده

بپذیرفتن اصول اعتقادی مانند توحید و نبوت و بفرمانروائی خدائی خود

غیر آنها امر میکند و در برقی از معاد و امکام عملی مانند نماز و روزه و

نمیداد هرگز از مردم اعمال نهی مینماید و اگر این بیانات لفظی را محبت

اینگونه پذیرش و فرمان برداری آنها را نمیخواست پس ناگزیر باید گفت

. بیانات ساده قرآن راهی است برای فهم مقاصد دینی و معارف اسلامی

ما این بیانات لفظی را مانند (آمنوا بالله و رسوله) و (اقموا الصلاة)

دینی مینامیم . و از سوی دیگر میبینیم قرآن کریم در آیات بسیاری ظواهر

میکند و مردم را به تفکر و تعقل و تدبر در آیات بسوی محبت عقلی رهبری

در موارد امقاق مقایق باستدلال آفاق و انفس دعوت میفرماید و خود نیز

و معرفت برهانی را برای عقلی آزاد میپردازد و مقا هیچ کتاب آسمانی علم

. انسان مانند قرآن کریم نمیشناسد

قرآن کریم با این بیانات اعتبار محبت عقلی و استدلال برهانی آزاد را مسلم

یعنی نمیگوید که اول مقانیت معارف اسلامی را بپذیرید سپس میثمارد

معارف نامبرده را از آنها استنتاج کنید بلکه با بامتجاج عقلی پرداخته

بامتجاج عقلی پرداخته مقانیت : اعتماد کامل بواقعیت خود میگوید

از دعوت اسلامی معارف نامبرده را از آن دریابید و بپذیرید و سفنانی که

میشنوید تصدیق آنها را از آفرینش جهان که گواهی است راستگوی بپرسید

بشنوید و بلاخره تصدیق و ایمان را از نتیجه دلیل بدست آورید و

نه اینکه اول ایمان بیاورید و بعد بقیدمطابقت آن دلیل اقامه کنید پس

نیز راهی است که رسائی آن را قرآن کریم تصدیق مینماید ، و تفکر فلسفی

کریم با بیانی جالب روشن میسازد که همه از سوی دیگر میبینیم قرآن

سرچشمه میگیرد و استنتاج معارف حقیقیه از تومید و خدا شناسی واقعی

از هر جای میشود و کمال خدا شناسی از آن کسانی است که خداوند آنان را

. جمع آوری کرده و برای خود اختصاص داده است

آنان هستند که خود را از همه کنار کشیده و همه چیز را فراموش کرده اند و

افلاص و بندگی همه قوای خود را متوجه عالم بالا ساخته دیده بنور در اثر

ساخته اند و با چشم واقع بین مقایق اشیاء و ملکوت پروردگار پاک روشن

اثر افلاص و بندگی بیقین رسیده اند و در آسمان و زمین را دیده اند زیرا در

جاودانی جهان ابدیت برایشان اثر یقین ملکوت آسمان و زمین و زندگی

. مکشوف شده است

با توجه در آیات کریمه ذیل این مدعی کاملا روشن میشود : (و ما ارسلنا

من رسول الا نومی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون) (105) انبیاء من قبلک

میفرماید - (سبحان الله عما يصفون الا عباد الله المخلصين) آیه 25 و

آیه 159 و میفرماید (قل انما بشر مثلکم یومی الی (106) سوره صافات

یرجوا لقاء ربہ فلیعمل عملا صالحا و لا انما الہکم الہ واحد فمن کان

و میفرماید (و اعبد (107) یشرک بعبادۃ ربہ امدا) سوره کھف آیه 110

میفرماید (بک متی یا تیک الیقین) سوره حجر آیه 99 (108) و

و کذلک نری ابراہیم ملکوت السماوات و الارض و لیكون من الموقنین) (

آیه 75 (109) و میفرماید (کلا ان کتاب الابرار لفی علیین و سوره انعام

کتاب مرقوم , یشہدہ المقربون) (110) سوره , ما ادریک ما علیون

علم الیقین لترون الجمیم) مطففین آیه 21 و میفرماید (کلا لو تعلمون

الہیہ همان سوره تکاثر آیه 5 (111) پس یکی از راههای درک معارف

. تهذیب نفس و اخلاص در بندگی است .

تفاوت در میان سه طریق نامبرده - 4

با بیان گذشته روشن شد که قرآن کریم برای درک معارف دینی سه راه

ظواهر دینی و عقل و اخلاص در بندگی که موجب انکشاف نشان داده است

ولی باید دانست که این سه طریق از مقایق و مشاهده باطنی آنها است

. چند جهت با هم تفاوت دارند .

اولا - ظواهر دینی چون بیاناتی هستند لفظی و بساده ترین زبانی القاء شده

دردسترس مردم قرار دارند و هر کس باندازه ظرفیت فهم خود از آنها , اند

میشود بخلاف دو طریق دیگر که اختصاص بگروه خاصی (بهره مند) 112

. داشته همگانی نمیباشند

ثانیا - طریق ظواهر دینی راهی است که با پیمودن آن میتوان باصول و

اسلامی پی برده و مواردی اعتقادی و عملی دعوت (اصول فروع معارف

بخلاف دو طریق دیگر زیرا اگر چه از راه عقل معارف و افلاق) را بدست آورد

مسائل عملی (فروع دین) را میتوان مسائل اعتقادی و اخلاقی و کلیات

آنها در دسترس بدست آورد ولی جزئیات احکام نظر باینکه مصالح فصوصی

عقل قرار ندارند از شعاع عمل آن خارجند و همچنین راه تهذیب نفس چون

نتیجه آن انکشاف مقایق میباشدو آن علمی است

فدادادی نمیتوان نسبت به نتیجه آن و مقایقی که با این موهبت فدائی

میشوند , تمدیدی قائل شد یا اندازه ای گرفت اینان مکشوف و مشهود

چیز را جز فدا فراموش کرده اند تمت چون از همه جا بریده اند و همه

میخواهد (نه آنچه ولایت و سرپرستی مستقیم فدا میباشند و آنچه را

. خودشان میخواهند) برایشان مهشود میشود

طریق اولی - ظواهر دینی ، اقسام ظواهر دینی - 5

چنانچه گذشت قرآن کریم که ما فذ اساسی تفکر مذهبی اسلام است

برابر شنوندگان خود مجیت و اعتبار داده است و همان بظواهر الفاظ خود در

ص (را تالی بیان قرآن قرار میدهد و) ظواهر آیات ، بیان پیغمبر اکرم

انزلنا علیک الذکرلتیین للناس مانند آن مجت میسازد چنانکه میفرماید (و

بعث فی الامیین ما نزل الیه) سوره نمل آیه 44 و میفرماید (هو الذی

(رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و المکمۀ

سوره جمعه آیه 2 و میفرماید (لقد کان لکم فی رسول الله اسوۀ مسنۀ)

پر روشن استکه اگر گفتار و رفتار پیغمبر اکرم و حتی 21 سوره امزاب آیه

مانند قرآن مجت نبود آیات مذکوره ، سکوت و امضاء آن مضرت برای ما

برای کسانی که از آن (مفهوم درستی نداشت پس بیان پیغمبر اکرم) ص

الاتباع مضرت میشوند یا با نقل قابل اعتماد نقل میشود مجت و لازم

است و همچنین (113) با تواتر قطعی از آن مضرت رسیده است که بیان

مانند بیان خودش میباشد و بموجب این مدیث و اهادیث اهل بیت وی

بیان پیغمبر اکرم (ص) میباشد و نبوی قطعی دیگر بیان اهل بیت تالی

معارف و امکام اهل بیت در اسلام سمت مرجعیت علمی داشته در بیان

و اسلام هرگز فطء نمیکند و بیان شان بطریق مشافهه یا نقل قابل اعتماد .
مجت است .

از این بیان روشن میشود که ظواهر دینی که در تفکر اسلامی مدرک و مأخذ
گونه اند کتاب و سنت و مراد از کتاب ظواهر آیات کریمه قرآنی میباشد و
مدیثی است که از پیغمبر اکرم (ص) و اهل بیت میباشد و مراد از سنت
(ع) رسیده باشد .

مدیث صما به - 6

اما اهادیثی که از صما به نقل میشود اگر متضمن قول یا فعل پیغمبر
مخالف با مدیث اهل بیت نباشد قابل قبول است و اگر اکرم (ص) باشد و
دارای حجیتی نیست و مکم صما به متضمن نظر و رأی خود صما بی باشد
با یکنفر صما بی مانند مکم سایر افراد مسلمانان است و خود صما به نیز
. معامله یکنفر مسلمان میکنند .

بمث مجدد در کتاب و سنت - 7

کتاب خدا (قرآن کریم) مأخذ اساسی هر گونه تفکر اسلامی است و
دیگر دینی را اعتبار و حجیت میدهد و از همین جهت باید اوست که مأخذ
. برای همگان قابل فهم باشد .

گذشته از این که خود قرآن کریم ، خود را نور و روشن کننده همه چیز

هم در مقام تمدی از مردم در خواست میکند که در آیات معرفی میکند و

اختلاف و تناقض وجود ندارد و اگر میتوانند آن تدبیر کرده ببینند که هیچگونه

کنند . روشن است که اگر قرآن ، کتابی مانند آن بسازند و معارضه اش

. برای همگان قابل فهم نبود اینگونه خطابات مورد نداشت

البته نباید پنداشت که این مطلب (که قرآن بخودی خود برای همه قابل

مطلب سابق که (پیغمبر اکرم (ص) و اهل بیت او در فهم است) با

قرآن کریم میباشد ، مراجع معارف اسلامی که در حقیقت مضامین

امکام و علمی هستند) منافات دارد . زیرا بخشی از معارف اسلامی که

قوانین شریعت میباشد قرآن کریم تنها کلیات آنها را متضمن است و

تفصیل آنها مانند امکام نماز و روزه و داد و ستد و سایر روشن شدن

سنت (مدیث اهل بیت) متوقف است . و عبادات و معاملات بمراجعه

مضامین و تفصیل بخشی دیگر که معارف اعتقادی و اخلاقی است اگر چه

آنها قابل فهم عموم میباشد ولی در درک معانی آنها روش اهل بیت را

باید اتفاد نمود و هر آیه قرآنی را با آیات دیگر قرآنی توضیح داد و تفسیر

برأ ی و نظر خود که از عادات و رسوم معمولی برای ما دلنشین شده کرد نه

. گردیده ایم و با آن مأ نوس

علی (ع) میفرماید: (114) برفی از قرآن با برفی دیگر بسفن درآمده

میفهماند و بعضی از آن به بعضی دیگر گواهی میدهد و معنی خود را

که برفی از قرآن برفی دیگر را (پیغمبر اکرم ص) میفرماید (115)

خود تفسیر کند تصدیق میکند و نیز میفرماید (116) هر که قرآن را برأ ی

. برای خود در آتش جایگاه میسازد

مثالی ساده برای تفسیر قرآن بقرآن: فدای تعالی در قصه عذاب قوم لوط

میفرماید برایشان باران بد، بارانیدیم (117) و در جای دیگر این در جائی

دیگر تبدیل کرده میفرماید برایشان سنگ بارانیدیم کلمه را بکلمه ای

اول روشن میشود که مراد از باران بد (118) و از انضمام آیه دوم بآیه

امادیت اهل بیت و سنگهای آسمانی است کسی که با نظر کنجکاو و در

نماید در روایاتی که از مفسرین صحابه و تابعین در دست است، (رسیدگی

تردید نمیکند که روش تفسیر قرآن بقرآن تنها روش ائمه اهل بیت (ع)

. میباشد

ظاهر و باطن قرآن - 8

چنانکه فهمیدیم قرآن کریم با بیان لفظی خود مقاصد دینی را روشن میکند

در زمینه اعتقاد و عمل بمردم میدهد ولی مقاصد قرآن تنها ودستوراتی

در پناه همین الفاظ و در باطن همین باین مرحله منمصر نیست بلکه

قرار دارد که فواص با مقاصد مرحله ای معنوی و مقاصد عمیق تر و وسیعتر

. دلهای پاک خود میتوانند بفهمند

پیغمبر اکرم (ص) که معلم فدائی قرآن است میفرماید: (119) قرآن

زیبا و فوش آیند) و باطنی عمیق دارد و نیز میفرماید: (ظاهری انیق

نیز بطن دارد تا هفت بطن و در کلمات (120) قرآن بطن دارد و بطنش

. شده است ائمه اهل بیت نیز از باطن قرآن بسیار نامبرده

ریشه اصلی این روایات مثلی است که فدای متعال در سوره (عد) (121)

فدایتعالی در این آیه افاضه های آسمانی را تشبیه فرموده آیه 17 میزند

میشود و میات زمین و اهل زمین بسته بآن ببارانی که از آسمان نازل

گوناگون هر کدام به است با آمدن باران سیل راه میافتد و مسیلهای

در جریان اندازه ظرفیت خود از آن سیل برداشته جریان پیدا میکند روی سیل

خود کفی پوشیده شده است ولی در زیر کف همان آب قرار دارد که

. بحال مردم سودمند میباشد میاتبفش و

چنانکه این مثل اشاره میکند ظرفیت افهام مردم در فرا گرفتن این معارف

میات بخش درون انسان هستند مختلف میباشد. کسانی آسمانی که

روزه این جهان گذران بپذیری اصالت هستند که جز بماده و زندگی مادی چند

محرومیتهای مادی نمیدهند و جز مشتیهیات مادی بپذیری دل نمیبندند و جز

از معارف از چیزی نمیترسند ، اینان با افتلاف مراتبی که دارند مداخلت آنچه

آسمانی بپذیرند این است که اعتقادات اجمالی را باور کنند و دستورهای

اسلام را بطور جمود اجراء مینمایند و بالاخره فدای یگانه را بامید عملی

ترس عقاب اخروی بپرستند. و کسانی هستند که در اثر ثواب اخروی یا از

بلذائذ گذران و زندگی چند روزه این صفای فطرت سعادت خود را در دلبستگی

سرا پیش ایشان جز پنداری جهان نمیبینند و سود و زیان و شیرین و تلخ این

دیروز و افسانه فریبنده نیست و یاد گذشتگان کاروان هستی که کامروایان

های امروز میباشند درس عبرتی است که پیوسته برایشان تلقین میشود

اینان طبعا با دلهای پاک خودشان متوجه جهان ابدیت میشوند و به .

جهان ناپایدار بنظر آید و نشانه نگاه میکنند و نمودهای گوناگون این

. نمیدهند هیچگونه اصالت و استقلالی بآنها

آن وقت است که از درِیچه آیات و نشانه های زمینی و آسمانی نو و

کبریای فدای پاک را با درک معنوی مشاهده میکنند و نامتناهی عظمت

رمزهای آفرینش میشوند و بجای اینکه در دل‌های پاکشان یکجا شیفته درک

نامتناهی جهان ابدیت چاله تنگ سود پرستی شفصی زندانی شوند در فضای

میشنوند که پرواز در آمده اوج میگیرند. و قتیکه از راه وی آسمانی

فدایتعالی از پرستش بتها نهی میکند و ظاهر آن مثلا نهی از سر فرود آوردن

در برابر بت است ، بسبب تجلیل از این نهی میفهمند که غیر از خدا را نباید

زیرا حقیقت اطاعت همان بندگی و سر فرود آوردن است و از اطاعت کرد

خدا نباید بیم و امید داشت و از آن بالاتر آن بالاتر میفهمند که از غیر

و از آن بالاتر میفهمند که میفهمند که بفواستهای نفس نباید تسلیم شد

میشنوند که نباید بخیر خدا توجه نمود. و همچنین قتیکه از زبان قرآن

بنماز امر میکند و ظاهر آن بجا آوردن عبادت مخصوص است ، بمسب

میفهمند که باید با دل و جان کرنش و نیایش خدا را کرد و از باطن از آن

باید در برابر حق خود را هیچ شمرد و فراموش کرد آن بالاتر میفهمند که

پیداست معانی باطنی که در دو مثال بالائی تنها با یاد خدا پرداخت . چنانکه

نیست ولی درک آنها برای یادآوری شد مدلول لفظی امر و نهی نامبرده

میدهد ، کسی که به تفکر وسیعتری پرداخته جهانبینی را بخودبینی ترجیح

. اجتناب ناپذیر میباشد .

با بیان گذشته معنی ظاهر و باطن قرآن روشن شد و نیز روشن شد که

آن را ابطال و الغاء نمیکند بلکه بمنزله رومی است که باطن قرآن ظاهر

اسلام که دینی است عمومی و ابدی و اصلاح جسم خود را میات میبفشد و

میدهد. از قوانین ظاهری خود که جامعه بشری را در درجه اول اهمیت قرار

قوانین نامبرده مصلح جامعه میباشند ، و از عقاید ساده خود که نهبان

. هستند هرگز دست بردار نیست .

چگونه ممکن است جامعه ای بدستاویر اینکه دل انسان باید پاک باشد و

نیست با هرچ و مرچ زندگی کند و بسعدت برسد ؟ و چگونه ارزش برای عمل

دلی پاک بپرواند یا از دل پاک کردار و ممکن است کردار و گفتار ناپاک

خود میفرماید (پاکان از آن گفتار ناپاک ترشح نماید ؟ فدایتعالی در کتاب

فوب نبات خود را پاکان و ناپاکان از آن ناپاکانند) و میفرماید : زمین

فوب میرویانند و زمین بد جز محصول ناپیز نمیدهد : سوره اعراف آیه 58

از بیان گذشته روشن شد که قرآن کریم ظاهر و باطن و باطنش نیز مراتب

مدیث نیز که مبین مضمون قرآن کریم است بهمان حال مختلفه دارد و

. فواهد بود

تاویل قرآن - 9

در صدر اسلام در میان اکثریت تسنن معروف بود که قرآن کریم را در جائی

باشد میتوان از ظاهرش صرف کرده بمعنی خلاف ظاهر ممل کرد و که دلیل

تأویل (نامیده میشود و آنچه در قرآن کریم) معمولاً بمعنی خلاف ظاهر

. تفسیر میگردد بنام (تأویل) ذکر شده بهمین معنی

در کتاب مذهبی جماعت و همچنین در مناظره های مذاهب مختلفه که

بسیار بپیشم میفورد که در مسئله ای که با اجماع علماء بتمریر درآمده

اگر با ظاهر آیه ای از آیات قرآنی مذهب یا دلیل دیگری ثابت میشود

ممل میکنند و گاهی مخالف باشد آیه را تأویل نموده بمعنی خلاف ظاهر

و دو طرف متخاصم برای دو قول متقابل با آیات قرآنی احتجاج مینمایند

هر کدام از دو طرف آیه طرف دیگر را تأویل میکند. این رویه کم و بیش

سرایت نموده است و در برفی از کتب کلامیشان دیده میشود. و بشیعه نیز

در آیات قرآنی و احادیث اهل بیت بدست میآید لی آنچه پس از تدبر کافی

بیان روشن و رسای خود هرگز این است که قرآن کریم در لهجه شیرین و

خودش بمردم شیو لغز و محما پیش نگرفته و مطلبی را جز با قالب لفظی

القاء نکرده است و آنچه در قرآن کریم بناه (تا ویل) ذکر شده است از

قبیل مدلول لفظ نیست

بلکه مقائق و واقعیت‌هایی است که بالاتر از درک عامه بوده که محارف

امکام عملی قرآن از آنها سرپوشیده میگیرد آری همه قرن تا اعتقادی و

مستقیما از راه تفکر قابل درک نیست و از راه لفظ ویل دارد و تا ویل آن

پیامبران و پاکان از اولیاء خدا که از آلائش‌های نیز قابل بیان نمیباشد و تنها

مشاهده آنها را بیابند آری تا ویل قرآن روز بشریت پاکند ، میتوانند از راه

. (ستافیز برای همه مکشوف خواهد شد

توضیح : بخوبی میدانیم آنچه بشر را وادار بسفنگوئی و وضع لغت و

نموده همانا نیازمندیهای اجتماعی مادی است بشر در استفاده از الفاظ

منویات و محتویات ضمیر خود را به زندگی اجتماعی خود ناگزیر است که

گوش استمداد جوید و هم‌نوعان خود بفهماند و درراه همین منظور از صدا و

میان گاهی کم و بیش از اشاره و چشم استفاده کند و از اینجاست که در

شخص گنگ و نابینا هیچگونه تفاهم برقرار نمیشود زیرا آنچه نابینا بزبان

گنگ نمیشنود و آنچه گنگ باشاره میفهماند نابینا نمیبیندو از این میگوید
نام گذاری اشیاء تا مین نیازمندی مادی منظور بوده و روی در وضع لغات و
لفظ ساخته شده که مادی و در دسترس مس برای چیزهائی و اوضاع و احوالی
مواردی که مخاطب ما یکی یا نزدیک بممسوس میباشد چنانکه میبینیم در
مس مفقود از مواس را فاقد است اگر بخواهیم از چیزهائی که از راه همان
درک میشود ، سخن بگوئیم دست بیک نوع تمثیل و تشبیه میزنیم مثلا اگر
بخواهیم بیک نابینای مادر زاد از روشنائی و رنگ ، یا به کودکی که بمد بلوغ
از لذت عمل جنسی توصیف کنیم نرسیده

مقصود خود را با نوعی از مقایسه و تشبیه و آوردن مثل مناسب تا دیه
بنابراین اگر فرض کنیم در جهان هستی واقعیهائی وجود دارد که از میکنیم
منزه است (و واقع امر هم همین است) و از گروه ماده و آرایش ماده
شمار استعداد درک و مشاهده آنها بشر در هر عصر یک یا چند تن انگشت
عادی قابل تفهیم و درک را دارند ، چنین چیزهائی از راه بیان لفظی و تفکر
، نخواهد بود و جز با تمثیل و تشبیه نمیتوان بآنها اشاره کرد

فدای متعال در کتاب خود میفرماید : ما این کتاب را از قبیل لفظ خواندنی
قرار دادیم شاید شما آن را تعقل کنید و بفهمید و تمقیقا مادر کتاب و عربی

بلند و محکم میباشد : (فهم عادی بآن نمیرسد و در آن در نزد ما است

و4و نیز میفرماید (تمقیقا این کتاب رفته نمیکند) سوره زمر آیه 3

پنهان است کسی بآن مس قرآنی است گرامی در کتابی که از انظار عادی

پیغمبر نمیکند مگر پاک شدگان) سوره واقعه آیه 79 و همچنین در حق

اکرم (ص) و اهل بیت وی میفرماید (فدای متعال میخواهد از شما اهل

. پلیدی را ببرد و شما را پاک گرداند) سوره امزاب آیه 33 بیت هرگونه

بدلالت این آیات قرآن کریم از مرمله ای سرپوشیده میگیرد که افهام مردم

بانجا و نفوذ کردن در آنجا زبون است کسی را نمیرسد که کمترین از رسیدن

باشد جز بندگان که خدا آنان را پاک گردانیده است و درکی در آنجا داشته

پاکانند. و در جای دیگر میفرماید (اینان اهل بیت پیغمبر اکرم (ص) از آن

را که بعلم او اطاعت نیافته که ایمان بقرآن نمیآورند تکذیب کردند چیزی

روز قیامت که اند و هنوز تا ویل آن برای آنها مشهود نشده است) یعنی

مقایق اشیاء بالعیان دیده میشود سوره یونس آیه 29. و باز در جای دیگر

میفرماید (روزی که تا ویل قرآن (همه قرآن) مشهود میشود کسانی که

بودند بر راستی دعوت نبوت اعتراف فوهند کرد سوره آن را فراموش کرده

. اعراف آیه 53

تتمه بحث در حدیث - 10

اعتبار اصل حدیث که قرآن کریم آن را امضاء کرده است در میان شیعه و

جای گفتگو نیست ولی در اثر تفریطی که از نامیه فرمانروایان سایر مسلمین

حدیث و افراطی که از نامیه صما به و تابعین در ترویج صدر اسلام در نگهداری

. اسف آوری گرفتار شد حدیث بعمل آمد حدیث به سرنوشت

از یکسوی خلفاء وقت از ثبت و کتابت حدیث منع مینمودند و هر چه اوراق

میآوردند میسوزانیدند و گاه از نقل حدیث منع مینمودند از حدیث بدست

دستفوش تغییر و تمریف و فراموشی و نقل این جهت بسیاری از حدیث

که افتخار درک مضمور و (گردید . و از سوی دیگر صما به پیغمبر اکرم (ص

وقت و استماع حدیث پیغمبر اکرم (ص) را داشتند و مورد امتزاج خلفاء

عموم مسلمانان بودند ، بترویج حدیث پرداختند و کار بجائی رسید که حدیث

قرآن حکومت میکرد و متی گاهی مکم آیه با حدیث فسخ میشد (122) به

که نقل یک حدیث برای استماع یک حدیث فرسنگها و بسیار اتفاق میافتاد

. مینمودند راه پیموده و رنج سفر بر خود هموار

گروهی از بیگانگان که بلباس اسلام درآمده بودندو جمعی از دشمنان

بوضع و تغییر حدیث پرداختند و حدیث را از اعتبار و وثوق خانگی اسلام

دانشمندان اسلامی بفرجه افاده دو علم انداختند (123) بهمین سبب

را از نادرست تمیز دهند. ولی رجال و درایه را وضع کردند تا حدیث درست

متن حدیث شیعه گذشته از اینکه در تنقیح سند حدیث میکوشد مطابقت

. را با قرآن در اعتبار آن لازم میداند

از طریق شیعه در اخبار زیادی (124) که سند آنها قطعی است از پیغمبر

اهل بیت رسیده است که حدیثی که مخالف قرآن کریم باشد اگر و ائمه

. معتبر شمرد که با قرآن موافقت داشته باشد ارزشی ندارد و حدیثی را باید

بموجب این اخبار شیعه با حدیثی که مخالف قرآن است عمل نمیکند و

مخالفت و موافقت آنها معلوم نیست طبق دستور (اخباری که (125

رد کند یا قبول نماید مسکوت دیگری که از ائمه اهل بیت رسیده بیاینکه

مانند گروهی از عده میگذارد - البته در شیعه نیز اشخاصی پیدا میشوند که

. اهل سنت بهر حدیثی که بدستشان رسد , عمل میکنند

روش شیعه در عمل به حدیث - 11

حدیثی که بلاواسطه از زبان خود پیغمبر اکرم (ص) یا ائمه اهل بیت (ع)

مکه قرآن کریم را دارد ولی حدیثی که با وسائط بدست ما شنیده شود

زیر است : در معارف اعتقادی که بنص میرسد عمل شیعه در آن بترتیب

که شواهد قطعی بصمت قرآن، علم و قطع لازم است بخبر متواتر یا خبری

آن در دست است عمل میشود و بخیر این دو قسم که خبر و امد نامیده

میشود، اعتباری نیست. ولی در استنباط (126) امکام شرعیه نظر باده ای

علاوه بخبر متواتر و قطعی بخبر و امد نیز که نوعاً مورد وثوق که قائم شده

متواتر و قطعی پیش شیعه مطلقاً محبت و باشد عمل میشود. پس خبر

بشرط اینکه مورد وثوق (لازم الاتباع است و خبر غیر قطعی) خبر و امد

. نوعی باشد تنها در امکام شرعیه محبت میباشد

تعلیم و تعلم عمومی در اسلام - 12

پیغمبر اکرم (ص) میفرماید تحصیل علم یکی از وظائف دینی اسلام است

برای هر مسلمانی فریضه (وظیفه واجب) میباشد و طبق (127) طلب علم

شده است مراد از این علم دانستن اصول اخباری که با شواهد قطعی تأیید

لوازم قریب آنها است و سه گانه اسلامی (تومید - نبوت - معاد) با

ابتلاء و دانستن تفصیل امکام و قوانین اسلامی است برای هر فرد باندازه

. احتیاج وی

البته روشن است که تحصیل علم باصول دین، اگرچه با دلیل اجمالی باشد

میسر و در فور توانائی است ولی تحصیل علم بتفصیل امکام و برای همه

و استنباط فنی از مدارک اصلی کتاب و سنت (قوانین دینی از راه استفاده

فور توانائی بر فی از افراد فقه استدلالی) کار همه کس نیست و تنها در

. است میباشد و در اسلام مکم طاقت فرسا (مرجی) تشریح نشده

از این روی تمصیل علم بامکام و قوانین دینی از راه دلیل بطور واجب کفائی

از افراد که توانائی و صلاحیت آنرا دارند اختصاص یافته و وظیفه بعضی

قاعده عمومی و جوب رجوع جاهل به عالم (قاعده رجوع بقیه افراد طبق

مجتهدین و فقهاء نامیده میشوند) بفره) آنستکه بافرد نامبرده (که

البته این مراجعه و (مراجعه کنند) و این مراجعه تقلید نامیده میشود

تقف ما تقلید غیر از تقلید در اصول معارف است که بنص آیه کریمه (و لا

. لیس لک به علم) ممنوع میباشد

باید دانست که شیعه تقلید ابتدائی را به مجتهد میت جایز نمیداند (128)

کسیکه مسئله را از راه اجتهاد نمیداند و طبق وظیفه دینی باید از یعنی

نمیتواند بنظر مجتهدی که زنده نیست مراجعه کند مگر مجتهد تقلید کند

ای تقلید کرده باشد و پس از مرگ اینکه در همین مسئله بمجتهد زنده

از عوامل مهمه زنده مرجع و مقلد خود بنظر وی باقی بماند این مسئله یکی

تمصیل و تر و تازه ماندن فقه اسلامی شیعه است که پیوسته افرادی در راه

اجتهاد تلاش کرده به کنجکاوای در مسائل فقهی میپردازند

لکن اهل سنت در اثر اجماعی که در قرن پنجم هجری بر لزوم اتباع مذهب

اربعه شان ، ابو حنیفه ، مالک ، شافعی احمد بن حنبل یکی از فقهاء

همچنین تقلید غیر یکی از این چهار فقیه را جایز ، نمودند اجتهاد آزاد را و

همان سطح تقریباً هزار و دویست سال نمیدانند و در نتیجه فقه شان در

منفردین از اجماع نامبرده پیش باقی مانده است و در این اواخر جمعی از

سر پیچیده باجتهاد آزاد میپردازند .

شیعه و علوم نقلیه - 13

علوم اسلامی که مرهون تدوین علماء اسلام میباشد بدو بخش عقلیه و

میشود علوم نقلیه علومی است که مسائل آنها بنقل متکی نقلیه منقسم

و نظایر آنها و علوم عقلیه غیر آنست است مانند لغت و حدیث و تاریخ

پیدایش علوم نقلیه مانند فلسفه و ریاضیات تردید نیست که عامل اصلی

تاریخ و در اسلام همانا قرآن کریم میباشد و باستثناء دو سه فن مانند

انساب و عروض عموماً فانه زاد این کتاب آسمانی هستند .

مسلمانان براهنمائی بحث و کنجکاویهای دینی بتدوین این علوم پرداختند

آنها از ادبیات عربی علم نمو، صرف، معانی، بیان، بدیع، لغت که عمده

مربوط بظواهر دینی علم قرائت، تفسیر، حدیث، رجال، میباشد و از فنون

. درایه، اصول، فقه میباشد

شیعه نیز بنوبت خود در تأسیس و تنقیح این علوم سهم بسزائی دارند بلکه

مبتکر و مبتکر بسیاری از آنها شیعه بوده است چنانکه نمو (مؤسس و

الاسود دثلی که از صحابه پیغمبر اکرم (ص) و علی دستور زبان عربی را (ابو

علی (ع) تدوین نمود و یکی از بزرگترین (ع) بود باملاء و راهنمائی حضرت

بیان و بدیع) صاحب مؤسسین (129) علوم فصاحت و بلاغت (معانی و

العین بن عباد شیعی از وزراء آل بویه بود و اولین کتاب لغت (130) کتاب

است که تألیف دانشمند معروف فلیل بن احمد بصری شیعی است که

بوده است و هم در علم نمو استاد سیبویه نموی میباشد واضع علم عروض

یک واسطه به علی (ع) و عبدالله بن . و قرائت عاصم (131) در قرآن به

شاگرد علی علیه عباس که در تفسیر مقدمترین صحابه شمرده میشود

السلام میباشد و مساعی اهل بیت (ع) و شیعیان شان در حدیث و فقه و

اتصال فقهاء اربعه و غیر آنها بامام پنجم و ششم شیعه معروف است و در

پیشرفت عجیبی که در زمان حمید بهبهانی (متوفای 1205) اصول فقه نیز

انصاری (متوفای سال 1281 هجری قمری) و بالافص بدست شیخ مرتضی

. مقایسه نیست نصیب شیعه شده هرگز با اصول فقه اهل سنت قابل

طریق دوم بحث عقلی

تفکر عقلی فلسفی و کلامی 2 - پیش قدمی شیعه در تفکر فلسفی و 1 -

کوشش پایدار شیعه در فلسفه و سایر علوم عقلیه 4 - - 3 کلامی در اسلام

. ؟ 5 - چند تن از نوابغ علمی شیعه چرا فلسفه در شیعه باقی ماند

تفکر عقلی و فلسفی و کلامی - 1

سابقاً تذکر دادیم (132) که قرآن کریم تفکر عقلی را امضاء نموده و آن را

مذهبی قرار داده است البته بنمو تعاکس ، تفکر عقلی نیز پس از جزء تفکر

پیغمبر اکرم (ص) را تصدیق نموده است ظواهر آنکه مقانیت و نبوت

پیغمبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) قرآن را که وحی آسمانی است و بیانات

عقلی که انسان با گرامش را در صف مجتهدی عقلی قرار داده و مجتهدی

. فطرت فدادادی نظریات خود را با آنها اثبات میکند دو قسم است

. برهان و جدل

برهان محبتی است که مواد آن مقدماتی حق (واقعی) باشند اگرچه

نباشند و بعبارت دیگر قضایائی باشند که انسان با شعور مشهود یا مسلم

درک و تصدیق میکند چنانکه میدانیم (عدد فدادادی خود اضطرارا آنها را

عقلی است و در صورتیکه در سه از چهار کوچکتر است) اینگونه تفکر تفکر

سرانجام جهان کلیات جهان هستی انجام گیرد مانند تفکر در مبدأ آفرینش و

و جهانیان تفکر فلسفی نامیده میشود . و جدل محبتی است که همه یا برخی

مواد آن از مشهورات و مسلمات گرفته شود چنانکه در میان گروندگان از

معمول است که در داخل مذهب خود نظریات مذهبی را با ادیان و مذاهب

قرآن کریم هر دو شیوه را بکار . اصول مسلمه آن مذهب اثبات میکنند

این دو شیوه بسته و آیات بسیاری در این کتاب آسمانی در هر یک از

. موجود است

اولا به تفکر آزاد در کلیات جهان هستی و در نظام کلی عالم و در نظامهای

مانند نظام آسمان و ستارگان و شب و روز و زمین و نباتات و میوان خاص

امر میکند و با رساترین ستایش از کنجکای عقلی آزاد و انسا و غیر آنها

جدلی که معمولا بمث کلامی نامیده میشود میستاید و ثانيا به تفکر عقلی

اظهار حق بیلجامت مقرون بافلاق مشروط باینکه با بهترین صورتی (بمنظور

ادع الی سبیل ربک (نیکو) انجام گیرد ، امر نموده است چنانکه میفرماید

آیه بالمکرمه و الموعظه المسننه و جادلهم بالتی هی امسن (سوره نمل

125 .

پیش قدمی شیعه در تفکر فلسفی و کلامی در اسلام - 2

کاملاً روشن است که از روز اول گروه اقلیت شیعه از اکثریت تسنن جدا

مخالفین خود در نظریات خاصه ای که داشت بمواجه شده پیوسته با

. میپرداخت

درست است که مواجهه دو طرفی است و متخاصمین هر دو در آن سهیم

شیعه جانب حمله و دیگران جانب دفاع را بعهده میباشند ولی پیوسته

کافیہ مخاصمت در حقیقت از آن داشته اند و پیشقدمی در تهیه وسائل

تدریجاً نصیب مبحث کسی است که بحمله میپردازد . و نیز در پیشرفتی که

کلامی شد و در قرن دوم و اوایل قرن سوم با شیوع مذهب اعتزال باوچ

ترقی رسید پیوسته علماء و محققین شیعه که شاگردان مکتب اهل بیت

متکلمین قرار داشتند . گذشته از اینکه (133) سلسله بودند در صف اول

معتزله و غیر ایشان به پیشوای اول شیعه متکلمین اهل سنت از اشاعره و

صمابه پیغمبر اکرم (ص) علی علیه السلام میرسد . و اما کسانی که بآثار

صمابه (که در آشنائی دارند خوب میدانند که در میان اینهمه آثار که از

مدود دوازده هزار نفر از ایشان ضبط شده) در دست است حتی یک اثر که

مشمتمل بتفکر فلسفی باشد نقل نشده تنها امیرالمؤمنین علیه السلام

وی در الهیات عمیقترین تفکرات فلسفی را دارد است که بیانات جذاب

آمده اند و بلاخره عرب آن روز به .صمابه و علماء تابعین که بدنبال صمابه

سفنان دانشمندان دو تفکر آزاد فلسفی هیچگونه آشنائی نداشتند .و در

بیانات قرن اول هجری نمونه ای از کنجکاوای فلسفی دیده نمیشود تنها

عمیق پیشوایان شیعه و بالفصوص امام اول و هشتم شیعه است که

افکار فلسفی را دارا است و آنان میباشند که گروهی از ذخائر بیکرانی از

. تفکر آشنا ساختند شاگردان خود را با این طرز

آری عرب از طرز تفکر فلسفی دور بود تا نمونه ای از آن را در ترجمه برفی از

فلسفی یونان بحربری در اوایل قرن دوم هجری دید و پس از آن کتب کتب

سوم هجری از یونانی و سریانی و غیر آن بحربری ترجمه بسیاری در اوائل قرن

عموم قرار گرفت و با اینمال اکثریت شد و روش تفکر فلسفی در دسترس

مهمانان تازه واردی فقهاء و متکلمین به فلسفه و سایر علوم عقلیه که

بواسطه بودند روی فوشی نشان نمیدادند و این مخالفت اگر چه در آغاز کار

حمایتی که حکومت وقت از این علوم میکرد، تأثیر قابل توجهی نداشت
کمی صفا برگشت و همراه منع اکید کتب فلسفی را بدریا ولی پس از
تراوش فکری یکصده مؤلفین گمنامی ریفتند و رسائل افوان الصفا که
وضع ناهنجار آن است یادگاری است از آن روز و گواهی است که چگونه
وقت را نشان میدهد پس از این دوره در اوایل قرن چهارم هجری فلسفه
توسط ابی نصر فارابی امیا شد و در اوایل قرن پنجم در اثر مساعی فیلسوف
سینا فلسفه توسعه کامل یافتو در قرن ششم نیز فلسفه معروف بو علی
و بهمین جرم نیز باشاره سلطان صلاح اشراق را شیخ سهروردی تنقیح نمود
فلسفه از میان اکثریت الدین ایوبی کشته شد و دیگر پس از آن داستان
در اندلس برچیده شد و فیلسوفی نامی بوجود نیامد جز اینکه در قرن هفتم
که در مانشیه ممالک اسلامی واقع بود ابن رشد اندلسی بوجود آمد و در
. فلسفه کوشید تنقیح

(134)

کوشش پایدار شیعه در فلسفه و سایر علوم عقلیه - 3

شیعه چنانکه در آغاز، برای پیدایش تفکر فلسفی عاملی مؤثر بود در

تفکر و ترویج علوم عقلیه نیز رکنی مهم بود و پیوسته بذل پیشرفت اینگونه

با اینکه با رفتن ابن رشد، فلسفه از میان مساعی میکرد و از این روی پس از آن میان شیعه اکثریت تسنن رفت هرگز از میان شیعه نرفت و نرفت و پس از آن نیز فلاسفه ای نامی مانند فواجه طوسی و میرداماد و صدرالمتألهین بوجود آمده یکی پس از دیگری در تمصیل و تمریر فلسفه در سایر علوم عقلیه کسانی مانند فواجه طوسی و کوشیدند. همچنین . بیرجندی و غیر ایشان بوجود آمدند

همه این علوم و بویژه فلسفه الهی در اثر کوشش فستگی ناپذیر شیعه چنانکه با سنجش آثار فواجه طوسی و شمس الدین پیشرفت عمیق کرد . آثارگذشتگان روشن است ترکه و میرداماد و صدرالمتألهین با

چرا فلسفه در شیعه باقی ماند - 4

چنانکه عامل مؤثر در پیدایش تفکر فلسفی و عقلی در میان شیعه و بوسیله در میان دیگران ذفایر علمی بوده که از پیشوایان شیعه بیادگار مانده شیعه این طرز تفکر در میان شیعه نیز همان ذفایر علمی است عامل مؤثر در بقاء تقدیس و امتزاج نگاه میکند و برای که پیوسته شیعه بسوی آنها با نظر بیت (ع) را با روشن شدن این مطلب کافی است که ذفایر علمی اهل که کتب فلسفی که با مرور تاریخ نوشته شده بسنجیم زیرا عیاناً فواجه دید

روز بروز فلسفه بذخایر علمی نامبرده نزدیکتر میشد تا در قرن یازده هجری

به همدیگر منطبق گشته و فاصله ای جز افتلاف تعبی در میان نمانده تقریباً

. است

پند تن از نوابغ علمی شیعه - 5

الف - ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی متوفای سال سیصد و بیست و

شیعه اولین کسی است که روایات شیعه را از اصول (هر نه هجری هوی در

ائمہ اهل بیت افذ کرده بود در کتابی جمع یک از ممدتین روایتهائی که از

میشد) استفراچ و تقطیع کرده آوری میکرده و کتاب نامبرده اصل نامیده

. و بترتیب ابواب فقه و اعتقاد مرتب ساخته است

کتاب وی که کافی نامیده میشود به سه بخش اصول و فروع و روضه (

بشانزده هزار و صد و نود و نه مدیث مشتمل است و متفرقات) منقسم و

است که در عالم تشیع شناخته معتبرترین و معروفترین کتاب مدیثی

شیخ صدوق میشود و سه کتاب دیگر که تالی کافی میباشد. کتاب فقیه

محمد بن بابویه قمی متوفای سال 381 هجری قمری در و کتاب تهذیب و

استبصار تألیف شیخ طوسی متوفای سال 460 هجری قمری میباشد کتاب

.

ب - ابوالقاسم جعفر بن مسن بن یحیی ملی معروف بمحقق ، متوفای

هجری قمری ، وی نابغه فقه و سرآمد فقهای سال ششصد و هفتادوشش

مختصر نافع و کتاب شرایع شیعه میباشد و از شاهکارهای فقهی وی کتاب

است که 700 سال است در میان فقها دست بدست میگردند و

بنظراعجاب و تجلیل دیده میشوند . و در زمینه تالی محقق ، شهید اول

مکی را باید شمرد که در سال هفتصد و هشتاد و شمس الدین محمد بن

شد و از شاهکارهای فقهی شش هجری قمری در دمشق بجزم تشیع کشته

زدان او کتاب لمحہ دمشقیه است که پس از گرفتاری در هفت روز در

نوشته است و هم شیخ جعفر کاشف الخطاء نجفی را متوفای سال 1227

. شاهکارهای فقهی وی کتاب کاشف الخطاء است باید شمرد و از

ج - شیخ مرتضی انصاری شوشتری متوفای سال هزار و دویست و هشتاد و

علم اصول فقه را تنقیه فرموده مجاری اصول عملیه را یک هجری قمری وی

ساخت و اکنون بیشتر از صد سال که مهمترین بخش این فن است مقرر

. است که مکتب وی پیش فقهای شیعه دایر است

د - فواجه نصیر الدین طوسی متوفای سال 676 هجری قمری ، وی اولین

کلام را بشکل فنی کامل درآورد و از شاهکارهای وی کسی است که علم

هفتصد سال می‌باشد اعتبار خود را در کتاب تجرید الکلام است که بیشتر از

از عامه و خاصه بر میان اهل فن مفاظ کرده است و شروع و مواشی بی‌شمار

و آن نوشته شده فواجه علاوه بر نبوغی که در علم کلام دارد در فلسفه

ریاضیات نیز یکی از نوابغ عصر خود بشمار میرود و بهترین گواه آن تألیفات

ای است که در همه علوم عقلیه دارد و رصدخانه مراغه هم از آثار ارزنده

. اوست

ه - صدرالدین محمد شیرازی متولد سال نهصد و هفتاد و نه هجری قمری

هزار و پنجاه هجری قمری ، وی اولین فیلسوفی است که متوفای سال

قرنها در اسلام سیر کرده بود (از حالت مسائل فلسفه را (پس از آنکه

پید. و از این روی (اولاً) پراکندگی درآورده مانند مسائل ریاضی (وهم

در فلسفه قابل امکان تازه ای بفلسفه داده شد که صدها مسئله فلسفی که

تا طرح نبود مطرح و حل شود و (ثانیاً) یک سلسله از مسائل عرفانی (که

آن روز طوری وراء طور عقل و معلوماتی بالاتر از درک تفکری شمرده

مورد بحث و نظر قرار گیرند(ثالثاً) ذخایر زیادی از ظواهر میشدند (باسانی

پیشوایان اهل بیت (ع) که قرنها صفت دینی و بیانات عمیق فلسفی

شمرده میشدند حل و روشن محمای لاینمل را داشتند و غالباً از متشابهات

پذیرفته و در شدندو باین ترتیب ظواهر دینی و عرفان و فلسفه آشتی کامل

یک مسیر افتادند و پیش از صدرالمتأ لهین نیز دانشمندانی مانند شیخ

سهروردی مؤلف مکمۀ الاشراق از فلاسفه قرن ششم و ششمس الدین محمد

قرن هشتم هجری قدمهای مؤثری در این راه برداشته اند ترکیه که از فلاسفه

. لهین شد ولی موفقیت کامل نصیب صدر المتأ

صدر المتأ لهین در پیرو این روش موفق شد که نظریه حرکت جوهری را به

و بعد رابع و نظریه نسبیت را (البته در خارج ذهن نه در فکر) ثبوت برساند

پنجاه کتاب و رساله تأ لیف کرده و از شاهکارهای کشف نماید و نزدیک به

. میباشد وی در فلسفه کتاب اسفار در چهار جلد

طریق سوم - کشف

انسان و درک عرفانی 2 - ظهور عرفان در اسلام 3 - راهنمائی کتاب و 1 -

نفس و برنامه آن سنت بعرفان

انسان و درک عرفانی - 1

در عین حال که اکثریت قاطع افراد انسان سرگرم تنظیم امور معاش و

موانع زندگی روزانه هستند و بمعنویات نمیپردازند , در نهاد تلاش در رفع

غریزه واقع بینی موجود است که گاهی در برضی از این نوع غریزه ای بناه

. معنوی وادارش میکند افراد بکار افتاده بیک رشته درکهای

هر انسان (علیرغم سوفسطیها و شکاکان که هر مقیقت و واقعیتی را پندار

مینامد) بواقعیت ثابتی ایمان دارد و گاهی که با ذهنی صاف و و فرافه

ثابت جهان آفرینش تماشا میکند از سوی دیگر تا نهادی پای به واقعیت

. ناپایداری اجزاء جهان را درک مینماید

جهان و پدیده های جهان را مانند آئینه هائی مییابد که واقعیت ثابت

نشان میدهند که لذت درک آن هر لذت دیگری را در چشم بیننده زیبائی را

طبعاً از نمونه های شیرین و ناپایدار زندگی مادی فوار و ناچیز مینمایاند و

. باز میدارد

این همان جذبه عرفانی است که انسان فدا شناس را بعالم بالا متوجه

فدای پاک را در دل انسان جایگزین میکند و همه چیز را سافته و محبت

آرزوهای دور و دراز وی فط بطلان میکشد و فراموش میدارد و گرداگرد همه

هر دیدنی و شنیدنی روشنتر و انسانرا بپرستش و ستایش فدای نادیده که از

که آشکارتر است وامیدارد و در مقیقت هم این کشش باطنی است

. مذاهب فدا پرستی را در جهان انسانی بوجود آورده است

عارف کسی است که خدا را از راه مهر و محبت پرستش میکند نه بامید

از ترس عقاب و از اینجای روشن است که عرفان را نباید در ثواب (135) و نه

بلکه عرفان راهیست از راههای پرستش - (برابر مذاهب دیگر مذهبی شمرده

راهی است برای درک حقایق پرستش از راه محبت نه از راه بیم یا امید) و

. ادیان در برابر راه ظواهر دینی و راه تفکر عقلی

هر یک از مذاهب خدا پرستی متی و ثنیت، پیروانی دارد که از این راه سلوک

و ثنیت و کلیمیت و مسیمیت و مجوسیت و اسلام عارف دارند و میکنند

. غیر عارف

ظهور عرفان در اسلام - 2

در میان صحابه پیغمبر اکرم (ص) که نزدیک بدوازده هزار از ایشان در کتب

و شناخته شده اند (تنها علی علیه السلام است که بیان بلیغ او (رجال ضبط

مراصل میات معنوی بذقائر بیکرانی مشتمل است و در از حقایق عرفانی و

فبری از این مسائل نیست در میان آثاری که از سایر صحابه در دست است

قرنی و کمیل بن یاران و شاگردان او کسانی مانند سلمان فارسی و اویس

زیاد و رشید هجری و میثم تمار پیدا میشوند که عامه عرفا که در اسلام

بوجود آمده اند

ایشانرا پس از علی علیه السلام در رأس سلسله های خود قرار داده اند و

طبقه کسان دیگری مانند طاوس یمانی و مالک بن دینار و پس از این

قرن دوم هجری بوجود آمده اند که بیاینکه ابراهیم ادهم و شقیق بلخی در

مردم ، اولیاء حق و مردان بحرمان و تصوف تظاهر کنند در زی زهاد و پیش

پیشین خود وارسته بودند ولی در هر حال ارتباط تربیتی خود را بطبقه

. نمیپوشانیدند

پس از این طبقه ، طائفه دیگری در اواخر قرن دوم و قرن سوم مانند بایزید

معروف کرفی و جنید بغدادی و نظایرشان بوجود آمدند که به بسطامی و

و بحرمان و تصوف تظاهر نمودند و سفنانی سیر و سلوک عرفانی پرداختند

زننده که داشت فقهاء و بعنوان کشف و شهود زدند که بواسطه ظواهر

بوجود متکلمین وقت را برایشان میثورانید و در نتیجه مشکلاتی برایشان

میآورد . و بسیاری از ایشان را بدقمه زندان یا در زیر شکنجه یا پای دار

میکشانید . با اینهمه در طریقه خود در برابر مخالفین خود سماجت کردند و

روز بروز طریقت در حال توسعه بود تا در قرن هفتم و هشتم بدین ترتیب

رسید و پس از آن نیز گاهی در اوج و گاهی هجری باوچ وسعت و قدرت خود

. در مضمیض ، تاکنون بهستی خود ادامه داده است

اکثریت مشایخ عرفان که نامهایشان در تذکره ها ضبط شده است (136)

مذهب تسنن را داشته اند و طریقت بشکلی که امروز به مسب ظاهر

آداب و رسومی که در تعالیم کتاب مشاهده میکنیم (مشتمل بیک رشته

اگرچه برفی از آداب و سنت فبری از آنها نیست) یادگار آنان میباشد

بر رسومشان به شیعه نیز سرایت نموده است چنانکه گفته اند جماعت

این بودند که در اسلام برنامه برای سیر و سلوک بیان نشده است بلکه

طریقی است که مسلمین بآن پی برده اند و مقبول نفس طریق معرفت

بیاینکه در دعوت مسیح (ع) وارد شده حق میباشد مانند طریق رهبانیت که

. گرفت باشد، نصاری از پیش خود درآوردند و مقبول قرار

از این روی هر یک از مشایخ طریقت آنچه را از آداب و رسوم صلاح (137)

برنامه سیر و سلوک گذاشته و بمریدان خود دستور داده است و دیده در

. مستقلی بوجود آمده است تدریجا برنامه وسیع و

مانند مراسم سر سپردگی و تلقین ذکر و فرقه و استعمال موسیقی و غنا و

ذکرگاهی در بعضی سلسله ها کار بجائی کشیده که شریعت در وجودموقع

سوی دیگر و طرفداران این روش عملا بیاطنیه سویی قرار گرفته و طریقت در

شیعه آنچه از مدارک اصلی ملمق شده اند ولی با ملاحظه موازین نظری

هرگز اسلام (کتاب و سنت) میتوان استفاده نمود خلاف این است و

ممکن نیست بیانات دینی باین مقیقت راهنمائی نکند یا در روشن کردن

برنامه های آن اهمال ورزد یا در مورد کسی (هر که باشد) از برفی از

. صرفنظر نماید واجبات و محرّمات خود

راهنمائی کتاب و سنت بعرفان نفس و برنامه آن - 3

فدای متعال در چندین جا از کلام خود امر میکند که مردم در قرآن تدبیر

گیری کنند و بمجرد ادراک سطحی قناعت ننمایند و در آیات بسیاری ودنباله

را که در آن است (بیاستثناء) آیات و علامات و جهان آفرینش و هر چه

. نشانه های خود معرفی میکند

با کمی تعمق و تدبیر در معنی آیه و نشانه روشن میشود که آیه و نشانه

آیه و نشانه است که دیگری را نشان دهد نه خود را مثلا چراغ از این جهت

میشود کسی که با دیدن آن متوجه فطر میشود قرمز که علامت فطر نصب

چراغ ندارد و اگر در شکل چراغ چیزی جز فطر در نظرش نیست و توجهی بخود

چراغ یا شیشه یا یا ماهیت شیشه یا رنگ آن فکر کند در متفکره خود صورت

. رنگ را دارد نه مفهوم فطر را

بنابراین اگر جهان و پدیده های جهان همه و از هر روی آیات و نشانه های

باشند هیچ استقلال وجودی از خود نخواهند داشت و از هر روی فدای جهان

را نشان نخواهند داد و کسیکه بتعلیم و که دیده شوند جز فدای پاک

جهانیان نگاه میکند چیزی جز هدایت قرآن با چنین چشمی بچهره جهان و

در نمود دلربای فدای پاک درک نخواهد کرد و بجای این زیبائی که دیگران

تنک جهان مییابند وی زیبائی و دلربائی نامتناهی خواهد دید که از دریچه

جهان ، خود نمائی و تجلی مینماید و آن وقت است که فرمان هستی خود را

. داده دل را بدست محبت فدائی میسپارد به تاراچ

این درک چنانکه روشن است بوسیله چشم و گوش وحواس دیگر یا بوسیله

زیرا خود این وسیله ها و کار آنها نیز آیات و نشانه ها خیال یاعقل نیست

. هدایت مخفول عنه هستند میباشند و در این دلالت و

این راهرو که هیچ همتی جز یاد خدا و فراموش نمودن همه چیز (138)

میشنودفدای متعال در جای دیگر از کلام خود میفرماید (ای ندارد وقتیکه

نفس خود را دریابد وقتیکه شما راه را یافتید کسانیکه ایمان آورده اید

نخواهند (سانید) سوره مائده آیه دیگران که گمراه میشوند بشما زبانی

واقعی و کامل را در بر 105 , خواهد فهمید که یگانه شاهراهی که هدایتی

او را دارد همان راه نفس او است و راهنمای حقیقی وی که فدای اوست

موظف میدارد که خود را بشناسد و همه راهها را پشت سر انداخته راه نفس

در پیش گیرد و فدای خود از دریچه نفس خود نگاه کند که مطلوب خود را

یافت. و از این روی پیغمبر اکرم (ص) میفرماید: هر واقعی خود را فواید

و نیز میفرماید کسانی از شما خدا (139) که خود را شناخت خدا را شناخت

و اما برنامه سیر و سلوک. (را بهتر میشناسد که خود را بهتر شناسد (140)

مانند اینکه این راه آیات قرآنی بسیاری است که بیاد خدا امر میکند

آن میفرماید (مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم) سوره بقره آیه 152 و غیر

و اعمال صالحه ای است که کتاب و سنت تفصیل داده اند و در افتتاه آن

از پیغمبر خود پیروی کنید) سوره امزاب آیه 21 و چگونه (فرموده اند

را راه خدا تشخیص دهد و مردم را به ممکن و متصور است اسلام راهی

بیان برنامه آن غفلت کند پیمودن آن توصیه نکند یا آنرا بشناساند ولی از

ما قرآن را) یا اهماال و رزد و مال آنکه فدای متعال درکلام خود میفرماید

بسوی تو نازل کردیم درحالیکه بیان روشنی است نسبت بهر چیزی که بدین و

. دنیای مردم ارتباط دارد (سوره نمل آیه 89

بخش سوم اعتقادات اسلامی از نظر شیعه دوازده امامی

فدا شناسی

1 - نظری بجهان از راه هستی و واقعیت - ضرورت وجود فدا -

2 - نظری دیگر از راه ارتباط انسان و جهان - فاطمه فصل ومدانیت فدا -

3 - ذات و صفت -

معنی صفات خداوندی 5 - توضیح بیشتری در معنی صفات 6 - صفات 4 -

قدر 8 - انسان و اختیار فعل 7 - قضا و

نظری بجهان از راه هستی و واقعیت - ضرورت وجود فدا - 1

درک و شعور انسان که با پیدایش او توأ م است در نخستین گامی که

. فدای جهان و جهانیان را بر وی روشن میسازد بر میدارد هستی

زیرا برغم آنان که در هستی خود و در همه چیز اظهار شک و تردید میکنند و

هستی را خیال و پندارمینامند ما میدانیم یکفرد انسان در جهان

شعور توأ م است ، خود و جهان را مییابد آغازپیدایش خود که با درک و

جز او هست) و تا انسان یعنی شک ندارد که (او هست و چیزهای دیگری

نمیدارد و انسان است این درک و علم در او هست و هیچگونه تردیدی بر

. تخیر نمیپذیرد .

این واقعیت و هستی که انسان در برابر سوفسطی و شکاک اثبات میکند

بطلان نمیپذیرد یعنی سخن سوفسطی و شکاک که در ثابت است و هرگز

درست نیست پس جهان حقیقت نفی واقعیت میکند هرگز و هیچگاه

واقعیت دار هستی واقعیت ثابتی دربر دارد. و لی هر یک از این پدیده های

که در جهان میبینیم دیر یا زود واقعیت را از دست میدهد و نابود میشود و

از اینجا روشن میشود که جهان مشهود و اجزاء آن خودشان عین واقعیت (

نیست) نیستند بلکه بواقعیتی ثابت تکیه داده با آن که بطلان پذیر

بواسطه آن دارای هستی میگردند و تا با آن واقعیت , واقعیتدار میشوند و

همین که از آن بریدند نابود ارتباط و اتصال دارند با هستی آن هستند و

واجب الوجود (خدا) میشوند (141) ما این واقعیت ثابت بطلان نپذیر را

. مینامیم

نظری دیگر از راه ارتباط انسان و جهان - 2

را هی که در فصل گذشته برای اثبات وجود خدا پیموده شد , راهی است

وروشن که انسان با نهاد خدادادی خود آن را میپیماید و بسیار ساده

بیشتر مردم بواسطه اشتغال مداوم که هیچگونه پیچ و خم ندارد ولی

پیدا کرده اند رجوع بنهاد بمادیات دارند و استخراقی که در لذائذ محسوسه

. میباشد فدادادی و فطرت ساده و بیآلایش برایشان بسیار سفت و سنگین

از این روی اسلام که آئین پاک خود را همگانی معرفی میکند و همه را در

دینی مساوی میداند اثبات وجود خدا را با اینگونه مردم از راه برابر مقاصد

از همان راهی که فطرت ساده را از توجه مردم بدور دیگر در میان مینهد و

. میشناساند داشته با ایشان سخن گفته خدا را

قرآن کریم خدا شناسی را از راههای مختلف بحامه مردم تعلیم میدهد و

افکارشان را به آفرینش جهان و نظامی که در جهان حکومت بیشتر از همه

مطالعه آفاق و انفس دعوت مینماید زیرا میکند معطوف میدارد و به

گیرد و در هر حالی که انسان در زندگی چند روزه خود هر راهی را پیش

بیرون مستغرق شود از جهان آفرینش و نظامی که در آن حکومت میکند

نخواهد بود و شعور و ادراک وی از تماشای صحنه شگفت آور آسمان و

. نخواهد پوشید زمین چشم

این جهان پهناور هستی (142) که پیش چشم ما است (چنانکه میدانیم)

آن و مجموع آنها پیوسته در معرض تخییر و تبدیل میباشد هر یک از اجزاء

بیسابقه ای جلوه میکند. و تمت تأثیر قوانین و هر لمظه در شکل تازه و

دورترین کهکشانها گرفته تا استثناء ناپذیر لباس تحقق میپوشد و از

متضمن نظامی کوچکترین ذره ای که اجزاء جهان را تشکیل میدهد هر کداه

است واضح که با قوانین استثناء ناپذیر خود بطور میرت انگیزی در جریان

میباشدو شعاع عملی خود را از پستترین وضع بسوی کاملترین حالات سوق

کمال میرساند. و بالاتر از نظامهای خصوصی نظامهای میدهد و به هدف

جهانی که اجزاء بیرون از شمار جهان را عمومیترا و بالاخره نظام همگانی

میپیوندد و درجریان مداوم خود بهمديگر ربط میدهد و نظامهای جزئی را بهم

. هرگز استثناء نمیپذیرد و اختلال برنمیدارد

نظام آفرینش اگر انسانی را مثلا در زمین جای میدهد سافتمان وجودش را

میکنند که با ممیط زندگی خود سازش کند و ممیط زندگی ویرا طوری ترکیب

دایه ای با مهر و عطوفت بیروزشش پرداخته طوری ترتیب میدهد که مانند

روز و فصول سال و ابر و باد آفتاب و ماه وستارگان و آب و خاک و شب و

همه سرمایه نیروی و باران و گنجینه های زیر زمینی و روی زمین و بالاخره

. خود را در راه آسایش و آرامش خاطر وی گذاشته بکار میبندد

ما چنین ارتباط و سازشی را میان هر پدیده و میان همسایگان دور و نزدیک

که در آن زندگی میکند مییابیم. اینگونه پیوستگی و بهم بستگی و فانه ای

از پدیده های جهان نیز پیدا است. آفرینش اگر در تجهیزات داخلی هر یک و برای گرفتن آن دست و برای برای انسان نان داده برای تمصیل آن پای با یک رشته خوردن آن دهان و برای جویدن آن دندان داده است و آن را (وسائلیکه مانند ملقه های زنجیر بهم پیوسته اندبهدف کمالی این آفریده . بقاء و کمال) مرتبط ساخته است .

دانشمندان جهان تردید ندارند که روابط بیپایان که در اثر تلاش علمی چندین هزارساله خود بدست آورده اند طلیعه ناپیزی است که از اسرار آفرینش که تمام نشدنی بدنبال خود دارد و هر معلوم تازه ای مجهولات دنباله های . میکند بیشماری را به بشر افطار

آیا میتوان گفت این جهان پهناور هستی که سرتاسر اجزاء آن جدا جدا و در و اتصال با استمکام و اتفاق میرت انگیز خود از یک علم و مال ومدت آفریدگاری نداشته و بیجهت و سبب , قدرت نامتناهی مکایت میکند بالافره نظام همگانی بوجود آمده است ؟ آیا این نظامهای جزئی و کلی و بزرگ قرار جهانی که با ایجاد رابطه های محکم و بیشمار جهان را یکوامد داده و با قوانین استثناء ناپذیر و دقیق خود در جریان است همه و همه

نقشه و بمسب اتفاق و تصادف بوده ؟ یا هر یک از این پدیده ها و بدون

جهان برای خود پیش از محیطهای کوچک و بزرگ

البته فردی که هر حادثه و پدیده ای را بعلت و سببی نسبت میدهد و گاهی

کردن سببی مجهول (روزگارها) با بخت و کوشش میگذراند و دنبال برای پیدا

که با مشاهده چند آجر که با نظم و ترتیب روی پیروزی علمی میگردد فردی

میدهد و اتفاق و تصادف را هم چیده شده نسبت آنرا بیک علم و قدرتی

نخواهد شد نفی کرده بوجود نقشه و هدفی قضاوت مینماید هرگز ماضی

. جهان را بیسبب پیدایش ، یا نظام جهان را اتفاقی و تصادفی فرض کند

پس جهان با نظامی که در آن حکومت میکند آفریده آفریدگار بزرگی است

قدرت و بیپایان خود آن را بوجود آورده و بسوی هدفی سوق که با علم و

مواد جزئی را در جهان بوجود میآورند همه میدهد و اسباب جزئی که

تمت تفسیر و تدبیر وی میباشد هر بالاخره باو منتهی میشوند و از هر سوی

نیازمند نیست و از هیچ چیزی در هستی خود نیازمند باوست و او بچیزی

. علت و شرطی سرچشمه نمیگیرد

فصلنامه

وحدانیت خدا

هر واقعیتی را از واقعیت‌های جهان فرض کنیم واقعیتی است محدود یعنی

تقدیری (فرض وجود سبب و شرط) هستی را دارا است و بنا بنا بفرض و

شرط) منفی است و در حقیقت وجودش بفرض و تقدیری (فرض عدم سبب و

است که هیچ مد و مرزی دارد که در بیرون آن مرز یافت نمیشود تنها خدا

نهایتی برای وی فرض نمیتوان کرد ، زیرا واقعیت وی مطلق است و بهر

. تقدیر موجود میباشد و بهیچ سبب و شرطی مرتبط و نیازمند نیست

روشن است که در مورد امر نامحدود و نامتناهی نمیتوان عدد فرض نمود

که فرض شود غیر از اولی خواهد بود و در نتیجه هر دو محدود و زیرا هر دو

بواقعیت همدیگر مرز خواهند زد چنانکه اگر جمعی را متناهی خواهند بود و

در برابر آن جمعی دیگر نمیتوان فرض مثلا نامحدود و نامتناهی فرض کنیم

پس خدا یگانه است کرد و اگر هم فرض کنیم دومی همان اولی خواهد بود

. و شریک وجود ندارد

(143)

ذات و صفت - 3

اگر انسانی را مثلاً مورد بررسی عقلی قرار دهیم فواید دید ذاتی دارد که انسانیت شخصی اوست و صفاتی نیز همراه دارد که ذاتش با آنها همان اینکه زاده فلان شخص است و پسر فلان کسی است شناخته میشود مانند زیبا است یا فلا ف این صفات را دارد دانا است و توانا است و بلند قامت و

این صفات اگرچه برخی از آنها مانند صفت اولی و دومی هرگز از ذات جدا مانند دانائی و توانائی امکان جدائی و تخییر را دارند ولی در نمیشوند و برخی ذات و همچنین هریک از آنها غیر از دیگری میباشد هر مال همگی غیر از

این مطلب (مغایرت ذات با صفات و صفات با همدیگر) بهترین دلیل

ذاتی که صفت دارد و صفتی که معرف ذات است هر دو است بر اینکه ذات نامحدود و نامتناهی بود صفات را محدود و متناهی میباشند زیرا اگر فرا میگرفتند و در نتیجه نیز فرا میگرفت و همچنین صفات نیز همدیگر را

همچنین همه یکی میشوند مثلاً ذات انسان مفروض همان توانائی بود و توانائی و دانائی و بلند قامتی و زیبائی همه عین همدیگر و همه این معانی

. معنی بیش نبود یک

از بیان گذشته روشن میشود که برای ذات فداوندی عزوجل ، صفت)

نمیتوان اثبات نمود زیرا صفت بیتمدید صورت (بمعنائی که گذشت

است) متی از همین تنزیه که نمیگیرد و ذات مقدسش از هر تمدیدی منزّه

(در حقیقت اثبات صفتی است .

معنی صفات فداوندی - 4

در جهان آفرینش کمالات زیادی سراغ داریم که در صورت صفات ظاهر شده

صفات مثبتی هستند که در هر جا ظاهر شوند مورد خود را کاملتر اند اینها

بیشتری بآن میدهند چنانکه از مقایسه یک موجود زنده نموده ارزش وجودی

. مانند سنگ ، روشن است مانند انسان با یک موجود بیروح

بیشک این کمالات را فدا آفریده و داده است و اگر خودش آنها را نداشت

نمیبخشید و تکمیلشان نمیکرد و از این رو بقضاوت عقل سلیم بدیگران

دارد قدرت دارد و هر کمال واقعی را دارد باید گفت فدای آفرینش علم

قدرت و در نتیجه آثار میات از گذشته از اینکه چنانکه گذشت آثار علم و

ناممدود و نظام آفرینش پیدا است . و لی نظر باینکه ذات فداوندی

نامتناهی است این کمالات که در صورت صفات برای وی اثبات میشوند در

عین ذات و همچنین عین یکدیگر میباشد (144) و مغایرتی که حقیقت

در میان خود صفات دیده میشود تنها در میان ذات و صفات و همچنین

قابل تقسیم در مرحله مفهوم است و بمسب مقیقت جز یک واحد غیر

. میان نیست

اسلام برای جلوگیری از این اشتباه ناروا (تمديدات بواسطه توصیف یا نفی

کمال) عقیده پیروان خود را در میان نفی و اثبات نگه میدارد (145) و اصول

اینگونه اعتقاد کنند که :فدا علم دارد نه مانند علم دیگران دستور میدهد

دیگران .میشنود نه با گوش .میبیند نه با چشم .قدرت دارد نه مانند قدرت

. و بهمین ترتیب

توضیح بیشتر در معنی صفات - 5

. صفات بر دو قسمند - صفات کمال و صفات نقص

صفات کمال چنانکه پیشتر اشاره شد معانی هستند اثباتی , که موجب

و آثار وجودی فزونتر برای موصوفات خود میباشند ارزش وجودی بیشتر

دانا و توانا با یک موجود دیگر مرده و چنانکه با مقایسه یک موجود زنده و

بر خلاف آن .و بیعلم و قدرت روشن است .و صفات نقص صفاتی هستند

قتی که در معانی صفات نقص دقیق شویم خواهیم دید که بمسب معنی

بوده از فقدان کمال و نداشتن یک نوع ارزش وجودی مکایت میکند منفی

. و ناتندرستی و نظایر اینها مانند جهل و عجز و زشتی

بنابر آنچه گذشت نفی صفات نقص معنی صفات کامل میدهد مانند نفی

دانائی و نفی ناتوانی که معنی توانائی میدهد. و از نادانی که معنی

کمالی را مستقیماً برای فدای متعال اینجاست که قرآن کریم هر صفت

را برای وی اثبات میکند و هر صفت نقص را نیز نفی کرده منفی آن

تأ فذه سنه مینماید چنانکه میفرماید : و هو العلیم القدیر ، و هو المی ، و لا

. و لا نوح ، و علموا انکم غیر معجزی الله

نکته ای که نباید از نظر دور داشت ، اینست که فدای متعال واقعیتی است

هیچگونه مد و نهایت ندارد و از این روی (146) هر صفت کمالی مطلق که

میشود ، معنی محدودیت را نفی خواهد داشت هم که در موردش اثبات

داشت. و ی مادی و . موردش اثبات میشود ، معنی محدودیت را نفی خواهد

جسمانی و محدود بزمان و مکان نیست و از هر صفت عالی که حادث باشد

منزه است و هر صفتی که حقیقتاً برای وی اثبات میشود از معنی محدودیت

است چنانکه میفرماید (لیس کمثله شیء) سوره شوری تعزیه و فالی شده

. آیه 11

صفات فعل - 6

صفات (علاوه بر آنچه گذشت) با انقسام دیگری منقسم میشوند به

فعل توضیح اینکه صفت گاهی با خود موصوف قائم صفات ذات و صفات

شخص انسان زنده و دانا و توانا است مانند میات و علم و قدرت . که با

متصف فرض کنیم اگر قائم هستند و ما میتوانیم انسان را بتنهائی با آنها

و چه غیر از وی چیز دیگر فرض نکنیم و گاهی تنها با موصوف قائم نیست

موصوف برای اینکه با آن صفت متصف شود. نیازمند تحقق چیز دیگری

. و سفنگوئی و فواستاری و نظایر آنها است مانند نویسندگی

زیرا انسان وقتی میتواند نویسنده باشد که دوات و قلم و کاغذ مثلا فرض

سفنگو میشود که شنونده ای فرض شود و وقتی فواستار شود و وقتی

و تنها فرض انسان در تحقق این میشود که فواستنی وجود داشته باشد

. صفات کافی نیست

از اینجا روشن میشود که صفات حقیقی فدای متعال که (چنانکه گذشت

تنها از قسم اول میباشند و اما قسم دوم که در تحقق آنها (عین ذاتند

چه غیر اوست آفریده او و در پیدایش پس از پای غیر در میان است و هر

میآورد نمیشود صفت ذات و عین اوست صفتی را که با پیدایش خود بوجود

. ذات فدای متعال گرفت

صفتی که برای فدای متعال بعد از تمقق آفرینش ثابت میشود مانند

پروردگار , زنده کننده , میراننده , روزی دهنده و نظایر آنها , آفریدگار, کردگار

. زائد بر ذاتند و صفت فعلند عین ذات نیستند بلکه

مراد از صفت فعل این است که پس از تمقق فعل معنی صفت از فعل

مانند آفریدگار , که پس از تمقق آفرینش از آفریده , گرفته شود نه از ذات

مافوذ و مفهوم میشود و با خود آفریده ها ها آفریدگار بودن فدای متعال

با پیدایش صفت از مالی قائم است نه با ذات مقدس فدای متعال تا ذات

. به مالی تغییر کند

شیعه دو صفت اراده و کلام را بمعنائی که از لفظ آنها فهمیده میشود (

فواستن , کلام یعنی کشف لفظی از معنی) صفت فعل اراده بمعنی

را بمعنی علم گرفته و صفت ذات میدانند (147) و معظم اهل سنت آنها

. میشمارند

قضا و قدر - 7

قانون علیت در جهان هستی ، به نحو استثناء ناپذیر مکمفرما و جاری است

.

به مقتضای این قانون هر یک از پدیده های این جهان در پیدایش خود

شرائط تمقق (بستگی دارد که با فرض تمقق همه آنها) بعلی (اسباب و

پیدایش آن پدیده (معلول مفروض) (که علت تامه نامیده میشود

برخی از آنها پیدایش ضروری (جبری) است و با فرض فقدان همه آنها یا

پدیده نامبرده محال است .

: با بررسی و گنجگای این نظریه ، دو مطلب زیرین برای ما روشن میشود

اگر یک پدیده (معلول) را با مجموع علت تامه و همچنین با اجزاء 1 -

بسنجیم نسبت آن بعلت تامه نسبت ضرورت (جبر) فواید علت تامه اش

علت تامه (که علت ناقصه نامیده میشود) بود و نسبتش بهر یک از اجزاء

تنها امکان وجود را نسبت امکان است زیرا جزء علت نسبت بمعلول

میدهد ، نه ضرورت وجود را .

بنابراین جهان هستی که هر پدیده از اجزاء آن در پیدایش خود بستگی

تامه خود دارد ، ضرورت در سراسر آن مکمفرما و پیکره آن از ضروری بعلت

قطعی تنظیم شده است با اینمال صفت یک سلسله حوادث ضروری و

فود نسبت و ارتباط دارند) امکان در اجزاء آن (پدیده ها که بغیر علت تامه

. محفوظ میباشد

قرآن کریم در تعلیم فود این مکم ضرورت را بناه قضاء الهی نامیده زیرا

از هستی دهنده جهان هستی سرچشمه گرفته و ازاین روی همین ضرورت

تلف نیست و عادلانه میباشد که مکم و قضائی است متممی که قابل

. استثناء و تبخیز برنمیدارد

فدای متعال میفرماید (الا له الفلق و الامر) سوره اعراف آیه 54 و

قضی امرا فانما یقول له کن فیکون) سوره بقره آیه 17 میفرماید(اذ

. لمکم) سوره رعد آیه 41 ومیفرماید(و الله یمکم لا محقب

هر یک از اجزاء علت اندازه و الگوئی مناسب فود نسبت به معلول - 2

معلول موافق و مطابق مجموع اندازه هائی است که میدهد و پیدایش

که تنفس را برای انسان بوجود علت تامه برایش معین میکند مثلا علی

از هوای مجاور میاورد تنفس مطلق را ایجاد نمیکند بلکه اندازه معینی

دهان و بینی را در زمان معین و مکان معین و شکل معین از مجرای

بمحوطه ریه میفرستد و علی که ابصار را برای انسان بوجود میآورد (تنفس

آنها است) ابصار بیقید و شرط را محقق نمیسازد بلکه و انسان نیز جزء

هر جهت برای وی اندازه گرفته شده ایجاد ابصرای که بواسطه وسائل آن از

موادتی که در آن اتفاق میکند این مقیقت در همه پدیده های جهان و

میافتد بدون تفلف جاری است .

قرآن کریم در تعلیم خود این مقیقت را قدر نامیده و بفدای متعال که

میباشد نسبت داده است چنانکه میفرماید (انا کل سرپشمه آفرینش

و میفرماید (و ان من شیئی الا عندنا شیئی فلقناه بقدر) سوره قمر آیه 49

. آیه 21 فزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم) سوره مجر

و چنانکه بموجب قضای الهی هر پدیده و حادثه ای که در نظام (148)

میگیرد ضروری الوجود و غیر قابل اجتناب است همچنین آفرینش جای

بوجود میآید از اندازه ای که از جانب بموجب قدر هر پدیده و حادثه ای که

. نخواهد نمود فدا برایش معین شده هرگز کمترین تفلف و تعدی

انسان و اختیار - 8

فعلی که انسان انجام میدهد یکی از پدیده های جهان آفرینش است و

سایر پدیده های جهان بستگی کامل بعلت دارد و نظر پیدایش آن مانند

ارتباط وجودی با اجزاء دیگر جهان دارد باینکه انسان جزء جهان آفرینش و

دانست. مثلاً لقمه نانی که انسان اجزاء دیگر را در فعل وی بی‌اثر نمیتوان

. می‌فورد

برای انجام این فعل چنانکه وسائل دست و پای دهان و علم و قدرت و

وجود نان در فارچ و در دسترس بودن و مانع نداشتن و اراده لازم است

انجام عمل لازمست که با نبودن یکی از شرایط دیگر زمانی و مکانی برای

تمقق علت تامه (تمقق) آنها فعل غیر مقدور است و با تمقق همه آنها

فعل ضروری است. و چنانکه گذشت ضروری بودن فعل نسبت بمجموع

اجزاء علت تامه منافات با این ندارد که نسبت فعل بانسان که یکی از

است نسبت امکان باشد. انسان امکان یعنی اختیار فعل اجزاء علت تامه

بمجموع اجزاء علت موجب ضروری بودن را دارد و ضروری بودن نسبت فعل

. نمیباشد نسبت فعل به برقی از اجزاء آن است که انسان است

درک ساده و بی‌آلایش انسان نیز این نظر را تأیید میکند زیرا ما میبینیم

نهاد فدای خود میان امثال خوردن و نوشیدن و رفتن و آمدن و مردم با

و کوچکی، بلندی قامت فرق میگذارند و قسم میان صحت و مرض و بزرگی

مستقیم دارد در اختیار شخص اول را که با خواست و اراده انسان ارتباط

بر خلاف قسم میدانند و مورد امر و نهی و ستایش و نکوهش قرار میدهند

. دومی که در آنها تکلیفی متوجه انسان نیست

در صدر اسلام میان اهل سنت در خصوص افعال انسان دو مذهب مشهور بود

روی که افعال انسان متعلق اراده غیر قابل تفل فدا است گروهی از این

میدانستند و ارزشی برای اختیار و اراده انسان انسان را در افعال خود مجبور

مستقل میدانستند و دیگر متعلق نمیدیدند و گروهی انسان را در فعل خود

بمسب تعلیم اهل اراده فدائی ندیده از مک قدر خارج میشمردند. و لی

بیت که با ظاهر تعلیم قرآن مطابقت دارد انسان در فعل خود مختار است

ولی مستقل نیست بلکه فدای متعال از راه اختیار فعل را فواسته است و

ما فدای متعال از راه مجموع اجزاء علت تامه که یکی بمسب تعبیر سابق

میباشد فعل را فواسته و ضرورت داده است و در از آنها اراده و اختیار انسان

انسان نیز در آن مختار میباشد نتیجه اینگونه فواست فدائی فعل ضروری و

یکی از اجزاء یعنی فعل نسبت بمجموع اجزاء علت خود ضروری و نسبت

. که انسان باشد اختیاری و ممکن است

امام ششم (ع) میفرماید: نه جبر است و نه تفویض و بلکه امری است

(149). میان دو امر

پیغمبر شناسی

- 1 - بسوی هدف - هدایت عمومی
 - 2 - هدایت خصوصی
 - 3 - فرد و قانون
 - 4 - شعور مرموزی که وی نامیده میشود
 - 5 - پیغمبران و عصمت نبوت
 - 6 - پیغمبران و دین آسمانی
 - 7 - پیغمبران و محبت و می و نبوت
 - 8 - شماره پیغمبران خدا
 - 9 - پیغمبران اولوالعزم صامیان شریعت
 - 10 - (نبوت محمد ص)
 - 11 - پیغمبر اکرم (ص) و قرآن
- بسوی هدف - هدایت عمومی - 1**

دانه گندمی که در شکم خاک با شرایط مناسبی قرار میگیرد شروع به رشد و

بشاهراه تمول میافتد و هر لحظه صورت و حالت تازه ای بخود نمو کرده

مشخصی راهی را میپیماید تا یک بوته ای کامل گرفته با نظم و ترتیب

دانه های آن بزمین افتد باز دارای خوشه های گنده میشود و اگر یکی از میوه ای است در مسیر گذشته را آغاز کرده بسرانجام میرساند. و اگر هسته مهد زمین آغاز حرکت نموده پوست را شکافته نوک سبزی میدهد و راه و مشخصی را پیموده بالاخره درختی برومندو سر سبزی باردار میشود منظم است در میان تفم یا در رحم مادر شروع بتکامل نموده .اگر نطفه میوانی نطفه ایست سیر نموده فردی کامل از راه مشخصی را که ویژه همان میوان . همان میوان میشود

این راه مشخص و سیر منظم در هر یک از انواع آفرینش که در این جهان رو در سرشت همان نوع است و هرگز بوته سبز گنده که از مشهورندبرقرار یا فیل نمیرسد و هرگز میوانی ماده که از دانه شروع نموده بگوسفند یا بز چنارنمیزاید حتی اگر نقصی در بز خود باردار گشته خوشه گنده یا درخت گوسفندی بیپشم یا ترکیب اعضاء یا در عمل طبیعی نوزادی پیدا شود مثلا بوته گندمی بیخوشه بوجود آید ما تردید نمیکنیم که بیک آفت و سبب . مخالف مستند میباشد

نظم و ترتیب مداوم در تمول و تکون اشیاء و اختصاص هر نوع از انواع

تمول و تکامل خود بنظامی خاص برای متبوع کنجکا و غیر قابل آفرینش در

. انکار میباشد

: از این نظریه روشن دو مسئله دیگر میتوان نتیجه گرفت

1 - در میان مراحل که نوعی از انواع آفرینش از آغاز پیدایش تا انجام آن -

یک اتصال و ارتباطی برقرار است مانند اینکه نوع نامبرده در هر میپیماید

تکون خود از پشت سر دفع و از پیش رو جذب میشود یک از مراحل تمول و

.

2 - نظر باتصال و ارتباط نامبرده آفرین مرحله سیر هر نوع از آغاز پیدایش -

مورد توجه تکوینی همان پدیده نوعی است چنانکه مغز گردوئی مطلوب و

میدهداز همان وقت متوجه یک درخت برومند که در زیر خاک نوکی سبز

تکون بسوی میوان کاملی گردوئی است و جنین در تخم یا در رحم از آغاز

. (هسپار میباشد

قرآن کریم در تعلیم خود (که مطلق آفرینش و پرورش اشیاء را بفدا

این رهسپاری و کشش را که هر نوع از انواع آفرینش در راه) نسبت میدهد

و رهبری فدائی نسبت میدهد چنانکه میفرماید کمال خود دارد بهدایت الهی

. آیه 50 (الذی اعطی کل شیء فلقه ثم هدی) سوره طه

و میفرماید (الذی فلق فسوی و الذی قدر فهدی) سوره اعلی آیه (150)

های نامبرده اشاره کرده میفرماید . (و لكل وجهه هو مولیها) 32 و نتیجه

و میفرماید (و ما خلقنا السموات و الارض و . 148 (151) سوره بقره آیه

بالمق و لكن اكثرهم لا یعلمون) (152) ما بینهما لایعین ما خلقناهما الا

. سوره دفان آیه 39

هدایت فصوصی - 2

بدیهی است نوع انسان از این کلیات مستثنی نیست و همین هدایت

انواع آفرینش حکومت میکند در وی نیز حکومت خواهد تکوینی که در همه

اقتصادی خود بسوی کمال (هسپار) میشود کرد و چنانکه با هر نوع سرمایه

کمال واقعی خود و هدایت مییابد انسان نیز با هدایت تکوینی بسوی

بسیاری از هدایت یابد انسان در عین اینکه با انواع دیگر نباتی و حیوانی در

فصایح شریک است فصیصه اقتصادی دارد که از دیگران تمیزش میدهد و

. است (آن) فرد

فرد است که انسان بواسطه آن بتفکر پرداخته از هر وسیله ای ممکن برفع

مینماید در فضای بیکران آسمانها اوچ میگیرد و در اعماق خوداستفاده

زمین از انواع جماد و نبات و میوان استثمر و دریاها شناسمیکند و در سطح

. تا جائی که میتواند سود میگیرد استفدام مینماید حتی از همنونعان خود

انسان بمسب طبع اولی سعادت و کمال خود را در آزادی مطلق خود

سازمان وجودیش سازمان اجتماعی است و میببندولی نظرباینکه

توانائی رفع آنها راندارد و در نیازمندیهای بیشمار دارد که هرگزبه تنهائی

همان غریزه صورت اجتماع و تعاون با همنونعان خود که آنان نیز

خودخواهی و آزادی دوستی را دارند ناگزیر است مقداری از آزادی خود را در

این راه از دست بدهد در برابر سودی که ازدیگران میبرد سودی بدهد و

رنج دیگران بهره میگیرد از رنج خود بهره بدهد یعنی اجتماع معادل آنکه از

. میپذیرد تعاونی را از روی ناچاری

این حقیقت از مال نوزادان و کودکان , بسیار روشن است نوزادان

خود بپیزی جز زور و گریه متوسل نمیشوند ونیز زیربار درآغازدرخواستهای

ولی تدریجا بمسب تکامل فکر میفهمند که هیچ قانون و مقرراتی نمیروند

و کم کم بمال فرد کار زندگی تنها باسرکشی و زورگوئی پیش نمیرود

اجتماعی نزدیک میشوند تا در سن یک فرد اجتماعی که تفکر کامل دارد

بهمه مقررات اجتماعی ممیط خود راه میگردند انسان بدنبال پذیرفتن

قانون لازم میثمرد که در اجتماع حکومت کرده اجتماع تعاونی وجود

متخلف را مشخص سازد قانونی وظیفه هر یک از افراد را معین و سزای هر

خود برسند و که با جریان عملی آن هر یک از افراد جامعه بسعادت واقعی

. نیکبختی را که معادل ارزش اجتماعی وی میباشد بیابند

این قانون همان قانون عملی همگانی است که بشر از روز پیدایش تا امروز

فواهان و شیفته آنست و همیشه آن را در سر لومه آرزوهای خود پیوسته

تلاش میکند بدیهی است اگر چنین چیزی امکان قرار داده دربر آوردن آن

فواست همیشگی بشر ، نداشت و در سرنوشت بشریت نوشته نشده بود

. (قرار نمیگرفت (153)

فدای متعال بمقیقت این اجتماع بشری اشاره نموده میفرماید (نمن

معیشتهم فی المیاء الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض قسمنا بینهم

. سوره زخرف آیه 32 (154) (درجات لیتفخ بعضهم بعضا سفریا

در معنی خودفواهی و انحصار طلبی انسان میفرماید : فلق الانسان هلوعا اذا

. الشر جزوعا و اذا مسه الفیر منوعا (155) سوره معارج آیه 21 مسه

فرد و قانون - 3

اگر درست دقت کنیم خواهیم دید قانونی که بشر پیوسته در آرزوی آنست

دسته دسته به نهاد فدادادی لزوم چنان مقرراتی را که و مردم تنها و

میکنند ، همانا قانونی است که جهان سعادتشان را تأمین کند ، درک

استثناء به نیکبختی بشریت را از آن جهت که جهان بشری است بیتبخیص و

کنون رسانیده در میانشان کمال عمومی را برقرار سازد و بدیهی است تا

دوره های گوناگون زندگی بشر چنین قانونی که تنظیم یافته عقل و فرد

درک نشده است و اگر چنین قانونی بمسب تکوین بعهده فرد ، باشد

روزگاران دراز برای بشریت درک و مفهوم گذاشته شده بود البته در این

مجهز میباشند آن را تفصیلا میشد بلکه همه افراد مردم که با جهاز تعقل

و بعبارت . درک میکردند چنانکه لزوم آن را در جامعه خود درک میکنند

روشنتر قانون کامل مشترکی ، که باید سعادت جامعه بشری را تأمین کند

باید بشر را از راه آفرینش و تکوین بسوی آن هدایت شود ، اگر تکوینا و

گذاشته شده بود هر انسان با فردی آن را درک میکرد چنانکه بعهده فرد

زندگی خود را درک میکند ولی از چنین قانونی سود و زیان و سایر ضروریات

یا با وضع یکفرد فرمانروا یا افراد تاکنون فبری نیست و قوانینی که خود بخود

برای جمعی مسلم و ، یا ملل که تاکنون در جامعه های بشری جریان یافته
بیاطلاع برای غیر آنان مسلم است و دسته ای از آن با اطلاع و دسته ای
میباشند و هرگز همه مردم که در ساختمان بشری مساوی و همه بافرد
. مجهزند درک مشترکی در این باب ندارند فدادادی

شعور مرموزی که وحی نامیده میشود - 4

با بیان گذشته روشن شد که قانونی را که سعادت جامعه بشری را تأمین
نمیکند و چون به مقتضای نظریه هدایت عمومی وجود چنین کند فرددرک
ناگزیر دستگاه درک کننده دیگری در میان درکی در نوع انسانی ضروری است
واقعی زندگی را به آنان نوع انسانی بایدوجود داشته باشدکه وظایف
عقل و حس بفهماند و در دسترس همگان گذارد و این شعور ودرک که غیر از
میباشد، شعور وحی نامیده میشود البته لازمه پیدایش چنین نیروئی در
این نیست که در همه افراد پیدا شودچنانکه نیروی تناسل در انسانیت
درک لذت ازدواج و مهیا شدن برای آن تنها انسانیت آفریده شده ولی
شعور وحی در افرادی که ظهور در افرادی پیدا میشود که بسن بلوغ برسند و
نابالغ انسان نکرده شعوری است مرموزچنانکه درک لذت ازدواج برای افراد
. درکی است مرموز

فدای متعال در کلام خود در فصوص وحی شریعت خود و نارسائی عقل در

کرده میفرماید (انا اومینا الیک کما اومینا الی نوع و این فصوص اشاره

و منذرین لئلا یکون للناس علی الله مجة بعد النبیین من بعده رسلا مبشرین

. الرسل) (156) سوره نساء آیه 162

پیغمبران - عصمت نبوت - 5

ظهور پیغامبران خدا نظریه وحی را که در فصل سابق گذشت تأیید میکند

مردانی بودند که دعوی وحی و نبوت نمودند و بدعوی خود پیغامبران خدا

دین خدا را که همان قانون سعادت بخش مجت قاطع اقامه کردند و مواد

گذاشتند و چون فدائی است ، بمردم تبلیغ نموده در دسترس عموم

پیغمبران که با وحی و نبوت مجهز بودند ، در هر زمان که ظاهر شدند بیش

از یکفرد یا چند فرد نبودند ، فدای متعال هدایت بقیه مردم را با ما موریت

تبلیغ که به پیغمبران خود داده ، تتمیم و تکمیل فرمود . و از دعوت و

باید با صفت عصمت متمصف باشد یعنی درگرفتن اینجاست که پیغمبر خدا

رسانیدن آن بمردم از فطامصون وحی از جانب خدا و در نگهداری آن و در

گذشت تلقی وحی باشد و محصیت (تخلف از قانون خود) نکند زیرا چنانکه

و مفا و تبليغ آن سه ركن هدايت تكويني ميباشند و فطا در تكوين معني ندارد .

گذشته از اينكه معصيت و تفل از مؤدای دعوت و تبليغ فود , دعوتی دعوت و موجب سلب وثوق و اطمینان مردم است از است عملی بصد هدف دعوت را تباه میکند .خدای راستی و درستی دعوت و در نتیجه غرض و ميفرماید (و متعال در كلام فود بعصمت پيغامبران اشاره نموده

اجتبيناهم و هديناهم الى صراط المستقيم) (157). سوره انعام آيه 87 . و باز ميفرماید : (عالم الخيب فلا يظهر على غيبه امدا الا من ارتضى من يسلك من بين يديه و من خلفه رصدا , ليعلم ان قد ابلاغوا رسول فانه . جن آيه 28 رسالات ربه) (158) سوره

پيغمبران و دين آسمانی - 6

آنچه پيغمبران فدا از راه ومی بدست آورده و بعنوان پيغام و سفارش رسانيدند دين بود يعنی روش زندگی و وظائف انسانی که فدائی بمردم . (میکند (159 سعادت واقعی انسان را تأ مين

دين آسمانی بطورکلی از دو بخش اعتقادی و عملی مرکب ميباشند بخش اعتقادات اساسی و واقع بينيها است که بايد انسان پایه اعتقادی يکرشته

گذارد و آنها سه اصل کلی توهمید و نبوت و معاد زندگی خود را به روی آنها

دین صورت نبندد. و بخش عملی است که با افتلال یکی از آنها پیروی

که یکرشته وظائف افلاقی و عملی است که مشتمل است بر وظائفی

انسان نسبت به پیشگاه فدای جهان و وظائفی که انسان در برابر جامعه

از اینجاست که وظائف فرعی که در شرایع آسمانی برای بشری دارد. و

افلاق و اعمال و هر یک از آنها نیز بر دو انسان تنظیم شده بر دوگونه است

پیشگاه خداوندی ارتباط قسم است : قسمتی افلاق و اعمالی است که به

مانند دارد مانند فلق و صفت ایمان و اخلاص و تسلیم و رضا و خشوع و

عمل نماز و روزه و قربانی و این دسته بویژه عبادات نامیده میشود و

بندگی انسان را نسبت به پیشگاه فدائی مسجل میسازد. و قسمی فضوع و

است که بجامعه ارتباط دارد مانند افلاق و افلاق و اعمال شایسته ای

سفاوت و مانند وظائف صفات بشر دوستی و خیر خواهی و عدالت و

میشود معاشرت و داد و ستد و غیر آنها و این قسم بویژه معاملات نامیده

و از طرف دیگر نوع انسانی تدریجا متوجه کمال است و جامعه بشری بمرور

کاملتر میشود ظهور این تکامل در شرایع آسمانی نیز ضروری است و زمان

تکامل تدریجی را (چنانکه از راه عقل بدست میآید) قرآن کریم نیز همین

استفاده میشود هر شریعت لایق از تأیید میکند و چنانکه از آیاتش

الکتاب بالحق مصدقا شریعت سابق کاملتر است میفرماید (و انزلنا الیک

. (لما بین یدیه من الکتاب و مهیمننا علیه) (160)

سوره مائده آیه 48. و البته چنانکه نظریات علمی نشان میدهد و قرآن

تصریح میکند زندگی جامعه انسانی در این جهان ابدی نیست و کریم نیز

نامتناهی نخواهد بود و از این روی کلیات وظائف طبعا تکامل نوع وی

درمرحله ای واقف خواهد شد بالتبع انسانی ا جهات اعتقاد و عمل ناگزیر

توسعه مقررات عملی نبوت و شریعت نیز (روزی که از جهت کمال اعتقاد و

روشنی بآخر مرحله رسید ، فتم خواهد گردید . و از اینجااست قرآن کریم برای

ساختن اینکه اسلام - دین محمد (ص) آفرین و کاملترین ادیان آسمانی

کتاب آسمانی غیر قابل نسخ و پیغمبر اکرم را فاتم الانبیاء و است خود را

. بهمه وظائف ، معرفی میکند چنانکه میفرماید دین اسلام را مشتمل

و انه لکتاب عزیز لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه) (161) (

سجده آیه 42 و میفرماید (و ما کان محمد ابا امد من رجالکم و سوره هم

النبیین) (162) سوره احزاب آیه 40 و میفرماید (و لکن رسول الله و فاتم

. شیء) (163) سوره نمل آیه 89 انزلنا الیک الکتاب تبیاناً لكل

پیغمبران و محبت وحی و نبوت - 7

بسیاری از دانشمندان امروزی که در وحی و نبوت کنجکاو کرده اند مسئله و مسائل مربوط بآنها با اصول روانی اجتماعی توجیه نموده اند وحی و نبوت مردانی پاک نهاد ، بلند همت و بشر دوست بوده اند میگویند پیغمبران فدا اصلاح جامعه های فاسد قوانین و که برای پیشرفت مادی و معنوی بشر و اندوچون مردم آن مقرراتی تنظیم نموده اند مردم را بسوی آن دعوت کرده افکار روز زیر بارمنطق عقل نمیرفته اند برای جلب اطاعت مردم ، خود و خود را بعالم بالا نسبت داده اند و روح پاک خود را روح القدس و فکری که از ترشح میکند (وحی و نبوت) و وظائفی را که از آن نتیجه گرفته میشود آن و بیاناتی که مشتمل بآنهاست مثلا (کتاب آسمانی) (شریعت آسمانی) نامیده اند .

کسیکه با انصاف و نظر عمیق بکتاب آسمانی و بویژه بقرآن کریم و پیغمبران نگاه کند ، تردید نخواهد داشت که این نظریه همچنین بشریعت سیاست نبودند بلکه مردان حق و سراپا فدا مردان درست نیست . پیغمبران صدق و صفا بودند .

پیزی را که درک میکردند بیکم و کاست میگفتند و آنچه را میگفتند

مدعی بودند شعور مرموزی بود که با مدد غیبی بایشان میکردند و آنچه

اعتقادی و عملی مردم را از پیشگاه فدائی اضافه میشد و از آن راه وظائف

روشن میشد که برای ثبوت فرا گرفته بمردم تبلیغ میکردند. و از اینجا

پیغمبر دعوی نبوت، محبت و دلیل لازم است و مجرد اینکه شریعتی که

میآورد مطابق عمل میباشد، در صدق دعوی پیغمبری کافی نیست زیرا

پیغمبری میکند علاوه بر دعوی صمت شریعت خود دعوی کسی که دعوی

عالم بالا رابطه وحی و نبوت دارد و از جانب دیگری دارد و آن این است که با

در جای خود دلیل میخواهد. و فدا ماً موریت دعوت یافته است و این دعوی

مردم با ذهن از این روی بود که (چنانکه قرآن کریم خبر میدهد پیوسته

ساده خود از پیغمبران فدا برای اثبات صدق دعوی نبوت محجزه میخواسته

و معنی این منطق ساده و درست این است که وحی و نبوت که . اند

سایر مردم که مانند وی انسانند یافت نمیشود پیغمبر فدا دعوی میکند در

فرق عادت به پیغمبر خود داده که و ناچار نیروئی است غیبی که فدا بطور

بمردم برساند اگر راست، بوسیله آن سخن فدا را شنیده از روی ماً موریت

بوجود آورد است ، پس پیغمبر از فدای خود بخواهد که خارق عادت دیگری

. که مردم بوسیله آن صدق نبوت پیغمبر (مدعی نبوت) را باور کنند

چنانکه روشن است درفواست معجزه از پیغمبران طبق منطقی است

که برای اثبات نبوت خود ابتداء یا طبق درست و بر پیغمبرفداست

این منطق را تأیید کرده از درفواست مردم ، معجزه بیاورد و قرآن کریم نیز

نقل میفرماید بسیاری از پیغمبران ابتداء یا پس از درفواست مردم معجزه

.

البته بسیاری از کنجکاوان متمقق معجزه (فرق عادت) را انکار نموده اند

سفنشان بدلیل قابل توجهی تکیه نمیدهد و علل و اسبابی که برای ولی

و فمص بدست ما رسیده هیچگونه دلیلی نداریم که حوادث تاکنون با تجربه

با غیر علل و اسباب عادی خود آنها دائمی هستند و هیچ حادثه ای هرگز

شده ممال و متمقق نمیشود و معجزاتی که به پیغمبران خدا نسبت داده

فلاف عقل (مانند زوج بودن عدد سه) نیستند بلکه فرق عادت میباشد در

. صورتیکه اصل فرق عادت از اهل ریاضت بسیار دیده و شنیده شده

شماره پیغمبران خدا - 8

بمسب نقل درگذشته تاریخ , پیغمبران بسیاری آمده اند و قرآن کریم نیز

را تأیید فرموده و عده ای از ایشان را بناه و نشان یاد کرده کثرت ایشان

ایشان ذکر ننموده است . از راه نقل قطعی شماره ولی عده مشخص برای

معروف که از ابیدر غفاری از پیغمبر ایشان بدست نیامده جز اینکه در روایت

. شده است اکرم است عدد ایشان صد و بیست و چهار هزار تعیین

پیغمبران اولوالعزم صامبان شریعت - 9

بمسب آنچه از قرآن کریم استفاده میشود همه پیغمبران فدا شریعت

پنج نفر از ایشان که مضرات نوح و ابراهیم و موسی و نیآورده اند بلکه

اولوالعزم و صامبان شریعت میباشدند و عیسی و محمد (ص) هستند

. دیگران در شریعت تابع اولوالعزم بوده اند

فدای متعال در کلام خود میفرماید (شرع لکم من الدین ما وصی به نوما و

اومینا الیک و ما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی) (164) سوره الذی

میفرماید (و اذا افذنا من النبیین میثاقهم و منک و من شوری آیه 12 و

ابن مریم و افذنا منهم میثاقا غلیظا) نوح و ابراهیم و موسی و عیسی

. (165) سوره امزاب آیه 7

(نبوت محمد (ص) - 10

آفرین پیغمبران خدا حضرت محمد (ص) میباشد که صاحب کتاب و

بوی ایمان آورده اند. حضرت محمد (ص) پنجاه شریعت است و مسلمانان

در شهر مکه از مجاز در میان و سه سال پیش از شروع تاریخ هجری و قمری

شناخته میشود، تولد خانواده بنیهاشم از قریش که گرامیتترین خانواده عربی

. یافت

پدر آن حضرت عبدالله و مادرش آمنه نام داشت و در همان اوایل کودکی

از دست داد و در کفالت جد پدری خود عبدالمطلب قرار گرفت و پدر و مادر را

بدرود زندگی گفت و عمویش ابوطالب بسرپرستی او بزودی عبدالمطلب نیز

حضرت در خانه عموی خود بزرگ شد و قیام کرده او را بفانه خود آورد. آن

. سفر شامی کرد ضمناً پیش از بلوغ با عموی خود همراه مال التجاره

آن حضرت درس نخوانده بود و نوشتن یاد نگرفته بود ولی پس از بلوغ و

ادب و امانت معروف شد و در نتیجه عقل و امانت یکی از رشد باعقل و

بود او را سرپرست اموال خود قرار داد و بانوان قریش که بثروت معروف

. اداره امر تجارت خود را باو واگذار کرد

آن حضرت سفری دیگر نیز با مال التجاره بشام نمود و در اثر نبوغی که از

داد، سود فراوانی عائد گردید و دیری نگذشت که آن بانو خود نشان

نمود و او نیز پذیرفت و پس از ازدواج که در پیشنهاد ازدواج بآن مضرت
چهل سالگی در همان مال بیست و پنج سالگی آن مضرت واقع شد تا سن
نپرستید (با بود و شهرت بسزائی در عقل و امانت پیدا کرد جز اینکه بت
اینکه مذهب معمولی عرب مجاز بت پرستی بود) و گاهی بفلوت رفته با
براز و نیاز میپرداخت. تا در سن چهل سالگی که در غار مرء (غاری است خدا
تهامه در نزدیکی مکه) فلوت کرده بود از جانب فدای متعال در کوههای
موریت تبلیغ یافت و اولین سوره قرآنی (سوره برای نبوت برگزیده شدو مأ
فود مراجعت و در راه پسر عموی علق) بر وی نازل شد و همان روز بفانه
بوی ایمان آورد (فود علی بن ابیطالب را دید و پس از بیان واقعه علی (ع
. و پس از ورود بمنزل همسرش نیز اسلام را پذیرفت
پیغمبر اکرم (ص) برای اولین بار که گروه مردم را دعوت کرد با عکسالعمل
فرسا و دردناکی روبرو شد و ناچار پس از آن مدتی دعوت سری میکرد طاقت
که فویشاوندان بسیار نزدیک فود را دعوت کند ولی تا دوباره مأ مور شد
آنان جز علی بن ابیطالب بوی ایمان این دعوت نتیجه ای نداد و کسی از
نقل و باستاند اشعاری (نیاورد) ولی طبق مدارکی که از ائمه اهل بیت (ع

بود که از ابوطالب در دست است شیعه معتقد است که وی باسلاخ گرویده

ولی چون یگانه مامی پیغمبر اکرم بود

ایمان خود را از مردم کتمان میفرمود تا قدرت ظاهری خود را پیش قریش

از آن پیغمبر اکرم طبق مأ موریت فدائی بدعوت علنی مفض کند (پس

با شروع سختترین عکس العمل و پرداخت شروع دعوت علنی توأ م بود

به پیغمبر اکرم (دردناکترین آزارها و شکنجه ها از نامیه اهل مکه نسبت

ص) و مردمانی که تازه مسلمان شده بودند تا سفتگیری قریش بجائی

رسید که گروهی از مسلمانان فانه و زندگی خود را ترک نموده بمبشه

پیغمبر اکرم (ص) با عموی خود ابوطالب و خویشاوندان مهاجرت کردند و

ابوطالب (مصاری بود در یکی از دره های خود از بنیهاشم سه سال در شعب

کسی با آنان معامله و مکه) در نهایت سفتی و تنگی متمصن شدند و

. معاشرت نمیکرد و قدرت بیرون آمدن نداشتند

بت پرستان مکه با اینکه هرگونه فشار و شکنجه از زدن و کوبیدن و اهانت

کار شکنی در حق وی روا میداشتند گاهی نیز برای اینکه او را از واستهزاء و

از راه ملاحظت پیش آمده وعده مالهای گزاف و دعوت خود منصرف کنند

مضرت وعده و وعید آنان ریاست و سلطنت بوی میدادند ولی پیش آن

در مساوی بود و جز تشدید همت و تصمیم عزیمت نتیجه ای نمیباشید

یکی از مراجعه هائی که به آن مضرت کرده و وعده مال گزاف و ریاست

بعنوان تمثیل بآنان فرمود اگر فرورشید را در کف راست میدادند آن مضرت

فرمانبرداری فدای یگانه و انجام ما و ماه را در کف چپ من بگذارید از

. موریت خود روی برنخواهم تافت

در هوالی سال دهم بعثت که آن مضرت از شعب ابیطالب بیرون آمد کمی

ابوطالب عمو و یگانه مامی وی بدورد زندگی گفت و همچنین بعد از آن

درگذشت. دیگر برای آن مضرت هیچگونه امن یگانه همسر با وفای وی

نقشه محرمانه ای برای جانی و پناهگاهی نبود بالاخره بت پرستان مکه

درآوردند که آفر کشتن وی طرح کرده شبانه خانه اش را از هر سوی بمحاصره

شب ریخته در بستر خواب قطعه قطعه اش کنند. ولی فدای متعال

ساخته به هجرت یثرب ما مورث کرد آن مضرت، علی (ع) را در مطلعش

شبهه بنگهداری فدائی از خانه بیرون آمد و از میان بستر خواب خود فوایانید

مکه بخاری پناهنده شد و پس از روز گروه دشمنان بگذشت و در چند فرسفی

بمکه بازگشتند ، از که دشمنان بهر سوی گشته و از دستگیری او نومید شده

. غار بیرون آمده راه یثرب را در پیش گرفت

اهل یثرب که بزرگانیشان پیش از آن بآن حضرت ایمان آورده و بیعت کرده

را با آغوش باز پذیرفتند و جان و مال خودشان را در اختیارش بودند مقدمش

اولین بار در شهر یثرب یک جامعه کوچک اسلامی گذاشتند. آن حضرت برای

اطراف آن ساکن بودند و همچنین تشکیل داده باطوائف یهود که در شهر و

دعوت اسلامی قیام با قبائل نیرومند عرب آن نوامی پیمانها بست و بنشر

. فرمود و شهر یثرب بمدینه الرسول معروف شد

اسلام روز بروز بتوسعه و ترقی پیش میرفت و مسلمانانی که در مکه در

بیدادگری قریش گرفتار بودند تدریجا خانه و زندگی خود را ریخته چنگال

نمودند و پروانه وار بدور شمع وجود پیغمبر اکرم (ص) گرد بمدینه مهاجرت

شدند چنانکه یاوران یثربی آن حضرت به انصار آمدند و مهاجرین نامیده

. شهرت یافتند

اسلام با سرعت تمام پیشرفت میکرد ولی با اینحال بت پرستان قریش و

مجاز از کارشکنی و ماجراجویی هیچگونه فرو گذاری نمیکردند و طوائف یهود

که در داخل جمعیت مسلمانان بودند و بهیچ بدستکاری گروه منافقین

ای برای مسلمانان سمت خاصی شناخته نمیشدند هر روز مصیبت تازه

اسلام و بوجود میآوردند. تا بالاخره کار بجنگ کشید و جنگهای بسیاری میان

وثنیت عرب و یهود اتفاق افتاد که در اغلب آنها پیروزی با لشکر اسلام بود

شماره این جنگها به هشتاد و چند جنگ بزرگ و کوچک میرسد و در همه

جنگ بدر و امد و خندق و خیبر و غیر آنها پیغمبر اکرم جنگهای بزرگ مانند

و در همه جنگهای فونین بزرگ و (ص) شخصا حاضر محرمه جنگ میشد

ر بوده میشد و تنها (بسیاری از جنگهای کوچک گوی پیروزی بدست علی (ع

همه کسی بود که هرگز در جنگی از آن همه جنگها پا بعقب نگذاشت و در

این جنگها که در مدت ده سال پس از هجرت در گرفته از مسلمانان کمتر از

. از کفار کمتر از هزار تن کشته شده است دویست و

در اثر فعالیت آن مضرت و فداکاریهای مهاجرین و انصار در مدت دهسال

اسلام شبه جزیره عربستان را فرا گرفت و نامه های دعوتی , پس از هجرت

مانند ایران و روم و مصر و همیشه نوشته شد به پادشاهان کشورهای دیگر

افتخار (166) میکرد و لمظه ای از آن مضرت در زی فقرا میزیست و با فقر

. بخش کرده بود وقت خود را بیهوده نمیگذرانید بلکه وقت خود را سه

بخشی اختصاص بخدا داشت و با عبادت و یاد خدا میگذاشت و بخشی بخود

نیازمندیهای منزل میپرداخت و بخشی از آن مرده بود و در و اهل خانه و

دینی و اداره امور جامعه اسلامی و اصلاح این بخش بنشر و تعلیم معارف

تمکیم روابط داخلی و خارجی و مقاصد آن و سعی در رفع موانع مسلمین و

. سایر امور مربوطه میپرداخت

آن حضرت پس از ده سال اقامت در مدینه در اثر سمی که زنی یهودی در

خورانیده بود نگاهت پیدا نمود پس از چند روز رنجوری رملت غذا به وی

وارد است آخرین کلمه ای که از زبانش شنیده فرمود و چنانکه در روایاتی

. شد توصیه بردگان و زنان بود

پیغمبر اکرم (ص) و قرآن - 11

از پیغمبر اکرم (ص) نیز مانند سایر پیغمبران معجزه میخواستند و آن

وجود معجزه را در پیغمبران تأیید میکرد چنانکه در قرآن کریم حضرت نیز

. بالمصراه تأیید شده

از آن حضرت معجزات بسیاری رسیده که نقل برقی از آنها قطعی و قابل

ولی معجزه باقیه آنحضرت که هم اکنون زنده است اعتماد میباشد

اوست قرآن کریم کتابی است همانان قرآن کریم است که کتاب آسمانی

چهارده سوره آسمانی که به شش هزار و چند صد آیه مشتمل است و بصود

. بزرگ و کوچک تقسیم میشود

آیات کریمه قرآنی در مدت بیست و سه سال ایام بعثت و دعوت پیغمبر

نازل شده و کمتر از یک آیه تا یکسوره تمام ، در حالات اکرم (ص) تدریجا

و جنگ و صلح و روزهای سخت و لمظات مختلفه شب و روز ، سفر و حضر

. آسودگی و می گردیده است

قرآن کریم در آیات بسیاری با صراحت لهجه خود را معجزه معرفی میکند و

که بشهادت تاریخ به راقیتترین درجات فصاحت و بلاغت رسیده عرب آن روز

روانی بیان پیشتازان میدان سخنوری شمرده میشدند بود و در شیرینی زبان و

اگر چنین میپندارید که قرآن کریم بمعارضه و مبارزه میطلبد و میگوید

گرفته و تعلیم سخن بشر و ساخته خود محمد (ص) است یا از کسی یاد

یافته مانند او را (167) یا مانند ده سوره (168) یک سوره (169) از

سوره های آن را بیاورند و از هر وسیله ممکن در اینکار استفاده کنند سخنوران

پاسخی که در برابر این درخواست آماده کردند این بود که گفتند نامی عرب

.

قرآن سمر است و از عهده ما بیرون (170). قرآن کریم تنها از راه فصاحت

تمدی نمیکند و به معارضه نمیطلبد بگله گاهی از جهت معنی نیز و بلاغت

و به نیروی فکری همه جن و انس تمدی مینماید پیشنهاد معارضه مینماید

.

زیرا کتابی است که به برنامه کامل زندگی جهان انسانی مشتمل است و

کنجکاو شود این برنامه وسیع و پهناور که هر گوشه و کنار اگر بدقت

بیرون از شمار انسانیت را فرا گرفته و بتمام اعتقادات و اخلاق و اعمال

حق (قرار داده و آن را (دین) دقایق و جزئیات آن رسیدگی مینماید همانا

صلاح واقعی حق نامیده (اسلام دینی است که مقررات آن از حق و

سرپوشه میگیرد نه از فواست و تمایل اکثریت مردم یا دلفواه یکفرد توانا

. (فرمانروا و

اساس این برنامه وسیع گرامیترین کلمه حق که ایمان بحدای یگانه باشد ،

شده و همه اصول و معارف از تومید استنتاج گردیده است و از آن قرارداد

انسانی از اصول معارف استنتاج و جزء برنامه پس پسندیده ترین اخلاق

بیرون از شمار اعمال انسانی و شده است . و از آن پس کلیات و جزئیات

مربوط بآنها که از اوضاع و احوال فردی و اجتماعی بشر بررسی و وظائف

. یگانه پرستی سرچشمه میگیرد تنظیم گشته است

در آئین اسلام ارتباط و اتصال میان اصول و فروع بنموی است که هر مکم

باب باشد اگر تجزیه و تحلیل شود بهمان کلمه تومید تنها فرعی از هر

با ترکیب همان امکام و مقررات فرعی میشود برمیگیرد و کلمه تومید نیز

.

البته گذشته از تنظیم نهائی نین آئین پهناوری با چنین ومدت و ارتباط متی

فهرست ابتدائی آن نیز از نیروی عادی یکنفر از بهترین مقوقدانان تنظیم

بیرون است چه برسد بکسی که در زمان ناپیزی در میان جهان در حال عادی

شخصی و عمومی و جنگهای خونین و کار هزاران گرفتاری جانی ومالی و

. برابر جهانی تنها بیفتد شکنیهای خارجی و داخلی قرار گیرد و بالاخره در

گذشته از اینکه پیغمبر اکرم (ص) آموزگاری ندیده بود و خواندن و نوشتن

نگرفته بود و پیش از دعوت (171) دو سوم زندگی خود را در میان قومی یاد

از فرهنگ عاری بودند و بوئی از مدنیت و مضارت نشنیده بسر برده بود که

هوئی سوزان با پستترین شرائط زندگی بودند و در زمینی بیآب و علف و

. خود میرفتند میکردند و هر روز زیر تسلط یکی از دول همجوار

گذشته از اینها قرآن کریم از راه دیگر تمدی میکند و آن اینست که این با شرائطی کاملاً مختلف و گوناگون از گرفتاری و آسودگی و کتاب تدریجاً غیر آنها در مدت بیست و سه سال نازل جنگ و صلح و قدرت و ضعف و پرداخته بشر بود تناقض و تضاد شده است اگر از جانب خدا نبود و ساخته و بهتر و مترقیتر بود بسیاری در آن پدید می‌آمد و ناگزیر آخر آن از اولش این چنانکه لازمه تکامل تدریجی بشر همین است و حال آنکه آیات مکی کتاب با آیات مدنی آن یکنواخت می‌باشد و آفرش از اولش متفاوت متشابه الاجزاء و در قدرت بیان میرت انگیز خود بیک نیست و کتابی است

. (نسق) 172

معاد شناسی

1 - انسان از روح و بدن مرکب است -

2 - بمت در حقیقت روح از نظر دیگر -

3 - مرگ از نظر اسلام -

4 - برزخ -

5 - روز قیامت - رستاقیز -

. بیانی دیگر - 6

. استمرار و توالی آفرینش - 7

. انسان از روح و بدن مرکب است - 1

کسانیکه بمعارف اسلامی تا اندازه ای آشنائی دارند میدانند که در فلا

کتاب و سنت سخن روح و جسم یا نفس و بدن بسیار بمیان میآید بیانات

بدن که بکمک مس درک میشود تا اندازه ای آسان و یا اینکه تصور جسم و

پیمیدگی نیست. اهل بحث از است و تصور روح و نفس قالی از ابهام و

دارند ولی متکلمین و فلاسفه شیعه و سنی در حقیقت روح نظریات مختلفی

تا اندازه ای مسلم است که روح و بدن در نظر اسلام دو واقعیت مخالف

. میباشند همدیگر

بدن بواسطه مرگ فوای میات را از دست میدهد و تدریجا متلاشی میشود

اینگونه است بلکه میات بالاصاله از آن روح است و تا روح به ولی روح نه

از وی کسب میات میکند و هنگامیکه روح از بدن بدن متعلق است بدن نیز

بدن از کار میافتد و روح همچنان (مفارقت نمود و علقه خود را برید) مرگ

. بمیات خود ادامه میدهد

آنچه با تدبر در آیات قرآن کریم و بیانات ائمه اهل بیت (ع) بدست میآید

روح انسانی پدیده ایست غیر عادی که با پدیده بدن یک نوع اینست که

فدای متعال در کتاب فود میفرماید (لقد فلقنا . همبستگی و یگانگی دارد

نطفة فی قرار مکین ثم فلقنا الانسان من سلاله من طین ثم جعلناه

فکسون العظام النطفة علقه و فلقنا العلقه مضغه فلقنا المضغه عظاما

. (لما ثم انشأ ناه فلقا آخر) سوره مؤمنون آیه 12-14

تمقیقا ما انسان را از فلاصه که از گل گرفته شده بود آفریدیم . سپس او (

ای قرار دادیم در جایگاه آرامی سپس نطفه را فونی بسته کردیم را نطفه

جویده شده کردیم سپس گوشت جویده شده را پس فون بسته را گوشتی

پوشانیدیم پس از آن او را استخوانهای کردیم پس استخوانها را گوشت

. (آفریده دیگری بیسابقه قرار دادیم

از سیاق آیات روشن است که صدر آیات ، آفرینش تدریجی مادی را وصف

که به پیدایش روح یا شعور و اراده اشاره میکند آفرینش میکند و در ذیل

نوع آفرینش قبلی مغایر است . و در جای دیگر در دیگری را بیان میکند که با

که انسان پس از مرگ و پاسخ استبعاد منکرین معاد باین مضمون

تازه متلاشی شدن بدن و گم شدن او در میان اجزاء زمین چگونه آفرینش

ای پیدا کرده انسان نخستین میشود ، میفرماید (بگو فرشته مرگ شما را

ابدانتان میگیرد پس از آن بسوی فدای خودتان برمیگردید یعنی آنچه از

گذشته و در میان اجزاء زمین گم میشود بدنهای شما پس از مرگ متلاشی

مرگ از بدنهایتان گرفته شده اید و است ولی خودتان ارواح بدست فرشته

. پیش ما محفوظید (سوره سجده آیه 11

گذشته از اینگونه آیات قرآن کریم با بیانی جامع مطلق روح را غیر مادی

میکند چنانکه میفرماید (از تو حقیقت روح را میپرسند بگو روح از معرفی

است) سوره اسری آیه 85 ، و در جای دیگر در معرفی سنخ امر فدای من

چیزی را خواست این است و بس که امر خود میگوید (امر خدا وقتی که

است) سوره بفرماید بشو آن چیز بیتوقف میشود و ملکوت هر شئی همین

یس آیه 83 و مقتضای این آیات آنستکه فرمان خدا در آفرینش اشیاء

نیست و در تمت تسفیر زمان و مکان نمیباشد پس روح که تدریجی

مادی نیست. و در وجود خود خاصیت مادیت حقیقتی جز فرمان خداوند ندارد

. را که تدریج و زمان و مکان است ندارد

بمات در حقیقت روح از نظر دیگر - 2

. کنجاوی عقلی نیز نظریه قرآن کریم را درباره روح تأیید میکند

هر یک از ما افراد انسان از خود حقیقتی را درک مینمایند که از آن (من)

میکند و این درک پیوسته در انسان موجود است متی گاهی سر و تعبیر

متی همه بدن خود را فراموش میکند ولی تا خود دست و پا و سایر اعضاء

این (مشهود) چنانکه مشهود هست خود (من) از درک او بیرون نمیرود

پیوسته در تغییر و است قابل انقسام و تجزی نیست و با اینکه بدن انسان

تبدیل است و امکانه مختلف برای خود اتخاذ میکند و زمانهای گوناگون

بروی میگذرد حقیقت نامبرده (من) ثابت است و در واقعیت خود تغییر و

و روشن است که اگر مادی بود خواص مادیت را انقسام و تبدیل نمیپذیرد

. میپذیرفت تغییر زمان و مکان میباشد

نیز نسبت داده آری بدن همه این خواص را میپذیرد و بواسطه ارتباط و

خواص بروح میشود ولی با کمترین توجهی برای انسان تعلق رومی این

اینجا و آنجا و این شکل و آن شکل و آفتابی میشود که ایندم و آندم و

از این خواص منزه این سوی و آن سوی همه از خواص بدن میباشد و روح

بیان در است و هر یک از این پیرایه ها از راه بدن بوی میرسد. نظیر این

فاصله درک و شعور (علم) که از خواص روح است جاری میباشد و بدیهی

علم خاصه مادی بود بتبع ماده انقسام و تجزی و زمان و مکان را است اگر

. میپذیرفت

البته این بحث عقلی دامنه دراز و پرسشها و پاسفهای بسیاری بدنبال خود

گنجایش این کتاب بیرون است و این مقدار از آن بحث در اینجا دارد که از

و برای استقصاء بحث به کتب فلسفی اسلامی بعنوان اشاره گذاشته شد

. باید مراجعه نمود

مرگ از نظر اسلام - 3

در عین اینکه نظر سطحی ، مرگ انسان را نابودی وی فرض میکند و زندگی

تنها همین زندگی چند روزه که در میان زایش و درگذشت محدود انسان را

اسلام مرگ را انتقال انسان از یک مرحله زندگی به ، میباشد ، میپندارد

. مرحله دیگری تفسیر مینماید

بنظر اسلام انسان زندگانی جاویدانی دارد که پایانی برای آن نیست و مرگ

روح از بدن میباشد وی را وارد مرحله دیگری از میات میکند که که جدائی

آن بر پایه نیکوکاری و بدکاری در مرحله زندگی پیش کامروائی و ناکامی در

اکره (ص) میفرماید (گمان مبرید که با از مرگ استوار میباشد . پیغمبر

دیگری منتقل میشوید) (173 مردن نابود میشوید بلکه ازخانه ای به خانه

برزخ - 4

طبق آنچه از کتاب و سنت استفاده میشود انسان در فاصله میان مرگ و

یک زندگانی ممدود و موقتی دارد که برزخ و واسطه میان (ستافیزعمومی

. میات دنیا و میات آفرت است

. (174)

انسان پس از مرگ از جهت اعتقاداتی که داشته و اعمال نیک و بدی که در

انجام داده مورد بازپرسی خصوصی قرار میگیرد و پس از محاسبه این دنیا

گرفته شد بیک زندگی شیرین و گوارا یا تلخ و اجمالی طبق نتیجه ای که

انتظار روز (ستافیز عمومی بسر ناگوار محکوم گردیده با همان زندگی در

. (میبرد (175

حال انسان در زندگی برزخی بسیار شبیه است بحال کسیکه برای رسیدگی

سرزده بیک سازمان قضائی امضار شود و مورد بازجویی و اعمالی که ازوی

تکمیل پرونده اش پردازند آنگاه در انتظار بازپرسی قرار گرفته بتنظیم و

. محاکمه در بازداشت بسر برد

روح انسان در برزخ ، بصورتی که در دنیا زندگی میکرد ، بسر میبرد اگر از

است از سعادت و نعمت و جوار پاکان و مقربان درگاه خدا برفوردار نیکان

است در نقت و عذاب و مصامت شیاطین و میشود و اگر از بدان

. پیشوایان ضلال میگذراند

فدای متعال در وصف مال گروهی از اهل سعادت میفرماید : (و لا تمسبن

فی سبیل الله امواتا بل امیاء عند ربهم یرزقون ، فرمین بما الذین قتلوا

یستبشرون بالذین لم یلمقوا بهم من بعدهم ان لا آتاهم الله من فضله و

بنعمه من الله و فضل و ان الله لا فوف علیهم و لا هم یمزنون .یستبشرون

. یضیع اجر المؤمنین) سوره آل عمران آیه 169

البته گمان مبر ای پیغمبر کسانی که در راه خدا کشته شده اند ، مرده اند (

زنده اندو پیش فدای خودشان در مقام قرب روزی داده میشوند از آنچه بلکه

بایشان داده شاد هستند و به کسانی از مؤمنین که خدا از فضل خود

نرسیده اند مژده میدهندکه هیچگونه بدنبالشان میباشند و هنوز بایشان

و فضل وصف ترس و اندوهی برایشان نیست .مژده میدهند با نعمت

نشدنی خدا و اینکه خدا مزد و پاداش مؤمنان را ضایع و تباه نمیکند) .و در

وصف مال گروهی دیگر که در زندگی دنیا از مال و ثروت خود استفاده

میفرماید (متی اذا جاء امدهم الموت قال رب ارجعون , مشروع نمیکنند

انها كلمة هو قائلها و من ورائهم برزخ لعلی اعمل صالحا فیما ترکت کلا

تا آندم که بیکی از آنان) الی یوم یبعثون (سوره مؤمنون آیة 99-100

ترکه خود کار مرگ میرسد میگوید فدایا مرا (دنیا) برگردانید شاید در

نیکی انجام دهم نه هرگز این سخنی است که او میگوید بسفخنش گوش

. (همیشه و در پیششان برزخی است که تا روز رستافیز ادامه دارد داده

روز قیامت - رستافیز - 5

در میان کتب آسمانی , قرآن کریم تنها کتابی است که از روز رستافیز

رانده و در عین اینکه تورات نامی از این روز بمیان نیاورده و بتفصیل سخن

نموده قرآن کریم در صدها مورد با نامهای انجیل جز اشاره مختصری

سرنوشتی را که جهان و جهانیان در این گوناگون روز رستافیز را یاد کرده و

نموده است . و بارها تذکر روز دارند , گاهی باجمال و گاهی بتفصیل بیان

بفدا و یکی از اصول داده که ایمان بروز جزا (روز رستافیز) هم تراز ایمان

و سه گانه اسلام است که فاقد آن (منکر معاد) از آئین اسلام خارج

سرنوشتی جز هلاکت ابدی ندارد . و حقیقت امر نیز همین است زیرا اگر از

مسابی در کار , و جز او پاداشی در پیش نباشد , دعوت دینی که جانب فدا

فدا و اوامر و نواهی او است ، کمترین اثری دربر مجموعه ای از فرمانهای

نبوت و تبلیغ در اثر ، مساوی خواهد نخواست داشت و وجود و عدم دستگاه

. بود بلکه عدم آن بر وجودش رجمان خواهد داشت

زیرا پذیرفتن دین و پیروی از مقررات شرع و آئین ، خالی از کلفت و سلب

و در صورتیکه متابعت آن اثری در بر نداشته باشد هرگز مردم آزادی نیست

پذیرفت و از آزادی طبیعی دست بر نخواهند داشت . و از نیز بار آنرا نخواهند

و یادآوری روز رستافیز ، معادل با اینجا روشن میشود که اهمیت تذکر

میشود که ایمان به اهمیت اصل دعوت دینی است . و هم از اینجا روشن

روز جزا مهمترین عاملی است که انسان را به ملازمت تقوی و اجتناب

اخلاق ناپسندیده و گناهان بزرگ وادار میکند چنانکه فراموش ساختن یا

بآن ریشه اصلی هر گناهی است . فدای متعال در کتاب خود ایمان نداشتن

سبیل الله لهم عذاب شدید بما نسوا یوم میفرماید (ان الذین یضلون عن

. المساب) سوره ص آیه 26

کسانیکه از راه خدا بیرون رفته و گمراه میشوند ، برای ایشان عذابی است (

مقابل اینکه روز مساب را فراموش کردند) چنانکه پیدا است در سفت در

روز مساب منشأ هر گمراهی گرفته شده است . تأ آیه کریمه ، فراموشی

غرض و هدف شرائع آسمانی مل در آفرینش انسان و جهان و همچنین در

. در پیش بودن چنین روزی (روز رستافیز) را روشن میسازد

ما وقتیکه در کارهائی که در آفرینش تمقق میپذیرد ، دقیق میشویم

کاری (که بطور ضرورت بنوعی از حرکت نیز مشتمل است) میبینیم که هیچ

نمییابد و هرگز خود کار بطور اصالت و (بدون غایت و هدف ثابت انجام

که بنظر سطحی بیغرض استقلال مقصود و مطلوب میباشد متی در کارهائی

اگر شمرده میشوند مانند افعال طبیعی و بازیهای بچگانه و نظایر آنها

بدقت نگاه کنیم غایتها و غرضهائی مناسب نوع کار مییابیم چنانکه در

که عموماً از قبیل حرکت میباشد غایتی که حرکت بسوی کارهای طبیعی

بازیهای بچگانه مناسب نوع بازی غایتی آنست غایت و غرض آنست و در

. رسیدن بدانست است فیالی و وهمی که مطلوب از بازی همانا

البته آفرینش انسان و جهان کار خدا است و خدا منزه است از اینکه کار

ببهدف انجام دهد و دائماً بیافریند و روزی دهد و بمیراند و باز بیهوده و

و بمیراندو همچنین درست کند و بهم زند بیاینکه از بیافریند و روزی دهد

. و غرض پا برجائی را تحقیر کند این آفرینش غایت ثابتی را بخواهد

پس ناچار برای آفرینش جهان و انسان ، هدف و غرض ثابتی در کار است و

فائده آن بفدای بینیاژ نفواهد برگشت و هر چه باشد بسوی البتہ سود و

پس باید گفت کہ جهان و انسان بسوی یک ، آفریده ها عاید فواهد شد

زوال نپذیرد . و نیز وقتیکہ آفرینش ثابت و وجود کاملتری متوجهند کہ فنا و

در اثر از نظر تربیت دینی ، در حال مردم دقیق میشویم میبینیم کہ

راهنمائی فدائی و تربیت دینی ، مردم بدو گروه نیکوکاران و بدکاران

میشوند ، با اینمال در این نشأة زندگی و تمیز و امتیازی در کار منقسم

علی الاغلب پیشرفت و موفقیت از آن بدکاران و نیست بلکه بالعکس و

گرفتاری و بد گذرانی و هر گونه ستمکاران میباشد و نیکوکاری توأماً با

. مبرومیت و ستمکشی

میباشد در این صورت مقتضای عدل الهی آنست کہ نشأة دیگری وجود

آن نشأة هر یک از دو دسته نامبرده جزای عمل خود را داشته باشد کہ در

زندگی کنندفدای متعال در کتاب خود بیابند و هر کدام مناسب حال خود

السموات و الارض و ما باین دو مجت اشاره نموده میفرماید : (و ما خلقنا

سوره دفان) بینهما لاعین ما خلقناهما الا بالحق و لکن اکثرهم لا یعلمون

آیه 38 (ما آسمان و زمین و آنچه را کہ در میان آنها است بیهوده

نیافریدیم این احتمال دور از فرد گمان کسانی است که بخدا کافر شدند

. کافران از آتش که به کفار وعده داده شده وای بمال این

آیا ما کسانی را که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند مانند کسانی قرار

داد که در زمین افساد میکنند؟ یا پرهیزکارانی را مانند اهل فجور خواهیم

و در جای دیگر که هر دو محبت را در یک آیه جمع . (قرار خواهیم داد؟

اجتر هوا السیئات ان نجعلهم کالذین نموده , میفرماید : (اھ مسب الذین

ساء ما یمکمون . و فلق آمنوا و عملوا الصالحات سواء محیاهم و مماتهم

الله السماوات و الارض بالمق و لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لا

یظلمون) سوره بایه آیه 21-22 (آیا کسانی که بجرم و جنایتها پرداخته

میرند که ما آنان را مانند کسانی که ایمان آورده و کارهای اند , گمان

قرار خواهیم داد؟ بطوریکه زندگی و مرگشان برابر , نیک انجام داده اند

آسمانها و زمین را آفرید بمق (نه باشد . بد مکی است که میکنند خدا

کسب کرده جزا داده شود بیهوده) و برای اینکه هر نفس بآنچه با عمل خود

. (بیاینکه بمردم ستم شود

بیان دیگر - 6

در بحث ظاهر و باطن قرآن در بخش دوم کتاب اشاره کردیم که معارف

کریم ، از راههای گوناگون بیان شده است و راههای نامبرده اسلامی درقرآن

و باطن منقسم میشود بیان از طریق ظاهر بیانی بطور کلی بدوطریق ظاهر

میباشد بخلاف طریق .باطن که است که مناسب سطح افکار ساده عامه

. اختصاص بخاصه دارد و یا روح میات معنوی درک میشود

بیانی که از طریق ظاهر سرچشمه میگیرد فدای متعال را فرمانروای علی

آفرینش معرفی میکند که سراسر جهان ملک اوست خداوند الاطلاق جهان

شمار آفرید که فرمانبران و مجریان اوامری جهان فرشتگان بسیار بیرون از

بخش از آفرینش و نظام آن هستند که بهر سوی جهان صادر میفرماید و هر

. ارتباط بگروه خاصی از فرشتگان دارد که موکل آن بخش هستند

نوع انسان از آفریدگان و بندگان او هستند که باید از اوامر و نواهی او

فرمانبرداری کنند و پیغمبران حاملان پیامها و آورنده شرایع و پیروی و

. بسوی مردم فرستاده و جریان آنها را خواسته است قوانین او هستند که

فدای متعال از این روی که بایمان و اطاعت ، وعده ثواب و پاداش نیک

و معصیت و عید عقاب و سزای بد داده ، و چنانکه فرموده داده و به کفر

این روی که عادل است و مقتضای عدل او قلف وعده نخواهد نمود ، و از

بدکاران را که در این نشأ ء اینست که در نشأ ء دیگری دو گروه نیکوکاران و

فوبان را زندگی موافق فوبی و بدی فود زندگی نمیکنند از هم جدا کرده

. فوب و گوارا و بدان را زندگی بد و ناگوار عطاء نماید

فدای متعال بمقتضای عدل فود و وعده ای که فرموده گروه انسان را که در

میباشند بدون استثناء پس از مرگ دوباره زنده میکند و بجزئیات این نشأ ء

رسیدگی حقیقی مینماید و میان ایشان بمق اعتقادات و اعمالشان

ذیمق را بوی میرساند و داد هر قضاوت و داوری میفرماید و در نتیجه مق هر

بفودش میدهد مظلومی را از ظالمش , میگیرد و پاداش عمل هر کس را

. گروهی به بهشت جاودان و گروهی بدوزخ جاودان محکوم میشوند

این بیان ظاهری قرآن کریم است و البته راست و درست میباشد ولی از

مولود تفکر اجتماعی انسان است تأ لیف و تنظیم شده تا موادی است که

. وسیعتر باشد فائده اش عمومیت و شعاع عملش

کسانی که در سامت حقایق جای پائی و بزبان باطنی قرآن کریم تا اندازه ای

دارند , از این بیانات مطالبی میفهمند که بسی بالاتر از سطح فهم آشنائی

و قرآن کریم نیز درفلال بیانات روان فود گاهگاهی ساده و همگانی است

. گوشه ای میزند , بآنچه مقصد باطنی این بیانات است

قرآن با اشاره های گوناگون خود ، اجمالا می‌رساند که جهان آفرینش با همه خود که یکی از آنها انسان است ، با سیر تکوینی خود (که پیوسته رو اجزاء فدا در حرکت است و روزی فواید رسید که بمرکت بکمال است) بسوی کبرای فدائی انیت و استقلال خود را خود فاطمه داده ، در برابر عظمت و . بکلی از دست دهد .

انسان نیز که یکی از اجزاء جهان و تکامل اقتصادی وی از راه شعور و علم شتابان بسوی فدای خود در حرکت می‌باشد و روزی که مرکت خود را است یگانگی فدای بیگانه را عیاناً مشاهده خواهد نمود او بآفر رسانید مقانیت و صفت کمال در انحصار ذات مقدس خواهد دید که قدرت و ملک و هر بر وی خداوندی است و از همین راه حقیقت هر شیء چنانکه هست . مکشوف خواهد شد .

این نخستین منزل از جهان ابدیت است ، اگر انسان بواسطه ایمان و عمل جهان ارتباط و اتصال و الفت و انس با خدا و نزدیکان او داشته صالح در این هرگز بوصف نمی‌آید درجوار فدای پاک و صمبت پاکان باشد با سعادت که دلبستگی و پای بندی بزندگی این جهان و عالم بالا بسر میبرد و اگر بواسطه و انس و الفتی بفدای پاک و لذائذ گذران و بیپایه آن از عالم بالا بریده

ابدی فواید پاکان درگاهش نداشته باشد گرفتار عذابی دردناک و بدبختی

شد .

درست است که اعمال نیک و بد انسان در این نشأه گذران است و از میان

صور اعمال نیک و بد در باطن انسان مستقر میشود و هر جا برود میرود ولی

زندگی شیرین یا تلخ آینده او میباشد .مطالب همراه اوست و سرمایه

نمود - فدای متعال میفرماید(ان گذشته را میتوان از آیات ذیل استفاده

بسوی فدای تست .و (الی ربک الرجعی) سوره علق آیه 8 (برگشت مطلقا

باشید همه میفرماید (الا الی الله تصیر الامور) سوره شوری آیه 53 (آگاه

امور بسوی خدا برمیگردد)و میفرماید (الامر یومئذ لله) سوره انفطار آیه

امروز امر یکسره از آن خداست) (یا ایته النفس المطمئنة الرجعی) 19

مرضیه فادفلی فی عبادی) سوره فجر آیه 27-30 (ای الی ربک ارضیه

با یاد خدا) بسوی فدای خود برگرد , (نفس که اطمینان و آرامش یافته ای

داخل شو در میان بندگان در حالی که فوشنودی و از تو فوشنود شده , پس

به من و داخل شو در بهشت من) .و در مکاتیب فطابی که (روز قیامت

بعضی از افراد بشر میشود , میفرماید : لقد كنت فی غفلة من هذا فکشفنا

. فبصرک الیوم مدید عنک غطائک .

سوره ق آیه 22) تو از اینها که مشاهده میکنی در غفلت بوده ای اینک پرده

پیش چشمت برداشتی و در نتیجه چشم تو امروز تیزبین است) در (را از

مقایقی که قرآن کریم از آنها سرچشمه میگیرد مورد تأویل قرآن کریم

یا تی تأویل یقول الذین نسوه من میفرماید (هل ينظرون الا تأویل یوم

فیشفعوا لنا او نرد قبل قد جائت رسل ربنا بالمق فهل لنا من شفعاء

یفترون فنعمل غیر الذی كنا نعمل قد فسروا انفسهم و ضل عنهم ما كانوا

(سوره اعراف آیه 53) آیا کسانی که قرآن را نمیپذیرند ، جز تأویل آن

را منتظرند روزی که تأویلش مشهود میشود ، کسانی که قبلاً آنرا چیزی

گفت پیغمبران فدای ما بحق آمدند پس آیا فراموش کرده اند فوهند

ما شفاعت کنند یا اینکه برای ما نیز شفاعت کنندگانی هستند که برای

میدادیم ، انجام غیر از آن عمل که انجام برگردانده شویم (بدنیا) و عملی

نمودند دهیم ؟ اینان نفسهای خود را زیان کردند و افترائی که میبستند گم

(و میفرماید) یومئذ یوفیهم الله دینهم المق و یعلمون ان الله هو المق

المبین) سوره نور آیه 25 (در چنین روزی خدا پاداش واقعی ایشان را

که خدا واقعی آتشکار و بیپرده است و بس) و میفرماید میدهد و میداند

الی ربک کدما فملاقیه) سوره انشقاق آیه 6 (یا ایها الانسان انک کادح

کوشش میباشی پس او را ملاقات ای انسان تو با (نچ بسوی فدای خود در

اجل الله لات) سوره فواهی کرد) .و میفرماید (من کان یرجوا لقاء الله فان

برای عنکبوت آیه 5) هر که ملاقات خدا را امیدوار باشد موقعی که خدا

ملاقات مقرر فرموده خواهد آمد) و میفرماید (فمن کان یرجوا لقاء ربه

عملا صالحا و لا یشترک بعبادۀ ربه امدا) سوره کھف آیه 110) فلیعمل

خود امیدوار باشد باید عمل صالح (کار سزاوار) پس هر که بملاقات فدای

باشد باید عمل صالح (کار سزاوار) بکند و بپرستش فدای خود امیدوار

میفرماید (یا ایتهالنفس و بپرستش فدای خود کسی را شریک ننماید) و

ادفلی جنتی) المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادفلی فی عبادی و

یتذکر سوره فجر آیه 27-30. و میفرماید (و اذا جائت الطامة الكبرى , یوم

الانسان ما سعی , و برزت الجمیم لمن یری , فاما من طغی و آثر المیات

فان الجمیم هی المأوی , و اما من فاف مقام ربه و نهی النفس , الدنیا

المأوی) سوره نازعات آیه 34-41 (وقتیکه عن الهوی , فان الجنة هی

انسان هر گونه تلاش و کوشش بزرگترین داهیه روز (ستافیز رسید روزی که

گردید , مردم خود را بیاد میآورد و آتشی که برای عذاب روشن شده آشکار

دو گروه میشوند اما کسی که طغیان نموده و زندگی دنیا را برای خود

انتخاب نمود ، آتش نامبرده جایگاه اوست و اما کسیکه از مقام فدای خود

خود را از هوی دلفواه ناپسند نهی کرد بهشت جایگاه اوست ترسیده و نفس

اعمال میفرماید : (یا ایها الذین کفروا ، لا و بس) . و در بیان هویت جزاء

تعملون) سوره تمزیم آیه 7 : ای تحتذروا الیوم انما تجزون ما کنتم

رستافیز جزائی که بشما داده کسانیکه کافر شدید اعتذار مجبئید امروز (روز

. میشود همان خود اعمالی است که انجام میدادید

استمرار و توالی آفرینش - 7

این جهان آفرینش که مشهود ما است ، عمر بیپایان ندارد و روزی فواید

این جهان و جهانیان برپیده شود چنانکه قرآن همین معنی رسید که بساط

میفرماید : (ما فلقنا السماوات و الارض و ما را تأیید میکند فدای متعال

امقاف آیه 3) نیافریدیم آسمانها و بینهما الا بالحق و اجل مسمی) سوره

اجل معین) برای مدت زمین و آنچه را که در میان آنها است مگر بحق و

جهان محدود و معینی که نام برده شده است و آیا پیش از پیدایش این

فعلی و نسل موجود انسانی ، جهان دیگری آفریده شده و انسانی بوده

است ؟

آیا پس از برچیده شدن بساط جهان و جهانیان که قرآن کریم نیز از آن خبر
جهان دیگری بوجود خواهد آمد و انسانی آفریده خواهد شد ، ، میدهد
آنها را در قرآن کریم نمیتوان یافت ، جز پرسشهایی است که پاسخ صریح
بیت نقل شده ، باین پرسشها اشاراتی - ولی در روایاتی که از ائمه اهل
بیت نقل شده (پاسخ مثبت داده شده است (176)

امام شناسی

1 - معنی امام -

2 - امامت و جانشینی پیغمبر اکرم (ص) در حکومت اسلامی -

3 - در تأییدات سفنان گذشته -

4 - امامت در بیان معارف الهیه -

5 - فرق میان نبی و امام .

6 - امامت در باطن اعمال .

7 - ائمه و پیشوایان اسلام .

8 - (اجمالی از تاریخ زندگانی دوازده امام (ع) - 8

9 - بحث در ظهور مهدی (ع) از نظر عمومی - 9

10 - بحث در ظهور مهدی (ع) از نظر فصولی - 10

معنی امام - 1

امام و پیشوا بکسی گفته میشود که پیش جماعتی افتاده رهبری ایشان را

اجتماعی یا مزاج سیاسی یا مسلک علمی یا دینی بعهده گیرد در یک مسیر

با زمینه خود دارد در وسعت و ضیق تابع زمینه و البته بواسطه ارتباطی که

خود خواهد بود .

آئین مقدس اسلام (چنانکه از فصلهای گذشته روشن شد) زندگانی عموم

از هر جهت در نظر گرفته ، دستور میدهد . از جهت میات معنوی مورد بشر را

راهنمائی میکند و در میات صوری نیز از جهت زندگی فردی بررسی قرار داده و

چنانکه از جهت زندگی اجتماعی و زمامداری آن و اداره آن مدافله مینماید

(حکومت) مدافله مینماید .

بنا برجهاتی که شمرده شد امامت و پیشوائی دینی در اسلام از سه جهت

توجه قرار گیرد. از جهت رهبری و ارشاد میات معنوی ممکن است مورد

اسلامی بهر سه جهت نامبرده . شیعه معتقد است که چنانکه جامعه

است و پیشوائی نیازمندی ضروری دارد ، کسیکه متصدی اداره جهات نامبرده

و . جماعت را در آن جهات بعهده دارد ، ازنایه خدا و رسول باید تعیین شود

. البته پیغمبر اکرم (ص) نیز بامر خدا تعیین فرموده است

امامت و جانشینی پیغمبر اکرم (ص) و حکومت اسلامی - 2

انسان با نهاد فدادادی خود بدون هیچگونه تردید درک میکند که هرگز

متشکلی مانند یک کشور یا یک شهر یا ده یا قبیله و حتی جامعه انسانی

تشکیل مییابد ، بدون سرپرست و زمامداری یک خانه که از چند تن انسان

باراده های جزو حکومت کند، و هر که چرخ جامعه را بکار اندازد و اراده او

نمیتواند ببقاء خود ، یک از اجزاء جامعه را بوظیفه اجتماعی خود وا دارد

عمومیش ادامه دهد و درکمترین وقتی اجزاء آن جامعه متلاشی شده وضع

. بهره و مرج گرفتار خواهد شد

بهمین دلیل کسیکه زمامدار و فرمانروای جامعه ایست (اعم از جامعه

و بسمت خود و بقاء جامعه عنایت دارد ، اگر بخواهد بطور (بزرگ یا کوچک

خود غیبت کند البته جانشینی بجای خود موقت یا غیر موقت از سر کار
قلمرو فرمانروائی و زمامداری خود را سر میگذارد و هرگز حاضر نمیشود که
. خود رها کرده و از بقاء و زوال آن چشم پوشد

رئیس خانواده ای که برای سفر چند روزه یا چند ماهه میخواید خانه و اهل
وداع کند ، یکی از آنان را (یا کسی دیگر را) برای خود جانشین خانه را
. منزل را بوی میسپارد معرفی کرده امورات

رئیس مؤسسه یا مدیر مدرسه یا صامب دکانی که کارمندان یا شاگردان
دارد ، متی برای چند ساعت غیبت ، یکی از آنان را بجای خود چندی زیر دست
. ارجاع میکند و بهمین ترتیب نشانیده دیگران را بوی

اسلام دینی است که بنص کتاب و سنت بر اساس فطرت استوار است و
که هر آشنا و بیگانه این نشانی را از سیمای آن آئینی است اجتماعی
پیغمبر با اجتماعیت این دین مبذول مشاهده میکند و عنایتی که خدا و
. دیگری قابل مقایسه نیست داشته اند هرگز قابل انکار نبوده و با هیچ چیز

پیغمبر اکرم (ص) نیز مسئله عقد اجتماع را در هر جایی که اسلام در آن
میکرد ، ترک نمیکرد و هر شهر یا دهکده ای که بدست مسلمین نفوذ پیدا
و عاملی در آنجا نصب و زمام اداره امور میافتاد ، در اقرب وقت والی

بجهاد اعزام میفرمود ، مسلمین را بدست وی میسپرد متی در لشگرهائی که

برای گاهی برای اهمیت مورد بیش از یک رئیس و فرمانده بنمو ترتب

ایشان نصب مینمود متی در جنگ موته چهار نفر رئیس تعیین فرمود که

شد دومی را ، واگر دومی کشته شد سومی را ، و همچنین اگر اولی کشته

همچنین بمسئله جانشینی عنایت کامل بریاست و فرماندهی بشناسند .و

فروگذاری نمینمود و هر وقت داشت و هرگز در مورد لزوم ، از نصب جانشین

درموقعی که از از مدینه غیبت میفرمود والی بجای فود معین میکرد متی

مکه بمدینه هجرت مینمود و هنوز خبری نبود ، برای اداره چند روزه امور

شخصی فود در مکه و پس دادن امانتهائی که از مردم پیشش بود ، علی (ع

قرار دادو همچنین پس از رحلت نسبت بدیون و کارهای) را جانشین فود

. شخصیش علی (ع) را جانشین نمود

شیعه میگوید : بهمین دلیل ، هرگز متصور نیست پیغمبر اکرم (ص) رحلت

را جانشین فود قرار ندهد و سرپرستی برای اداره امور فرماید و کسی

. اسلامی ، نشان ندهد مسلمین و گردانیدن چرخ جامعه

اینکه پیدایش جامعه ای بستگی دارد بیک سلسله مقررات و رسوم

اجزاء جامعه آنها را عملا بپذیرند ، و بقاء و پایداری آن مشترکی که اکثریت

عادل‌ه ای که اجراء کامل آنها را به عهده بستگی کامل دارد بیک حکومت

ارزش واهمیت آن شک بگیرد , مسئله ای نیست که فطرت انسانی در

نه داشته باشد یا برای عاقلی پوشیده بماند یا فراموشش کند در مالیکه

دروسعت و دقت شریعت اسلامی میتوان شک نمود و نه در اهمیت و

ص) برای آن قائل بود و در راه آن فداکاری و از خود (ارزشی که پیغمبراکرم

نمود و نه درنبوغ فکر و کمال عقل و گذشتگی مینمود میتوان تردید

گذشته از تأیید و می و) (اصابت نظر و قدرت تدبیر پیغمبر اکرم ص

. نبوت) میتوان مناقشه کرد

پیغمبر اکرم ص) بموجب اخبار متواتری که عامه و خاصه در جوامع مدیث

فتن و غیر آن) نقل کرده اند , از فتن و گرفتاریهائی که پس از (در باب

اسلامی شد , فسادهائی که در پیکره اسلام رفته کرد (ملتش دامنگیر جامعه

ایشان که آئین پاک را فدای ناپاکیها , مانند حکومت آل مروان و غیر

است و چگونه ممکن است و ببیند و باریهای خود ساختند , تفصیلا فبر داده

خود غفلت که ازجزئیات حوادث و گرفتاریهای سالها و هزاران سالها پس از

نکند , و سخن گوید ولی ازمهمترین وضعی که باید در اولین لمظات پس

بوجود آید غفلت کند یا اهمال ورزد وامری باین سادگی (از ازمرگش

طرف دیگر) بناپیژ گیردو با اینکه بطبیعیترین و یکطرف (و باین اهمیت) از

نوشیدن و فوایدن مدافله و صدها دستور عادی ترین کارها مانند خوردن و

ورزیده کسی را بجای خود صادر نموده ازچنین مسئله با ارزشی بکلی سکوت

در شرع تعیین نفرماید؟ و اگر بفرض محال تعیین زمامدار جامعه اسلامی

(اسلام بخود مردم مسلمان واگذار شده بود باز لازم بود پیغمبر اکرم (ص

بیانات شافی در این فصوص کرده باشد و دستورات کافی بایست بدهد تا

که اساسا بقاء و رشد جامعه اسلامی و میات شعائر دین مردم در مسئله ای

هشیار باشند. و حال آنکه از چنین بیان بآن متوقف واستوار است , بیدار و

از پیغمبر اکرم (ص) نبوی و دستور فبری نیست و اگر بود کسانیکه پس

اول زمام امور را بدست گرفتند مخالفتش نمیکردند در صورتیکه خلیفه

خلافت را به خلیفه دوم با وصیت منتقل سافت و همچنین خلیفه چهارم

نمود و خلیفه دوم خلیفه سوم را با یک شورای شش نفری بفرزندش وصیت

آنها تعیین و تنظیم کرده بود , روی کار که خودش اعضاء آن و آئین نامه

نموده خلافت را باین طریق برد آورد و معاویه امام مسن را بزور بصلح وادار

شعائر دینی از و پس از آن خلافت بسلطنت موروثی تبدیل شد و تدریجا

جهاد و امر به معروف و نهی ازمنکر و اقامه حدود و غیر آنها یکی پس از

. دیگری از جامعه هجرت کرد و مساعی شارع اسلام نقش بر آب گردید

شیعه از راه بمث و کنجکاو در درک فطری بشر و سیره مستمره (177)

و تعمق در نظر اساسی آئین اسلام که امیاء فطرت میباشد، و عقلاء انسان

و مطالعه حوادث تاسف آوری که پس از، روش اجتماعی پیغمبر اکرم

اسلام و مسلمین گشته، و رحلت بوقوع پیوسته، و گرفتاریهائی که دامنگیر

قرون اولیه بتجزیه و تحلیل در کوتاهی و سهل انگاری حکومتهای اسلامی

هجرت برمیگردد، باین نتیجه میرسد که از نامه پیغمبر اکرم (ص) نص

در فصوص تعیین امام و جانشین پیغمبر رسیده است آیات و اخبار کافی

ولایت و مدیث (178) غدیر و مدیث سفینه و متواتر قطعی مانند آیه

دعوت عشیره اقریین و مدیث ثقلین و مدیث حق و مدیث منزلت و مدیث

تأویل غیر آنها باین معنی دلالت داشته و دارند ولی نظر بپاره ای دواعی

. شده و سرپوشی روی آنها گذاشته شده است

در تأیید سفنان گذشته - 3

آفرین روزهای بیماری پیغمبر اکرم (ص) بود و جمعی از صحابه مضمور

فرمود دوات و کاغذی برای من بیاورید تا برای شما چیزی داشتند آنحضرت

رعایت آن (هرگز گمراه نشوید بعضی از بنویسم که پس از من (با

برای ما بس است) حاضرین گفتند (این مرد هذیان میگوید کتاب خدا

آنگاه هیاهوی مضار بلند شد پیغمبر اکرم فرمود برفیزید و از پیش من

. بیرون روید زیرا پیش پیغمبری نباید هیاهو کنند

با توجه بمطالب فصل گذشته و توجه باینکه کسانیکه در این قضیه (179)

تصمیم پیغمبر اکرم (ص) جلوگیری کردند همان اشخاصی از عملی شدن

انتخابی بهره مند شدند و بویژه اینکه بودند که فردای همانروز از فلافت

نموده ، آنها را در برابر کار انتخاب خلیفه را بیاطلاع علی (ع) و نزدیکانش

پیغمبر اکرم انجام یافته قرار دادند آیا میتوان شک نمود که مقصود

درمدیت بالا تعیین شخص جانشین خود و معرفی علی (ع) بود ؟ و مقصود از

این سخن ایجاد قیل و قال که در اثر آن پیغمبر اکرم (ص) از تصمیم خود

اینکه معنای جدی آن (سخن نابجای گفتن از راه غلبه منصرف شود نه

. مرض) منظور باشد

زیرا اولاً - گذشته از اینکه در تمام مدت بیماری از پیغمبر اکرم (ص) حتی

نابجا شنیده نشده و کسی هم نقل نکرده است ، روی موازین دینی یک حرف

پیغمبر اکرم (ص) را که با عصمت الهی مصون است ، مسلمانان نمیتوانند

. بهزیان و بیهوده گوئی نسبت دهد .

ثانیا - اگر منظور از این سخن معنای جدیدش بود مملی برای جمله بعدی (

برای ما بس است) نبود و برای اثبات نابجا بودن سخن پیغمبر کتاب خدا

استدلال میشد نه با اینکه با وجود قرآن نیازی اکرم (ص) با بیماریش

. بسفن پیغمبر نیست .

زیرا برای یک صماپی نبایست پوشیده بماند که همان کتاب خدا ، پیغمبر

مفترض الطاعه و سفنش را سفن خدا قرار داده و بنص قرآن اکرم (ص) را

. رسول هیچگونه اختیار و آزادی عمل ندارند کریم مردم در برابر مکم خدا و

ثالثا - این اتفاق در مرض موت خلیفه اول تکرار یافت و وی بخلافت خلیفه

کرد وقتی که عثمان به امر خلیفه ، وصیت نامه را مینوشت ، دوم وصیت

خلیفه دوم سفنی را که درباره پیغمبر اکرم (ص) خلیفه بیهوش شد با اینمال

. نکرد) گفته بود درباره خلیفه اول تکرار

گذشته از اینها خلیفه دوم در حدیث (181) ابن عباس به این (180)

مینماید وی میگوید من فهمیده که پیغمبر اکرم (ص) حقیقت اعتراف

برای رعایت مصلحت بهم زدم میفواهد خلافت را تسجیل کند ، ولی

مینشست مردم را . میگوید : خلافت از آن علی بود (182) ولی اگر بخلافت وی را بمق و راه راست وادار میکرد و قریش زیر بار آن نمیرفتند از این روی . از خلافت کنار زدیم

با اینکه طبق موازین دینی باید متخلف از مق را بمق وادار نمود نه مق را خاطر متخلف ترک نمود موقعیکه برای خلیفه اول خبر آوردند که برای دادن زکوه امتناع میورزند , دستور جنگ داد و جمعی از قبائل مسلمان از میدادند بمن ندهند با ایشان میجنگم) گفت (اگر عقلی را که پیغمبر خدا قیمت تمام شود باید مق (183) و البته مراد از این سخن این بود که بهر . ارزشتر بود امیاء شود البته موضوع خلافت مقه از یک عقل مهمتر و با

امامت در بیان معارف الهیه - 4

در بمثهای پیغمبر شناسی گذشت که طبق قانون ثابت و ضروری هدایت انواع آفرینش از راه تکوین و آفرینش بسوی کمال و عمومی , هر نوع از . میشود سعادت نوعی خود هدایت و رهبری

نوع انسان نیز که یکی از انواع آفرینش است از کلیت این قانون عمومی و از راه غریزه واقع بینی و تفکر اجتماعی , در زندگی خود مستثنی نیست که سعادت دنیا و آخرتش را تامین نماید و بروش خاصی باید هدایت شود

وظائف عملی را درک نموده روش بعبارت دیگر باید یک سلسله اعتقادات و

خود را بدست زندگی خود را بآنها تطبیق کند تا سعادت و کمال انسانی

آورد و گفته شد که راه درک این برنامه زندگی که بناه دین نامیده میشود

راه عقل نیست بلکه راه دیگری است که بناه وحی و نبوت که در برقی از

. بشریت بناه انبیاء (پیغمبران خدا) یافت میشود پاکان جهان

پیغمبرانند که وظائف انسانی مردم را بوسیله وحی از جانب خدا دریافت

میرسانند تا در اثر بکار بستن آنها تامین سعادت کنند. روشن داشته بمرده

چنانکه لزوم و ضرورت چنین درکی را در میان افراد بشر , است که این دلیل

ضرورت پیدایش افرادی را که پیکره دست بثبوت میرساند , همچنین لزوم و

بمرده برسانند , بثبوت نفورده این برنامه را حفظ کنند و در صورت لزوم

. میرساند

چنانکه از راه عنایت فدائی لازم است اشخاصی پیدا شوند که وظائف انسانی

وحی درک نموده بمرده تعلیم کنند , همچنان لازم است که این را از راه

همیشه در جهان انسانی محفوظ بماند و وظائف انسانی آسمانی برای

اشخاصی وجودداشته در صورت لزوم بمرده عرض و تعلیم شود یعنی پیوسته

. باشند که دین خدا نزدشان محفوظ باشد و در وقت لزوم بمصرف برسد

کسیکه متصدی مفظ و نگهداری دین آسمانی است و از جانب خدا باین

امام نامیده میشود چنانکه کسیکه حامل روح ، سمت اختصاص یافته

شرایع آسمانی از جانب خدا وحی و نبوت و متصدی اخذ و دریافت امکام و

شوند و میباشد نبی نام دارد و ممکن است نبوت و امامت در یکجا جمع

ممکن است از هم جدا باشند و چنانکه دلیل نامبرده عصمت پیغمبران را

میکرد ، عصمت ائمه و پیشوایان را نیز اثبات میکند زیرا باید خدا را اثبات

واقعی دست نفورده و قابل تبلیغی در میان بشر داشته برای همیشه دین

. مصونیت فدائی صورت نیندد باشد و این معنی بدون عصمت و

5 - فرق میان نبی و امام

دلیل گذشته در مورد دریافت داشتن امکام و شرائع آسمانی که بواسطه

میگیرد همین قدر اصل وحی یعنی گرفتن امکام آسمانی پیغمبران انجام

همیشگی آنرا بخلاف مفظ و نگهداری آن که را اثبات میکند نه استمرار و

است که لزوم ندارد پیوسته طبعاً امری است استمراری و مداوم . و از اینجا

نگهدارنده دین پیغمبری در میان بشر وجود داشته باشد ولی وجود امام که

آسمانی است پیوسته در میان بشر لازم است و هرگز جامعه بشری از وجود

امام عالی نمیشود بشناسند یا نشناسند و فدای متعال در کتاب خود

بها هؤلاء فقد وكلنا بها قوما ليسوا بها بكافرين (میفرماید) فان يكفر

ما , که هرگز تفلح نمیکند , کافران سوره انعام آیه 89 و اگر بهدایت

که هرگز بآن کافر نخواهند ایمان نیاوردند ما گروهی را بآن موکل کرده ایم

فرد دارای شد . و چنانکه اشاره شد نبوت و امامت گاهی جمع میشود و یک

هر دو منصب پیغمبری و پیشوائی (اخذ شریعت آسمانی و مفظ بیان آن)

و گاهی از هم جدا میشوند چنانکه در ازمنه ای که از پیغمبران فالی میشود

امام حق وجود دارد و بدیهی است عدد پیغمبران فدا است در هر عصر

. محدود و همیشه وجود نداشته اند .

فدای متعال در کتاب خود جمعی از پیغمبران را بامامت معرفی فرموده

درباره حضرت ابراهیم میفرماید (و اذا ابتلی ابراهیم ربه است چنانکه

جاعلک للناس اماما قال و من ذریتی قال لاینال بکلمات فاطمه قال انی

وقتیکه فدای ابراهیم او را بکلمه عهدی الظالمین) سوره بقره آیه 124

رسانید فرمود : من تو را هائی امتحان کرد پس آنها را تمام کرده و بآفر

فرزندان من - برای مردم امام و پیشوا قرار میدهم ابراهیم گفت و از

فرمود عهد و فرمان من بستمکاران نمیرسد . و میفرماید : (و جعلناهم

ائمه يهدون بامرنا (سوره انبياء آيه 73 و ما ايشان را پيشواياني قرار

. بامر ماهدائت و رهبري ميگردند داديم كه

امامت در باطن اعمال - 6

امام چنانكه نسبت بظاهر اعمال مردم پيشوا و راهنماست همچنان در

پيشوائى و رهبري دارد و اوست قافله سالار كاروان انسانيت باطن نيز سمت

سير ميکند. براي روشن شدن اين حقيقت بدو كه از راه باطن بسوي خدا

. مقدمه زيرين بايد عطف توجه نمود

اول - جاي ترديد نيست كه بنظر اسلام و سايراديان آسماني يگانه وسيله

شقاوت (فوشبفتي و بدبفتي) واقعي و ابدى انسان، همانا سعادت و

آسماني تعليمش ميکند وهم از راه اعمال نيك و بد اوست كه دين

مينمايد. و فدای متعال از فطرت و نهاد فدادادی نيکی و بدی آنها را درک

با زبان راه وحی و نبوت اين اعمال را مناسب طرز تفکر ما گروه بشر

اجتماعی خودمان، در صورت امر و نهی و تمسین و تقبیح بیان فرموده و در

مقابل طاعت و تمرد آنها، برای نیکوکاران و فرمانبرداران، زندگی جاوید

مشمتمل بر همه فواستهای کمالی انسان میباشد، نوید داده و شیرینی که

زندگی جاوید تلفی که متضمن هر گونه بدبفتی و برای بدکاران و ستمگران

و تردید نیست که فدای ناکامی میباشد خبر داده است. و جای شک

اجتماعی آفرینش که از هر جهت بالاتر از تصور ما است، مانند ما تفکر

ندارد و این سازمان قراردادی آقائی و بندگی و فرمانروائی و امر و نهی و مزد

و پاداش در بیرون از زندگی اجتماعی ما وجود ندارد و دستگاه فدائی همانا

آفرینش است که در آن هستی و پیدایش هر چیز بآفرینش خدا دستگاه

و بس. و چنانکه در قرآن کریم (184) و طبق روابط واقعی بستگی دارد

بمقایق و معارفی است بیانات پیغمبر اکرم (ص) اشاره شده دین مشتمل

سطح فکر ما بالاتر از فهم عادی ما که فدای متعال آنها را با بیانی که با

مناسب و با زبانی که نسبت بما قابل فهم است، برای ما نازل فرموده

. است

از این بیان باید نتیجه گرفت که میان اعمال نیک و بد و میان آنچه در

از زندگی و خصوصیات زندگی هست، رابطه واقعی برقرار است جهان ابدیت

آینده بخواست خدا مولود آنست. و به عبارت که فوشی و نافوشی زندگی

درون انسان واقعیتی بوجود میآید ساده تر در هر یک از اعمال نیک و بد، در

. که چگونگی زندگی آینده او مرهون آنست

انسان بفهمد یا نفهمد ، درست مانند کودکی است که تمت تربیت قرار

دستورهائی که از مربی با لفظ بکن و نکن میشوند و پیکر میگیرد ، وی جز

چیزی نمیفهمد ولی پس از بزرگ شدن و ، کارهائی که انجام میدهد

که در باطن خود مهیا گذرانیدن ایام تربیت بواسطه ملکات رومی ارزنده ای

کرده در اجتماع بزندگی سعادت‌مندی نائل خواهد شد و اگر از انجام

دستورهای مربی نیکفواه خود سر باز زده باشد جز بدبختی بهره ای نخواهد

. داشت

یا مانند کسیکه طبق دستور پزشکی بدوا و غذا و ورزش مخصوصی مداومت

گرفتن و بکار بستن دستور پزشکی با چیزی سر و کار ندارد مینماید وی جز

حالت خاصی در ساقتمان داخلی خود پیدا میکند ولی با انجام دستور ، نظم و

. کامیابی است که مبدأ تندرستی و هرگونه فوشتی و

فلاصه انسان در باطن این میات ظاهری میات دیگر باطنی (میات معنوی)

اعمال وی سرپوشمه میگیرد و رشد میکند و فوشبختی و بدبختی دارد که از

. کامل بآن دارد وی در زندگی آن سرا ، بستگی

قرآن کریم نیز این بیان عقلی را تأیید میکند و در آیات (185) بسیاری

نیکوکاران و اهل ایمان میات دیگر و روح دیگری بالاتر از این میات و برای

روح اثبات مینماید و نتایج باطنی اعمال را پیوسته همراه روشنتر از این

. نبوی نیز بهمین معنی بسیار اشاره شده است انسان میداند و در بیانات

دوم - اینکه بسیار اتفاق میافتد که یکی از ما کسی را بامری نیک (186)

راهنمائی کند در مالیکه خودش بگفته خود عامل نباشد ولی هرگز یا بد

هدایت و رهبریشان بامر خداست ، این حال تمقق پیغمبران و امامان که

میکنند و رهبری آن را بعهده گرفته پیدا نمیکند ایشان بدینی که هدایت

مردم را سوق میدهند ، اند ، خودشان نیز عاملند و بسوی میات معنوی که

خود خودشان نیز دارای همان میات معنوی میباشند زیرا خدا تا کسی را

هدایت نکند هدایت دیگران را بدستش نمیسپارد و هدایت خاص فدائی

. نیست هرگز تفلح بردار

: از این بیان میتوان نتایج زیرا را بدست آورد

در هر امتی ، پیغمبر و امام آن امت در کمال میات معنوی دینی که - 1

و هدایت میکنند ، مقام اول را هائز میباشند زیرا چنانکه بسوی آن دعوت

. عامل بوده و میات معنوی آنرا واجدند شاید وباید دعوت خود شان

. چون اولند و پیشرو و راهبر همه هستند از همه افضلند - 2

کسیکه رهبری امتی را با امر خدا بعهده دارد چنانکه در مرحله اعمال - 3

و راهنما است در مرحله میات معنوی نیز رهبر و مقائق اعمال ظاهری رهبر

. (187) با رهبری او سیر میکند

ائمه و پیشوایان اسلام - 7

بمسب آنکه از فصلهای گذشته نتیجه گرفته میشود ، در اسلام پس از رحلت

ص (در میان امت اسلامی پیوسته امامی (پیشوای منصوب) پیغمبر اکرم

بود . و امامیث انبوهی (188) از پیغمبر اکرم (از جانب خدا بوده و فواید

در اینکه همه شان از قریشند و (ص) در توصیف ایشان و در عدد ایشان و

و آفرینشان اهل بیت پیغمبرند و در اینکه (مهدی موعود) از ایشان

فواید بود ، نقل شده است . و همچنین نصوص (189) از پیغمبر اکرم در

علی علیه السلام که امام اول است وارد شده است و همچنین امامت

ص (و علی (ع) در امامت امام دوم و (نصوص قطعی از پیغمبر اکرم

قطعی نموده اند بهمین ترتیب گذشتگان ائمه بامامت آیندگان نشان نص

.

به مقتضای این نصوص ، ائمه اسلام دوازده تن میباشند و نامهای مقدس

. ترتیب است شان باین

1 - علی بن ابی طالب

2 - مسن بن علی

3 - مسین بن علی

4 - علی بن مسین

5 - محمد بن علی

6 - جعفر بن محمد

7 - موسی بن جعفر

8 - علی بن موسی

9 - محمد بن علی

10 - علی بن محمد

11 - مسن بن علی

12 - مهدی علیه السلام

(اجمالی از تاریخ زندگی دوازده امام (ع - 8

امام اول

حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام , وی فرزند ابوطالب شیخ بنیهاشم

اکرم (ص) بود که پیغمبر اکرم را سرپرستی نموده و در خانه عموی پیغمبر

بود و پس از بحث نیز تا زنده بود از آنحضرت خود جای داده و بزرگ کرده

. را از وی دفع نمود حمایت کرد و شر کفار عرب و خاصه قریش

علی علیه السلام (بنا بنقل مشهور) ده سال پیش از بحث متولد شد و

در اثر قحطی که در مکه و هوالی آن اتفاق افتاد ، بنا پس از شش سال

خانه پدر بخانه پسر عموی خود پیغمبر اکرم بدرخواست پیغمبراکرم (ص) از

مستقیم آنحضرت درآمد (ص) منتقل گردید و تمت سرپرستی و پرورش

. (190)

پس از چند سال که پیغمبر اکرم (ص) بموهبت نبوت نائل شد و برای

مرا وحی آسمانی بوی رسید وقتی که از غار رهسپار شهر و نخستین بار درغار

علی علیه السلام بآنحضرت ایمان آورد خانه خود شد شرح حال را فرمود

فویشتاوندان نزدیک خود را (191) و باز در مجلسی که پیغمبر اکرم (ص)

دعوت مرا جمع و بدین خود دعوت نموده فرمود : نخستین کسیکه از شما

بپذیرد خلیفه و وصی و وزیر من خواهد بود ، تنها کسیکه از جای خود بلند شد

ایمان آورد علی (ع) بود و پیغمبر اکرم (ص) ایمان او را پذیرفت و وعده و

درباره اش امضاء نمود (192) و از این روی علی (ع) نخستین های خود را

ایمان آورد و نخستین کسی است که هرگز غیر کسی است در اسلام که

. فدای یگانه را نپرستید

علی (ع) پیوسته ملازم پیامبر اکرم (ص) بود تا آنحضرت از مکه بمدینه

در شب هجرت نیز که کفار خانه آنحضرت را محاصره کرده هجرت نمود و

ریخته و آنحضرت را در بستر خواب بودند و تصمیم داشتند آخر شب بخانه

(ص) خوابیده و (قطعه قطعه نمایند، علی (ع) در بستر پیغمبر اکرم

آنحضرت از خانه بیرون آمده رهسپار مدینه گردید (193) و پس از آنحضرت

مطابق وصیتی که کرده بود، امانتهای مردم را به صاحبانش رد کرده مادر

. (پیغمبر را با دو زن دیگر برداشته بمدینه حرکت نمود (194) فود و دفتر

در مدینه نیز ملازم پیغمبر اکرم (ص) بود و آنحضرت در هیچ خلوت و جلوتی

را کنار نزد و یگانه دفتر محبوبه فود فاطمه را بوی تزویج نمود. و (علی (ع

اصحاب فود عقد افوت میبست او را برادر فود قرار داد در موقعی که میان

پیغمبر اکرم (ص) شرکت فرموده، (195) علی (ع) در همه جنگها که

فود نشانیده بود حاضر شد جز جنگ تبوک که آنحضرت او را در مدینه بجای

(196) و در هیچ جنگی پای بعقب نگذاشت و از هیچ مریفی روی نگردانید و

در هیچ امری مخالفت پیغمبر اکرم (ص) نکرد چنانکه آنحضرت فرمود (

مق از علی جدا نمیشوند (197 هرگز علی از مق و

علی (ع) روز هفت پیغمبر اکرم سی و سه سال داشت و با اینکه در همه

آمد و در میان اصحاب پیغمبر ممتاز بود، بعنوان اینکه فضائل دینی سر

فونهای که در جنگها پیشاپیش پیغمبر وی جوان است و مردم بواسطه

زدند و باین ترتیب دست اکرم (ص) ریخته با وی دشمنند از خلافت کنارش

آنحضرت از شئون عمومی بکلی قطع شد وی نیز گوشه فانه گرفته

بتربیت افراد پرداخت و بیست و پنج سال که زمان سه خلیفه پس از هفت

بود، گذرانید و پس از کشته شدن خلیفه سوم مردم (پیغمبر اکرم (ص)

. برگزیدند بآنحضرت بیعت نموده و بفلافتش

آن حضرت در خلافت خود که چهار سال و نه ماه تقریباً طول کشید سیرت

را داشت و بفلافت خود صورت نهضت و انقلاب داده (پیغمبر اکرم (ص)

اصلاحات بضرر برخی از سودجویان تمام باصلاحات پرداخت و البته این

آنها هم المؤمنین عایشه میشد و از این رو عده ای از صحابه که پیشاپیش

قرار داده سر و طلحه و زبیر و معاویه بود، خون خلیفه سوم را دستاویز

. بمخالفت برافراشتند و بنای شورش و آشوبگری گذاشتند

آنحضرت برای فوآبانیدن فتنه ، جنگی با ام المؤمنین عائشه و طلحه و زبیر

بصره کرد که به جنگ جمل معروف است و جنگی دیگر با معاویه در نزدیکی

بجنگ صفین معروف است و یکسال و نیم در مرز عراق و شام کرد که

که بجنگ نهروان معروف ادامه یافت و جنگی دیگر با فوارچ در نهروان کرد

رفع است و باین ترتیب بیشتر مساعی آن حضرت در ایام خلافت خود صرف

افتلاف داخلی بود و پس از کمی صبح روز نوزدهم ماه رمضان سال چهل

کوفه در سر نماز صبح بدست بعضی از فوارچ ضربتی فورده هجری در مسجد

. (شد 198 و در شب بیست و یکم ماه شهید

امیرالمؤمنین علی علیه السلام بشهادت تاریخ و اعتراف دوست و دشمن

انسانی نقیصه ای نداشته و در فضائل اسلامی نمونه کاملی از در کمالات

بود . بمثلهائی که در اطراف شخصیت او شده و (تربیت پیغمبر اکرم (ص

سایر مطلعین و کنجکاوان نوشته کتابهائی که در این باره شیعه و سنی و

. است اند ، درباره هیچیک از شخصیتهای تاریخ اتفاق نیافتاده

علی (ع) در علم و دانش داناترین یاران پیغمبر اکرم (ص) و سایر اهل

نفستین کسی است در اسلام که در بیانات علمی خود ، در اسلام بود و

نگهداری لفظش دستور زبان عربی را وضع فرمود استدلال سخن گفت و برای

چنانکه در بخش 1 کتاب نیز اشاره شد () و تواناترین عرب بود در سفرانی

علی (ع) در شجاعت ضرب المثل بود

در آنهمه جنگها که در زمان پیغمبر اکرم (ص) و پس از آن شرکت کرد ،

اضطراب از خود نشان نداد و با اینکه بارها و ضمن حوادثی هرگز ترس و

جنگ فیبر و جنگ خندق ، یاران پیغمبر اکرم مانند جنگ امد و جنگ صفین و

پراکنده شده فرار نمودند ، وی هرگز (ص) و لشکریان اسلام لرزیدند و یا

مردان جنگی با وی پشت بدشمن نکرد و هرگز نشده که کسی از ابطال و

را در آویزد و جان بسلامت برد و در عین حال با کمال توانائی ناتوانی

نمیکشت و فراری را دنبال نمیکرد و شبیخون نمیزد و آب به روی دشمن

. نمیست

از مسلمات تاریخ است که آنحضرت در جنگ فیبر در ممله ای که بقلعه

در (سانیده با تکانی در قلعه را کنده بدور اندافت (199) نمود دست بملقه

پیغمبر اکرم (ص) امر بشکستن بتها نمود بت . و همچنین روز فتح مکه که

عظیم الجثه ای از سنگ بود که بر (هبل) که بزرگترین بتهای مکه و مجسمه

اکرم (ص) پا روی دوش بالای کعبه نصب کرده بودند علی (ع) بامر پیغمبر

پائین آن حضرت گذاشته بالای کعبه رفت و هبل را از جای خود کند و

. (انداخت 200)

علی (ع) در تقوای دینی و عبادت حق نیز یگانه بود، پیغمبر اکرم (ص) در

کسانیکه نزد وی از تندی علی (ع) گله میکردند میفرماید (علی را پاسخ

. وی شیفته خداست سرزنش نکنید زیرا

ابودردا صمابی جسد آنحضرت را در یکی از نخلستانهای مدینه دید (201)

چوب فشک افتاده ای است برای اطلاع بفانه آن حضرت آمد و که مانند

دفتر پیغمبر اکرم (ص) بود، درگذشت همسرش را بهمسر گرامی وی که

عم من نمرده است بلکه در تسلیت گفت دفتر پیغمبر (ص) فرمود: پسر

اتفاق میافتد عبادت از خوف خدا غش نموده است و اینمال برای وی بسیار

.

علی (ع) در مهربانی بزیر دستان و دلسوزی به بینوایان و بیچارگان و کره و

بفقر و مستمندان قصص و مکایات بسیار دارد. آن حضرت هر چه را سفا

فدا به مستمندان و بیچارگان میداد و خود با بدستش میرسید در راه

.سختترین و ساده ترین وضعی زندگی میکرد.

آن حضرت کشاورزی را دوست میداشت و غالباً باستفراخ قنوات و درخت
زمینهای بایر میپرداخت ولی از این راه هرملکی را که آباد کاری و آباد کردن
بیرون میآورد وقف فقرا میفرمود و اوقاف آن میکرد و یا هر قناتی را که
دراوا فرعهدوی عوائد سالیانه قابل حضرت که بصدقات علی معروف بود
. (توجهی (بیست و چهار هزار دنیارطلا) داشت (202)

امام دوم

امام مسن مجتبی علیه السلام (آنحضرت و برادرش امام مسین (ع) دو
امیرالمؤمنین علی (ع) بودند از حضرت فاطمه (ع) دختر پیغمبر اکرم فرزند
اکرم بارها میفرمود که مسن مسین فرزندان منند و بیاس (ص) و پیغمبر
فرزندان خود میفرمود: (ثما فرزندان من همین کلمه علی (ع) بسایر
(203) هستید و مسن و مسین فرزندان پیغمبر فدایند

امام مسن (ع) سال سوم هجرت در مدینه متولد شد (204) و هفت سال و
را درک نمود و در آغوش مهر آنحضرت بسر برد و پس از فرده ای جد خود
حضرت فاطمه سه ماه یا شش ماه رملت پیغمبر اکرم (ص) که با رملت
. گرفت بیشتر فاصله نداشت تمت تربیت پدر بزرگوار خود قرار

امام مسن (ع) پس از شهادت پدر بزرگوار خود بامر خدا و طبق وصیت

رسید و مقام فلافت ظاهری را نیز اشغال کرده نزدیک آنحضرت، بامامت

پرداخت و در این مدت معاویه که دشمن به ششماه باداره امور مسلمین

فلافت (در ابتدا بنام سر سفت (علی) و فاندان او بود و سالها بطمع

بعراق که فونفواهی خلیفه سوم و افیرا بدعوی صریح فلافت (جنگیده بود

مقر فلافت امام مسن (ع) بود لشکر کشید و جنگ آغاز کرد و از سوی دیگر

سرداران لشکریان امام مسن را تدریجا با پولهای گزاف و نویدهای فریبنده

. (لشکریان را بر آنحضرت شورانید (205 اغوا نمود و

بالافره آن حضرت بصلح مجبور شده فلافت ظاهری را با شرائطی (بشرط

درگذشت معاویه دوباره فلافت بامام مسن (ع) برگردد و اینکه پس از

(باشند) بمعاویه واگذار نمود (206 فاندان و شیعیانش از تعرض مصون

.

معاویه باین ترتیب فلافت اسلامی را قبضه کرد و وارد عراق شده و در

صلح را الخاء نموده (207) و از هر راه ممکن استفاده کرده سفیرانی شرائط

. بر اهل بیت و شیعیان ایشان روا داشت سفتترین فشار و شکنجه را

امام مسن (ع) در تمام این مدت امامت خود که ده سال طول کشید در
وافتخار زندگی کرد و هیچگونه امنی متی در داخل خانه خود نهایت شدت
پنجاه هجری بتمریک معاویه بدست همسر خود نداشت و بالاخره در سال
(مسموم و شهید شد (208).

امام مسن (ع) در کمالات انسانی یادگار پدر و نمونه کامل جد بزرگوار خود
پیغمبر اکرم (ص) در قید میات بود، او و برادرش در کنار آنحضرت بود تا
. آنان را بر دوش خود سوار میکرد جای داشتند و گاهی

عامه و فاصله از پیغمبر اکرم (ص) روایت کرده اند که درباره مسن و مسین
السلام فرموده: (209) این دو فرزند من امام میباشند فواه علیهما
کنایه است از تصدی مقام خلافت ظاهری و عدم (برفیزند و فواه بنشینند
ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) (تصدی آن) و روایات بسیار از پیغمبر اکرم
. در امامت آنحضرت بعد از پدر بزرگوارش، وارد شده است

امام سوم

امام مسین (سید الشهداء) فرزند دوم علی (ع) از فاطمه (ع) دختر پیغمبر
که در سال چهارم هجری متولد شده است آنحضرت پس از (اکرم ص)

مسئله مجتبی (ع) بامر خدا و طبق وصیت وی شهادت برادر بزرگوار خود امام

. (بامامت رسید 210)

امام حسین (ع) ده سال امامت نمود و تمام این مدت باستثنای (تقریباً

در خلافت معاویه واقع بود و در سختترین اوضاع و (ششماه آخر

زندگی میفرمود زیرا گذشته از اینکه ناگوارترین احوال با نهایت افتخار

بود و فواسته های مقررات و قوانین دینی اعتبار خود را از دست داده

حکومت جایگزین فواسته های خدا و رسول شده بود گذشته از اینکه

معاویه و دستیاران او از هر امکانی برای خورد کردن و از میان بردن اهل

شیعیان نشان و محو نمودن نام علی و آل علی استفاده میکردند، بیت و

خلافت فرزند خود یزید برآمده بود و گروهی از معاویه درصدد تمکیم اساس

امر فوشتن نبودند معاویه برای مردم بواسطه ببند و باری یزید، از این

. تری دست زده بود جلوگیری از ظهور مخالفت بسفت گیریهای بیشتر و تازه

امام حسین خواه ناخواه این روزگار تاریک را میگذرانید و هر گونه شکنجه و

رومی را از معاویه و دستیاران وی تحمل میکرد تا در اواسط سال آزار

. (درگذشت و پسرش یزید بجای پدر نشست 211 شصت هجری معاویه

بیعت یک سنت عربی بود که در کارهای مهم مانند سلطنت و امارت اجراء

زیردستان و بویژه سرشناسان دست بیعت و موافقت و طاعت میشد و

مخالفت بعد از بیعت عار و ننگ قومی بود و بسططان یا امیرمثلاً میدادند و

میشد و در سیره پیغمبر مانند تلافی از امضاء قطعی جرم مسلم شمرده

انجام مییافت اگر (ص) فی الجملة یعنی در جائی که بافتیاری و بدون اجبار

. اعتبار داشت

معاویه نیز از معاریف قوم برای یزید بیعت گرفته ولی متعرض حال امام

نشده بود و بآن مضرت تکلیف بیعت ننموده بود و بالفصوص (مسین ع)

که اگر مسین بن علی از بیعت وی سرباز (به یزید وصیت کرده بود (212)

زیرا پشت و روی مسئله را زنده پی گیری نکند و با سکوت و اغماض بگذارند

اثر فودبینی و درست تصور کرده عواقب وفیم آنرا میدانستند. و لی یزید در

بیباکی که داشت وصیت پدر را فراموش کرده بیدرنگ پس از درگذشت پدر

بوالی مدینه دستور داد که از امام مسین برای وی بیعت گیرد و گرنه سرش

فرستد (213). پس از آنکه والی مدینه درخواست یزید را بامام را بشاه

آنحضرت برای تفکر در اطراف قضیه مهلت گرفت و مسین (ع) ابلاغ کرد

فرمود و بمرح خدا که در اسلام مأ شبانه با خاندان خود بسوی مکه حرکت

. من رسمی میباشد پناهنده شد

این واقعه در وافر ماه رجب و اوائل ماه شعبان سال شصت هجری بود و

تقریباً چهار ماه در شهر مکه در حال پناهندگی بسر برد و (امام حسین (ع

بلاد اسلامی منتشر شد از یکسوی بسیاری از مردم این خبر تدریجاً در اقطار

بودند و فلافت یزید بر نارضایتیشان که از بیدادگریهای دوره معاویه دلفور

میکردند و از یکسوی سیل میافزود با آنحضرت مراوده و اظهار همدردی

از آنحضرت نامه از عراق و بویژه از شهر کوفه بشهر مکه سرازیر میشد و

میخواستند که بعراق رفته و به پیشوائی و رهبری جمعیت پرداخته برای

. براندافتن بیداد و ستم قیام کند و البته این جریان برای یزید فطرناک بود

اقامت امام حسین (ع) در مکه ادامه داشت تا موسم حج رسید و

حج گروه , گروه و دسته , دسته وارد مکه و مهیای مسلمانان جهان بعنوان

پیدا کرد که جمعی از کسان یزید انجام عمل حج میشدند آنحضرت اطلاع

سلامی که در زیر لباس درزی مباح وارد مکه شده اند و مأ موریت دارند با

. (214) امرام بسته اند آنحضرت را در اثناء عمل حج به قتل رسانند

آنحضرت عمل فود را مخفف سافته تصمیم بمرکت گرفت و در میان گروه

ایستاده سفنرانی کوتاهی کرده (215) مرکت فود را بسوی انبوه مردم سرپا

کوتاه شهادت فود را گوشزد مینماید و از عراق فبر داد وی دراین سفنرانی

نمایند و فون فود را در مسلمانان استمداد میکند که در این هدف یاریش

فود رهسپار راه فدا بذل کنند و فردای آن روزبا خاندان و گروهی از یاران

. عراق شد

امام مسین (ع) تصمیم قطعی گرفته بود که بیعت نکند و بخوبی

فواهد شد و نیروی جنگی شگرف و دهشتناک بنیامیه میدانست که کشته

بیارادگی مردم و فاصله اهل عراق تا که با فساد عمومی و انحطاط فکری و

. بید میشد ، او را خورد و نابود فواهدکرد

جمعی از معاریف بعنوان خیرفواهی سر راه را بر وی گرفته و خطر این

تذکر دادند ولی آنحضرت در پاسخ فرمود که من بیعت مرکت و نهضت را

امضاء نمینمایم و میدانم که بهر جا روم نمیکند و حکومت ظلم و بیداد را

مکه را ترک می‌گویم برای ، و در هر جا باشم ، مرا خواهند کشت و اینکه

. (رعایت مرمت خانه با ریختن خون من هتک نشود) 216

امام مسین (ع) راه کوفه را پیش گرفت در فداست که اثناء راه که هنوز

تا کوفه داشت ، فبر یافت که والی یزید در کوفه نماینده امام را چند روز راه

شهر که طرفدار جدی بود ، کشته و بدستور وی ریسمان با یکنفر از معاریف

کشیده اند (217) و شهر و نوامی آن بپایشان بسته در کوفه و بازار کوفه

دشمن در انتظار وی بسر تمت مراقبت شدید در آمده و سپاه بیرون از شمار

میبرند و راهی جز کشته شدن در پیش نیست همین جا بود که امام

تصمیم قطعی خود را بکشته شدن بپتردید اظهار داشت و بسیر خود ادامه

. (داد) 218

در هفتاد کیلومتری کوفه (تقریباً) در بیابانی بناه کربلا ، آنحضرت و

بمماصره لشگریان یزید در آمدند و هشت روز توقف داشتند که هر کسانش

سپاه دشمن افزونتر میشد و بالاخره آنحضرت و روز ملقه ممماصره تنگتر و

میان ملقه های متشکل از سی هزار فاندان و کسانش با شماره ناچیز ، در

. (فرد مرد جنگی قرار قرار گرفتند) 219

در این چند روز امام به تمکیم موضع خود پرداخته یاران خود را تصفیه نمود
عموم همراهان خود را امضار فرمود در ضمن سخنرانی کوتاهی اظهار شبانه
و شهادت در پیش نداریم و اینان با کسی جز من داشت که : ما جز مرگ
برداشتیم هر که بخواهد میتواند از کار ندارند من بیعت خود را از شما
. هولناک برهاند تاریکی شب استفاده نموده جان خود را از این ورطه
پس از آن فرمود چراغها را خاموش کردند و اکثر همراهان که برای مقاصد
بودند پراکنده شدند و جز جماعت کمی از شیفتگان حق (مادی همراه
. و عده ای از بنیهایم کسی نماند (نزدیک به چهل تن از یاران امام
امام (ع) بار دیگر بازماندگان را جمع کرده و به مقام آزمایش درآورده در
که به یاران و خویشاوندان هاشمی خود کرد ، اظهار داشت : که این خطابی
کار دارند هر یک از شما میتواند از تاریکی شب استفاده دشمنان تنها با من
این بار هر یک از یاران با وفای امام با بیانهای کرده از فطر نجات یابد ولی
راه حق که تو پیشوای آنی روی نخواهیم مختلف پاسخ دادند که ما هرگز از
تا رمقی در تن و قبضه تافت و دست از دامن پاک تو نخواهیم برداشت و
. شمشیر به دست داریم از مریم تو دفاع خواهیم نمود

آخر روز نهم ماه محرم آخرین تکلیف (یا بیعت یا جنگ) از جانب (220)

امام رسید و آن حضرت شب را برای عبادت مهلت گرفت و دشمن با

. مصمم جنگ فردا شد

روز دهم محرم سال شصت و یک هجری ، امام با جمعیت کم خود (221)

کمتر از نود نفر که پهل نفر ایشان از همراهان سابق امام و روی هم رفته

جنگ از لشکر دشمن به امام پیوسته بودند و سی و چند نفر در شب و روز

و برادران و برادر زادگان و مابقی فویشاوندان هاشمی امام ، از فرزندان

دشمن صف آرای فواهر زادگان و عمو زادگان بودند) در برابر لشکر بیکران

. نمودند و جنگ در گرفت

آن روز از بامداد تا واپسین جنگیدند و امام (ع) و سایر جوانان هاشمی و

تا آخرین نفر شهید شدند (در میان کشته شدگان دو فرزند یاران وی

فردسال و یک فرزند شیر فوار امام حسین فردسال امام مسن و یک کودک

.) را نیز باید شمرد

لشکر دشمن پس از فاطمه یافتن جنگ ، مرمسرای امام را غارت (222)

و فرگاه را آتش زدند و سرهای شهدا را بریده بدنهای ایشان را کردند و فیصه

بسپارند ، به زمین انداختند سپس اهل مره را که لفت کرده بیاینکه به فاک

شهادت بسوی کوفه مرتکب دادند (در همه زن و دختر بیپناه بودند با سرهای
جمله آنان فرزند بیست میان اسیران از جنس ذکور تنی چند بیش نبود که از
دیگر فرزند و دو ساله امام حسین ، که سفت بیمار بود یعنی امام چهارم و
چهار ساله وی محمد بن علی که امام پنجم باشد و دیگر مسن مثنی فرزند
دوم که داماد امام حسین (ع) بود و در جنگ زخم کاری خورده و در امام
افتاده بود او را نیز در آفرین رمق یافتند و به شفاعت یکی میان کشته گان
با اسیران به کوفه بردند) و از کوفه نیز به سوی از سرداران سر نبریدند و
اسیری زنان و دختران اهل بیت و دمشق پیش یزید بردند . و اقصه کربلا و
امیرالمؤمنین (ع) و شهر به شهر گردانیدن ایشان و سفنرانیهای که دختر
را رسوا کرد امام چهارم که جزء اسیران بودند در کوفه و شاه نمودند بنیامیه
و تبلیغات چندین ساله معاویه را از کار انداخت و کار به جایی کشید که
یزید از عمل مأ مورین خود در ملاء عام بیزاری جست و واقعه کربلا عامل
با تأثیر مؤجل خود حکومت بنیامیه را بر انداخت و ریشه مؤثری بود که
مؤجل آن انقلابات و شورشهای بود که به شیعه را استوارتر ساخت و آثار
داشت و از کسانی که در قتل همراه جنگهای فونین تا دوازده سال ادامه
. امام شرکت بسته بودند حتی یک نفر از دست انتقام نمیستند

کسی که در تاریخ میات امام مسین (ع) و یزید و اوضاع و احوالی که آن روز
میکرد ، دقیق شود ، و در این بخش از تاریخ کنجکاو می نماید ، شک حکومت
در برابر امام مسین (ع) یک راه بیشتر نبود و آن همان ، نمیکند که آن روز
نتیجه ای جز پایمال کردن علنی اسلام کشته شدن بود و بیعت یزید که
. نداشت ، برای امام مقدور نبود

زیرا یزید با اینکه اتمامی برای آیین اسلام و مقررات آن قائل نبود ، و بند و
باری نداشت ، به پایمال کردن مقدسات و قوانین اسلامی بیباکانه تظاهر
گذشتگان وی اگر با مقررات دینی مخالفت میکردند ، آنچه نیز میکرد .ولی
و صورت دین را محترم شمرده با یاری میکردند در لفافه دین میکردند
برای ایشان معتقد بودند پیغمبر اکرم (ص) و سایر مقامات دینی که مردم
مفسرین ، افتخار مینمودند .و از اینجا روشن میشود که آنچه بر فی از
حوادث گفته اند که این دو پیشوا (امام مسن و امام مسین) دو سلیقه
داشتند و امام مسن مسلک صلح را میپسندید بخلاف امام مسین مختلف
چنانکه آن برادر با داشتن چهل هزار مرد جنگی با که جنگ را ترجیح میداد
نفر بجنگ یزید برخواست ، سفتی است معاویه صلح کرد و این برادر با چهل
. نابجا

زیرا میبینیم که همین امام حسین که یکروز زیر بار بیعت یزید نرفت ده
معاویه مانند برادرش امام حسن (که او نیز دهسال با سال درمکومت
و هرگز سر بمخالفت برنداشت و مقا اگر معاویه بسر برده بود) بسر برد
گشته میشدند و برای امام حسن یا امام حسین با معاویه میجنگیدند
که اسلام کمترین سودی نمیبخشید و در برابر سیاست حق بجانبی معاویه
خود را صمابی و کاتب ومی و قال المؤمنین معرفی کرده و هر دسیسه را
. تا تیری نداشت , بکار میبرد .

گذشته از اینکه با تمهیدی که داشت میتوانست آنانرا بدست کسان
بعزایشان نشسته بمقام خونخواهی بیاید چنانکه با خودشان بکشود خود
. خلیفه سوم نظیر همین معامله را کرد .

امام چهارم

امام سجاد (علی بن حسین ملقب بزین العابدین و سجاد) وی فرزند امام
از شاه زنان دختر یزدجرد شاهنشاه ایران متولد شده بود و تنها سوم بود که
باقی مانده بود زیرا سه برادر دیگرش در واقعه کربلا فرزند امام سوم بود که
نیز همراه پدر بکربلا آمده بود ولی چون بشهادت رسیدند (223) و آنحضرت

نداشت ، از جهاد و شهادت سفت بیمار بود و توانائی حمل اسلحه و جنگ

. بازماند و با اسیران مره بشاه اعزاء گردید

پس از گذراندن دوران اسیری ، بامر یزید برای استمالت افکار عمومی

مدینه روانه گردید آنحضرت را بار دوم نیز بامر عبدالملک محترمانه به

زنجیر از مدینه به شاه جلب کرده اند و بعد بمدینه خلیفه اموی ، با بند و

. (برگشته است) 224

امام چهارم پس از مراجعت بمدینه گوشه خانه را گرفته و در بروی بیگانه

عبادت پروردگار بود و با کسی جز خواص شیعه مانند ابو بسته مشغول

امثال ایشان تماس نمیگرفت البته خواص همزه ثمالی و ابو خالد کابلی و

شیعه نشر میدادند و از ، معارفی را که از آنحضرت اخذ میکردند در میان

امام پنجم این راه تشیع توسعه فراوانی یافت که اثر آن در زمان امامت

. بظهور پیوست

از جمله آثار امام چهارم ادعیه ایست بنام ادعیه صمیمه و آن پنجاه و هفت

که بدقیق ترین معارف الهیه مشتمل میباشد و زبور آل دعا است

سی و پنج سال امامت بمسب محمدش میگویند . امام چهارم پس از

بن بعضی از روایات شیعه بتمریک هشام خلیفه اموی ، بدست ولید
عبدالملک مسموم شد (225) و در سال نود و پنج هجری درگذشت .

امام پنجم

امام محمد بن علی (باقر) لفظ باقر بمعنی شکافنده است و لقبی است
. (ص) بآنحضرت داده بود (226) که پیغمبراکرم

آنحضرت فرزند امام چهارم و در سال پنجاه و هفت هجری متولد شده بود و

کربلا چهار ساله و حاضر بود و پس از پدر بزرگوارش بامر فدا و در واقعه

بامامت رسید و در سال صد و چهارده و یا صد و ، معرفی گذشتگان خود

توسط ابراهیم بن (227) هفده هجری (بمسب بعضی از روایات شیعه

. درگذشت) ولید بن عبدالملک برادر زاده هشام خلیفه اموی مسموم شده

در عهد امام پنجم از طرفی در اثر مظالم بنیامیه ، هر روز در قطری از اقطار

بلاد اسلامی انقلاب و جنگهایی رخ میداد و از خود فاندان اموی نیز اختلافات

میکرد و این گرفتاریها دستگاه فلافت را مشغول و تا اندازه ای از بروز

میکرد . و از طرفی وقوع فاجعه کربلا و مظلومیت تعرض باهل بیت صرف

مسلمانان را مجذوب و علاقمند اهل بیت که ممثل آن ، امام چهارم بود

. به اهل بیت میسافت

این عوامل دست بدست داده مردم و خاصه شیعه را مانند سیل به سوی امام چهارم سرازیر ساخت و امکاناتی در نشر مقایق اسلامی مدینه و مضر بوجود آورد که برای هیچ یک از پیشوایان و معارف اهل بیت برای آنحضرت مطلب اخبار و امامیت گذشته اهل بیت میسر نشده بود و گواه این علم و بیشماری است که از امام پنجم نقل شده و گروه انبوهی از رجال دانشمندان شیعه که در فنون متفرقه معارف اسلامی در مکتب آن حضرت اند و در فهرستها و کتب رجال اسامیشان ضبط شده است پرورش یافته .

(228)

امام ششم

امام جعفر بن محمد (صادق) فرزند امام پنجم که در سال هشتاد و سه و در سال صد و چهل و هشت هجری (طبق روایات شیعه) به هجری متولد . (و شهید شده است (229) تمزیک منصور خلیفه عباسی مسموم

در عهد امامت امام ششم در اثر انقلابات کشورهای اسلامی و خصوصا برای برانداختن خلافت بنیامیه کرده بودند و جنگهای قیامی که مسوده انقراض بنیامیه گردید و در اثر آنها خونینی که منجر به سقوط خلافت و امامت خود با نشر مقایق زمینه خوبی که امام پنجم در بیست سال زمان

امکانات اسلامی و معارف اهل بیت مهیا کرده بود ، برای امام ششم

. بیشتر و محیط مناسبتری برای نشر تحالیم دینی پیدا شد .

آنحضرت تا اواخر زمان امامت خود که مصادف با آخر خلافت بنیامیه و

بنیعباس بود از فرصت استفاده نموده به نشر تحالیم دینی اول خلافت

بسیاری در فنون مختلفه عقلی و نقلی مانند پرداخت و شخصیت‌های علمی

بن مکه و ابان بن تغلب و زراره و محمد ابن مسلم و مؤمن طاق و هشام

صوفی شیمیائی هشام بن سالم و مرز و هشام کلبی نسابه و جابر بن میان

سفیان و غیر ایشان را پرورش داد حتی عده ای از رجال علمی عامه نیز مانند

ثوری و ابوحنیفه رئیس مذهب حنفیه و قاضی سکونی و قاضی ابوالبختری و

افتخار تلمذش را پیدا کردند (معروف است که از مجلس درس غیر ایشان

هزار محدث و دانشمند بیرون آمده است) و موزه تحالیم امام ششم چهار

.)) 230

امادیتی که از صادقین یعنی از امام پنجم و ششم مأثور است ، از مجموع

از پیغمبر اکرم (ص) و ده امام دیگر ضبط شده است ، بیشتر امادیتی که

دچار منصور فلیفه عباسی شد و تمت مراقبت و است . ولی در اواخر عهد خود

ها و کشتارهای بیرممانه ای محدودیت شدید در آمدمنصور آزارها و شکنجه

سنگدلی و بیباکی سر در حق سادات علویین رواید که از بنیامیه با آن همه
. زنده بود

به دستور وی آنان را دسته دسته میگرفتند و در قعر زندانهای تاریک با
آزار به زندگیشان فایده میدادند و جمعی را گردن میزدند و گروهی شکنجه و
میکردند و جمعی را در پی سافتمانها یا میان دیوارها را زنده زیر خاک
. گذاشته رویشان بنا میکردند

منصور دستور جلب امام ششم را از مدینه صادر کرد (امام ششم پیش
به امر سفاخ فلیفه عباسی به عراق و پیش از آن در حضور از آن نیز یک بار
(اموی به دمشق جلب شده بود امام پنجم به امر هشام فلیفه

مدتی امام را زیر نظر گرفتند و بارها عزم کشتن آنحضرت را نموده و هتکها
بالافره اجازه مراجعه به مدینه را داده و امام به مدینه مراجعت کرد ولی
با تقیه شدید و نسبتا با عزلت و گوشه نشینی برگزار فرمود و بقیه عمر را
. شهید شد (231 میکرد تا به دسیسه منصور مسموم و

منصور پس از آن که خبر شهادت امام ششم را دریافت داشت به والی
بعنوان تفقد بازماندگان , به فانه امام برود و وصیت مدینه نوشت که
بخواند و کسی را که وصی امام معرفی شده نامه آن حضرت را فواسته و

جریان این دستور این بود فی المجلس گردن بزند و البته مقصود منصور از کند ولی بر که به مسئله امامت فاطمه دهد و زمزمه تشیع را بکلی خاموش فلاف توطئه وی وقتی که والی مدینه طبق دستور ، وصیت نامه را فواید دید امام پنج نفر را برای وصایت تعیین فرموده . خود خلیفه و والی مدینه و فرزند بزرگ و موسی فرزند کوچک آنحضرت و حمیده و به این عبدالله افطح . شد (232) ترتیب تدبیر منصور نقش بر آب

امام هفتم

امام موسی بن جعفر (کاظم) فرزند امام ششم در سال صد و بیست و و سال صد و هشتاد و سه هجری در زندان مسموماً هشت هجری متولدشد پدر بزرگوار خود به امر خدا و شهید شد (233) . آنحضرت پس از درگذشت . معرفی گذشتگان خود به امامت رسید

امام هفتم از خلفای عباسی با منصور و هادی و مهدی و هارون معاصر و در تاریخ و دشوار با تقیه سفت میزیست تا افیرا هارون در سفر حج عهد بسیار امام را در حالی که در مسجد پیغمبر مشغول نماز به مدینه رفت و با امر وی کردند و از مدینه به بصره و از بصره به بود گرفته و به زنجیر بسته زندانی منتقل مینمودند و بالافره در بغداد بغداد بردند و سالها از زندانی به زندانی

مقابر قریش که در زندان سندی ابن شاهی با سم درگذشت (234) و در

. فعلا شهر کاظمیه میباشد مدفون گردید

امام هشتم

امام علی بن موسی (رضا) فرزند امام هفتم که (بنا باشهر توارینخ) سال

و هشت هجری متولد و سال دویست و سه هجری درگذشته است صد و چهل

بزرگوار خود به امر خدا و معرفی گذشتگان (235). امام هشتم پس از پدر

با هارون فلیفه عباسی و خود با امامت رسیدو مدتی از زمان امامت خود

محاصر بود پس از آن با پسرش امین و پس از آن با پسر دیگرش مأمون

.

مأمون پس از پدر افتلافاتی با برادر خود امین پیدا کرد که منجر به جنگهای

و بالافره کشته شدن امین گردید و مأمون بسریر خلافت استیلا خونین

سیاست خلافت بنیعباس نسبت به سادات علوی , یافت (236). تا آنروز

به سختی میرفت و هر چند سیاست فشنونت آمیز وفونینی بوده پیوسته (رو

و این خود گاهی یکی از علویین قیام کرده جنگ خونین و آشوبی برپا میشد

برای دستگاه خلافت گرفتاری سختی بود . و ائمه و پیشوایان شیعه از اهل

اگرچه با نهضت و قیام کنندگان همکاری نمیکردند و مدافله ای بیت

روز جمعیت قابل توجهی بودند پیوسته ائمه نداشتند ولی شیعه که آن

خلفاء واقعی پیغمبراکرم (ص) اهل بیت را پیشوایان دینی مفترض الطاعه و

قیصر داشت، و به (میدانستند و دستگاه خلافت را که قیافه دربار کسری و

دست یک مشت مردم ببند و بار اداره میشد، دستگاهی ناپاک و دور

از سلامت قدس پیشوایان خود میدیدند و دوا و پیشرفت این وضع برای

. بود و آن را به شدت تهدید میکرد دستگاه خلافت فطرنای

مأ موم به فکر افتاد که به این گرفتاریها که سیاست کهنه و هفتاد ساله

وی نتوانست چاره کند، با سیاست تازه دیگری فاطمه بفرستد و پیشینیان

را ولایت عهد بدهد و از این راه هر گرفتاری را آن این بود که امام هشتم

دست خودشان به خلافت بند شد (رفع کند زیرا سادات علوی پیش از آنکه

آلودگی امام دیگر به ضرر دستگاه قیام نمیکردند و شیعه نیز پس از آنکه

خود را به خلافتی که پیوسته آن را و کارگردانان آن را پلید و ناپاک

میشمردند، مشاهده کردند، دیگر آن اعتقاد معنوی و ارادت باطنی را که در

اهل بیت داشتند، از دست میدهند و تشکل مذهبییشان سقوط حق امامان

. (متوجه دستگاه خلافت نخواهد گردید (237) کرده دیگر فطری از این راه

بدیهی است که پس از حصول مقصود ، از بین بردن امام برای ما مومن

مومن برای تحقق دادن به این تصمیم ، امام را از مدینه اشکالی نداشت ما

اول فلاقت و پس از آن ولایت عهد خود را به مرو امضار کرد و پس از حضور

نپذیرفت ولی بالاخره به هر به امام پیشنهاد نمود و آن حضرت اعتذار جسته

مکومتی و عزل و ترتیب بود قبولانید و امام نیز به این شرط که در کارهای

. (نصب عمال دولت مدافله نکند ولایت عهد را پذیرفت (238)

این واقعه در سال دویست هجری اتفاق افتاد ولی چیزی نگذشت که ما

سریع شیعه و بیشتر شدن ارادت ایشان نسبت به سلامت مومن از پیشرفت

سپاهیان و اولیاء امور دولتی ، به امام و اقبال عجیب عامه مردم و حتی

آنحضرت را مسموم و شهید اشتباه خود پی برد و به صدد چاره جوئی آمده

مشهد سافت . امام هشتم پس از شهادت در شهر طوس ایران که فعلا شهر

. نامیده میشود مدفون گردید

ما مومن عنایت بسیاری به تجربه علوم عقلی به عربی نشان میداد و مجلس

کرده بود که دانشمندان ادیان و مذاهب در آن حضور یافته به علمی منعقد

امام هشتم نیز در آن مجلس شرکت میفرمود و مناظره علمی میپرداختند

میپرداخت و بسیاری از این ملل و ادیان به مباحثه و مناظره با علماء

. (مناظره ها در جوامع حدیث شیعه مضبوط است) 239

امام نهم

امام محمد بن علی (تقی و گاهی به لقب امام جواد و ابن الرضا نیز ذکر

فرزند امام هشتم که سال صد و نود و پنج هجری در مدینه متولد (میشود

سال دویست و بیست هجری به تمریک معتصم شده و طبق روایات شیعه

خلیفه عباسی بود خلیفه عباسی به دست همسر فودکه دفتر مأ مون

مسموم و شهید شده در جوار جد فود امام هفتم در کاظمیه مدفون گردید

. پس از پدر بزرگوار فود به امر خدا و معرفی گذشتگان فود بامامت رسید.

امام نهم موقع درگذشت پدر بزرگوار فود در مدینه بود مأ مون وی را به

آنروز عاصمه فلافت بود، امضار کرده به مسب ظاهر محبت و بغداد که

فود را به عقد ازدواج وی درآورد و در بغداد ملاطفت بسیاری نمود و دفتر

امام را از فارچ و داخل نگهداشت و در حقیقت میخواست به این وسیله

. تمت مراقبت کامل درآورد

امام مدتی در بغداد بود سپس از مأ مون استجازه کرده به مدینه رفت تا

مون در مدینه بود و پس از درگذشت مأ مون که معتصم زمام آفر عهدماً

امام را به بغداد امضار کرده تمت نظر گرفت خلافت را بدست گرفت دوباره

آن حضرت به دست همسر ، و بالاخره چنان که گذشت به تمریک معتصم

. (خود مسموم شد و درگذشت (240)

امام دهم

امام علی ابن محمد (نقی و گاهی به لقب امام هادی ذکر میشود) فرزند

سال دویست و دوازده در مدینه متولد شده و در سال دویست امام نهم در

شیعه) معتز فلیفه عباسی با سم شهیدش و پنجاه و چهار (طبق روایت

. (کرده است (341)

امام دهم در ایام میات خود با هفت نفر از خلفای عباسی .مأ مون و

متوکل و منتصر و مستعین و معتز معاصر بوده است معتصم و واثق و

بود که پدر بزرگوارش در بغداد با .در عهد معتصم , سال دویست و بیست

امامان گذشته سم درگذشت وی در مدینه بود و به امر خدا و معرفی

. بامامت رسید و به نشر تعالیم دینی میپرداخت تا زمان متوکل رسید

متوکل در سال دویست و چهل و سه در اثر سعایت‌هایی که کرده بودند یکی

خود را مأ موریت داد که آن حضرت را از مدینه به سامراء که از امراء دولت

جلب کند و نامه ای مهرآمیز با کمال تعظیم به آن روز عاصمه خلافت بود

نمود(242) و البته پس از ورود آنحضرت نوشته تقاضای حرکت و ملاقات

ولی در عین حال آن حضرت به سامراء , در ظاهر اقداماتی به عمل نیامد

آنچه میتوانست در فراهم آوردن وسایل اذیت و هتک آنحضرت کوتاهی

نمیکرد و بارها به منظور قتل یا هتک , امام را اضرار کرده و بامر وی خانه

. تفتیش نمودند اش را

متوکل در دشمنی با فاندان رسالت در میان خلفاء عباسی نظیر نداشت و

ع) دشمن سرسخت بود و آشکارا ناسزا میگفت و مرد مقلدی (بویژه باعلی

عیش تقلید آن حضرت را درمیآورد و فلیفه را موظف داشت که در بزمهای

امر کرد قبه ضریح حضرت میخندید .و در سال دویست و سی و هفت بود که

ساخته امام مسین را در کربلا و همچنین خانه های بسیاری که در اطرافش

بودند , فراب و با زمین یکسان نمودند و دستور داد که آب به مره امام

دستور داد زمین قبر مطهر را شخم و زراعت کنند تا بکلی اسم و بستند و

. (243) رسم مزار فراموش شود

در زمان متوکل وضع زندگی سادات علوی , که در مجاز بودند به مرمله رقت

بود چنانکه زنهای ایشان ساتر نداشتند و عده ای از ایشان یک باری رسیده

دراوقات نماز آن را بنوبه پوشیده نماز میخواندند چادر کهنه داشتند که

سادات علوی که در مصر بودند نیز وارد (244) و نظیر این فشارها را به

میفرمود تا وی درگذشت میسافت . امام دهم به شکنجه و آزار متوکل صبر

معتز و پس از وی منتصر و مستعین و معتز (روی کار آمدند و به دسیسه

. آنحضرت مسموم و شهید شد

امام یازدهم

امام حسن بن علی (عسکری) فرزند امام دهم در سال دویست و سی و دو

و در سال دویست و شصت هجری (بنا به بعضی از روایات هجری متولدشده

. (عباسی مسموما درگذشته است (245 شیعه) به دسیسه محتمد فلیفه

امام یازدهم پس از درگذشت پدر بزرگوار خود به امر خدا و مسبب التحیین

گذشته به امامت رسید و هفت سالی که امامت کرد بواسطه پیشوایان

فلافت , با تقیه بسیار شدید رفتار میکرد در سفتگیری بیرون از اندازه مقام

شیعه کسی را بار نمیداد با بروی مردم متی عامه شیعه بسته جز فواص

این بود که این مال اکثر اوقات زندانی بود (246). و سبب اینهمه فشار

اولا در آن ازمنه جمعیت شیعه کثرت و قدرتشان به حد قابل توجهی رسیده

و این که شیعه به امامت قائلند برای همگان روشن و آفتابی شده بود بود

شناخته میشدند و از این روی مقام فلافت بیش از و امامان شیعه نیز

هر راه بود با نقشه هائی مرموز در پیش ائمه را تمت مراقبت درآورده و از

. ممو و نابود کردن ایشان میکوشیدند

ثانیا - مقام فلافت پی برده بود که فواص شیعیه برای امام یازدهم فرزندی

طبق روایاتی که از خود امام یازدهم و هم از پدراناش نقل معتقدندو

مهدی موعودی میشناسند که بموجب اخبار میکنند فرزند او را همان

فیر داده بود (247) , و او (متواتره از طرق عامه و خاصه پیغمبراکرم (ص

. را امام دوازدهم میدانند

بدین سبب امام یازدهم بیشتر از سایر ائمه تمت مراقبت مقام فلافت

فلیفه وقت تصمیم قطعی گرفته بود که به هر طریق باشد به درآمده بود و

بفشد و در این خانه را برای همیشه ببندد. و از داستان امامت شیعیه فاطمه

را به معتمد فلیفه وقت گزارش این روی همین که بیماری امام یازدهم

فود و چند نفر از دادند, طبیب نزد آن حضرت فرستاد و چند تن از معتمدان

قضات را به منزلش گماشت که پیوسته ملازم وی و مراقب اوضاع داخلی

منزل بوده باشند و پس از شهادت امام نیز خانه را تفتیش و توسط قابله ها

حضرت را معاینه کردندو تا دو سال مأ مورین آگاهی فلیفه در کنیزان آن

مشغول فعالیت بودند تا بکلی نومید شدند خط پیدا کردن خلف آن حضرت
(248) .

امام یازدهم را پس از درگذشت در خانه خودش در شهر سامرا پهلوی پدر

فاک سپردند. و باید دانست که ائمه اهل بیت در دوره بزرگوارش به

محدثین پرورش دادند که شماره ایشان به زندگیشان گروه انبوهی از علماء و

کتاب متعرض فهرست صدها تن میرسد و ما برای رعایت اختصار در این

. (اسامی خودشان و مؤلفان و آثار علمی و شرح احوالشان نشدیم (249)

امام دوازدهم

حضرت مهدی موعود (که غالباً به لقب امام عصر و صاحب الزمان ذکر

امام یازدهم که اسمش مطابق اسم پیغمبر اکرم بود در میشود) فرزند

و پنجاه و پنج هجری در سامرا متولد سال دویست و پنجاه و شش یا دویست

شهید شد تمت شده و تا سال دویست و شصت هجری که پدر بزرگوارش

کفالت و تربیت پدر میزیست و از مردم پنهان و پوشیده بود و جزء عده ای

از خواص شیعه کسی به شرف ملاقات وی نائل نمیشد. و پس از شهادت

در آن حضرت مستقر شد به امر خدا غیبت اختیار امام یازدهم که امامت

نمیشد جز در موارد استثنائی کرد و جز با نواب فاص خود به کسی ظاهر

.)) 250

نواب فاص

آن حضرت چندی عثمان بن سعید عمری را که از اصحاب جد و پدرش بود و

ایشان قرار داشت نائب خود قرار داد و به توسط وی بعرايض و ثقه و امین

و پس از عثمان بن سعید ، فرزندش محمد بن . سوالات شیعه جواب میداد

وفات محمد بن عثمان عمری عثمان به نیابت امام منصوب شد و پس از

مسین بن ابوالقاسم مسین ابن روح نوبختی نائب فاص بودو پس از وفات

روح نوبختی علی بن محمد سمري نیابت نامیه مقدسه امام را داشت .و

مرگ علی بن محمد سمري (که در سال سیصد و بیست و نه چند روز به

که از نامیه مقدسه توقیعی صادر شد که در هجری اتفاق افتاد) مانده بود

شش روز بدرود زندگی آن به علی بن محمدسمري ابلاغ شده بود که تا

فواهد فواهد گفت و پس از آن در نیابت فاصه بسته و غیبت کبری واقع

شد و تا روزی که خدا در ظهور آن حضرت اذن دهد غیبت دوا فواهد یافت

به مقتضای توقیع غیبت امام زمان (ع) بدو بخش منقسم (251) و

. میشود

اول غیبت صغری که از سال دویست و شصت هجری شروع نمود و در سال
فاتمه مییابد و تقریباً هفتاد سال مدت امتداد آن سیصد و بیست و نه
سیصد و بیست و نه شروع کرده و تا میباشند. دوم غیبت کبری که از سال
. وقتی فدا بفواهدادامه فواهد یافت

پیغمبر اکرم (ص) در حدیث متفق علیه میفرمایند: اگر نمانده باشد از دنیا
روز فدا آن روز را دراز میکند تا مهدی از فرزندان من ظهور نموده مگر یک
(عدل و داد کند چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد (252 دنیا را از پر از

بمّث در ظهور مهدی (ع) از نظر عمومی - 9

در بمّث نبوت و امامت اشاره کردیم که بموجب قانون هدایت عمومی که
آفرینش جاری است، نوع انسان به مکّم ضرورت با نیروئی (در همه انواع
که او را بسوی کمال انسانیت و سعادت نیروی وحی و نبوت) مجهز است
کمال و سعادت برای نوعی راهنمائی میکنندو بدیهی است که اگر این
انسان که زندگیش زندگی اجتماعی است، امکان و وقوع نداشته باشد
اصل تجهیز لغو و باطل فواهد بود و لغو در آفرینش وجود ندارد. و با بیانی
از روزی که در بسیط زمین سکنی ورزیده پیوسته در آرزوی یک دیگر بشر
بسعادت (بتمام معنی) میباشند و بامید رسیدن زندگی اجتماعی مقرون

فواسته تمقق خارجی نداشت هرگز چنین روزی قدم بر میدارد و اگر این

غذائی نبود چنین آرزو و امیدی در نهادوی نقش نمیبست چنانکه اگر

گرسنگی نبود و اگر آبی نبود تشنگی تمقق نمیگرفت و اگر تناسلی نبود

. جنسی تصور نداشت تمایل

از این روی به مکم ضرورت (جبر) آینده جهان روزی را دربر خواهد داشت که

روز جامعه بشری پر از عدل و داد شده و با صلح و صفا همزیستی در آن

غرق فضیلت و کمال شوند. و البته استقرار چنین نماید و افراد انسانی

رهبر چنین جامعه ای منجی جهان وضعی به دست خود انسان خواهد بود و

. بشری و بلسان روایات مهدی خواهد بود

مذاهب گوناگون که در جهان حکومت میکنند , مانند وثنیت و در ادیان و

وسیمیت و ممجوسیت و اسلام , از کسی که نجات دهنده بشریت کلیمیت

عموما ظهور او را نوید داده اند اگر چه در است , سفن به میان آمده و

پیغمبر اکرم (ص) (المهدی من تطبیق اختلاف دارند و مدیث متفق علیه

میباشد. اشاره به ولدی) . ترجمه - مهدی موعود از فرزندان من از نسل من

. همین معنی است

بمث در ظهور مهدی (ع) از نظر فصوصی - 10

علاوه بر احادیث بی‌شماری که از طریق عامه و خاصه از پیغمبر اکرم (ص) و

بیت (ع) در ظهور مهدی (ع) و اینکه از نسل پیغمبر میباشد و با ائمه اهل

را به کمال واقعی فواید رسانید و میات معنوی ظهور خودجامعه بشری

دیگری وارد است که مهدی فرزند فواید بخشید، (253) روایات بی‌شمار

و پس از تولد (254) بلافاصله امام مسن عسکری (امام یازدهم) میباشد

چنانکه با ظلم و غیبت طولانی ظهور کرده جهان را پر از عدل و داد فواید کرد

. و جور پر شده باشد

اشکالی چند و پاسخ آنها

مخالفین شیعه اعتراض میکنند که طبق اعتقاد این طائفه، امام غایب

نزدیک بدوازده قرن عمر کرده باشد در صورتیکه هرگز انسان باید تاکنون

. عمر باین درازی نمیکند

پاسخ - بنای اعتراض باستبعاد است و البته عمر باین درازی و بیشتر از این

استبعاد میباشد ولی کسیکه با فباری که در فصوص امام غایب از قابل

ائمه اهل بیت (ع) وارد شده مراجعه نماید پیغمبر اکرم (ص) و سائر

فرق عادت معرفی میکنند. و فواید دید نوع زندگی امام غائب را بطریق

نمیتوان فرق عادت را البته فرق عادت غیر از محال است و از راه علم هرگز

. نفی کرد

زیرا هرگز نمیتوان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار میکنند

تنها همانها هستند که ما آنها را دیده ایم و میشناسیم دیگر اسبابی که ما

نداریم ، یا آثار و اعمال آنها را ندیده ایم ، یا نفهمیده ایم ، از آنها خبر

. وجود ندارد

از این روی ممکن است در فردی یا افرادی از بشر اسباب و عواملی بوجود

بسیار طولانی هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان تأمین آید که عمری

جهان پزشکی تاکنون از پیدا کردن راهی برای نمایندگی از این جا است که

است. این اعتراض از ملیین عمرهای بسیار طولانی نومید و مأیوس نشده

خودشان ، مانند کلیمیت و مسیمیت و اسلام که بموجب کتابهای آسمانی

فرق عادت و معجزات پیغمبران خدا را قبول دارند ، بسیار شگفت آور

. است

مخالفین شیعه اعتراض میکنند که شیعه وجود امام را برای بیان امکا

آئین و راهنمایی مردم لازم میدانند و غیبت امام ناقض این دین و مقائق

بواسطه غیبتش ، مردم هیچگونه دسترسی بوی غرض است زیرا امامی که

اگر خدا بخواهد اممی را برای ندارند ، فائده ای بر وجودش مترتب نیست و

را بیافریند دیگر اصلاح جهان بشری برانگیزد قادر است که درموقع لزوم او

. بافرینش چندین هزار سال پیش از موقع وی نیازی نیست

پاسخ - اینان بمقیقت معنی امامت پی نبرده اند زیرا در بحث امامت

وظیفه امام تنها بیان صوری معارف و راهنمایی ظاهری و روشن شد که

راهنمایی صورت مردم را بعهدده دارد مردم نیست و اما چنانکه وظیفه

و او است که میات همچنان ولایت و رهبری باطنی اعمال را بعهدده دارد

. معنوی مردم را تنظیم میکند و مطابق اعمال را بسوی خدا سوق میدهد

بدیهی است که مضمور و غیبت جسمانی امام در این باب تأ ثیری ندارد و

باطن بنفوس و ارواح مردم اشرف و اتصال دارد اگرچه از چشم امام ازراه

وجودش پیوسته لازم است اگر چه موقع جسمانی ایشان مستور است و

. ظهور و اصلاح جهانیش تاکنون نرسیده است

خاتمه : پیام معنوی شیعه

پیام معنوی شیعه بجهانیان یک جمله بیش نیست و آن این است که خدا

تعبیر دیگر راه خدا شناسی را پیش گیرند تا سعادت مند و را بشناسید و

ایست که پیغمبر اکرم (ص) برای نخستین (ستگار) شوند و این همان جمله

مردم فدا را بیگانگی بار دعوت جهانی خود را با آن افتتاح فرمود ای

بشناسید و اعتراف کنیدتا (ستگار) شوید

در توضیح این پیام بطور اجمال میگوئیم: ما افراد بشر بمسب طبع دلداده

مقاصد زندگی ولذائذ مادی هستیم خوردنیها و نوشیدنیهای گوارا بسیاری از

وکافها و منظره های فریبنده ،همسر زیبا و دلنواز ، و پوشیدنیهای شیک

راه قدرت و سیاست مقام و جاه و دوستان صمیمی و ثروت سنگین یا از

فواسته های ما بسط سلطه و فرمانروائی و خورد کردن هر چیزی که با

مخالفت میکند میفواهیم و دوست داریم . ولی با نهاد خدادادی خود

میفهمیم که این همه لذائذ و مطالب برای انسان آفریده شده نه انسان

آنها بدنبال انسان باید باشند نه انسان بدنبال آنها .هدف برای آنها ، و

از شکم منطوق گاو و گوسفند است و دریدن و نهائی بودن شکم و پائینتر

و روباه است منطوق انسان بریدن و بیچاره کردن دیگران منطوق ببر و گرگ

. منطوق فطری فردمیباشد و بس

منطوق فرد با واقع بینی خود ، ما را بسوی پیروی حق هدایت میکند نه

انواع شهوترانی و خودبینی و خودفواهی منطوق فرد انسانرا بسوی دلفواه

که هیچگونه استقلال و سرفودی ندارد ، و بر جزئی از جمله آفرینش میداند

پنداشته بگمان خود طبیعت فلاف آنچه انسان خود را فرمانروای آفرینش

نیز آلت سرکش را بفواسته های خود راه میکند و بزانو درمیآورد خودش

. دست طبیعت و یکی از دستیاران و فرمانبرداران آنست

منطق فرد انسان را دعوت میکند که در درکی که از هستی این جهان گذاران

شود تا روشن گردد که هستی جهان و هر چه در آنست از پیش دارد دقیق

هرچه در آنست از یک منبع نامتناهی خودشان نیست بلکه جهان و

و موجودات زمین و سرچشمه میگیرد تا روشن گردد که اینهمه زشت و زیبا

آسمانی که در صورت واقعیتهای مستقل در دیده انسان جلوه میکند ، در

پناه واقعیت دیگری واقعیت دار مینماید و در زیر پرتو آن پیدا و هویدا

خود و نه از پیش خود و چنانکه واقعیتها و قدرتها و عظمتهای شده اند نه از

ای بیش نیستند واقعیتهای امروزی نیز همچنانند و دیروزی ، امروز افسانه

. ای بیش نیست بالاخره همه چیز در پیش خود افسانه

تنها خداست که واقعیتی است غیر قابل زوال و همه چیز در پناه هستی او

. مییابند و با روشنائی ذات او روشن و پیدا میشوند رنگ هستی

هنگامی که انسان با چنین درکی مجهز شود آنوقت است که فیض هستی

مانند مباب روی آب فرو میخوابد و عیاناً مشاهده او در پیش چشمش

نامحدود و میات و قدرت و علم و هر میکند که جهان و جهانیان بیک هستی

پدیده دیگر جهانی مانند گونه کمال نامتناهی تکیه زده اند و انسان و هر

ماوراء خود را در چینه های گوناگونی هستند که هر کدام باندازه ظرفیت خود

. که جهان ابدیت است نشان میدهند

آنوقت است که انسان اصالت و استقلال را از خود و از هر چیز گرفته

میکند و دل از هر جا کنده بفدای یگانه میپیوندد و در برابر بصامتش رد

جز وی سر تعظیم فرود نمیآورد آنوقت است عظمت و کبریای وی بپذیری

قرار میگیرد هر چه را که انسان تمت ولایت و سرپرستی پروردگار پاک

و اعمالی بشناسد با فدا میشناسد و با هدایت و رهبری فدا با اخلاقی پاک

. نیک (آئین اسلام و تسلیم حق که آئین فطرت است) متلبس میگردد

اینست آفرین درجه کمال انسانی و مقام انسان کامل یعنی امام که

مقام رسیده و کسانیکه از راه اکتساب باین کمال بموهبت فدائی باین

پیروان حقیقی امام میباشند. و از نائل شوند با اختلاف درجاتی که دارند

از هم جدا نمیشوند اینجا روشن میشود که فدا شناسی و امام شناسی هرگز

چنانکه خدا شناسی و خود شناسی از هم جدا نمیشوند زیرا کسیکه هستی

. مجازی خود را بشناسد هستی حقیقی فدای بینیا را شناخته است

پاورقی ها

1 - یبغونها عوجاً لعنة الله على الظالمین الذین یصدون عن سبیل الله -

سوره اعراف آیه 44 ترجمه : آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد کسانی

دین (خدا , مردم را برمیگردانند و خودشان آنرا کج و معوج) که از راه

. میخواهند و میپذیرند

2 - من امنن دینا ممن اسلم وجهه لله و هو محسن و اتبع مله ابراهیم -

سوره نساء آیه 125) ت - کدام دین بهتر از آنست که شخص (منیفا

نیکوکار هم باشد و از آئین پاک و معتدل خودش را تسلیم مکنم خدا کند و

. ابراهیم پیروی نماید

قل يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا و بينكم الا نعبد الا الله و لا

نشرك به شيئاً و لا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولوا

ابانا مسلمون (آل عمران آیه 58) ت - باهل كتاب بگو بيائيد در اشهدو

همکاری کنیم : جز خدا را عبادت نکنیم و شریکی یک سفن مشترک با هم

دیگر را ارباب قرار ندهد اگر از این برایش قرار ندهیم و بعضی از ما بعض

. تسلیم حق هستیم سفن اعراض کردند بایشان بگو : پس گواه باشید ما

يا ايها الذين آمنوا اذفلوا فى السلم كافة سورة بقره آیه 208 (ت - ای

. همگی داخل در مقام تسلیم شوید اهل ایمان

ربنا اجعلنا مسلمين لك و من ذريتنا امه مسلمه لك (سورة بقره آیه 3 -

ابراهيم و اسماعيل گفتند) پروردگارا ما را تسلیم فرمان خود (- 128) ت

. نیز امتی را مسلم قرار ده گردان و از فرزندان ما

مله ابيکم ابراهيم هو سماکم المسلمین (سورة حج آیه 78) ت - این

ابراهيم است اوست که شما را مسلمان (تسلیم شونده) آئین پدر شما

. نامیده

بطائفه ای از زیدیه که پیش از علی (ع) دو خلیفه دیگر اثبات مینمایند - 4

درفروع به فقه ابی حنیفه عمل میکنند نیز شیعه گفته میشود بمناسبت و

برابر خلفاء بنیامیه و بنیعباس خلافت را مختص علی و اولاد علی اینکه در
میدانند .

اولین اسمی که در زمان رسول خدا پیدا شد شیعه بود که سلمان و - 5
. عمار با این اسم مشهور شدند ابوذر و مقدادو

. حاضر العالم الاسلامی ج 1 ص 188

. سوره شعراء آیه 215 - 6

در ذیل این حدیث علی (ع) میفرماید : من که از همه کوچکتر بودم - 7

وزیر تو میشوم پیغمبر دستش را بگردن من گذاشته عرض کرده : من

من میباشم باید از او اطاعت فرمود این شخص برادر و وصی و جانشین

کرد که از پسرت نمائید مردم میفندیدند و بابی طالب میگفتند : ترا امر

. اطاعت کنی . تا ریخ طبری ج 2 ص 63 تاریخ ابی الفداء ج 1 ص 116

. البدایة و النهایة ج 3 ص 39 غایة المراد ص 320

ام سلمه میگوید : پیغمبر فرمود : علی همیشه با حق و قرآن است و - 8

. نیز همیشه با اوست و تا قیامت از هم جدا نخواهند شد حق و قرآن

این حدیث با 15 طریق از عامه و 11 طریق از خاصه نقل شده و ام سلمه و

ابوبکر و عائشه و علی (ع) و ابو سعید خدری و ابو لیلی و ابو ابن عباس و

. آن هستند ایوب انصاری از راویان

. غایه المرام بمرانی ص 539-540

. پیغمبر فرمود : خدا علی را رحمت کند که همیشه حق با اوست

. البدایه و النهایه ج 7 ص 36

پیغمبر فرمود : مکتب ده قسمت شده نه جزء آن بهره علی و یک جزء - 9

تمام مردم قسمت شده است (البدایه و النهایه ج 7 ص 359 آن در میان

).

هنگامیکه کفار مکه تصمیم گرفتند محمد (ص) را بقتل رسانند و - 10

اشرا محاصره کردند پیغمبر (ص) تصمیم گرفت بمدینه هجرت اطراف خانه

ماضری شب در بستر من بخوابی تا گمان برند من کند بعلی فرمود : آیا تو

باشم علی در آن وضع فطرنای این فوایده ام و از تعقیب ایشان در امان

. پیشنهاد را با آغوش باز پذیرفت

. تواریخ و جوامع حدیث - 11

مدیث غدیر از احادیث مسلمة میان سنی و شیعه میباشد و متجاوز - 12

با سندها و عبارتهای مختلف آنرا نقل نموده اند و در کتب از صد نفر صوابی

تفصیل بکتاب غایة المراه ص 79 و عباقات عامه و فاصه ضبط شده برای

. جلد غدیر و الغدیر مراجعه شود

تاریخ یعقوبی ط نجف جلد 2 ص 137 و 140 - تاریخ ابی الفداء ج 1 - 13

بفاری ج 4 ص 107 - مروج الذهب ج 2 ص 437 ابن ابی ص 156 صحیح

مسلم ج 15 ص 176 صحیح المدید ج 1 ص 127 و 161 14 - صحیح

بفاری ج 4 ص 207 مروج الذهب ج 2 ص 23 و ج 2 ص 437 تاریخ ابی

. الفداء ج 1 ص 127 و 181

جابر میگوید : نزد پیغمبر بودیم که علی از دور نمایان شد پیغمبر - 15

سوگند بکسی که جانم بدست اوست این شخص و شیعیانش در : فرمود

عباس میگوید : وقتی آیه : (ان الذین آمنوا قیامت رستگار فوهند بود ابن

نازل شد پیغمبر بعلی فرمود : (و علموا الصالوات اولئک هم فیر البریة

فواهد مصداق این آیه تو و شیعیانت میباشد که در قیامت فوشنود

بود و فدا هم از شما راضی است این دو مدیث و چندین مدیث دیگر در کتاب

. المنتور ج 1 ص 379 و غایة المراه ص 326 الدر

محمد (ص) در مرض وفاتش لشکری را بسرداری اسامه بن زید مجهز - 16

داشت که همه در این جنگ شرکت کنند و از مدینه بیرون روند کرده اصرار

اکرم (ص) تفلف کردند که از آن جمله ابوبکر و عده ای از دستور پیغمبر

. نارامت کرد عمر بودند و این قضیه پیغمبر را بشدت

. شرح ابن ابی المدید ۲ مصر ۱ ص 53

پیغمبر اکرم (ص) هنگام وفاتش فرمود: دوات و قلم حاضر کنید تا نامه

بنویسم که سبب هدایت شما شده گمراه نشوید عمر از این ای برای شما

کرده هذیان میگوید. تا ریخ طبری ۲ کار مانع شده گفت: مرضش طغیان

و النهایه ۵ ص 436 صحیح بخاری ۳ - صحیح مسلم ۵ البدایه

. 227 - ابن ابی المدید ۱ ص 133

همین قضیه در مرض موت خلیفه اول تکرار یافت و خلیفه اول بفلافت

متی در اثناء وصیت بیهوش شد ولی عمر چیزی نگفت و عمر وصیت کرد و

مالیکه هنگام نوشتن وصیت بیهوش خلیفه اول را بهذیان نسبت نداد در

. بود شده بود ولی پیغمبر اکرم (ص) معصوم و مشاعرش بجا

. روضه الصفا ۲ ص 260

شرح ابن ابی الحدید ج 1 ص 58 و ص 123 - 135 یعقوبی ج 2 ص 17 -

. ص 445-460 2 102 تاریخ طبری ج

تاریخ یعقوبی ج 2 ص 103 - 106 تاریخ ابی الفداء ج 1 ص 156 و - 18

ج 2 ص 307 و 352 ابن ابی الحدید ج 1 ص 17 و 134 166 مروء الذهب

.

عمر بن مرث بسعید بن زید گفت : آیا کسی با بیعت ابی بکر - 19

داد : هیچ کس مخالف نبود جز کسانی که مرتد شده مخالفت کرد ؟ پاسخ

. ریخ طبری ج 2 ص 447 بودند یا نزدیک بود مرتد شوند . تا

در حدیث معروف ثقلین میفرماید : من در میان شما دو چیز با ارزش - 20

میگذارم که اگر به آنها متمسک شوید هرگز گمراه نخواهید شد را بامانت

.

قرآن و اهل بیت تا روز قیامت از هم جدا نخواهند شد . این حدیث با بیشتر

از سی و پنج نفر از صحابه پیغمبر اکرم (ص) نقل شده است از صد طریق

ثقلین - غایه المراه ص 211 پیغمبر رجوع شود به عیقات جلد حدیث

طالب علم است از فرمود : من شهر علم و علی درب آن میباشد پس هر که

. درش وارد شود

. البدایة و النهایة ج 7 ص 359

. یعقوبی ج 2 ص 105-150 مکرراً ذکر شده - 21

کتاب فدا و بیانات پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت با ترغیب و - 22

بتمصیل علم تا جائیکه پیغمبر اکرم میفرماید : طلب العلم فریضه ترمیم

. بهر مسلمانی واجب است علی کل مسلم طلب دانش

. بحار

. ج 1 ص 55 23 - البدایه و النهایه ج 7 ص 360

تاریخ یعقوبی ص 111 و 126 و 129 25 - فدایتعالی در کلام خود - 24

انه لکتاب عزیز لا یاتیه الباطل من بین یدیہ و لا من خلفه میفرماید : و

قرآن کتابی است گرامی که هرگز باطل از پیش : سوره هم سجده آیه 42

. و پس بآن راه نخواهد یافت

میفرماید : ان المکم الا لله سوره یوسف جز فدا کسی نباید مکم کند یعنی

تنها شریعت و قوانین فدا است که از راه نبوت باید بمردم برسد و شریعت

رسول الله و فاتم النبیین (اهزاب آیه 40) و با این آیه میفرماید : و لکن

پیغمبر اکرم (ص) اعلام میفرماید : و من لم فتم نبوت و شریعت را با

سوره مائده آیه 44 هر کس یمکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون

. مطابق مکم فدا مکم نکند کافر است

. تاریخ یعقوبی جلد 2 ص 110 تاریخ ابی الفداء ج 1 ص 158 - 26

در المنثور ج 3 ص 186 تاریخ یعقوبی ج 3 ص 48 گذشته از اینها - 27

قرآن کریم منصوص میباشد : و اعلموا ان ما غنمتم من وجوب فمس در

. القربی سوره انفال آیه 21 شئی فان لله فمسه وللرسول و لذی

ابوبکر در خلافتش پانصد حدیث جمع کرد عائشه میگوید یک شب تا - 28

مضطرب دیده صبح بمن گفت : احادیث را بیاور پس همه صبح پدره را

. آنها را آتش زد

. کنز العمال ج 5 ص 237

عمر بهمه شهرها نوشت نزد هر کس حدیث هست باید نابودش کند کنز

محمد بن ابی بکر میگوید : در زمان عمر احادیث زیاد . العمال ج 5 ص 237

آنها را سوزانیدند . طبقات ابن سعد ج 5 شد وقتی بنزدش آوردند دستور داد

. ص 140

. تاریخ ابی الفداء ج 1 ص 151 و غیر آن - 29

پیغمبر اکرم (ص) در حجة الوداع عمل حج را برای مجاه که از دور - 30

شوند (طبق آیه فمن تمتع بالعمرة الخ) بشکل مخصوص مقرر بمکه وارد

آنها ممنوع سافت و همچنین در زمان رسول داشت و عمر در خلافت خود

در ایام خلافت خود آنرا قدغن خدا متعه (ازدواج موقت) دائر بود ولی عمر

در زمان کرد و برای متخلفین مقرر داشت که سنگسار شوند و همچنین

رسول خدا در اذان نماز می علی فیر العمل ت : مهیا باش برای بهترین

نماز است , گفته میشود ولی عمر گفت : این کلمه مردم را از اعمال که

کرد و همچنین در زمان رسول خدا بدستور آن جهاد باز میدارد و قدغن

نمیگرفت ولی عمر اجازه داد حضرت در یک مجلس یک طلاق بیشتر انجام

مدیث و فقه که در یک مجلس سه طلاق داده شود قضایای نامبرده در کتب

. و کلام سنی و شیعه مشهور است

. تاریخ یعقوبی جلد 2 ص 131 تاریخ ابی الفداء ج 1 ص 160 - 31

. اسدالغابه ج 4 ص 386 الاصابه ج 3 - 32

تاریخ یعقوبی ج 2 ص 150 ابی الفداء ج 1 ص 168 تاریخ طبری ج 3 - 33

. آنها ص 377 و غیر

. تاریخ یعقوبی ج 2 ص 150 تاریخ طبری ج 3 ص 397 - 34

جماعتی که از اهل مصر بعثمان شوریدند عثمان احساس خطر کرده - 35

ایطالب استمداد نمود اظهار ندامت کرد علی بمصریین فرمود : از علی بن

قیام کرده ایدو عثمان توبه کرده میگوید: من از شما برای زنده کردن حق

روز دیگر بخواسته های شما ترتیب رفتار گذشته ام دست برمیدارم و تا سه

علی از جانب عثمان اثر فواهم داد و فرمانداران ستمکار را عزل میکند پس

. برای ایشان قراردادی نوشته و ایشان مراجعت کردند

در بین راه غلام عثمان را دیدند که بر شتر او سوار و بطرف مصر میرود از

گمان شده او را تفتیش نمودند با او نامه ای یافتند که برای والی وی بد

بدین مضمون : بناه فدا وقتی عبدالرحمان بن عدیس نزد مصر نوشته بود و

و ریشش را بتراش و بزندان طویل المده تو آمد صد تازیانه باو بزن و سر

المق و سودان بن مکهومش کن و مانند این عمل را درباره عمر بن

. ممران و عروه بن نباع اجرا کن

نامه را گرفتند و با فشم بجانب عثمان برگشته اظهار داشتند : تو بما

. انکار نمود فیانت کردی

. گفتند : غلام تو مامل نامه بود

. پاسخ داد بدون اجازه من این عمل را مرتکب شده

. گفتند مرکوبش شتر تو بود

. پاسخ داد شترم را دزدیده اند گفتند : نامه بقط منشی تو میباشد

. پاسخ داد بدون اجازه و اطلاع من این کار را انجام داده

گفتند : پس بهر مال تو لیاقت فلاقت نداری و باید استعفا دهی زیرا اگر این

بازه تو انجام گرفته خیانت پیشه هستی و اگر این کارهای مهم بدون کار با

صورت گرفته پس بیعرضه گی و عدم لیاقت تو ثابت اجازه و اطلاع تو

الان عمال ستمکار را عزل کن عثمان میشود و بهر مال یا استعفا کن و یا

پس شما حکومت پاسخ داد اگر من بخواهم مطابق میل شما رفتار کنم

. دارید

من چه کاره هستم ؟ آنان با حالت فشم از مجلس بلند شدند . تاریخ طبری

. تاریخ یعقوبی ج 2 ص 151-105-409-402 ج 3 ص

. تاریخ طبری ج 3 ص 377 - 36

. صمیع بخاری ج 6 ص 98 تاریخ یعقوبی ج 2 ص 113 - 37

. یعقوبی ج 2 ص 111 طبری ج 3 ص 129-132 - 38

تاریخ یعقوبی ج 2 ص 113 ابن ابی المدید ج 1 ص 9 در روایات - 39

که بعد از انعقاد بیعت ابیبکر وی پیش علی فرستاد و از وی زیادی وارد شده

که من عهد نکرده ام که از خانه بجز برای نماز بیعت فواست علی پاسخ داد

وارد است که علی پس از ششماه بیرون نروم تا قرآن را جمع کنم و باز

میباشد و نیز وارد باببکر بیعت کرد و این دلیل تمام کردن جمع قرآن

است که علی پس از جمع قرآن مصحف را بیشتر بار کرده پیش مرده آورده

نشان داد و نیز وارد است که جنگ یمانیه که قرآن پس از آن تالیف شده در

فلافت ابیبرکه بوده است مطالب نامبرده در غالب کتب تاریخ و سال دهم

. مصحف شده اند یافت میشود مدیث که متعرض قصه جمع

. یعقوبی ج 2 ص 154 - 40

. یعقوبی ج 2 ص 155 مروج الذهب ج 2 ص 364 - 41

. نهج البلاغه فطبه 15 - 42

پس از (ملت پیغمبر اکرم (ص) اقلیت انگشتشمار بیپروی علی (ع) - 43

کردند و در راس این اقلیت از صحابه سلمان و ابوذر و مقداد از بیعت تفل

فلافت علی (ع) نیز اقلیت قابل توجهی بعنوان و عمار بودند و در آغاز

متخلفین و مخالفین سر سفت سعید مخالف از بیعت سرباز زدند و از جمله

و بسر بن ارطاة بن عاص و ولید بن عقبه و مروان بن مکم و عمرو بن عاص

. بن جندب و مغیره بن شعبه و غیر ایشان بودند

مطالعه بیوگرافی این دو دسته و تامل در اعمالی که انجام داده اند و

که تاریخ از ایشان ضبط کرده شخصیت دینی و هدف ایشان را داستانهای

. بخوبی روشن میکند

دسته اولی از اصحاب فاص پیغمبر اکرم و از زهاد و عباد و فداکاران

اسلامی و مورد علاقه فاص پیغمبر اکرم بودند پیغمبر فرمود و آزادیخواهان

نفر را دوست دارد و مرا نیز امر کرده که دوستشان فدا بمن فبر داد که چهار

. دارم

نام ایشان را پرسیدند سه مرتبه فرمود علی سپس نام ابوذر و سلمان و

. مقدار را برد

. سنن ابن ماجه ج 1 ص 66

عایشه گوید رسول خدا فرمود : هر دو امری که بر عمار عرضه شود متما مق

. آنها را اختیار خواهد کرد و ارشد

. ابن ماجه ج 1 ص 66

. پیغمبر فرمود : راستگوتر از ابوذر در میان زمین و آسمان وجود ندارد

. ابن ماجه ج 1 ص 68

از اینان در همه مدت میات یک عمل غیر مشروع نقل نشده و فوبی بنامق

اندبعض کسی متعرض نشده اند مال کسی را نربوده اند یا با فساد نریخته

نپرداخته اند. و لی تاریخ از فجایع اعمال و تبهاریهای و گمراهی مردم

نامق که ریخته اند و مالهای مسلمانان که دسته دوم پر است و فونهای

اند از شماره بیرون است و با ر بوده اند و اعمال شرم آور که انجام داده

چنانکه جماعت (هیچ عذری نمیتوان تومیه کرد جز اینکه گفته شود

بودند و میگویند) فدا از اینان راضی بود و در هر جنایتی که میکردند آزاد

مقررات اسلامی که در کتاب و سنت است در حق دیگران وضع شده بوده

. است

مروج الذهب ج 2 ص 362 نهج البلاغه فطبه 122 یعقوبی ج 2 ص 44 -

. ج 1 ص 180 160 ابن ابی المدید

. یعقوبی ج 2 ابی الفداء ج 1 ص 172 مروج الذهب ج 2 ص 366 - 45

. تاریخ یعقوبی جلد 2 ص 152 - 46

. یعقوبی ج 2 ص 154 , ابوالفداء ج 1 ص 171 - 47

. یعقوبی ج 2 ص 152 - 48

هنگامیکه عثمان در محاصره شورشیان بود بوسیله نامه از معاویه - 49

کردمعاویه دوازده هزار لشکر مجهز تهیه کرده بسوی مدینه حرکت استمداد

درمدود شاه توقف نمایند و خودش نزد عثمان آمده نمود ولی دستور داد

تو عمدا لشکر را در آنجا متوقف : آمادگی لشکر را گزارش داد عثمان گفت

. قیام کنی کردی تا من کشته شوم پس خون فواهی مرا بهانه کرده

. یعقوبی ج 2 ص 152 مروج الذهب ج 3 ص 25

. مروج الذهب ج 2 ص 415 - 50

بشأ ن نزول آیه و انطلق الملاء منهم ان امشوا و اصبروا علی آلهتکم - 51

آیه 5 و آیه لولا ان ثبتناک لقد کدت ترکن الیهم شیئاً قليلاً سوره سوره ص

ودوا لو تدهن فیدهنون سوره قلم آیه 9 در تفاسیر اسری آیه 73 و آیه

. روایتی مراجعه شود

. کتاب الضرر و الدرر آمدی و متفرقات جوامع مدیث - 52

. مروج الذهب ج 2 ص 431 ابن ابی المدید ج 1 ص 181 - 53

. اشباه و نظایر سیوطی در نمو ج 2 ابن ابی المدید ج 1 ص 6 - 54

. رجوع شود بنهج البلاغه - 55

در بمبومه جنگ جمل عربی قدمت علی (ع) عرض کرد : یا - 56

فدا و امد است ؟ مردم از هر طرف بوی ممله امیرالمؤمنین تو میگوئی

تشویش خاطر علی را مشاهده کرده گفتند : ای عرب مگر پراکندگی قلب و

فرمود: این مرد نمیکنی که ببحث علمی میپردازی ؟ علی (ع) باصصاب خود

عقائد را بمال خود بگذارید زیرا من در جنگ با این قوم هم جز روشن شدن

درست و مقاصد دین منظوری ندارم سپس تفصیلاً پاسخ سؤال عرب

. پرداخت

. بمار، ج 2 ص 65

. ابن ابی المدید ج 1 ص 6-9 - 57

. یعقوبی ج 2 ص 191 و سایر تواریخ - 58

. ابن ابی المدید ج 4 ص 160 - 59

. طبری ج 4 ص 124

ابن اثیر ج 3 ص 203 60 - همین مدرک (شماره 59) 61 - یعقوبی ج 2

. ص 193

. یعقوبی ج 2 ص 202 - 62

یزید مردی بود عیاش و هوسران و دائم الخمر لباسهای مریر و جلف - 63

میمونی داشت که ملازم و همبازی وی بودند مجالس شب میپوشید سگ و

برگزار میشد نام میمون او ابوقیس بود و او نشینی او با طرب و ساز و شراب

میکرد گاهی هم سوار اسبش را لباس زیبا پوشانیده در مجلس شربش حاضر

ص 77 کرده بمسابقه میفرستاد یعقوبی ج 2 ص 196 مروج الذهب جلد 3

. 64 - مروج الذهب ج 3 ص 5 ابوالفداء ج 1 ص 183

. النصايح الكافيه ص 72 نقل از كتاب الامداث - 65

66 - روى ابو المسن المدائنى فى كتاب الامداث قال : كتب معاويه نسخه -

عماله بعد عام الجماعة : انى برئت الذمه ممن روى شيئاً من واهده الى

كتاب النصائح الكافيه تأليف محمد بن عقيل فضل ابى تراب و اهل بيته

النصايح الكافيه ص 194 67 - چاپ نجف سال 1368 هجرى ص 87 و باز

. النصايح الكافيه ص 72-73

. النصايح الكافيه ص 58 و 64 و 77-78 - 68

. سوره توبه آيه 100 - 69

يعقوبى ج 2 ص 216 ابوالفداء ج 1 ص 190 مروج الذهب جلد 3 ص - 70

. 64 و تواريخ ديگر

تاريخ يعقوبى ج 2 ص 243 ابوالفداء ج 1 ص 192 مروج الذهب ج 3 - 71

. ص 78

يعقوبى ج 2 ص 224 ابوالفداء ج 1 ص 192 مروج الذهب ج 3 ص - 72

. 81

. وليد بن يزيد . تاريخ يعقوبى ج 3 ص 73 - 73

. وليد بن يزيد - 74

. مروج الذهب ۽ 3 ص 228

. بمث امام شناسی همین کتاب - 75

. (معجم البلدان ماده (قم - 76

. مروج الذهب ۽ 3 ص 217-219 یعقوبی ۽ 3 ص 66 - 77

. کتاب بحار ۽ 12 و سایر مدارک شیعه - 78

. تاریخ یعقوبی ۽ 3 ص 84 - 79

. یعقوبی ۽ 3 ص 79 ابوالفداء ۽ 1 ص 208 و تواریخ دیگر - 80

. یعقوبی ۽ 3 ص 86 , مروج الذهب ۽ 3 ص 268 - 81

. یعقوبی ۽ 3 ص 86 مروج الذهب ۽ 3 ص 270 - 82

. یعقوبی ۽ 3 ص 91-96 ابوالفداء ۽ 1 ص 212 - 83

. تاریخ ابوالفداء ۽ 2 ص 6 - 84

. یعقوبی ۽ 3 ص 198 , ابی الفداء ۽ 2 ص 33 - 85

. (کتاب بحار ۽ 12 اموالات مضرت صادق (ع - 86

. قصه جسر بغداد - 87

. کتاب آغانی ابی الفرج قصه امین - 88

. تواریخ - 89

. ابى الفداء و تواريخ ديگر - 90

. بتواريخ مراجعه شود - 91

. المضارة الاسلاميه ج 1 ص 97 - 92

. مروج الذهب ج 4 ص 373 الملل و النمل ج 1 ص 254 - 93

. تاريخ ابيالفداء ج 2 ص 63 و ج 3 ص 50 - 94

. بتواريخ كامل و روضة الصفا و مبيب السير مراجعه شود - 95

تاريخ كامل و ابيالفداء ج 3 97 - تاريخ مبيب السير 98 - تاريخ مبيب - 96

ابى الفداء و غير آنها 99 - روضات الجنات و رياض العلماء به نقل السير و

روضات و كتاب مجالس و وفیات - 100 365 ريمانه الادب ج 2 ص

. غيره الاعيان 101 - روضة الصفا و مبيب السير و

. روضة الصفا و مبيب السير - 102

مطالب فصل از ملل و نمل شهرستانى و كامل ابن اثير ماً فوذ - 103

. است

مطالب فصل از كامل ابن اثير و روضة الصفا و مبيب السير و - 104

و نمل شهرستانى و بعضى جزئيات آن از تاريخ آقافانيه ماً ابيالفداء و ملل

. فوذ است

از آیه فهمیده میشود که پرستش در دین خدا فرع تومید بر اساس - 105
. است آن تنظیم شده

توصیف فرع درک است و از آیه فهمیده میشود که جز مخلصین و - 106
بنموی که باید شناخته شود نمیشناسند و خدا از توصیف پاک شدگان خدا
. دیگران منزله است

از آیه فهمیده میشود که برای لقاء حق جز تومید و عمل صالح راهی - 107
. نیست

. از آیه فهمیده میشود که پرستش واقعی خدا منتج یقین است - 108

از آیه فهمیده میشود که یکی از لوازم یقین مشاهده ملکوت - 109
. است آسمانها و زمین

از آیات فهمیده میشود که سرنوشت ابرار در کتابی است بناه - 110

بلند (که مقربان خدا آنرا مشاهده میکنند و ضمنا از لفظ علیین (بسیار
کتاب مخطوط نیست بلکه عالم قرب و ارتقاء یشده پیدا است که مراد
. است

از آیه فهمیده میشود که علم یقین مورث مشاهده سرانجام حال - 111
. جهنم (نامیده میشود , میباشد) اشقیاء که جمیع

و از این جا که پیغمبر اکرم (ص) در روایتی که عامه و خاصه نقل - 112

میفرماید: ما گروه پیامبران با مردم باندازه فرد ایشان سخن کرده اند

. اصول کافی ج 1 ص 203 - میگوئیم بحار ج 1 ص 37

. مدرک روایت در بخش اول گذشت - 113

. نهج البلاغه فطبه 231 در پاورقی قرآن در اسلام نیز هست - 114

. در المنتور ج 2 ص 6 - 115

. تفسیر صافی ص 8 بحار ج 19 ص 28 - 116

. سوره شعراء , آیه 127 - 117

. سوره حجر , آیه 74 - 118

. تفسیر صافی ص 4 - 119

سفینه البحار تفسیر صافی ص 15 و در تفاسیر مرسله از آنحضرت - 120

در کافی و تفسیر عیاشی و معانی الاخبار روایاتی در این منقول است و

. معنی نقل شده

. بحار ج 1 ص 117 - 121

مسئله فسخ قرآن بمدیث یکی از مسائل علم اصول است و جمعی - 122

قائلند و از قضیه فدک نیز معلوم میشود که خلیفه اول از علماء عامه بآن

. نیز بآن قائل بوده است

و گواه این مطلب تألیفات زیادی است که علماء در اقبار موضوعه - 123

همچنین در کتب رجال جماعتی از رواه را کذاب و وضاع معرفی کرده اند و

. نموده اند

. بحار ج 1 ص 139 - 124

. بحار ج 1 ص 117 - 125

. بمث مجیت فبر و آمد از علم اصول - 126

. بحار ج 1 ص 55 - 127

. در این مسائل بمث اجتهاد و تقلید از علم اصول مراجعه شود - 128

. وفیات ابن فلکان ص 78 - اعیان الشیعه ج 11 ص 231 - 129

. وفیات ص 190 - و اعیان الشیعه و سایر کتب تراجم - 130

. اتقان سیوطی - 131

. بخش اول کتاب - 132

. شرح ابن ابی المدید اوایل ج 1 - 133

مطالب فوق را از اخبار الکماء و وفیات و سایر کتب تراجم باید - 134

. بدست آورد

امام ششم میفرماید : عبادت سه نوع است گروهی فدا را از ترس - 135

پرستش بردگان میباشد و گروهی فدا را برای پاداش نیک میپرستند و آن

میباشد و گروهی فدا را بمهر و محبت میپرستند و آن پرستش مزدوران

نیکوترین پرستشها است میپرستند و آن پرستش آزاد مردان است و آن

. بمار چ 15 ص 208

. بکتب تراجم و تذکره الاولیاء و طرائق و غیر آن مراجعه شود - 136

فدای متعال میفرماید و رهبانیتی که نصاری از خود درآورده بودند - 137

مقشان ننوشته بودیم جز اینکه در این کار رضای فدا را منظور ما آنرا در

. داشتند سوره مدید آیه 27

علی (ع) میفرماید : فدا نیست آنکه خود تمت اطامه معرفت - 138

. دلیل را بسوی خود هدایت میکند بمار , چ 2 ص 186 درآید او است که

. من عرف نفسه , عرف ربه - 139

. اعرفکم بنفسه , اعرفکم بربه - 140

در کتاب فدا باین برهان اشاره کرده میفرماید : قالت (سلهم افی - 141

فاطر السماوات و الارض سوره ابراهیم آیه 10) آیا میشود در فدا الله شك

آسمانها و زمین را بوجود آورده - عدم را شکافته و شك کرد فدائی که

. است آسمانها و زمین را پدیدار سافته

فدایتعالی میفرماید : ان فی السماوات و الارض لآیات للمؤمنین - 142)

فلقکم و ما یبث من دابة آیات لقوم یوقنون . و اختلاف اللیل والنهار . و فی

السما من رزق فامیابه الارض بعد موتها و تصریف الریاح و ما انزل الله من

. آیات لقوم یعقلون

تلك آیات الله تتلوها علیک بالحق فبای مدیث بعدالله و آیاته یؤمنون

. آیه 3-6 سوره جاثیه

مرد عربی در جنگ جمل بامیرالمؤمنین علی (ع) نزدیک شد و گفت - 143

امیرالمؤمنین آیا میگوئی : فدا یکی است ؟ مردم از هر سو بمرد عرب : یا

آیا نمیبینی که امیرالمؤمنین تا چه اندازه تقسم قلب : ممله کرده گفتند

امیرالمؤمنین فرمود: او را بمال خود بگذارید زیرا (تشویش خاطر) دارد ؟

. که ما ازین جماعت میفواهیم آنچه این مرد عرب میفواهد همانست

پس بمرد عرب فرمود : اینکه گفته میشود: فدا یکی است چهار قسم است

چهار معنی درست نیست و دو معنی درست است اما آن دو معنی از آن

که کسی گوید فدا یکی است دو معنی که درست نیست یکی این است

دوم ندارد و عدد و شماره را در نظر گیرد این معنی درست نیست زیرا آنکه

داخل عدد نمیشود آیا نمیبینی که کسانی که گفتند : فدا سوم سه تا است

اشاره بقول نصاری ثالث ثلاثه (کافر شدند ؟ و یکی اینست که کسی)

از مردم است یعنی نوعی است از این جنس (یا و امد بگوید : فلانی یکی

فدا درست نیست زیرا تشبیه است و است از این نوع) این معنی نیز در

درست است یکی اینست فدا از تشبیه منزه است . و اما دو معنی که در فدا

. ندارد که کسی گوید : فدا یکی است باین معنی که در میان اشیاء تشبیه

فدا چنین است . و یکی اینکه کسی گوید : فدا یکی است (امد یعنی

انقسام برنمیدارد نه در(فارغ و نه در عقل و نه در وهم) هیچگونه کثرت و

. فدا چنین است

بمار ص 65. و باز علی (ع) میفرماید : شناختن فدا همان یگانه دانستن او

بمار ج 2 ص 186) یعنی اثبات وجود فدایتعالی که وجودی است (است

اثبات ومدانیت وی کافی است زیرا دومی برای نامتناهی و غیر محدود در

. نامتناهی تصور ندارد

امام ششم میفرماید : خدا هستی ثابت دارد و علم او خود او است - 144

معلومی نبود و سمع او خود اوست در حالیکه مسموعی نبود و در حالیکه

حالیکه مبصری نبود و قدرت او خود او بود در حالیکه بصر او خود او بود در

اخبار اهل بیت در این مسائل از شماره مقدوری نبود بمار چه 2 ص 125. و

. چه 2 مراجعه شود بیرون است بنهج البلاغه و تومید و عیون و بمار

امام پنجم و ششم و هشتم علیهم السلام میفرمایند : فدای تعالی - 145

با ظلمت مخلوط نیست و علمی است که جهل در آن نیست نوری است که

. بمار چه 2 ص 129 و میاتی است که مرگ در آن نیست

امام هشتم (ع) میفرماید : مردم در صفات سه مذهب دارند گروهی صفات

میکنند با تشبیه بدیگران و گروهی صفات را نفی میکنند و راه را بفدا اثبات

صفات است با نفی تشبیه بدیگران بمار چه 2 حق مذهب سوم و آن اثبات

. ص 94

امام ششم میفرماید : خداوند تبارک و تعالی با زمان و مکان و - 146

و سکون متمصف نمیشود بلکه او آفریننده زمان و مکان و حرکت و انتقال

. (96 حرکت و سکون است (بهار ج 2 ص

امام ششم میفرماید : خدا پیوسته در ذات خود عالم بود در مالیکه - 147

نبود و قادر بود در مالیکه مقدوری نبود راوی گوید : گفته : و متکلم معلومی

کلام حادث است . خدا بود و متکلم نبود پس از آن کلام را : بود ؟ فرمود

. امدات و ایجاد کرد

(بهار ج 2 ص 147) . و امام هشتم (ع) میفرماید : اراده از مردم ضمیر (

از آن فعل پیدا میشود و از خدا امدات و ایجاد اوست و بس است و پس

قصه (و تفکر ندارد بهار چاپ کمپانی جلد 2) زیرا خدا مانند ما تردی وهم

. ص 144

امام ششم (ع) میفرماید : خدایتعالی وقتیکه چیزی را اراده کرد - 148

و وقتیکه تقدیر کرد قضا میکند و وقتیکه قضا کرد امضاء (مقدر میکند

. کمپانی ج 3 34 اجراء) میکند بهار چاپ

. بهار - 149

چه 3 ص 5 و از امام ششم چه 3 ص 6 از یزید شامی از امام هشتم (ع) و

ششم (ع) فرمودند: خدا بآفرینش خود مهربانتر از آنست امام پنجم و

از آن عذاب کند و خدا عزیزتر از آنست که آنان را بگناه اجبار کند و پس

میفرماید: خدا اگر از آنست که امری را بخواهد و نشود. و باز امام ششم

آنست که در ملک مردم را بپذیری که قدرت ندارند تکلیف کند و اعز از

او امری بوجود آید که وی نمیخواهد (بما چه 3 ص 15) اشاره بدو مذهب

. جبر و تفویض است

فدائیکه بهره‌پذیری آفرینش ویژه اش را داده و پس از آن راهنمائی - 150

. (هدف زندگی و آفرینش کرده بسوی

. هر کدام هدف و غایتی دارد که آنرا در پیش بگیرد - 151

ما آسمانها و زمین و آنچه را که در میان آنها است برای اینکه - 152

نیافریدیم (بیهدف نیستند) نیافریدیم آنها را مگر با آفرینش، بازی کنیم

. میان است) ولی بیشتر مردم نمیدانند مق (هدف و غرضی در

افراد انسان حتی ساده ترین و بیفکرترین آنان بمسب طبع دوست - 153

انسانی انسانی وضعی داشته باشد که همه با آسایش و صلح دارد که جهان

فلسفی فواستن و میل و رغبت و اشتها اوصافی و صفا زندگی کنند و از نظر

قائمندمانند خواهان و خواسته و هستند اضافی و ارتباطی و با دو طرف

داشتنی امکان دوست دارنده و دوست داشته شده و روشن است اگر دوست

نداشت دوست داشتن آن معنی نداشت و بالاخره همه اینگونه بدرک نقص

. برمیگردد و اگر کمال امکان نداشت نقص معنی نداشت

ما معیشت و زندگی مردم را در میانشان قسمت نمودیم (هر فرد - 154

آنست) و برفی از ایشان را برتری دادیم تا بعضی از متکفل بفشی از

چنانکه هر یک از کارگر و کارفرما با ایشان بعضی را تمت تسفیر بیاورند

رئیس و مرئوس و موقع اختصاصی خود دیگری را مسفر دارد و همچنین

. موجر و مستأجر و خریدار و فروشنده

انسان هلول (مریص) آفریده شده وقتیکه بوی شر و ناگواری مس - 155

. جزع , و وقتیکه فیری با برسد , دیگران را منع میکند (کرد) رسید

ما و می کردیم بسوی تو چنانکه و می کردیم بسوی نوع و پیغمبرانی - 156

بودند - پیغمبرانی که نوید دهندگان و ترسانندگان بشر بودند که بعد از او

فرستادن پیغمبران مردم بفا مجتی نداشته باشند بدیهی برای اینکه پس از

فدا کافی بود حاجتی به پیغمبران در است که اگر عقل در اتمام محبت

. اتمام محبت نبود

و پیغمبران را بسوی خود جمع آوری کردیم (بخیر ما نمیپردازند و - 157

. اطاعت نمیکنند) و براهی راست رسانیدیم از غیر ما

تنها اوست که داننده غیب است و بخیب خود کسی را مسلط - 158

را از پیغمبران و درین صورت از پس و پیش او (نمیکنند مگر پسندیدگان

براه میاندازد که محققا پیامهای پیغمبر یا وحی) مراقبت کامل و رصدی

. فدی خود را برسانند

. بمقدمه کتاب مراجعه شود - 159

و فرستادیم کتاب (قرآن) را بسوی تو بمق در مالیکه کتابی (- 160

انجیل) را که در برابر خود دارد تصدیق میکند و تسلط و برتری مانند توراۀ و

. دارد نسبت به آن

و تمقیقا قرآن کتابی است گرامی و از مریم خود منع کننده که هیچ - 161

. از پس و پیش نمیپذیرد باطلی را

محمد پدر کسی از شماها نیست بلکه پیغمبر خدا و فتم کننده - 162

. پیغمبران میباشد

و نازل کردیم بسوی تو کتاب را در مالیکه روشن کننده هر چیز است - 163

.

فدا تشریح فرمود برای شما از دین آنچه بنوع (ع) توصیه شده و - 164

بفودت ومی کردیم و آنچه را که بابراهیم و موسی و عیسی (ع) آنچه را که

مقام امتنان است و معلوم است در این صورت توصیه شده است آیه در

اند اگر پیغمبر دیگری صامب اگر غیر از این پنج تن که در آیه ذکر شده

. شریعت بود ذکر میشد

و وقتیکه از پیغمبران پیمان نشان را گرفتیم و از تو و ابراهیم و - 165

. و از ایشان پیمان مکتومی گرفتیم موسی و عیسی

در روایت مشهور میفرماید (الفقر ففری) در مطالب این فصل به - 166

. ابن هشام و سیره حلبی و بحار ج 6 و غیر آن مراجعه شود کتاب سیره

چنانکه میفرماید : فلیاً توأ بمدیث مثله ان كانوا صادقین سوره طور - 167

. اگر راست میگویند سفتی مانند قرآن بیاورند آیه 34

چنانکه میفرماید : ام یقولون افتراه قل فآ توأ بعشر سور مثله - 168

ادعوا من استطعتم من دون الله سوره هود آیه 15 بلکه مفتریات و

بفدا تهمت بسته بگو بنابراین ده سوره میگوید : محمد (ص) قرآن را

. میتوانید استمداد کنید افترائی مانند قرآن بیاورید و از هر که

چنانکه میفرماید : اِهْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَا تَوَا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ سُورَةٌ - 169

بلکه میگویند : قرآن دروغی است که بفدا بسته بگو : 38 یونس آیه

بیاورید : 170 - چنانکه از یکی از سفنوران بنابراین یک سوره مانند قرآن

یؤثر ان هذا الا قول البشر سوره عرب نقل میکند : فقال ان هذا الا سمر

کرده و سرکشی مدثر آیه 24-25 (ولید پس از فکر بسیار پشت بمق

نموده) گفت : این قرآن جز سمر (جذاب) نیست این قرآن جز سخن بشر

. نیست

چنانکه از زبان پیغمبر اکرم (ص) میفرماید : فقد لبثت فيكم عمرا - 171

افلا تحقلون سوره یونس , آیه 16 من در میان شما پیش از من قبله

و گذرانیده اِهْ آیا تحقل نمیکنید ؟ و نبوت و نزول قرآن عمری بوده

تفطه بیمینک سوره میفرماید : و ما كنت تتلو من قبله من كتاب و لا

دست عنكبوت آیه 48 تو پیش از نزول قرآن نوشته ای را نمیخواندی و با

فود نمینوشتی . و باز میفرماید : و لو كنتم في شك مما نزلنا على عبدنا فأ

بسورة من مثله سوره بقره آیه 23 و اگر از قرآنی که به بنده خودمان تو

میباشید یک سوره از شخصی که در شرائط وجود (نازل کردیم در شک

محمد (ص) باشد بیاورید تا نخواندن و نوشتن و مربی ندیدن (مانند

. معلوم شود که قرآن سفن خدا نیست

چنانکه میفرماید : افلا يتدبرون القرآن و لو كان من عند غير الله - 172

فیه اختلاف کثیرا سوره نساء آیه 82 آیا در قرآن تدبر نمیکنند و اگر لوجهوا

. بود در آن اختلاف بسیاری مییافتند از پیش غیر خدا

. بمار ه 3 ص 161 از اعتقادات صدوق - 173

. بمار ه 2 باب البرزخ - 174

. بمار ه 2 باب البرزخ 176 - بمار چاپ کمپانی جلد 14 ص 79 - 175

درباره مطالب مربوط به امامت و جانشینی پیغمبر اکرم (ص) و - 177

به مدارک زیر مراجعه شود : تاریخ یعقوبی ، ه 2 ، ص 26 حکومت اسلامی

. الی 61

. سیره ابن هشام ، ه 2 ، ص 223 - 271 . تاریخ ایبالفداء ، ه 1 ، ص 126

. غایه المرام ص 664 از مسند احمد و غیر آن

برای اثبات خلافت علی بن ابیطالب بآیاتی از قرآن استدلال شده و - 178

آنها این آیه است : انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین از جمله

یؤتون الزکوة و هم راکعون (سوره مائده آیه 55) ولی یقیمون الصلواة و

و رسولش و مؤمنان هستند که نماز امر و صامب اختیار شما فقط خدا

شیعه اتفاق دارند میخوانند و در حال رکوع صدقه میدهند . مفسرین سنی و

کثیری از که آیه مذکور در شأن علی ابن ابیطالب نازل شده است و روایات

. عامه و فاصله نیز بر آن دلالت دارد .

ابوذر غفاری میگوید : روزی نماز ظهر را با پیغمبر خواندیم سائلی از مردم

کمک نمود ولی کسی باو چیزی نداد سائل دستش را بجانب تقاضای

شاهد باش در مسجد پیغمبر کسی بمن آسمان بلند کرده گفت : فدایا

انگشتش بسائل اشاره کرد چیزی نداد . علی بن ابیطالب در حال رکوع بود با

. او انگشت را از دست آن مضرت گرفته رفت .

پیغمبر که جریان را مشاهده میفرمود سرش را بجانب آسمان بلند کرده و

فدایا برادره موسی بتو گفت : خدا شرح صدری بما عطا کن و : عرضه داشت

زبان گویائی بمن بده تا سفنانم را بفهمند و کارهایم را آسان گردان و

پس همی نازل شد که : ما بازوی . برادره هارون را وزیر و کمک من قرار بده

بشما عطا خواهیم تو را بواسطه برادرت محکم میگردانیم و نفوذ و تسلطی
نمود .

فدیا وزیر و پشتیبانم قرار بده . ابوذر میگوید : هنوز سفن پیغمبر تمام

که آیه نازل گشت (ذفائر العقبی تأ لیف طبری ط قاهره سال نشده بود

اندکی اختلاف در المنثور ج 2 ص 293 نیز 1356 ص 16) حدیث مذکور با

حدیث از کتب عامه 24 , نقل شده . بمرانی در کتاب غایه المراه ص 103

جمله آیات و 19 حدیث از کتب فاصه در شأن نزول آیه نقل کرده است . از

. این آیه است : الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و افشون

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام

مأئده آیه 6) : کفار امروز از بر چیده شدن دستگاه اسلام نا دینا (سوره

آنان نهراسید ولی از من امروز دین شما را کامل و امید شدند پس دیگر از

. اسلام را برای شما برگزیدم نعمت خود را بر شما تمام نموده و

ظاهر آیه اینست که : قبل از نزول آیه کفار امیدوار بودند که : روزی خواهد

دستگاه اسلام برچیده شود ولی خداوند متعال بواسطه انجام کاری آمد که

نابودی اسلام مأ یوس گردانیده و همان کار سبب آنان را برای همیشه از

لابد از امور جزئی مانند جعل کمال و استمکام اساس دین بوده است و

که بقاء اسلام حکمی از امکان نبوده بلکه موضوع قابل توجه و مهمی بوده

. مربوط بآن بوده است

ظاهراً این آیه با آیه ای که در اواخر این سوره نازل گشته بیربط نباشد. یا ایها

الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالتہ و اللہ

الناس (سوره مائده آیه 72) : ای پیغمبر نداده ای. و فدا تو یحصمک من

. متوجه تو باشد در امان فواید داشت را از هر گونه خطر که

این آیه دلالت میکند که : فدا موضوع قابل توجه و بسیار مهمی را که اگر

نگیرد اساس اسلام و رسالت در خطر واقع میشود به پیغمبر دستور انجام

بوده پیغمبر از مخالفت و کارشکنی مردم داده ولی از بس با اهمیت

فیر میانداخته است. تا میترسیده و بانتظار موقعیت مناسب آن را بتأ

انجام این اینکه از جانب فدا امر مؤکد و فوری صادر شده که : باید در

. دستور تحلل نوری و از هیچ کس نهراسی

این موضوع هم لابد از قبیل امکان نبوده زیرا تبلیغ یک یا چند قانون نه آن

را دارد که از عدم تبلیغش اساس اسلام واژگون گردد و نه پیغمبر اهمیت

ترسی داشته است. این قرائن و شواهد مؤید اخباری اسلام از بیان قوانین

مذکور در غدیر خم درباره ولایت علی بن هستند که دلالت دارند که : آیه های

شیعه و سنی نیز آن را تأیید می‌کنند. ابیطالب نازل گشته است. و بسیاری از مفسرین

یاد نموده اند.

ابو سعید قدری می‌گوید: پیغمبر در غدیر خم مردم را بسوی علی دعوت

او را گرفته بطوری بلند کرد که سفیدی زیر بغل رسول خدا نموده بازوهای

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت : نمایان شد سپس آیه نازل شد

فرمود: الله اکبر از علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا پس پیغمبر

کامل شدن دین و تمامی نعمت و رضایت خدا و ولایت علی بعد از من

سپس فرمود: هر کس من صاحب اختیار و متصدی امور او هستم علی

صاحب اختیارش می‌باشد.

فدایا با دوست علی دوست باش و با دشمنش دشمنی کن. هر کس او را

کن و هر کس او را رها کرد تو نیز او را رها کن. بمرانی در یاری نموده یاریش

مدیث از طرق عامه و 15 مدیث از طرق 6 , کتاب غایه المرام ص 336

. فاصله در شأن نزول این آیه نقل کرده است

فلاصه سخن: دشمنان اسلام که در راه نابودی آن از هیچ کاری خودداری

از همه جا مأیوس گشتند فقط بیک جهت امیدوار بودند آنها نمی‌نمودند و

نگهبان اسلام پیغمبر است وقتی از دنیا رفت فکر میکردند که چون مافظ و

برایش متمی خواهد بود. و لی در اسلام بیقیم و سرپرست میگردد و نابودی

سرپرست و غدیرفم اندیشه آنان باطل شت و پیغمبر علی را بعنوان

متصدی اسلام بمردم معرفی نمود و پس از علی هم این وظیفه سنگین و

. بعهد دودمان پیغمبرکه از نسل علی بوجود میآیند خواهد بود ضروری

برای توضیح بیشتر رجوع شود بتفسیر المیزان تألیف استاد علامه طباطبائی

. (و چه 6 ص 50 - 64 214 - 177 چه 5 ص

مدیت غدیر : پیغمبر اسلام بعد از مراجعت از مکه الوداع در غدیرفم توقف

مسلمین را گرد آورده پس از ادای فطبه ای علی را بولایت و پیشوائی نموده

. مسلمین منصوب کرد

براء میگوید : در سفر مکه الوداع خدمت رسول خدا بوده وقتی به غدیرفم

دستور داد آن مکان را پاکیزه نمودند سپس دست علی را گرفته رسیدیم

فرمود: آیا اختیار دار شما نیستیم پاسخ دادند : طرف راست خودش قرار داده

. اختیار ما بدست شما است

پس فرمود : هر کس من مولا و صامب اختیار او هستم علی مولای او

پس عمر بن الخطاب بعلی گفت : این مقام گوارایت باد خواهد بود فدایا

شدی. البدایه و النهایه چه 5 ص 208 و چه که تو مولای من و تمام مؤمنین

سال 1356 ص 67 - 7 ص 346 - ذفائر العقبی تأ لیف طبری ط قاهره

. فصول المهمه تأ لیف ابن صباغ ج 2 ص 23

فصائص تأ لیف نسائی ط نجف سال 1369 هجری ص 31 - بمرانی در کتاب

مانند این حدیث را به 89 طریق از عامه و 43 طریق از غایه المراه ص 79

. خاصه نقل کرده است

حدیث سفینه : ابن عباس میگوید : پیغمبر فرمود : مثل اهل بیت من

که هر کس در آن سوار شد نجات یافت و هر کس مثل کشتی نوع است

. تفلن نمود غرق گشت

ذفائر العقبی ص 20 - الصواعق الممرقه تأ لیف ابن حجر ط قاهره ص 150

الفلفاء تأ لیف جلال الدین سیوطی ص 307 کتاب نور الابصار و 84. تا ریغ

بمرانی در غایه المراه ص 237 حدیث - تأ لیف شبلیجی ط مصر ص 114

. خاصه نقل کرده است مذکور را به یازده طریق از عامه و هفت طریق از

حدیث ثقلین : زید بن ارقم از پیغمبر نقل کرده که فرمود : گویا خدا مرا

دعوت نموده باید اجابت کنم ولی دو چیز بزرگ و وزین را در بسوی خویش

فدا و اهل بیتم مواظب باشید که چگونه با آنها بین شما میگذارم : کتاب

نخواهند شد تا اینکه بر کوثر من رفتار میکنند آن دو امر هرگز از هم جدا

. وارد شوند

البدایة و النهایة ج 5 ص 209 - ذفائر العقبی ص 16 - فصول المهمة ص

الصواعق الممرقة ص 147 - در غایة المرام 39 30 22 - فصائص ص

. شده است حدیث از عامه و 82 حدیث از خاصه نقل

حدیث تقلین از امامیث مسلم و قطعی است که بسندهای بسیار و عبارات

شده و سنی و شیعه بصمتش اعتراف و اتفاق دارند. از این مختلف روایت

: استفاده میشود حدیث و امثالش چند مطلب مهم

پنانچه قرآن تا قیامت در بین مردم باقی میماند عترت پیغمبر نیز تا 1 -

باقی خواهند ماند. یعنی هیچ زمانی از وجود امام و رهبر حقیقی قیامت

. خالی نمیگردد

پیغمبر اسلام بوسیله این دو امانت بزرگ تمام امتیاجات علمی و 2 -

تا مین نموده و اهل بیتش را بعنوان مرجع علم و دانش دینی مسلمین را

. اعمالشان را معتبر دانسته است بمسلمین معرفی کرده اقوال و

قرآن و اهل بیت نباید از هم جدا شوند و هیچ مسلمانی حق ندارد از - 3

بیت اعراض کند و فودش را از تمت ارشاد و هدایت آنان بیرون علوم اهل

. نماید

مردم اگر از اهل بیت اطاعت کنند و با قول آنان تمسک جویند ، - 4

. همیشه حق در نزد آنهاست گمراه نمیشوند و

5 - جمیع علوم لازم و امتیاجات دینی مردم در نزد اهل بیت موجود است و

آنها پیروی نماید در ضلالت واقع نمیشود و بسعادت مقیقی هر کس از

. نائل میگردد

یعنی اهل بیت از فطا و اشتباه محصومند . و بواسطه همین قرینه معلوم

اولاد پیغمبر مراد از اهل بیت و عترت ، تمام خویشان و : میشود که

میباشند که از هر جهت علوم دین کامل باشند و نیست بلکه افراد محینی

نداشته باشد تا صلاحیت رهبری داشته فطا و عصیان در سلامت وجودشان راه

فرزندش که یکی پس از باشند و آنها عبارتند از علی بن ابیطالب و یازده

تفسیر دیگری بامامت منصوب شدند . چنانچه در روایات نیز بهمین معنا

. شده است

از باب نمونه : ابن عباس میگوید : به پیغمبر اکرم گفته : خویشان تو که

داشتن آنها واجب است کیانند ؟ فرمود : علی و فاطمه و حسن و دوست

جابر میگوید : پیغمبر فرمود : فدا ذریه (311 مسین) ینابیع الموده ص

ولی ذریه مرا در صلب علی قرار داد . (هر پیغمبر را در صلب خودش قرار داده

.) ینابیع الموده ص 318

مدیث مق : ام سلمه میگوید : از رسول خدا شنیدم که میفرمود : علی با

میباشد و مق و قرآن نیز با علی فوهند بود و از هم جدا مق و قرآن

من وارد شوند . در غایه المراه ص 539 این نمیشوند تا اینکه ب کوثر بر

. فاصه نقل شده است مضمون به 14 مدیث از عامه و 10 مدیث از

مدیث منزله : سعد بن وقاص میگوید : رسول خدا بعلی فرمود : آیا راضی

نسبت بمن مانند هارون نسبت بموسی باشی جز اینکه بعد از نیستی که تو

البدایه و النهایه ج 7 ص 339 - ذفائر العقبی من پیغمبری نخواهد بود ؟

تأ لیف گنجی شافعی ص 63 - فصول المهمه ص 21 کفایه الطالب

. 154 - 148

فصائص ص 19 - 25 صواعق ص 177 - در غایه المراه ص 109 , 100

. مدیث از فاصه نقل است مدیث از عامه و 70

مدیث دعوت عشیره : پیغمبر ص فویشانش را برای صرف غذا دعوت نمود

بآنان فرمود : من کسی را سراغ ندارم که بهتر از آنچه را پس از تناول غذا

برای قومش آورده باشد فدا بمن دستور داده که من برای شما آورده ام

این امر با من کمک کند که شما را بسویش دعوت کنم پس کسیست که در

کردند و برادر و وصی و خلیفه من در بین شما گردد ؟ تمام مردم سکوت

ولی علی در عین حال که از همه کوچکتر بود عرضه داشت : من وزیر و یار

. میشوم شما

پس پیغمبر دست بر گردن او نهاده فرمود : این برادر و وصی و خلیفه من

از او اطاعت کنید . پس آن جماعت از جا حرکت نموده منست . باید

محمد بتو دستورداد که از پسرت اطاعت : میفندیدند و بابوطالب میگفتند

اینگونه امامیث زیاد است از کنی (تاریخ ابی الفداء ج 1 ص 116) . و از

خلیفه و جانشین من جمله : مذیفه میگوید : رسول خدا فرمود : اگر علی را

راهنمائی با قرار بدهید و گمان نمیکنم چنین کاری را انجام بدهید او را

بصیرت فواید یافت که شما را براه راست وادار میکند . ملیة الاولیاء تأ

. لیف ابو نعیم - ج 1 ص 64 - کفایة الطالب ط نجف سال 1356 ص 67

ابن مردويه ميگويد : پيغمبر فرمود : هر كس دوست دارد ميات و مرگش

و ساكن بهشت گردد بعد از من دوست دار على باشد و مانند من باشد

عترت من و از گل من آفريده شده اند و باهل بيت من اقتدا كند زيرا آنها

كسانيكه فضل آنها را علم و فهم من نصيب آنان گشته پس بدا بهال

تكذيب نمايند شفاعتم هرگز شامل مالشان نخواهد شد (منتخب كنز

. العمال) كه در ماشيه مسند احمد بچاپ رسيده چ 5 ص 94

البدايه و النهايه چ 5 ص 227 - شرح ابن ابى المديد چ 1 ص 133 - 179

التاريخ چ 2 ص 217 - تاريخ الرسل و الملوك , تأليف طبرى - الكامل فى

. چ 2 ص 436

الكامل , تأليف ابن اثير چ 2 ص 292 شرح ابن ابى المديد چ 1 ص 180 -

54 .

. شرح ابن ابى المديد چ 1 ص 134 - 181

. تاريخ يعقوبى چ 2 ص 137 - 182

. البدايه و النهايه , چ 6 , ص 311 - 183

از باب نمونه : و الكتاب المبين انا جعلناه قرآنا عربيا لعلكم - 184

. انه فى ام الكتاب لدينا لعلى مكيم تعقلون و

. سوره زخرف آیه 4

. یعنی : قسم باین کتاب روشن

ما قرآن را عربی قرار دادیم شاید تعقل کنید . و این قرآن در اه کتاب نزد

. عالی و مکیم است ما

. مانند این آیات : و جائت کل نفس معها سائق و شهید - 185

لقد كنت فى غفلة من هذا فكشفنا عنك غطاءك فبصرك اليوم مدید -

یعنی : تمام نفوس با گواه و مأ مور در قیامت مبعوث - سوره ق آیه 21

تو از این زندگی غافل بودی , پس ما پرده (میگردند) و بانان گفته میشود

. دیده ات تیز بین شده است غفلت را از دیدگانت برداشتیم , و اکنون

من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنمینه میواة طیبة - سوره

یعنی : هر کس عمل نیکی انجام دهد و مؤمن باشد , ما او - نمل آیه 97

پاکیزه و فوبی . استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم را زنده میکنیم , زندگی

یعنی : وقتی که خدا ورسول شما را - لایمیکم - سوره انفال آیه 34

یوه تجد کل نفس ما . بپیزی دعوت کردند که زنده تان میکند اجابت کنید

عملت من فیر ممضرا و ما عملت من سوء - آل عمران آیه 30 - یعنی

. روزیکه هر کس هر کار فوب و بدی انجام داده ماضر بیابد

انا نحن نمى الموتى و نكتب ما قدموا و آثارهم و كل شئى امصناه فى

يس آيه 12 - يعنى : ما مردگانرا زنده ميکنيم و اعمال و - امام مبین

. همه چیز را در امام مبین امضا کرده ایم آثارشان را ثبت میکنيم , و

از باب نمونه : خداوند متعال در حدیث معراج به پیغمبر میفرماید - 186

برضائى الزمه ثلث فصال اعرضه شكرا لايفالطه الجهل و ذكرا لا : فمن عمل

. لايؤثرعلى ممبى المفلوقين يفالطه النسبان و محبة

فاذا امبى , امبته و افتح عين قلبه الى جلالى و لا اففى عليه فاصه فلقى و

اناميه فى ظلم الليل و نور النهار متى ينقطع حديثه مع المفلوقين و

اسمعه كلامى و كلام ملائكتى و اعرفه السر الذى سترته مجالسته معهم و

يستمى منه الخلق و يمشى على الارض مخفورا عن فلقى و البسه الميا متى

عليه شئنا من جنه و لانارو اعرفه ما له و اجعل قلبه و اعيا و بصيرا و لا اففى

بما الانوار چاپ كمپانى چ , يمر على الناس فى القيامه من الهول و الشدة

. 17 ص 9

عن ابى عبدالله عليه السلام قال استقبل رسول الله صلى الله عليه و آله هارثه

مالك بن النعمان الانصارى فقال له : كيف انت يا هارثه بن مالك ؟ بن

. الله مؤمن مقا . فقال له رسول الله فقال : يا رسول

لكل شىء مقيقة فما مقيقة قولك ؟ فقال يا رسول الله عزفت نفسى عن

ليلى و اظمأ ت هوا جرى فكأ نى انظر الى عرش ربى و قد الدنيا فاسهرت

اهل الجنة يتزاورون فى الجنة و كأ نى اسمع وضع للمساب و كأ نى انظر الى

عبد نور الله قلبه - وافى تأ ليف : عواء اهل النار فى النار فقال رسول الله

. فيض جزء سوم ص 33

و جعلنا هم ائمة يهدون بامرنا و اومينا اليهم فعل الخيرات - سورة - 187

آيه 73 - يعنى : ما آنها را امام قرار داديم كه بوسيله امر ما مردم را انبيا

انجام كارهاى نيك را بآنها و مى كرديم . و جعلنا منهم ائمة هدايت كند و

سوره سجده آيه 34 - يعنى : ما بعضى از آنها را - يهدون بامرنا لما صبروا

امر ما هدايت كند , زيرا آنان صبر كردند امام قرار داديم تا مردم را بوسيله

از اينگونه آيات استفاده ميشود كه . امام علاوه بر ارشاد و هدايت ظاهرى

نوع هدايت و جذب معنوى است كه از سنخ عالم امر و مجرد , داراى يك

نورانيت و باطن ذاتش , در قلوب شايسته ميباشد . و بوسيله مقيقت و

مرتبه كمال و غايت ايجاد مردم تأ ثير و تصرف مينمايند و آنها را بسوى

. جذب ميكنند . دقت شود

از باب نمونه : عن جابر بن سمره قال سمعت رسول الله يقول : لا - 188

. هذاالدين عزيزا الى اثني عشر فليفه يزال

. قال : فكبر الناس و ضجوا ثم قال كلمة ففیه

. قلت لابی : یا ابه , ما قال ؟ قال : قال كلهم من قریش

. صمیح ابی داود , ج 2 ص 207

. مسند احمد ج 5 ص 92 وپندين مديت ديگر قريب بهمين مضمون

عن سلمان الفارسی قال : دفت على رسول الله صلى الله عليه و آله فاذا

ففضيه و هو يقبل عينيه و يقبل فاه و يقول : انت سيد ابن المسين على

و انت حجة ابن حجة , و انت ابو حجة تسعة , , سيد , و انت امام ابن امام

سليمان ابن ابراهيم قندوزى چاپ تاسعهم قائمهم - ينابيع الموده تأ ليف

. هفتم ص 308

رجوع شود به كتاب الضدير تأ ليف امينى , كتاب غاية المراد تأ ليف - 189

بمرانى , كتاب اثبات الهداء تأ ليف محمد بن مسن مر عاملى , سيد هاشم

الدين احمد بن عبدالله طبرى , مناقب تأ ليف ذفائر العقبة تأ ليف محب

جوزى , ينابيع الموده تأ ليف فوارزمى , تذكرة الفواص تأ ليف سبط ابن

دلائل الامامة , سليمان بن ابراهيم منفى , فصول المهمة تأ ليف ابن صباغ

, تآ ليف محمد بن جرير طبرى , النص و الاجتهاد تآ ليف شرف الدين موسى
اصول كافى ٭ اول تآ ليف محمد بن يعقوب كلينى , كتاب الارشاد تآ ليف
. مفيد .

فصول المهمة ٭ چاپ دوم ص 14 مناقب فوارزمى ص 17 191 - - 190
. قاهرة سال 1356 ص 58 ذفائر العقبى چاپ

. مناقب فوارزمى چاپ نجف سال 1385 هجرى ص 16-22

. ینابیع الموده ٭ چاپ هفتم ص 68-72

. ارشاد مفيد چاپ تهران سال 1377 ص 4 - 192

. ینابیع الموده ص 122

فصول المهمة ص 28-30 تذکره الفواص چاپ نجف سال 1383 - 193

. ص 105. مناقب فوارزمى ص 73-74 هجرى ص 34 ینابیع الموده

. فصول المهمة ص 34 - 194

فصول المهمة ص 20. تذکره الفواص , ص 20-24. ینابیع الموده - 195

. ص 63-65

تذکره الفواص , ص 18. فصول المهمة ص 21. مناقب فوارزمى - 196

. ص 74

مناقب آل ابیطالب تأليف محمد بن على شهر آشوب چاپ قم ج 1 - 197

. 3 ص 62 و 218

. غاية المرام ص 539

. ينابيع المودة ص 104

. مناقب آل ابیطالب ج 3 ص 312 - 198

. فصول المهمة ص 113-123 تذكرة الفواص , ص 172-183

. تذكرة الفواص , ص 27 - 199

. تذكرة الفواص ص 27 - 200

. مناقب فوارزمی ص 71

. مناقب آل ابیطالب ج 3 ص 221 - 201

. مناقب فوارزمی ص 92

. نهج البلاغه جزء 3 كتاب 24 - 202

. مناقب ابن شهر آشوب ج 4 , ص 21 و 25 - 203

. ذخائر العقبی ص 67 و 121

. مناقب ابن شهر آشوب ج 4 ص 28 - 204

دلائل الامامة تأليف محمد بن جرير طبري چاپ نجف سال 1369 هجری ص

. ص 133 , 60 فصول المهمة

تذكرة الفواص , ص 193. تا ریخ یعقوبی چاپ نجف سال 1314 هجری ج 2

. ص 204

. اصول کافی ج 1 ص 461

. ارشاد مفید ص 172 - 205

. مناقب ابن شهر آشوب ج 4 , ص 33

. فصول المهمة ص 144

. ارشاد مفید ص 172 - 206

. مناقب ابن شهر آشوب ج 4 ص 33

. الامامة و السياسة تأليف عبدالله بن مسلم بن قتيبة ج 1 ص 163

. فصول المهمة ص 145

. تذكرة الفواص , ص 197

. ارشاد مفید ص 173 - 207

. مناقب ابن شهر آشوب ج 4 ص 35

. الامامة و السياسة ج 1 ص 164

. ارشاد مفید ص 174 - 208

. مناقب ابن شهر آشوب ج 4 ص 42

. فصول المهمه ص 146

. تذکره الفواص , ص 211

. ارشاد مفید ص 181 - 209

. اثبات الهداء ج 5 ص 129 و 134

. ارشاد مفید ص 179 - 210

. اثبات الهداء ج 5 ص 168-212

. اثبات الوصية تأليف مسعودی چاپ تهران سال 1320 ص 125

. ارشاد مفید ص 182. تا ریخ یعقوبی ج 2 ص 226-228 - 211

. فصول المهمه ص 163

. مناقب شهر آشوب ج 4 ص 88 - 212

. مناقب ابن شهر آشوب ج 4 ص 88 - 213

. ارشاد مفید ص 182

. الامامة و السياسة ج 1 ص 203. تا ریخ یعقوبی ج 3 ص 229

. فصول المهمه ص 163

. تذکرہ الفواص , ص 235

. ارشاد مفید ص 201 - 214

. مناقب ابن شہر آشوب ج 4 ص 89 - 215

. ارشاد مفید ص 201 - 216

. فصول المهمہ ص 168

. ارشاد مفید ص 204 - 217

. فصول المهمہ ص 170

. مقاتل الطالبیین چاپ دوم ص 73

. ارشاد مفید ص 205 - 218

. فصول المهمہ ص 171

. مقاتل الطالبیین ص 73

. مناقب ابن شہر آشوب ج 4 , ص 98 - 219

. مناقب ابن شہر آشوب ج 4 ص 99 - 220

. ارشاد مفید ص 214

. مناقب ابن شہر آشوب ج 4 ص 98 - 221

. ارشاد مفید ص 214

. بحار الانوار چاپ كمپانى ۛ 10 ص 200 و 202 و 203 - 222

. مقاتل الطالبين ص 52 و 59 - 223

. تذكرة الفواص , ص 224 - 324

. اثبات الهداء ۛ 5 ص 242

. مناقب ابن شهر آشوب ۛ 4 ص 176 - 225

. دلائل الامامة ص 80

. فصول المهمة ص 190

. ارشاد مفيد ص 226 - 246

. فصول المهمة ص 193

. مناقب ابن شهر آشوب ۛ 4 ص 197

. اصول كافي ۛ 1 ص 227 - 469

. ارشاد مفيد ص 245

. فصول المهمة ص 202 و 203. تاريخ يعقوبى ۛ 3 ص 63

. تذكرة الفواص , ص 340

. دلائل الامامة ص 94

. مناقب ابن شهر آشوب ۛ 4 ص 210

. ارشاد مفید ص 245-253 - 228

رجوع شود بکتاب رجال کشی تأ لیف محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی .و

. الطوسی کتاب رجال

تأ لیف محمد بن حسن طوسی .و کتاب فهرست طوسی و سایر کتابهای

. رجال

. اصول کافی ج 1 ص 472 - 229

. دلائل الامامة 111

. ارشاد مفید ص 254. تا ریخ یعقوبی ج 3 ص 119

. فصول المهمه ص 212

. تذکره الفواص , ص 346

. مناقب ابن شهر آشوب ج 4 ص 280

. ارشاد مفید ص 254 - 230

. فصول المهمه ص 204

. مناقب ابن شهر آشوب ج 4 ص 247

. فصول المهمه ص 212 - 231

. دلائل الامامة ص 111

. اثبات الوصية ص 142

. اصول کافی ج 1 ص 310 - 232

. اصول کافی ج 1 ص 476 - 233

. ارشاد مفید ص 270

. فصول المهمة ص 214-223

. دلائل الامامة ص 146-148

. تذكرة الفواص , ص 348-350

. ارشاد مفید ص 279-283 - 234

. دلائل الامامة ص 148 و 154

. فصول المهمة ص 222

مناقب ابن شهر آشوب ج 4 ص 323 و 327. تا ریغ یعقوبی ج 3 ص 150

. اصول کافی ج 1 ص 486 - 235

. ارشاد مفید ص 284-296

. دلائل الامامة ص 175-177

. فصول المهمة ص 225-246. تا ریغ یعقوبی ج 3 ص 188

. اصول کافی جے 1 ص 488 - 236

. فصول المهمه ص 237

. دلائل الامامة ص 197 - 237

. مناقب ابن شهر آشوب جے 4 ص 363

. اصول کافی جے 1 ص 489 - 238

. ارشاد مفید ص 290

. فصول المهمه ص 237 تذکرہ الفواص , ص 352

. مناقب ابن شهر آشوب جے 4 , ص 363

. مناقب ابن شهر آشوب جے 4 ص 351 - 239

کتاب امتحان تالیف احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی چاپ نجف سال

. ص 170-237 1385 هجری جے 2

. ارشاد مفید ص 297 - 240

. اصول کافی جے 1 ص 492-497

. دلائل الامامة ص 201-209 مناقب ابن شهر آشوب جے 4 ص 377-399

. فصول المهمه ص 247-258

. تذکرہ الفواص , ص 358

. اصول کافی ج 1 ص 497-502 - 241

. ارشاد مفید ص 307

. دلائل الامامة ص 216-222

. فصول المهمة ص 259-265

. تذكرة الفواص , ص 362

. مناقب ابن شهر آشوب ج 4 ص 401-420

. ارشاد مفید ص 307-313 - 242

اصول کافی ج 1 ص 501 , فصول المهمة ص 261 تذكرة الفواص ص 359

.

. مناقب ابن شهر آشوب ج 4 ص 417

. اثبات الوصية ص 176. تا ريغ يعقوبى ج 3 ص 217

. مقاتل الطالبين ص , 395 - 243

. مقاتل الطالبين ص , ص 395 و 396 - 244

. ارشاد مفید ص 315

. دلائل الامامة ص 223

. فصول المهمة ص 266-272

. مناقب ابن شهر آشوب ج 4 ص 422

. اصول کافی ج 1 ص 503

. ارشاد مفید ص 324 - 246

. اصول کافی ج 1 ص 512

. مناقب ابن شهر آشوب ج 4 ص 429 و 430

. رجوع شود به صحیح ترمذی ج 9 باب ماجاء فی المهدی - 247

. صحیح ابی داود ج 2 کتاب المهدی

. صحیح ابن ماجه ج 2 باب فروج المهدی

. کتاب ینابیع الموده

. کتاب البیان فی اخبار صامب الزمان تأ لیف محمد بن یوسف شافعی

. کتاب نور الابصار تأ لیف شبلینجی

. کتاب مشکوه المصابیح تأ لیف محمد بن عبدالله فطیب

. کتاب الصواعق الممرقة تأ لیف ابن حجر , کتاب اسعاف الراغبین تأ لیف

. کتاب فصول المهمه محمد الصبان

. صحیح مسلم

. کتاب الخیبه تأ لیف محمد بن ابراهیم نعمانی

. كمال الدين تآ ليف شيخ صدوق

. اثبات الهداء تآ ليف محمد بن مسن مر عاملى

. بمار الانوار تآ ليف مجلسى ج 51 و 52

. اصول كافى ج 1 ص 505 - 248

. ارشاد مفيد ص 319

رجوع شود به كتاب رجال كشفى و رجال طوسى و فهرست طوسى و - 249

. ساير كتابهاى رجال

. بمار الانوار ج 51 ص 2-34- و 343-366 - 250

. كتاب الغيبة تآ ليف محمد بن مسن طوسى چاپ دوم ص 214-243

. كتاب اثبات الهداء ج 6 و 7

بمار الانوار , ج 51 ص 360 الى 361 , الغيبة تآ ليف شيخ طوسى , - 251

از باب نمونه : عبدالله بن مسعود قال , قال النبى صلى - ص 242 252

يبقى من الدنيا , الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم الله عليه و آله : لو لم

اهل بيتى يواطى اسمه اسمى يملأ متى يبعث فيه رجلا من امتى و من

. المهمة ص 271 الارض قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما - فصول

از باب نمونه : قال ابو جعفر عليه السلام : اذا قام قائمنا وضع الله - 253

على روس العباد فجمع به عقولهم و كملت به ائلامهم .بما الانوار ج ٤

قال ابو عبدالله عليه السلام : العلم سبعة و عشرون 52 ص 328 و 336

مرفان فلم يعرف الناس متى اليوم غير مرفا فجميع ما جاءت به الرسل

العشرين مرفا فبثها فى الناس المرفين .فاذا قائم قائمنا اخرج الشمس و

الانوار ج ٤ 52 ص وضع اليها المرفين متى يبثها سبعة و عشرين مرفا .بما

. 336

از باب نمونه : قال على بن موسى الرضا عليه السلام فى حديث (- 254

الامام بعدى محمد ابنى و بعد ممد ابنة على و بعد على ابنة) الى ان قال

المجة القائم المنتظر فى غيبته المطاع فى ظهوره المسن و بعد المسن ابنة

لطول الله ذلك اليوم متى يفرج فيملاء لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد

عن الوقت و لقد مدتني ابي الارض , عدلا كما ملئت جورا و امامتى فاخبار

متى بفرج القائم عن ابيه عن ابائه عن على ان النبى قيل له يا رسول الله

من ذريتك فقال : مثله مثل الساعة لا يجليها لوقتها الا هو ثقلت فى

. السموات و الارض لا يا تيكم الا بغتة .بما الانوار ج ٤ 51 ص 154

صفر بن ابى دلف قال سمعت ابا جعفر محمد بن الرضا عليه السلام يقول :

ابنى على , امره امرى و قوله قولى و طاعته طاعتى , و الامام الامام بعدى

امر ابيه و قوله قول ابيه و طاعته طاعه ابيه .ثم بعده ابنه المسن , امره

فمن الامام بعد المسن فبكى بكاء سكت , فقلت له يا ابن رسول الله

المنتظر - بمار الانوار شديدا ثم قال : ان من بعد المسن ابنه القائم بالمق

. ج 51 ص 158

موسى بن جعفر ثم قال : قال سمعت ابا محمد المسن بن على يقول : كأ

قد اختلفتم بعدى فى الخلف منى اما ان المقرباً لئمة بعد رسول نى بكم و

اقر بجميع انبياء الله و رسله ثم انكر نبوة اما ان الله المنكر لولدى كمن

كمن انكر جميع الانبياء طاعة آفرنا كطاعة رسول الله و المنكر لرسول الله

ان لولدى غيبة يرتاب فيها الناس الا اولنا و المنكر لآفرنا كالمنكر لاولنا اما

. من عصمه الله .بمار الانوار ج 51 ص 160

والسلام./